

۴۴۷

کیمپان

KAYHAN.LONDON

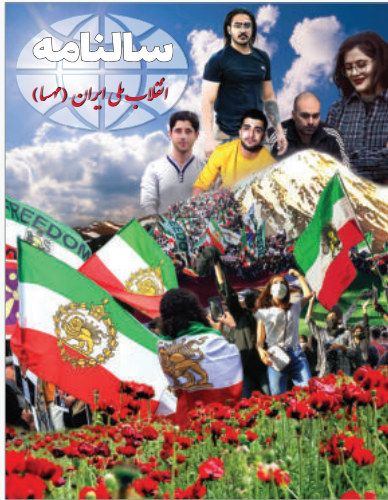
بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۶ تا ۱۲ بهمن ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۱۳

نسلی که به خاطر

«زندگی معمولی» پیش از ۵۷

اعدام می شود

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۱۳ (۴۴۷)

جمعه ۶ تا ۱۲ بهمن ماه ۱۴۰۲
۲۶ ژانویه تا ۱ فوریه ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

- Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
- Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
- Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
- Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
- UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
- Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیهان

*** فهرست مطالب ***

۴	سرمقاله - کسی که همچنان مدافع انقلاب ۵۷ است... / الاهه بقرط
۴-۵	تیر هفته - نسلی که به خاطر «زندگی معمولی» پیش از ۵۷... / روشنگ آسترکی
۶	واشنگتن پست: دولت باید بدن شدت حملات خود را علیه حوثی ها... /
۷	وال استریت ژورنال: دولت بایدن اسرائیل را تشویق می کند که روی... /
۸	قتل حکومتی محمد قبادلو؛ یک جوان برومند دیگر ایران قربانی «حفظ نظام» شد... /
۹	بازگشت شاهانه سه جزیره به میهن... /
۹	حمایت از حقوقدانان ایرانی در روز جهانی «وکلا» در معرض خطر... /
۱۰-۱۱	چینی ها توجیه اقتصادی استخراج لیتیوم در دریاچه ارومیه را... / فیروزه نوردستروم
۱۱	عاشق صادق!... / خیراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۵	«نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (پایان)... /
۱۵	مسئول اطلاعات «سپاه قدس» در سوریه و معاون وی در حمله جنگنده های اسرائیل... /
۱۶-۱۷	متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و باتر یک بت - دیوید (۸)... /
۱۸	شکار افسران بلند پایه «سپاه قدس» در دمشق توسط اسرائیل و «برنامه هفتگی»... /
۱۹	«حزب الله ترکیه» با حمایت اردوغان ورژیم ایران علیه اسرائیل فعال تر می شود... /
۲۰-۲۲	چیکرای در تئوری و عمل؛ چیکرای کلاسیک؛ پاسخی به بحران؟!... / محمود مسائلی
۲۲-۲۳	واکنش هابه اعدام محمد قبادلو؛ امیر رئیسین اعدام موکل اش را «قتل» می داند... /
۲۴-۲۵	تداوم فشار بر مشروطه خواهان زندانی... /
۲۵	بیابانه مشترک چند تشکل دانشجویی: ما اعدام را تحمل نمی کنیم و حکومت... /
۲۶-۲۷	خلاصه حکم دادگاه تجدیدنظر حمید نوری در سوئد... (بخش یابانی) / حنیف حیدر نژاد
۲۷	آمریکای و یگانا بر بنیاد یک اقدام مشترک شبکه مالی انتقال پول و «مرز ارز» از ایران... /
۲۸-۲۹	چرا عملیات «ائتلاف دریایی» نتوانسته حملات حوثی ها به کشتی هادر دریای سرخ... /
۲۹	دومین عملیات مشترک آمریکای و یگانا بر بنیاد علیه حوثی ها... /
۳۰-۳۱	رویتورز: فرماندهانی از سپاه ونیر و های حزب الله به حوثی ها برای حمله به... /
۳۱	تحریم شرکت هواپیمایی «فلای بغداد» و مدیر عامل آن به علت انتقال... /
۳۲	عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی: یقین داشته باشید حمله موشکی... /
۳۲-۳۳	رابرت مالی در «دانشگاه ییل» دوره آموزشی «جدال اسرائیل - فلسطین»... /
۳۳	تشکیل «واحد تخصصی جدید» در پلیس بر بنیاد برای مقابله با تهدیدات حکومت ایران... /
۳۴-۳۵	رئیس «قرارگاه نفیس» باید منع از سقط رابه عنوان یکی از... / فیروزه نوردستروم
۳۵	امیر عبداللهیان در نیویورک به دیدار لاورو رفت... /
۳۶	تیراندازی در آمادگاه مهمانی ارتش در کرمان با پنج کشته... /
۳۷	مرگ مشکوک سومین سرباز طی یک ماه در پادگان های سپاه در استان... /
۳۷	تشییع جنازه کشته شدگان «اطلاعات سپاه قدس» با حضور اندک مقامات ارشد... /
۳۸	آمریکای و یگانا و یادر مورد «پناهجویان» در منگنه قرار گرفته اند... /
۳۹	فرمانده ارتش بر بنیاد برای جنگ احتمالی مقابل روسیه «آمدگی ذهنی»... /
۴۰-۴۱	بیش از ۷۰ درصد از نیکاران دارای تحصیلات دانشگاهی در کشور زن هستند... /
۴۱	صدای مهیب انفجار در گر مسار... /
۴۲-۴۳	تحقیقات مقامات بر بنیاد در مورد دستخزانی های یهودستیزانه فرماندهان سپاه... /
۴۴	فابینشال تایمز: آمریکای و یگانا ها از چینی ها خواسته برای مهار حوثی ها با فشار به رژیم... /
۴۵	تحصن خسرو علی کردی مقابل قوه قضاییه مشهود... /
۴۶	امضاء تفاهم همکاری بین جمهوری اسلامی با کودتاچیان نیجر در کاخ سعدآباد... /
۴۶-۴۷	حمله حوثی ها به دو کشتی با پرچم آمریکادر باب المندب... /
۴۷	حمله آمریکای و یگانا به پایگاه های حشد الشعبی در عراق... /
۴۸	زمانی سالمندان حرمت داشتند؛ حالا آزار می بینند و رهامی شوند... /
۴۹	«کیک محبوب من» از دو کارگردان ایرانی ممنوع الخروج در برلیناله... / احمد رأف
۵۰-۵۱	گرانی و سفره های خالی؛ بخش زیادی از مردم با اردو نشسته شکم خود را... /
۵۱	بلومبرگ: جمهوری اسلامی با ارسال پهپادهای تهاجمی به جنگ فاجعه بار... /
۵۲	افزایش شمار کودکان بازمانده از تحصیل؛ ۱۰۰ هزار کودک بی شناسنامه در... /
۵۳	«خبرسازی» رسانه های حکومت درباره خروج ایران از فهرست سیاه اف ای تی اف... /
۵۴	محدودیت های شرکت های آی تی بیشتر شد... /
۵۵	تداوم تورم مسکن و بحران عمیق خانوارهای مستاجر برای یافتن سرپناه... /
۵۶	قیمت دلار دوباره وارد کانال ۵۴ هزار تومان شد... /
۵۷	افزایش هشت میلیون تومانی حقوق کارکنان وزارت کشور... /
۵۸-۵۹	خبرهای کوتاه... /
۶۰	پشت جلد - عکس هفته / پدر محمد قبادلو

بازنشر
بازنشر



نسلی که به خاطر «زندگی معمولی» پیش از ۵۷ اعدام می شود

● ۶۱ سال بعد از انقلاب سفید، و ۴۵ سال بعد از انقلاب ۵۷، مردم ایران در جستجوی حقوق و آزادی‌هایی هستند که در دوران دو پادشاه فقید پهلوی پیش‌بینی و ترسیم شده و تحقق یافته بود.



دیوان عالی کشور، عالی‌ترین مرجع قضایی در ساختار جمهوری اسلامی است که حتی رسیدگی به تخلفات «رئیس جمهور» به عنوان برجسته‌ترین مقام اجرایی حکومت نیز بر عهده آنست.

پس از صدور حکم اعدام علیه محمد قبادلو، دیوان عالی کشور فرجام‌خواهی وکیل او را پذیرفت و اعلام کرد این درخواست در دیوان عالی کشور ثبت و پرونده برای رسیدگی به یکی از شعب ارجاع شده است.

همچنین ۵۰ نفر از روانپزشکان ایران با صدور نامه‌ای مشترک و با در نظر گرفتن پرونده پزشکی محمد قبادلو و ابتلای او به اختلال دوقطبی بر «ضرورت بررسی مجدد و موشکافانه‌تر پرونده» تأکید کردند. در نهایت دیوان عالی حکم اعدام را نقض و پرونده محمد قبادلو را برای بررسی دوباره به شعبه هم‌عرض ارسال کرد.

این جوان در حالی به دار آویخته شد که خودش و خانواده‌اش چشم امید به صدور رأی شعبه هم‌عرض داشتند. خبرگزاری «میزان»، مرکز رسانه‌ای قوه قضاییه، ساعتی پس از اجرای حکم اعدام در گزارشی مخدوش و غیرواقعی اتهامات واهی را که پیشتر در دادگاه و بدون در دست بودن اسناد کافی و بر اساس اعترافات اجباری علیه محمد مطرح شده بود، تکرار کرد و مدعی شد حکمی علیه او در شعبه ۳۹ دیوان صادر شده بود؛ حکمی که به نظر می‌رسد به صورت عجولانه و به دلیل موج گسترده اعتراضات به اعدام محمد «تنظیم» و بعد از اجرای حکم اعدام به وکیل پرونده ارسال شد!

محمد قبادلو، معترض ۲۳ ساله‌ای که در جریان خیزش ملی سال گذشته بازداشت و با اتهامات واهی به اعدام محکوم شده بود، سحرگاه سه‌شنبه سوم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ به دار آویخته شد.

اعدام محمد قبادلو در حالی که او به گفته‌ی خانواده و تأیید پزشکان، به بیماری دوقطبی مبتلا بود، و دیوان عالی کشور حکم اعدام او را نقض و پرونده را برای بررسی دوباره به شعبه هم‌عرض ارسال کرد و هنوز رأی شعبه هم‌عرض صادر و یا دست‌کم ابلاغ نشده بود، فصل جدیدی از قساوت و وقاحت «جمهوری خون» را به نمایش گذاشت.

محمد قبادلو متولد ۱۳۷۹ کارگر آرایشگاه و ساکن شهر پرند بود که در زمان بازداشت ۲۲ سال سن داشت. او به اتهام «محاربه» و «افساد فی‌الارض» با قتل یک مأمور انتظامی با نام فرید کرمپور و مجروح کردن پنج مأمور دیگر از طریق زیر گرفتن آنها با ماشین سواری به اعدام محکوم شد. اتهام انتسابی علیه محمد قبادلو یعنی «محاربه» از طریق زیر گرفتن مأموران یگان ویژه با اتومبیل از اساس جعلی است و مدرکی مبنی بر تصادف منجر به فوت در دادگاه ارائه نشد و صرفاً به «اعترافات اجباری» که از این جوان زیر فشار و شکنجه گرفته شده بود استناد شد.

اعدام محمد قبادلو نشان داد مقامات جمهوری اسلامی حتی برای مهم‌ترین نهادهای ساختاری خودش از جمله دیوان عالی کشور نیز ارزشی قائل نیست و رأی این نهاد را زیر پا می‌گذارد تا هدف خود را در راستای «حفظ نظام» پیش ببرد!

کسی که همچنان مدافع انقلاب ۵۷ است
باز هم از خمینی و جمهوری اسلامی علیه پهلوی
دفاع می‌کند

چهل و پنجمین سالگرد انقلاب اسلامی در حالی فرا می‌رسد که شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران به بالاترین سطح فلاکت تا کنون رسیده، منطقه و جهان در یکی از پرآشوب‌ترین دوران خود بسر می‌برد و جمهوری اسلامی برخلاف ادعای رهبر و زمامداران تبهکارش بیش از پیش به پایان نزدیک است. در این مدت جامعه نیز ساکن نبوده و تجربه‌ای را از سر گذشته که امکان ندارد بتوان تأثیرات عمیق آن را در تفکر و رفتار اجتماعی شهروندان ختنی کرد و یا به عقب برگرداند؛ از موضوع پوشش عادی گرفته تا تغییر رویکرد نسبت به مذهب و روحانیت و جریان‌های سیاسی و همچنین مفهوم آزادی و میهن. این تجربه و نتایج آن که در جنبش ملی ۴۰۱ در ابعادی گسترده به نمایش گذاشته شد، یک مسیر مشخص را نشان می‌دهد:

رد انقلاب ۵۷ به مثابه یک تفکر با نتایج ویرانگر و علیه نیروهایی که نه تنها در آن شرکت داشتند بلکه با وجود سرکوب، همچنان به رژیم وفادار مانده و نقش «خندق» حفاظت از آن را نیز بر عهده گرفتند تا ناراضیان نه به مدافعان سرنگونی جمهوری اسلامی و آنطور که در سال‌های اخیر معروف شده، براندازان، پیوندند بلکه در دامان اصلاح‌طلبان چپ و اسلامی و ملی-مذهبی بیفتند که البته بیش از دو دهه موفق نیز بود!

این خندق اما با آوار تخریب‌های فراگیر و بیکر اعدام‌شدگان و کشته‌شدگان معترض در خیابان‌ها پر شد و در نتیجه بسیاری از هواداران اصلاحات به براندازان و عمدتاً به طرفداران ملی‌گرایی و دموکراسی پیوستند. فعالان سیاسی و مدنی، و نه مقامات این جریان نیز، اگر سردمداران آنها به دنبال یک جریان‌سازی تازه برای تطبیق خود با تغییرات و خواست‌های مردم نباشند، دیر یا زود می‌بایست صف خود را مشخص کنند چرا که نیروهای سیاسی مخالف رژیم هر قدر هم که متنوع به نظر برسند اما در نهایت در دو صف قرار می‌گیرند: یا همچنان مدافع انقلاب ۵۷ هستند که جمهوری اسلامی و ۴۵ سال تخریب و کشتار حاصل آنست؛ یا ضدانقلاب ۵۷ به عنوان علت و منشاء این تخریب و کشتار.

در همین نقطه است که یکسری مخالفان، گذشته از اینکه قائل به چه آینده و جایگزینی برای این رژیم باشند، وقتی پای انقلاب ۵۷ به میان می‌آید، به دلیل اعتقاد خود به ضرورت آن انقلاب جهت برانداختن سلطنت و پهلوی، دوباره عین ۵۷ کنار هم قرار گرفته و بجای مبارزه با جمهوری اسلامی، همچنان با پهلوی می‌جنگند که نه تنها در قدرت نیست بلکه شاخص‌ترین، راسخ‌ترین و قدیمی‌ترین مخالف آزادپخواه آنست! آنها در واقع با قدرتی که فکر می‌کنند در آینده ممکن است روی کار آید مبارزه می‌کنند و همین آنها را در کنار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد.

چرا چنین است؟ واقعا اگر به فرض، موضوع پادشاهی و پهلوی منتفی شود، این نیروها دست در دست هم و شاد و خندان جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و بعد ایران را به جمهوری فرانسه و آلمان و آمریکا تبدیل خواهند کرد یا اینکه در «بهترین» حالت کشور به ترکیه و عراق و لبنان تبدیل خواهد شد؟! چون ادعای تبدیل شدن به سه جمهوری اولی با نیروهای مدافع ۵۷ غیرممکن است (کارنامه و عملکردشان این را اثبات کرده) در اینصورت آیا واقعا ترکیه و عراق و لبنان قرن ۲۱ بهتر از دوران پهلوی قرن بیست است که این افراد و جریان‌ها برخلاف خواست جامعه بر دفاع از انقلاب ۵۷ چنین پای می‌فشارند؟ پاسخ به این پرسش برای خودشان می‌بایست مهم باشد زیرا صفی که جامعه و مردم در حال تکمیل آن به نیروهای سیاسی هستند در اینسو و آنسو انقلاب ارتجاعی ۵۷ نه اینکه شکل می‌گیرد بلکه تشکیل شده است.

زنان و حقوق برابر سیاسی با مردان یکی از مهم‌ترین اصول انقلاب سفید است. در کنار آن، بیمه اجتماعی یکپارچه، ایجاد سپاه دانش، سپاه بهداشت، سپاه ترویج و آبادانی، تغییرات ساختاری در نظام اداری و نظام آموزشی کشور، ایجاد ساختار مبارزه با رشوه و فساد اداری، رایگان شدن و البته اجباری شدن آموزش تا دیپلم، توزیع تغذیه رایگان در مدارس، محورهای برجسته در این طرح مهم و جسورانه هستند که با حمایت تمام‌عیار شاه فقید و با رأی موافق اکثریت ملت ایران به اجرا درآمدند.



در هم شکست نظام «ارباب و رعیتی» و اصلاحات ارضی، ملی شدن مراعات و اراضی، فروش سهام واحدهای تولیدی و صنعتی دولتی و سهام شدن کارگران در سود کارخانه‌ها، ایجاد خانه‌های اصناف از دیگر محورهای انقلاب سفید هستند که جامعه ایران را دگرگون می‌کرد.

قابل توجه اینکه مخالفان انقلاب سفید همان سردمداران انقلاب ۵۷ هستند که در رأس همه آنها روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ارتجاعی و بنیانگذار جمهوری اسلامی قرار داشت!

اکنون ۶۱ سال بعد از انقلاب سفید، و ۴۵ سال بعد از انقلاب ۵۷، مردم ایران در برابر گلوله و باتوم و با وجود بازداشت و زندان و شکنجه و طناب دار، در جستجوی هرآنچه هستند که در دوران دو پادشاه فقید پهلوی پیش‌بینی و اجرا شده و توسعه می‌یافت اما ارتجاع سرخ و سیاه همه آن حقوق و امکانات و دستاوردها را از مردم ایران گرفت. ملت ایران در حالی با شعار «زن زندگی آزادی، مرد میهن آبادی» برای برانداختن جمهوری اسلامی و همه آثار و پیامدهای انقلاب ۵۷ ایستاده است که به خوبی دریافت‌ها بازگرداندن کشور به ریلی که در دوران پهلوی نقشه راه آن ترسیم شده بود و بستن پرانتز تباه و ویرانگر جمهوری اسلامی تنها راه سعادت ملی و آبادی میهن است.

روشنگ آسترکی

.....
*شاهنامه فردوسی، ضحاک، بخش ۱۲

روندی که یادآور داستان «ضحاک» در شاهنامه فردوسی است که جوانان «پری‌رو» و برومند قربانی ماندگاری ضحاک می‌شوند!

شهروندان ایران و «جمهوری خون»

موج دیگری از اعتراضات مردمی علیه جمهوری اسلامی که از دی‌ماه ۹۶ آغاز شد و همچنان ادامه دارد بر پایه بیداری ملی و در برابر انقلاب ۵۷ و حکومت اسلام‌گرای برآمده از آن شکل گرفته است.

به دست اندرشر آبگون دشنه بود به خون پری چهرگان تشنه بود*

اعدام محمد قبادلو موجی از بهت و انتقاد را در میان حقوقدانان و وکلای دادگستری در ایران برانگیخت. دست‌کم ۲۰ وکیل دادگستری در شبکه «ایکس» و اینستاگرام از غیرقانونی بودن اجرای حکم اعدام محمد نوشتند و آن را مصداق «قتل» خواندند. امیر رئیس‌یان وکیل محمد قبادلو که چند ساعت پیش از اجرای حکم پیامی از قوه قضاییه مبنی بر اجرای حکم دریافت کرده بود تأکید کرده بود در صورت اجرای حکم به دلیل روند غیرقانونی طی شده برای بردن موکلش پای چوبه دار، قوه قضاییه «قتل» انجام داده است. یکی از مهم‌ترین نکات مطرح شده از سوی وکلای دادگستری در ایران طی روزهای گذشته بدعت تازه‌ای است که با «نقض رأی دیوان عالی کشور برای اعدام یک شهروند معترض و مخالف» گذاشته شده است.

از سوی دیگر اجرای شتابزده اعدام در حالی که هنوز رأی دادگاه هم‌عرض صادر و ابلاغ نشده بود، وکیل و خانواده تا چند ساعت پیش از اجرای حکم از آنچه در حال انجام است بی‌خبر بودند. خانواده محمد حتی برای ملاقات آخر به زندان فراخوانده نشدند و صدای فرزندشان را نشنیدند. اینهمه در حالیست که در هشت مورد مشابه دیگر که مردانی جوان و برومند در اعتراضات جنبش ملی بازداشت و با اتهامات واهی به اعدام محکوم شده و به دار آویخته شدند، نیز روند اعتراف‌گیری اجباری، عدم دسترسی به وکیل انتخابی، اتهاماتی بدون مستندات کافی، و اجرای شتابزده حکم وجود داشته است.

محمد قبادلو نهمین شهروند معترض خیزش ملی است که طی ماه‌های گذشته اعدام شد. پیش از او محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد در آذرماه گذشته، محمدمهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی در دی‌ماه گذشته، صالح میرهاشمی، سعید یعقوبی و مجید کاظمی در اردیبهشت امسال به دار آویخته شدند.

همچنین دست‌کم ۴۰ شهروند دیگر که در اعتراضات ۴۰۱ بازداشت شدند با حکم اعدام روبرو شدند. برخی از احکام اعدام در دیوان عالی کشور لغو شده، برخی به حبس طولانی تغییر کرده و برخی احکام، مانند حکم اعدام صادر شده علیه محمد بروغنی، در دیوان عالی تأیید شده است.

اعدام شهروندان معترضی که با دست خالی و بدون انجام عملیات تروریستی یا مسلحانه، در خیابان‌ها اعتراض کرده‌اند، یکی از راهکارهای تباه جمهوری اسلامی برای «حفظ نظام» است. روندی که در سال‌های گذشته نیز علیه برخی شهروندان معترض دیگر مانند نوید افکاری تکرار شده اما پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بطور سازمانیافته از سوی نهادهای امنیتی و اتاق فکری حکومت اجرا می‌شود.

نکته قابل توجه اینکه افرادی که به اعدام محکوم شدند، یا همچنان زیر حکم اعدام هستند، از قشرهای ضعیف جامعه هستند که دارای رانت و روابط نبوده و خانواده‌هایشان نتوانسته‌اند برای آنها کارزاری مؤثری راه انداخته و یا با مقامات ارشد حکومتی وارد مذاکره شوند. در این میان نمونه‌هایی هستند که پس از تلاش‌هایی در سطوح مدیریتی و حاکمیتی حکم‌شان با وجود مخالفت شاک، شکسته شد. گزینش جوانانی برومند که اتصالات رانت و روابط حکومتی ندارند، برای سپردن به چوبه دار از سوی اتاق فکر امنیتی‌ها با هدف ماندگاری نظام و وحشت‌آفرینی برای جلوگیری از اعتراضات مردم انجام می‌شود که نشان از سازمانیافته بودن پرونده‌سازی‌های منتهی به اعدام است.

شهروندان معترض در خیابان با دست خالی در برابر نیروهای سرکوبگر و تا دندان مسلح جمهوری اسلامی ایستادگی کرده و با شعارهایی با محتوای همبستگی ملی، ایرانخواهی و یادآوری خدمات خاندان پهلوی به کشور و تباهی کاشته شده پس از انقلاب ۵۷، خواهان رسیدن به میهنی «آزاد» و «آباد» هستند.

نکته قابل توجه اینکه همه آنچه مردم در سال‌های گذشته در اعتراضات فریاد زده و برایش جان و تن و سلامتی داده، زندانی و محکوم و اعدام شدند، همانست که در فاصله انقلاب مشروطه تا انقلاب ۵۷، و در دوران دو پادشاه فقید پهلوی در ایران بنیان گذاشته شده و توسعه می‌یافت.

محمد قبادلو در روزهایی حلق آویز شد که ۶۱ سال پیش در همین روزها در دوران محمدرضا شاه پهلوی بخشی از مهم‌ترین تحولات توسعه‌ای و ساختاری تحت عنوان «انقلاب سفید» در ایران آغاز شد.

در ششم بهمن‌ماه ۱۳۴۱ همه‌پرسی سراسری در کشور در رابطه با اصلاحاتی که انقلاب سفید نام گرفت برگزار شد که یکی از مهم‌ترین نکات آن، حضور زنان ایران برای نخستین بار پای صندوق رأی بود.

اصلاحات انجام شده تحت انقلاب سفید شامل محورهایی گسترده بود که از یکسو حقوق شهروندی را در کشور تثبیت می‌کرد و از سوی دیگر توسعه پایدار و متوازن در سراسر ایران را مورد توجه قرار می‌داد.

اصلاح قانون انتخابات ایران به منظور تضمین حق رأی

واشنگتن پست:

دولت بایدن شدت حملات خود را علیه حوثی‌ها در یمن افزایش می‌دهد



گشت نیروهای آمریکایی مستقر در دریای سرخ و خلیج عدن

اندازه کافی کاهش پیدا خواهد کرد. به عنوان بخشی از این تلاش، نیروهای دریایی ایالات متحده در حال فعالیت برای رهگیری محموله‌های تسلیحاتی هستند که از ایران به یمن ارسال می‌شود.

هرچند تحلیلگران روزنامه «واشنگتن پست» معتقدند تمرکز بیشتر آمریکا روی خاورمیانه و حوثی‌ها تمرکز دولت بایدن را از تهدیدات روسیه و چین کم می‌کند اما بسیاری از تحلیلگران همزمان به دولت‌های غربی هشدار می‌دهند آنچه در خاورمیانه علیه غرب به شکل کارزار نظامی علیه اقتصاد بین‌المللی به راه افتاده با هدایت روسیه و چین است و مقابله با آن برای منافع غرب و متحدانش ضروری است.

آنتور که از شواهد پیداست حوثی‌ها با حمایت‌های جمهوری اسلامی همچنان خیال توقف موشک‌پرانی به کشتی‌ها را ندارند. محمد علی الحوثی از فرماندهان شبه‌نظامیان یمنی گفته «آمریکا و انگلیس مسئول کامل عواقب نظامی شدن دریای سرخ و وارد آمدن خسارت به کانال سوئز و شرکت‌های کشتیرانی هستند. این دو کشور همچنین مسئولیت کامل شعله‌ور کردن آتش جنگ‌ها در منطقه را با حمایت از جنایات صهیونیست‌ها در نسل‌کشی مردم غزه بر عهده دارند.»

بر اساس آخرین گزارش‌ها دولت بریتانیا نیز اعلام کرده نیروی دریایی سلطنتی این کشور قصد دارد موشک‌هایی را توسعه دهد که قبلاً برای سرنگونی پهپادهای حوثی‌ها در دریای سرخ و نزدیکی سواحل یمن از آنها استفاده شد. وزارت دفاع بریتانیا در بیانیه‌ای تصریح کرد: «سامانه پدافند هوایی «افعی دریا» را به موشک‌های کارآمدتر با کلاهک جدید و به‌روزرسانی برنامه‌های رایانه‌ای که بتواند بر تهدیدات موشک‌های بالستیک حوثی غلبه کند، مجهز خواهد کرد.»

بخشی از این گزارش می‌نویسد واکنش سریع ایالات متحده احتمال گسترده‌تر شدن جنگ و کشاندن بایدن به یک کارزار دیگر در منطقه را که ارتش آمریکا درگیر آن شود تقویت می‌کند. این وضعیت بطور بالقوه تلاش دولت برای تمرکز مجدد سیاست خارجی ایالات متحده بر روسیه و چین را تضعیف خواهد کرد.

مقامات دولتی آمریکا به شرط فاش نشدن نام خود به «واشنگتن پست» گفته‌اند، «استراتژی در یمن تلاشی برای از بین بردن توان نظامی سطح بالای حوثی‌هاست تا جایی که به اندازه کافی توانایی آنها را برای هدف قرار دادن کشتی‌ها در دریای سرخ و خلیج عدن کاهش بدهد و بطوری بازدارندگی کافی ایجاد کند که شرکت‌های کشتیرانی بدون ریسک به ترازیت کالا از دریای سرخ ادامه بدهند.»

یک مقام ارشد آمریکایی در مورد حوثی‌ها که دولت بایدن مجبور شد اخیراً دوباره آنها را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کند، گفت: «ما به روشنی درباره اینکه حوثی‌ها چه کسانی هستند و جهان‌بینی آنها چیست آگاه هستیم... بنابراین مطمئن نیستیم که آنها فوراً متوقف شوند. اما مصمم هستیم تلاش کنیم تا توانایی‌های آنها را کاهش داده و از بین ببریم.»

جو بایدن این هفته اذعان کرد که حملات نیروهای ائتلاف تا کنون نتوانسته حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها را متوقف کند. با این حال رئیس جمهوری آمریکا تأکید کرد که عملیات علیه حوثی‌ها ادامه پیدا خواهد کرد.

مقامات ایالات متحده می‌گویند که انتظار ندارند این عملیات مانند جنگ‌های قبلی ایالات متحده در عراق، افغانستان یا سوریه طولانی شود. در عین حال، آنها اذعان می‌کنند که نمی‌توانند تاریخ پایان این عملیات را مشخص کنند یا تخمین بزنند که چه زمانی توان نظامی یمنی‌ها به

● مقامات ارشد آمریکا در کاخ سفید جلسه تشکیل دادند تا گزینه‌های مختلف برای ادامه عملیات علیه حوثی‌ها را بررسی نمایند.

● روزنامه «واشنگتن پست» می‌نویسد، واکنش سریع ایالات متحده احتمال گسترده‌تر شدن جنگ و کشاندن بایدن به یک کارزار دیگر در منطقه را که ارتش آمریکا درگیر آن شود تقویت می‌کند. این وضعیت بطور بالقوه تلاش دولت برای تمرکز مجدد سیاست خارجی ایالات متحده بر روسیه و چین را تضعیف خواهد کرد.

● مقامات آمریکایی می‌گویند که انتظار ندارند عملیات در یمن مثل عراق و افغانستان سال‌ها طول بکشد، اما اذعان دارند که مشخص نیست چه زمانی توانایی نظامی این گروه به اندازه کافی از بین می‌رود.

● یک مقام ارشد آمریکایی در مورد حوثی‌ها که دولت بایدن اخیراً دوباره آنها را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کرده، گفت: «ما به روشنی درباره اینکه حوثی‌ها چه کسانی هستند و جهان‌بینی آنها چیست آگاه هستیم... بنابراین مطمئن نیستیم که آنها فوراً متوقف شوند، اما مصمم هستیم تلاش کنیم تا توانایی‌های آنها را کاهش دهیم و از بین ببریم.»

پس از آنکه گام نخست عملیات «نیروهای ائتلاف» (گروه ضربت ۱۵۳) نتوانست حملات موشکی و پهپادی حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در «دریای سرخ» و باب‌المندب را متوقف کند، واحدهای دریایی و هوایی ارتش آمریکا مستقر در منطقه از شنبه شب ۲۰ ژانویه (۳۰ دی‌ماه) بر شدت حملات خود علیه حوثی‌ها در خاک یمن افزوده‌اند.

برخی منابع می‌گویند دولت بایدن مجبور به تغییر استراتژی در مورد سطح مأموریت نیروهای ائتلاف شده است. در همین ارتباط در حملات اخیر آمریکا به مواضع حوثی‌ها دست‌کم ۱۰۰ نیروی حوثی، حزب‌الله و تعدادی از نیروهای وابسته به «سپاه قدس» در یمن کشته و زخمی شدند.

برخی منابع می‌گویند دولت بایدن پس از ۱۰ روز حملات نیروهای ائتلاف علیه حوثی‌ها در «دریای سرخ» وقتی موشک‌پرانی این گروه به تجارت دریایی متوقف نشد، در حال طراحی برنامه‌هایی جهت راه انداختن یک کارزار نظامی مستمر برای هدف قرار دادن حوثی‌ها در یمن است.

روزنامه «واشنگتن پست» روز یکشنبه ۲۱ ژانویه (اول بهمن) در همین ارتباط نوشت برخی مقامات ایالات متحده نگران‌اند اجرای چنین طرحی علاوه بر گسترش دامنه جنگ در منطقه، آمریکا را وارد یک درگیری غیرقابل پیش‌بینی دیگر در خاورمیانه کند.

کاخ سفید روز چهارشنبه با حضور مقامات بلندپایه در مورد گزینه‌هایی برای ادامه مسیر پیش رو در واکنش به تهدیدات رو به رشد حوثی‌ها تشکیل جلسه داد.

حوثی‌ها از حمله به کشتی‌های تجاری به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل و تقویت جایگاه خود در منطقه استفاده می‌کنند. روزنامه «واشنگتن پست» در

والاستریت ژورنال:

دولت بایدن اسرائیل را تشویق می کند که روی از بین بردن رهبران حماس تمرکز کند



در این تصویر که ۱۴ ژانویه ۲۰۲۴ (۲۴ دی ماه ۱۴۰۱) منتشر شد، سربازان اسرائیلی در اوج درگیری بین اسرائیل با حماس در داخل غزه هستند

است اکنون مجبور شود دو یا سه کار را انجام دهد.» حماس در تلاش است تا کنترل خود را در شمال نوار غزه بازگرداند، جایی که خسارات گسترده‌ای توسط حملات هوایی و نیروهای زمینی اسرائیل وارد شده است. هفته گذشته حماس چندین موشک را از منطقه‌ای در مرکز غزه که اخیراً توسط نیروهای اسرائیلی اشغال شده بود به سمت اسرائیل پرتاب کرد. این موضوع نگرانی‌هایی را در میان برخی از مقامات اسرائیل ایجاد کرده که حماس ممکن است به دنبال پس گرفتن و کنترل مناطقی باشد که نیروی زمینی اسرائیل در آنجا حضور ندارد.

مایکل میلشتاین رئیس سابق امور فلسطین برای اطلاعات نظامی اسرائیل، به وال‌استریت ژورنال گفت که این به زمان بستگی دارد که حماس مناطقی را که اسرائیل در آنها نیروی زمینی ندارد، پس بگیرد.

جنگ اصلی اسرائیل با رژیم ایران است

در همین حال الی کوهن در مصاحبه با روزنامه «اورشلیم پست» تأکید کرده اسرائیل تنها با حماس نمی‌جنگد، بلکه جنگ با «تجاوز [رژیم] ایران» ضروری است. او گفت: «اسرائیل با گروه‌های نیابتی ایران (حماس، جهاد اسلامی، حزب‌الله) و همچنین شبه‌نظامیان در سوریه و عراق می‌جنگد.

کوهن که تا همین اواخر وزیر خارجه اسرائیل بود و از ژانویه ۲۰۲۴ وزیر منابع ملی، انرژی و آب این کشور است، با اشاره به اینکه دولت لبنان خواهان جنگ با اسرائیل نیست، گفت اگر یک جنگ کامل در امتداد مرز شمالی با حزب‌الله در لبنان رخ دهد، «این جنگ با ایران خواهد بود. وقتی با حزب‌الله می‌جنگید، در واقع با ایران می‌جنگید.»

وی همچنین افزود: «جمهوری اسلامی مدعی است حزب‌الله را ما کنترل نمی‌کنیم اما حزب‌الله نه از بیروت بلکه از تهران دستور می‌گیرد.»

که برنده شوید، گاهی فقط اجتناب از شکست کافی است. در همین حال، دولت بایدن در حال تعدیل انتظارات خود از جنگ است و از نابودی کامل حماس به عنوان یک تهدید امنیتی فاصله می‌گیرد. در عوض، آنها اسرائیل را تشویق می‌کنند تا تمرکز خود را به عملیات‌های هدفمندتر با هدف از بین بردن رهبری حماس تغییر دهد.

ایالات متحده تخمین می‌زند که حماس قبل از «هفت اکتبر» ۲۰۲۳ بین ۲۵ هزار تا ۳۰ هزار نیرو و همچنین هزاران افسر پلیس داشت. همچنین اسرائیل نیز تخمین می‌زند که حماس قبل از جنگ حدود ۳۰ هزار عضو داشت.

بر اساس تخمین مقامات اسرائیلی تقریباً ۱۶ هزار عضو حماس مجروح شده‌اند. در واقع تقریباً نیمی از آنها بعید است که بتوانند به مأموریت خود ادامه دهند. از سوی ایالات متحده تخمین زده می‌شود که بین ۱۰ هزار و پانصد تا ۱۱ هزار و هفتصد نفر از تروریست‌های حماس زخمی شده‌اند و این احتمال وجود دارد که بسیاری از آنها در نهایت به میدان نبرد بازگردند.

به نظر می‌رسد که حماس از چند جهت با تفکر نظامی متقارن مخالف است. بر اساس دکترین نظامی ایالات متحده آمریکا، گروهی که ۲۵ تا ۳۰ درصد از نیروهایش را از دست بدهد، از نظر رزمی «ناکارآمد» تلقی می‌شود اما حماس به عنوان یک گروه چریکی به شیوه جنگ نامتقارن (نامنظم) درگیر عملیات دفاعی در یک محیط شهری پُرجمعیت است و به صدها کیلومتر تونل در زیر غزه دسترسی دارد که به این گروه توان ادامه جنگ را می‌دهد.

ژنرال بازنشسته ارتش جوزف ووتل که قبلاً عملیات نظامی ایالات متحده در خاورمیانه را فرماندهی می‌کرد معتقد است «تلفات مستمر فشار بر شبکه نظامی حماس را تشدید می‌کند و باعث می‌شود افراد مجبور شوند نقش‌های متعددی را ایفا کنند.» او تأکید می‌کند: «یک نفر ممکن

● روزنامه «وال‌استریت ژورنال» براساس برآورد مقام‌های اطلاعاتی آمریکا از جنگ غزه گزارش داد طی ۱۰۷ روز که از آغاز جنگ می‌گذرد فقط ۲۰ تا ۳۰ درصد از نیروهای حماس کشته شدند که شمار آنها حدود ۹ هزار نفر تخمین زده می‌شود.

● «این میزان تلفات از هدف اسرائیل برای نابودی این گروه فاصله زیادی دارد و نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری حماس پس از ماه‌ها جنگ است که بخش‌هایی از نوار غزه را ویران کرده است.»

● به گفته مقامات آمریکایی، برآوردها نشان می‌دهد حماس همچنان برای چندین ماه دیگر مهمات کافی برای ادامه حملات به اسرائیل و نیروهای این کشور در غزه دارد و طبق یک گزارش طبقه‌بندی شده این گروه در تلاش است تا نیروهای پلیس خود را در بخش‌هایی از شهر غزه بازسازی کند.

● بر اساس برآوردهای آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده، هدف اعلام شده اسرائیل برای نابودی تروریست‌های حماس پس از ۱۰۷ روز جنگ، حتی به نیمه راه هم نرسیده است.

● «دولت بایدن در حال تعدیل انتظارات خود از جنگ است و از نابودی کامل حماس به عنوان یک تهدید امنیتی فاصله می‌گیرد. در عوض، آنها اسرائیل را تشویق می‌کنند تا تمرکز خود را به عملیات‌های هدفمندتر با هدف از بین بردن رهبری حماس تغییر دهد.»

روزنامه «وال‌استریت ژورنال» یکشنبه ۲۱ ژانویه (اول بهمن) در گزارشی نوشت طبق برآورد سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، اسرائیل فقط ۲۰ تا ۳۰ درصد از نیروهای حماس در غزه را کشته است.

این میزان تلفات از هدف اسرائیل برای نابودی این گروه فاصله زیادی دارد و نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری حماس پس از ماه‌ها جنگ است که بخش‌هایی از نوار غزه را ویران کرده است.

به گفته مقامات آمریکایی، برآوردها نشان می‌دهد حماس همچنان برای چندین ماه دیگر مهمات کافی برای ادامه حملات به اسرائیل و نیروهای اسرائیلی در غزه دارد و طبق یک گزارش طبقه‌بندی شده این گروه در تلاش است تا نیروهای پلیس خود را در بخش‌هایی از شهر غزه بازسازی کند. این روزنامه به نقل از مقامات اسرائیل اشاره کرد با وجود حملات هوایی و زمینی ارتش اسرائیل در غزه، هدف تل‌آویو در نابود کردن حماس هنوز تحقق نیافته است.

طبق ارزیابی‌های آمریکا و شماری از مقامات پیشین و کنونی اسرائیل، اگرچه هزاران نفر از نیروهای حماس کشته شدند، اما این گروه همچنان در برابر حملات اسرائیل مقاومت کرده است.

بر اساس برآوردهای آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده، هدف اعلام شده اسرائیل برای نابودی تروریست‌های حماس پس از ۱۰۷ روز جنگ، حتی به نیمه راه هم نرسیده است. در صدمین روز جنگ، ارتش اسرائیل گزارش داد که ۹ هزار نفر از نیروهای حماس و حزب‌الله کشته شده‌اند که ۵۰ نفر از آنها در درجه فرمانده گروهان و بالاتر بودند.

برخی تحلیلگران معتقدند به نظر می‌رسد استراتژی حماس حول این ایده متمرکز شده که در یک درگیری، همیشه لازم نیست

قتل حکومتی محمد قبادلو یک جوان برومند دیگر ایران قربانی «حفظ نظام» شد



«اعتراف صریح» آمده در واقع اقرار زیر شکنجه بوده است. همچنین امیر رئیسین وکیل محمد قبادلو گفته که اتهام قتل مأمور یگان ویژه از طریق «زیر گرفتن» به شدت مورد تردید است.

در بین مدارک، هیچ تصویری از محل جرم، مدارک پزشکی قانونی و دیگر مدارک که روال عادی یک دادگاه در مورد بررسی تصادف رانندگی است، وجود نداشته است.

بر اساس گواهی صادر شده از سوی پزشک معالج محمد قبادلو، او از هفت سال پیش به دلیل ابتلا به اختلال دوقطبی تحت درمان بوده و از دو ماه پیش از حادثه تصادف، دارو مصرف نکرده بود. در چنین شرایطی و بر اساس همین قوانین نیم‌بند و ناعادلانه جمهوری اسلامی هم این جوان ۲۲ ساله نمی‌تواند متهم به «محاربه» و محکوم به «اعدام» شود.

محمدعلی قبادلو، پدر محمد قبادلو سال گذشته در یک پیام ویدئویی گفته بود که جانناز شیمیایی و جانناز اعصاب و روان است که هفت سال برای کشور جنگیده است.

پدر محمد قبادلو گفته بود که شرایط او در وضعیت سلامت روان فرزندش و بیماری اختلال دوقطبی او تأثیر منفی گذاشته است.

«دادبان» که در شبکه‌های اجتماعی به بازداشت‌شدگان مشاوره حقوقی می‌دهد نیز خرداد امسال پس از تأیید حکم اعدام محمد قبادلو در دیوان عالی کشور نوشته بود که «پرونده پر از تناقض است. گزارش پزشکی قانونی نشان می‌دهد مأمور پلیس در نتیجه اصابت جسم سخت به سر و مسلماً در یک درگیری کشته شده نه تصادف. روایت درگیری در روز تشییع جنازه این مأمور نیز توسط فرماندهان پلیس تأیید شده است. دستگاه قضایی و به ویژه دادستان اما اصرار دارد که محمد در تصادف عمدی مأمور یگان ویژه را کشته است. چرا؟ چون مشخص نیست مأمور جانباخته کجا و در درگیری با چه کسانی کشته شده است.»

حکم اعدام محمد قبادلو خردادماه امسال در دیوان عالی کشور تأیید اما در حالی که از امرداد امسال این حکم در دیوان عالی کشور لغو شده بود، جمهوری اسلامی امروز این جوان را اعدام کرد.



اعدام محمد قبادلو از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ خبر داده و نوشته بود که «حکم قصاص محمد قبادلو در شعبه اول دیوان عالی کشور نقض شد و پرونده برای رسیدگی به ایرادات مربوط به سلامت روانی موکل و صدور حکم به شعبه هم‌عرض ارجاع خواهد شد. این دقت‌هاست که اعتبار دیوان عالی کشور را هنوز حفظ کرده است.»

محمد قبادلو متولد ۱۳۷۹ کارگر آرایشگاه و ساکن شهر پرنده بود که در زمان بازداشت ۲۲ سال سن داشت. او به اتهام «محاربه» و «افساد فی‌الارض» با قتل یک مأمور انتظامی با نام فرید کرمپور و مجروح کردن پنج مأمور دیگر از طریق زیر گرفتن آنها با ماشین سواری به اعدام محکوم شد.

این در حالیست که اتهام انتسابی علیه محمد قبادلو یعنی «محاربه» از طریق زیر گرفتن مأموران یگان ویژه با اتومبیل از اساس جعلی است و مدرکی مبنی بر تصادف منجر به فوت در دادگاه ارائه نشده است.

نخستین جلسه دادگاه محمد قبادلو روز هفتم آبان سال گذشته با ریاست قاضی صلواتی برگزار شد. بر اساس کیفرخواستی که علیه این جوان صادر شده بود، او متهم به «افساد فی‌الارض» از طریق اقدام گسترده علیه مأموران موتور نیروی انتظامی «با اصابت خودروی سواری پیکان سفیدرنگ» و «شهادت استوار وحید کرمپور حسنونند و مجروح شدن ۵ مأمور پلیس» شده بود.

مرکز رسانه قوه قضائیه ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۱ اعلام کرده بود بر اساس حکم صادر شده توسط دادگاه انقلاب تهران، «فردی که در اقدامی تروریستی به صورت عمد و با قصد جان مأمورین نیروی انتظامی، با خودروی سواری خود به سرعت به مأمورین هجوم برده و در اثر برخورد با آنها، یک پلیس را به شهادت رسانده و تعدادی را نیز مجروح کرده بود پس از اعترافات صریح خودش مبنی بر ارتکاب جرم در دادگاه و مستندات مستدل موجود در پرونده، به افساد فی‌الارض از طریق جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، تخریب و اقدام علیه امنیت ملی کشور که منجر به اختلال در نظم عمومی و ناامنی در کشور و وارد کردن خسارت به افراد و اموال عمومی، متهم و به اعدام محکوم شده است.»

اما آنچه در حکم صادر شده علیه محمد قبادلو به عنوان

● محمد قبادلو در حالی به چوبه دار سپرده شد که حکم «اعدام» او در دیوان عالی کشور «نقض» و پرونده برای بررسی دوباره به شعبه هم‌عرض ارسال شده بود.

● وکیل محمد قبادلو تأکید کرده بود که پرونده محمد قبادلو دارای «نواقص تحقیقاتی و ایرادهای فنی» بوده و «سلامت روان» موکلش به دلیل ابتلا به اختلال دوقطبی باید مورد توجه دستگاه قضایی قرار بگیرد.

● محمد قبادلو متولد ۱۳۷۹، کارگر آرایشگاه و ساکن شهر پرنده بود که در زمان بازداشت ۲۲ سال سن داشت و به اتهام «محاربه» و «افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم شده بود.

حکم اعدام محمد قبادلو از بازداشت‌شدگان اعتراضات جنبش ملی سحرگاه امروز و در حالی که حکم «اعدام» وی در دیوان عالی کشور «نقض» شده بود، به اجرا درآمد. محمد قبادلو نهمین شهروند بازداشت شده در اعتراضات سال گذشته است که توسط جمهوری اسلامی اعدام شد.

خبرگزاری «میزان»، مرکز رسانه‌های قوه قضائیه بامداد روز سه‌شنبه سوم بهمن ۱۴۰۲ از اجرای حکم اعدام محمد قبادلو شهروند ۲۳ ساله بازداشت شده در اعتراضات سال گذشته خبر داد.

محمد قبادلو در حالی به چوبه دار سپرده شد که حکم «اعدام» او در دیوان عالی کشور «نقض» و پرونده برای بررسی دوباره به شعبه هم‌عرض ارسال شده بود.

شب گذشته امیر رئیسین وکیل محمد قبادلو با انتشار متنی در شبکه «ایکس» اعلام کرده بود که «ابلاغیه اجرای حکم اعدام» را برای بامداد سه‌شنبه دریافت کرده است.

امیر رئیسین نوشت که «حکم اعدام محمد قبادلو پیش‌تر توسط شعبه اول دیوان عالی کشور نقض شده بود و پرونده به شعبه هم‌عرض ارجاع داده شد تا با معاینات مجدد پزشکی قانونی، حکم مناسب صادر گردد.»

وکیل محمد قبادلو تأکید کرده بود که پرونده محمد قبادلو دارای «نواقص تحقیقاتی و ایرادهای فنی» بوده و «سلامت روان» موکلش به دلیل ابتلا به اختلال دوقطبی باید مورد توجه دستگاه قضایی قرار بگیرد.

امیر رئیسین چهارم مرداد ۱۴۰۲ در توییتری از لغو حکم

بازگشت شاهانه سه جزیره به میهن



تا پیش از ۱۹۰۳ این جزایر سه‌گانه در اختیار و بخشی از ایران بودند تا آنکه در زمان سلطنت مظفّرالدین شاه قاجار، انگلیسی‌ها از بی‌مبالاتی و ضعف شاه قاجار استفاده کرده و در ۱۹۰۸ نیروهای خود را بطور کامل در سه جزیره ایرانی مستقر کردند.

قاجار هدیه داد. در نقشه ایران ترسیم شده توسط بریتانیایی‌ها به وضوح و با رنگ مشخص، سه جزیره ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی بخشی از قلمرو سرزمینی ایران به شمار می‌روند.

سه جزیره ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی در خلیج فارس سالیان طولانی متعلق به سرزمین ایران و ساکنان آنها نیز تبارشان به ایران می‌رسید. ملکه بریتانیا در ۱۸۸۸ نقشه‌ای دقیق از ایران را که توسط متخصصین نقشه‌بردار انگلیسی ترسیم شده بود به ناصرالدین شاه

حمایت از حقوق‌دانان ایرانی در روز جهانی «وکلا در معرض خطر»



مخالف نظام به ۶ سال و ۷ ماه زندان محکوم شد. احمد رأفت با نیره انصاری حقوق‌دان ساکن استکهلم، در رابطه با روز جهانی «وکلا در معرض خطر» و وضعیت وکلای دادگستری در جمهوری اسلامی گفتگو کرده است.

کار کرد. در مشهد دادگاهی خسرو علی‌کردی، وکیل مدافع خانواده سپهری‌ها را به یک سال زندان و دو سال محرومیت از وکالت محکوم کرد. گلاره وطن‌دوست در مریوان به اتهام تبلیغ علیه نظام در فضای مجازی و عضویت در گروه‌های

هر سال ۲۴ ژانویه در جهان روز بین‌المللی «وکلا در معرض خطر» برگزار می‌شود. امسال این روز به حمایت از وکلای دادگستری در جمهوری اسلامی اختصاص دارد. در بسیاری از کشورهای جهان به این مناسبت نشست‌هایی با حضور حقوق‌دانان، وکلای دادگستری و فعالان حقوق بشر ایرانی برگزار می‌شود. در این نشست‌ها وضعیت وکلای دادگستری در جمهوری اسلامی به ویژه سرکوب و فشارهایی که بر آنها به صورت دائمی وارد می‌شود و همچنین حقوق پایمال شده آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲۴ ژانویه ۱۹۷۷ گروهی از راست‌گرایان افراطی به یک دفتر حقوقی در خیابان آتوچا در مادرید حمله بردند. ۴ وکیل و یک کارمند این دفتر حقوقی در جریان این حمله مسلحانه کشته و ۸ نفر دیگر زخمی شدند. در زمان حمله در این دفتر، جلسه‌ای برای برنامه‌ریزی دفاع از حقوق کارگران اعتصابی در جریان بود. از سال ۲۰۰۹ میلادی این روز بین‌المللی به دفاع از وکلای دادگستری که با به خطر انداختن موقعیت و جان خود به وظیفه حرفه‌ای خویش که دفاع از حقوق متهم است، اختصاص یافته است.

در جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی» بیش از ۹۰ وکیل بازداشت و یا احضار شدند. در روزهای گذشته دادگاه سه وکیل دادگستری به نام محمود طراوت‌روی، نازنین سالاری و مسعود احمدیان به اتهام تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و ارتباط و همکاری با دولت‌های متخاصم در شیراز آغاز به

چینی‌ها توجیه اقتصادی استخراج لیتیوم در دریاچه ارومیه را بررسی می‌کنند

● مهندس خسرو بندری کارشناس منابع آب: «در مورد مالچ‌پاشی یا هر ماده دیگری که به دریاچه ارومیه اضافه شود محیط یا درواقع ترکیب دریاچه را تغییر می‌دهد. مثلا اگر آهک اضافه شود اولین خطر این تغییر این است که آرمیهای کوچک موجود در دریاچه، غذای پرندگان مهاجر را از بین می‌برد. اساسا اثر هر ماده معدنی نه تنها در دریاچه ارومیه بلکه در هر محیطی باید بررسی شود به خصوص در مورد منطقه‌ای بسیار وسیع و دریاچه بسیار مهمی مانند ارومیه.»

● «تا جایی که اطلاع داریم فعلا از دریاچه ارومیه نمک برداشت می‌کنند این در حالیکه تپه‌های نمکی در نزدیکی تبریز وجود دارند و نمک موجود در این تپه‌ها مرغوب‌تر (نمک دارای ید) از پودر نمک دریاچه است.»

● «چینی‌ها هنوز قرارداد نبسته‌اند؛ هم‌اکنون در حال مطالعه برای بررسی توجیه اقتصادی استخراج لیتیوم هستند چرا که درصد لیتیوم موجود در نمک دریاچه برای آنها اهمیت دارد و البته مسئله مالچ‌پاشی هم ارتباطی به موضوع لیتیوم ندارد.»

فیروزه نوردستروم- این روزها دریاچه ارومیه به کوبر نمکی تبدیل شده که هزاران سال دریاچه‌ای پرآب بود ولی مدت‌هاست که حال و روز خوشی ندارد. از چندی پیش، خبر مالچ‌پاشی بر بستر این دریاچه، برای جلوگیری از انتشار ریزگردهای نمکی برخاسته از سطح خشک آن با اظهارات متناقض مسئولان روبرو شده است. فعالان محیط زیست طی هفته‌های گذشته از مالچ‌پاشی بر سطح دریاچه ارومیه خبر داده بودند. این خبر با انتشار گزارشی از سوی «شبکه سهند»، شبکه استانی آذربایجان شرقی وابسته به صداوسیما جمهوری اسلامی، تأیید شد. با انتشار این خبر موجی از واکنش‌ها از سوی فعالان محیط زیست به راه افتاد و در مقابل، مقامات دولتی نیز اظهاراتی متناقض درباره آن ارائه دادند.

میثم سعیدی مدیرکل روابط عمومی سازمان حفاظت محیط زیست در واکنش به انتشار خبر مالچ‌پاشی دریاچه ارومیه مدعی شد که خاک‌پوش یا مالچ غیرنفتی تنها در مساحت ۶۰ مترمربع از دریاچه ارومیه و به منظور تحقیقات انجام شده است.

سازمان حفاظت محیط زیست نیز ۱۹ دی‌ماه توضیحاتی درباره طرح تحقیقاتی مالچ‌پاشی در بخشی از دریاچه ارومیه ارائه کرد. در بخشی از این توضیحات آمده است: «طرح مالچ‌پاشی با هدف تثبیت شن‌های روان به صورت آزمایشی و تنها در ۶۰ متر مربع از بستر دریاچه که فاقد پوشش گیاهی است، انجام می‌شود و در گزارش صداوسیما نیز اشاره شده است که مالچ یا خاک‌پوش‌های استفاده شده غیرنفتی است و قابلیت تجزیه دارد و هیچ آسیبی به اکوسیستم دریاچه وارد نمی‌کند.»

در همین ارتباط مهندس خسرو بندری کارشناس مدیریت آب در گفتگو با کیهان لندن معتقد است: «در مورد مالچ‌پاشی یا هر ماده دیگری که به دریاچه ارومیه اضافه شود محیط یا درواقع ترکیب دریاچه را تغییر می‌دهد. مثلا اگر آهک اضافه شود اولین خطر این تغییر این است که آرمیهای کوچک موجود در دریاچه، غذای پرندگان مهاجر را از بین می‌برد. اساسا اثر هر ماده معدنی نه تنها در دریاچه ارومیه بلکه در هر محیطی باید بررسی شود به خصوص در مورد منطقه‌ای بسیار وسیع و دریاچه بسیار



مهمی مانند ارومیه.»

به گفته این کارشناس منابع آب، مالچ‌پاشی بر دریاچه ارومیه حتی با وجود استفاده از مالچ تجزیه شونده، در سطح آزمایشی درست ولی انجام آن در سطح گسترده به شدت غلط و مخرب است. وی می‌گوید: «فارغ از انگیزه کسانی که مانع از انجام این کار شدند، من کارشان را درست می‌دانم و استدلال جناب کاوه مدنی که در مصاحبه‌ای مالچ‌پاشی را کاری مثبت دانسته بود به نظر من غلط است. افزودن هر ماده‌ای برای جلوگیری از وزش بادهای نمکی بجز آبپاشی گام دیگری در نابودی دریاچه است. آزمایش مالچ‌پاشی باید سال‌ها توسط یک گروه تحقیقاتی بسیار بسیار قوی انجام شود و نتایج مورد بررسی دقیق قرار بگیرند.»

از سوی دیگر لیتیوم در سفره‌های زیرزمینی زیر بیابان‌های نمکین یافت می‌شود و از نمک و سنگ سخت به دست می‌آید و رسوبات منابع آبی شور عیار بالاتری از آن را تأمین می‌کنند، بطوری که اقیانوس‌ها «حدود پنج هزار برابر» بیش از خشکی این عنصر گرانبها را در خود دارند.

در همین ارتباط ایرنا خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی اواسط شهریور ۱۴۰۱ در گزارشی تأکید کرده بود که خشکیدن منابع آبی مهم ایران «در پس خود منابع مالی زیادی» به واسطه «استخراج لیتیوم» به همراه دارد.

در این گزارش، بدون ذکر جزئیات بیشتر، با استناد به «گزارش‌های رسانه‌ای» اشاره شده بود که «شاید» وجود لیتیوم در کف این دریاچه‌ها را بتوان به عنوان یک احتمال در تحلیل مقامات حکومتی ایران در احیای دریاچه‌ها از جمله ارومیه مطرح کرد.

همچنین در این گزارش به خشک شدن دریاچه‌های نمک قم، حوض سلطان، بختگان، هامون، کافت، مهارلو، پریشان، طشک، جازموریان، و ارومیه و تالاب گاوخونی اشاره شده بود. در این میان بر اساس «اکتشافات پهنه‌های معدنی در سال ۱۳۹۳»، از دریاچه نمک قم، تالاب حوض سلطان و دریاچه ارومیه از جمله «مهم‌ترین منابع غنی لیتیوم» نام برده شد. در عین حال که رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی ایران وجود لیتیوم در دریاچه ارومیه را تأیید کرده،

رئیس اداره حفاظت محیط زیست ارومیه گفته است یک شرکت چینی درخواست دریافت مجوز برای برداشت شورابه‌های پارک ملی این دریاچه را داشت.

پیشتر علیرضا شهیدی رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی ایران با بیان اینکه دریاچه ارومیه حاوی لیتیوم است به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «هیچ کس در ایران نمی‌تواند این میزان اندک را فرآوری کند.»

وحید جلال زاده نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی نیز ۲۲ دی‌ماه به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «هر از چندگاهی شایعاتی درباره بستر دریاچه ارومیه در فضای مجازی بزرگنمایی می‌شود، طبق پیگیری‌ها تا جایی که بنده اطلاع دارم چینی‌ها در بستر دریاچه ارومیه مشغول فعالیت نیستند و اصلا دریاچه ارومیه فاقد لیتیوم است که چینی‌ها و یا هر شرکت دیگری بخواهد آن را استحصال کند.»

به گفته مدیرکل روابط عمومی سازمان حفاظت محیط زیست نیز چینی‌ها «فعالیتی در بستر دریاچه ارومیه ندارند، خشک شدن دریاچه برای استحصال منابع، کذب است»

آیا دلیل خشکاندن دریاچه‌های نمکی ایران و به خصوص دریاچه ارومیه می‌تواند به دلیل استخراج لیتیوم باشد؟ بر اساس آنچه در برخی رسانه‌ها مطرح شده آیا می‌توان گفت که دریاچه ارومیه کاملا خشک شده و احیا نمی‌شود؟ آنهم در حالی که در سال ۱۳۹۴ در اولین دولت حسن روحانی مدام درباره‌ی احیای این دریاچه تا ۱۴۰۲، یعنی سالی که به پایان آن نزدیک می‌شویم، وعده داده می‌شد!

مهندس بندری در این زمینه معتقد است: «اینکه گفته می‌شود دریاچه ارومیه خشک شده باید گفت خبر، دریاچه ارومیه هنوز خشک نشده؛ هنوز یک مقدار آب دارد و از این حجم آب، به صورت فصلی اضافه یا کاسته می‌شود و در نتیجه هنوز حیات در این دریاچه وجود دارد.»

وی در ادامه توضیح می‌دهد: «تا جایی که اطلاع داریم فعلا از دریاچه ارومیه نمک برداشت می‌کنند این در حالیکه تپه‌های نمکی در نزدیکی تبریز وجود دارند که نمک موجود در این تپه‌ها مرغوب‌تر (نمک دارای ید) از پودر نمک دریاچه است.»

این پژوهشگر مدیریت منابع آب معتقد است: ←

عاشق صادق!

(کیهان لندن شماره ۱۰۵۲) اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ **خبراندیش (احمد احرار)**

پانزدهم



ژاک شیراک در فرودگاه اورلی پاریس به استقبال امیر عباس هویدا آمده است

بدارد و در بستن قراردادهای نان و آب دار دست و دل بازی به خرج دهد، عاشق می‌شود. خواه اسمش سید محمد باشد خواه محمدرضا یا امیرعباس.

یک شاهد عینی حکایت می‌کرد که در سال ۱۹۷۶ زمانی که ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه بود چند قرارداد مهم اقتصادی و فنی بین ایران و فرانسه به امضاء رسید که از مهمترین آنها قرارداد «اورودیف» بود: همکاریهای اتمی ایران و فرانسه.

امیرعباس هویدا نخست وزیر ایران برای امضای قرارداد به پاریس سفر کرد. از او استقبال گرم، به مراتب گرمتر از استقبال خاتمی، صورت گرفت. در پایان سفر، ژاک شیراک شخصاً هویدا را در فرودگاه «اورلی» پاریس بدرقه کرد.



محمد خاتمی و ژاک شیراک

همانجا، در ضمن مذاکرات عنوان کرد که ما از نظر مالی در مضیقه‌ایم و اگر اعتبار مربوط به قرارداد زودتر در اختیارمان قرار گیرد گشایشی در کارهای دولت فرانسه حاصل خواهد شد. هویدا گفت فوری تلفن کاخ سلطنتی را در تهران بگیرند. پس از چند دقیقه ارتباط با ایران برقرار شد. او به کابین رفت و چند دقیقه‌ای با شاه صحبت کرد و در بازگشت، در حالی که دو انگشتش را به علامت پیروزی نشان می‌داد به شیراک گفت «تمام شد... اعلیحضرت امر فرمودند فوراً یک میلیارد دلار به حساب دولت فرانسه ریخته شود.» شیراک از شادی بال درآورد. هویدا را بغل کرد و بوسید و گفت دلم می‌خواست نخست وزیر چنین پادشاهی بودم!

برخورد مسیو شیراک و آقا سید محمد خاتمی در روی پله‌های عریض کاخ «البزه» دیدنی بود. شیراک، چنان مشتاقانه از خاتمی استقبال کرد و او را در آغوش فشرد که بیننده اگر آشنایی با سیاست فرانسه و خلق و خوی رئیس جمهوری آن نداشت ممکن بود تصور کند اجداد آقای شیراک از قزویین به فرانسه مهاجرت کرده‌اند.

خبر، این خبرها نیست. حجت الاسلام خاتمی هم نباید به چنین خیالها دل خوش کند. آقای شیراک عاشق حاکم دامغان است. به عبارت دیگر عاشق حاکم ایران.

در دامغان، شخصی بر دَر دارالحکومه نشسته بود و های های می‌گریست و اشعار عاشقانه می‌خواند. سبب پرسیدند. گفت عاشقم. گفتند بر چه کس؟ گفت بر جناب حاکم. خبر به حاکم دادند. گفت او را به درهم و دیناری بنوازند و روانه‌اش کنند. چنان کردند. آن شخص هر چند یک بار سر و کلاهش در اطراف دارالحکومه پیدا می‌شد و به همین قسم اظهار عشق می‌کرد و چیزی می‌گرفت و می‌رفت. حاکم عوض شد و جای خود را به حکمران دیگری داد. باز دیدند که مرد عاشق آمده و نغمه عاشقی سر داده است. گفتند مگر نمی‌دانی که فلانی رفته و به جایش دیگری آمده است. گفت من عاشق حاکم دامغانم، فرق نمی‌کند که این باشد یا آن!

سام میرزا صفوی نیز در «تذکره سامی» از شاعری یاد می‌کند به نام جاروئی: «جاروئی شاعری بود عاشق پیشه، اما عاشقی او نه به صورت خوب بود بلکه هرکس حاکم بود وی بر او عاشق می‌شد. تا در قندهار بود عاشق بابر میرزا بود. بابر در سن پنجاه سالگی بود و بسیار بدقیافه. او مولانای مذکور را به سبب ابراز عشق، ایزده بسیار کرده بود با وجود این متنبه نشده بود. به هرات که آمد عاشق دُرْمَش‌خان شد و بعد از آن هرکس که حاکم بود او عاشق وی بود.»

از اشعار جاروئی است:

جاروئی‌ام و بسته کمر از پی خدمت

هر شام و سحر، خاک درت رُفتم و رُفتم

مسیو شیراک از پیروان مکتب جاروئی است. به هرکس حاکم ایران باشد و سهم فرانسه را از دلارهای نفتی منظور

«چینی‌ها هنوز قرارداد نبسته‌اند، هم‌اکنون در حال مطالعه برای بررسی توجیه اقتصادی استخراج لیتیوم هستند چرا که درصد لیتیوم موجود در نمک دریاچه برای آنها اهمیت دارد و البته مسئله مالچ‌پاشی هم ارتباطی به موضوع لیتیوم ندارد.» وی می‌افزاید: «به هر حال بطور صد درصد می‌توان گفت که در دریاچه ارومیه لیتیوم وجود دارد، نکته مهم میزان و درصد آن است که آیا در حجمی هست که مقرون به صرفه باشد که چینی‌ها یا هر کس دیگری آن را در سطح وسیع استخراج کند؟ و نکته دیگر اینکه بررسی این موضوع نیازمند مطالعه است و در حال حاضر چینی‌ها در حال مطالعه هستند که آیا درصد تراکم لیتیوم به اندازه‌ای هست که ارزش برداشت داشته باشد یا نه.»

یکی از خبرنگاران ساکن ارومیه نیز در همین ارتباط به کیهان لندن می‌گوید: «من هفته پیش در یک تور رسانه‌ای همراه تعدادی از خبرنگاران به محل استخراج نمک در کنار میانگذر رفتیم، مدیرکل محیط زیست استان‌های آذربایجان غربی و شرقی هم آنجا بودند، در این بازدید، آنها برداشت لیتیوم از دریاچه ارومیه را تکذیب کردند و گفتند تنها ماده معدنی قابل برداشت، نمک خشک است.»

وی اضافه کرد: «مدیرکل محیط زیست آذربایجان غربی در این بازدید ادعا کرد برداشت نمک از دریاچه ارومیه از گذشته‌های دور همیشه بوده و موضوعی جدید نیست. به گفته مدیرکل محیط زیست آذربایجان غربی هم‌اکنون شش مجوز برداشت نمک از دریاچه توسط سازمان صنعت معدن و تجارت در ابعاد ۲۰ هکتار با عمق ۴۰ سانتی‌متر صادر شده. نمک به دست آمده در صنعت شیشه‌سازی، یخ‌زدایی از جاده‌ها و نیز مصارف جوامع محلی کاربرد دارد.»

این خبرنگار همچنین گفت: «ما حتی در مورد حضور چینی‌ها برای برداشت نمک سوال کردیم؛ مدیران کل هر دو تکذیب کردند؛ از چند راننده در مورد وضعیت برداشت نمک سوال کردم، گفتند نمک‌ها را به مراغه می‌برند.»

وی معتقد است: «عامل اصلی خشکی دریاچه ارومیه ساخت بیش از ۲۳ سد در حوضه دریاچه ارومیه و توسعه سطح زیر کشت کشاورزی پس از انقلاب است. پس از پیروزی انقلاب نزدیک ۵ برابر به سطح زیر کشت حوضه دریاچه اضافه شده به عبارت دیگر عدم مدیریت صحیح منابع آبی. ساخت نیمی از این سدها ضروری نبود، یعنی کاربرد مثبت و بازده خاصی ندارند. فقط جلوی حبابه دریاچه را گرفته‌اند، البته دولت روحانی تصویب کرده بود که کارهای تحقیقاتی برای سدسازی‌های جدید متوقف شود و حتی جلوی ساخت سدهای نیمه‌کاره را هم گرفتند. حالا این دولت می‌خواهد آن طرح‌ها را اجرا کند و دوباره سد بسازند با این توجیه که رودخانه‌های اطراف مثل نالزو چای آب دارند.» عوامل انسانی که در رقم خوردن وضعیت اسفناک دریاچه ارومیه نقش داشته‌اند شامل سدسازی‌های متعدد، ساخت بزرگراه «شهید کلانتری» و توسعه ۲۷۰ هزار هکتاری کشاورزی است که البته بیشتر این سدها برای توسعه کشاورزی ساخته شده و از ۲۳ سد فعال در این حوضه آبریز، کشاورزی در کاربرد ۱۵ سد دیده شده است.

به دلیل ساخت این سدها، حجم آبی که پیش از ساخت آنها به دریاچه ارومیه وارد می‌شده اکنون به زمین‌های کشاورزی رفته یا در پشت سدها ذخیره می‌شود و معمولاً در هر سال مقدار بسیار اندکی از آب برخی از این سدها، سهم دریاچه ارومیه می‌شود که همین مقدار اندک نیز تخییر می‌شود بدون آنکه به شکل بارش به دریاچه بازگردد. سد زولا، سد شهرچای، سد آغ‌چای، سد ارس ۲ و... از جمله سدهایی هستند که ورودی آنها به دریاچه ارومیه تقریباً صفر است!

«نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (بخش پایانی)

کم و کیف روابط سازمان انقلابی با چین کمونیست

چینی‌ها اصولاً با انقلاب در ایران مخالف بودند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهر تا آذر ماه ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۷۵ تا ۱۰۸۲)

بازنشر



حمید شوکت



کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی و سازمان انقلابی که از ائتلاف آن با حزب توده به وجود آمد در سوق دادن مبارزه سیاسی به مسیر مبارزه چریکی و اقدام مسلحانه علیه رژیم پیشین ایران نقش مؤثر داشتند. حمید شوکت، از فعالان کنفدراسیون، در سالهای اخیر به تدوین تاریخ شفاهی کنفدراسیون همت گماشته و چند کتاب زیر عنوان «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» انتشار داده که آخرین آنها گفتگو با محسن رضوانی است.

در این کتاب، گفتنی‌های بسیار از کم و کیف فعالیتهای پنهان و ارتباطات کنفدراسیون و سازمان انقلابی به صورت گفت و شنود بین شوکت و رضوانی بازگو شده است.

خوانندگان عزیز و پژوهندگان تاریخ معاصر ایران را به مطالعه این کتاب که بخشهایی از آن برای درج در صفحه‌های خاطرات و تاریخ برگزیده شده است دعوت می‌کنیم.

گزیده کتاب را از مأموریت پرویز نیکخواه و عزیمت وی به تهران می‌آغازیم. «گروه نیکخواه» پس از حادثه تیراندازی به محمدرضا شاه در کاخ مرمر (۲۱ فروردین ۱۳۴۴) به عنوان متهم اصلی شناخته شد. پرویز نیکخواه و تعدادی دیگر از افراد تیم او بازداشت و محاکمه شدند. نیکخواه پس از آن که قسمتی از دوران محکومیت خود را در زندان گذراند آزاد شد و چون به تحولات ناشی از «انقلاب سفید» در جامعه ایران عقیده پیدا کرده بود مانند کورش لاشایی تصمیم به همکاری برای پیشبرد این برنامه گرفت. او در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران مشغول کار شد و پس از انقلاب اسلامی در شمار نخستین کسانی بود که اعدام شدند.

فارس فرستادیم تا راهی برای انتقال به ایران پیدا کنند. بنابراین این که اینجا مانیم و ریاست کنیم در فرمان نبود. مانعی نمی‌دیدیم اگر آنها بمانند و ما برویم. داوطلب بودیم که برویم و سنگرها را، هرچقدر مخاطره آمیز باشند فتح کنیم.

● سازمان دهی چنین کارزاری حتی اگر با خلوص نیت انجام گیرد، نیز نهایت اعمال قدرت است. قصد من از طرح این پرسش قضاوت ارزشی نیست. می‌خواهم تفاوتها آشکار شود.

— ما در قید و بند کسب اعمال قدرت نبودیم. کورش پزشکی موفق بود که چه در آلمان و چه در ایران می‌توانست زندگی مرفهی برای خود تدارک ببیند. او که با ملکه زیبایی شهر مونیخ ازدواج کرده بود همسر و فرزندش را گذاشت و خود را یکسره وقف انقلاب و مبارزه مخفی کرد. مهدی (خانابا تهرانی) نیز چنین کرد و رفقای دیگری نیز همین راه را برگزیدند. البته در آغاز کار وضع چنین نبود که همه ارزشها را نفی کنیم. پس از کنگره‌های دانشجویی شرابی می‌خوردیم و شعری می‌خواندیم و کنار آب قدم می‌زدیم. اما با کشیده شدن به زندگی مخفی همه اینها یکباره تغییر کرد. این انتخاب، انضباط تشکیلاتی و توان تحمل سختی‌ها را در ما افزایش داد. اما همین اقدام باعث شد که خیلی سخت زندگی کنیم. نوعی از زندگی که شاید در تصمیمات سیاسی ما تأثیری منفی بر جای گذاشت.

● این تأثیر منفی چگونه بود؟

— به گمان من برای این شیوه تفکر درست حداقلی از رفاه مادی لازم است و محرومیتهای زیاد تأثیر منفی بر جای خواهد گذاشت. خاطرم هست وقتی با کورش در شهر هاننور آلمان دنبال کار سازمانی بودیم، هیچ تفریحی نداشتیم. فقط گاهی به حمامهای عمومی که پول کمی می‌گرفتند می‌رفتیم. کورش شاید یک ساعت زیر دوش آب گرم می‌ایستاد و می‌گفت: «محسن این دوش آب گرم آسایشی را برای من به وجود می‌آورد که غیرقابل توصیف است.» ما هر لذتی را بر خود منع کرده بودیم.

● چه لذتی را؟

سه نفر را از سازمان انقلابی اخراج کردید. چرا؟
— آنها از همان اول راهشان را انتخاب کرده بودند و می‌خواستند بیروند.

● اگر شما را مجاب کرده بودند که نظراتشان را کم و بیش بپذیرید، اگر انتشار نشریه «توده» را در دست گرفته بودند، اگر در هیئت اجراییه عضویت داشتند چه دلیلی داشت که بخواهند بروند.

— متوجه شده بودند که با ما نمی‌توانند کار بکنند. مسئله مرکزی آنها این بود که می‌خواستند حزب توده را احیا کنند. حزبی که همچنان خود را رهبران انقلابی آن می‌دانستند.

● شما نیز جز این نمی‌گفتید. هم خود را انقلابی می‌دانستید و هم ادامه حزب توده و مدافع نظریه احیای حزب طبقه کارگر. تردیدی نیست که روحیه، سنت و تاریخی متفاوت داشتید و این به لحاظ نگاهتان به مبارزه واقعیتهای غیرقابل انکار بود. اما به لحاظ نظری تفاوتی بنیادین در میان نبود.

— در ظاهر چنین به نظر می‌رسید، اما هرچه جلوتر می‌رفتیم تفاوتها آشکار می‌شد.

● شما گذشته‌های نداشتید و آنچه داشتید پرچمی بی‌لکه بود. آنها حقایق وجودی‌شان در گذشته‌های گاه آلوده به زشتی توجیه می‌شد. تا اینجا تفاوتها آشکار بود. در اعمال قدرت چطور؟ آیا تفاوتی بنیادین در میان بود؟

— قدرت مسئله ما نبود و با آنها با حسن نیت رفتار کردیم. اگر می‌خواستیم که فروتن عضو هیئت اجراییه نمی‌شد. قاسمی را نیز از مرکز قدرت دور نکردیم. گفتیم در کنفرانس بعدی راه برای او باز خواهد بود و این اقدام نیز با اصول خوانایی داشت. تمام فکر و عمل ما معطوف انتقال به ایران بود و بچه‌ها را مخفی و علنی به ایران می‌فرستادیم. می‌دانستیم خطر دستگیری، شکنجه و مرگ وجود دارد، اما می‌گفتیم آخر پایمان بند می‌شود و ماندگار می‌شویم و تشکیلات داخل را سازمان می‌دهیم. بر همین اساس بود که شماری را از کشورهای اروپا و آمریکا به ترکیه، عراق و افغانستان و کشورهای حاشیه خلیج

● آنها ضد شاه نبودند و درآستانه انقلاب اسلامی، هنگامی که ملکه انگلستان سفارش را به ایران لغو کرد رهبر حزب کمونیست چین به تهران رفت

● حمید شوکت: قاسمی چه تیپ آدمی بود؟

محسن رضوانی: برخلاف فروتن که در صحتیهایش نرمش به خرج می‌داد، آدمی رگ و یک دنده بود. در چشمش نگاه می‌کرد و سخت‌ترین حرفها را می‌زد. در هیئت تحریریه نشریه «توده» نیز رفتار جالبی داشت. کیفی داشت شاید با بیش از ۲۰۰ شیار، که داده بود در آلمان شرقی از چرم برایش درست کرده بودند. درست مثل عطاری‌های سابق کارش این بود که مطالب روزنامه را قیچی می‌کرد و بریده‌های آن را با دقت خاصی به ترتیب در این شیارها که با شماره و حروف الفبا مشخص شده بودند، قرار می‌داد. وقتی از او می‌پرسیدیم این چه نوع کاری است، در پاسخ گفت: مقاله‌نویس است و با این نظم و ترتیب به بهترین نحو می‌تواند کار کند.

خاطرم هست جلسه هیئت اجراییه نشریه «توده» در پاریس تشکیل می‌شد و کورش (لاشایی) نیز چون عضو هیئت تحریریه بود از آلمان به پاریس می‌آمد. او همیشه مقداری روزنامه آلمانی برای قاسمی می‌آورد. در یکی از این جلسات به قاسمی گفت «رفیق قاسمی، این روزنامه‌ها را از آلمان برایتان آورده‌ام.» قاسمی گفت: «یک بار دیگر آن چه را که گفتی تکرار کن.» کورش که حاج و واج مانده بود حرفش را تکرار کرد و قاسمی با جدیت گفت: «چنین چیزی نیست. اینها را برای من نیاورده‌ای. برای تشکیلات آورده‌ای. من چیز شخصی نمی‌پذیرم.» فروتن در مقابل، شخصیتی دیگر داشت و اهل نرمش و مصالحه بود و سعی می‌کرد دیدگاههای ما را بفهمد. یک بار در اوج اختلافات وقتی از رفتار قاسمی انتقاد می‌کردم گفت: «بابا من که قاسمی نیستم.» قاسمی در واقع شخص درجه اول آنها بود. سغایی موقعیت و توانایی آن دو نفر را نداشت و آدم صاف و ساده‌ای به نظر می‌آمد.

● شما در فاصله یک سال پس از برگزاری کنفرانس لی‌یژ آن



معادلات خودش را انداخت جلو و در کنگره سخنرانی کرد. بعد هم به عنوان نویسنده ایرانی با کوموجو، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست چین عکسی گرفت که تو در کتاب گفتگوهایت با کورش چاپ کرده‌ای.

● آیا در رفتار مهدی برای کمک به آن سه نفر هیچ نشانی از صمیمیت می‌بینی؟ آنهم هنگامی که چون شما بنا بر اصول سیاسی با آنها اختلافاتی جدی داشت؟

— اول این که من هیچ مانعی بر سر راه ترجمه آثار مائو توسط آن سه نفر ایجاد نکردم. مسئله‌ای نیز به نام صمیمیت و خیرخواهی مهدی در این بحث بی‌معناست. ما تشکیلاتی سیاسی بودیم که به اجبار می‌بایست اصول تشکیلاتی را رعایت می‌کردیم و مهدی در بند این قضایا نبود. وقتی هم به عنوان کارمند بخش فارسی رادیو پکن به چین رفت، هر وقت به آن کشور می‌رفتیم به رفقای چینی می‌گفتیم می‌خواهیم با رفیق رامین (نام مستعار تهرانی) ملاقات کنیم.

● یعنی برای ملاقات با او باید از چینی‌ها اجازه می‌گرفتید؟ — نمی‌دانستیم کجا زندگی می‌کند. پس به چینی‌ها می‌گفتیم در برنامه‌ای که برایمان ترتیب می‌دهند، وقتی نیز برای دیدار با او تدارک ببینند. خاطر هست یک شب با مهدی و سرهنگ نوایی که در پکن به سر می‌برد در رستوران سین جیان شام مهمان بودیم و کبابی خوردیم.

خلاصه آن که رفتار ما با مهدی همواره رفیقانه و احترام

سرنجام با ترجمه آثار مائو از جانب آن سه نفر به مخالفت برخاسته‌اید. اقدامی که می‌توانست از تنگدستی مالی آنان بکاهد.

— هیچ یک از این حرفها واقعیت ندارد. آنها این تصور را القاء کردند که در چنگال ما اسیر شده‌اند و خود را مظلوم جلوه دادند. گویی شده‌ایم معاویه و آب را بر حسینیان بسته‌ایم. پیشتر اشاره کردم که با یک گروه چپ فرانسوی رابطه داشتیم. اولین کاری که کردیم این بود که از طریق ژولی که در دانشگاه سوربن زبان کردی درس می‌داد برایشان گذرنامه پناهندگی بگیریم. من فروتن را با او آشنا کردم و از این راه برایشان یک آپارتمان و مدتی بعد گذرنامه پناهندگی سیاسی گرفتند. پس مسئله مالی نداشتند.

● ماجرای مخالفت تو با ترجمه آثار مائو به زبان فارسی توسط آن سه نفر چه بود؟ مهدی تهرانی می‌گوید وقتی متوجه شد آنها در مضیقه مالی به سر می‌برند با چینی‌ها تماس گرفت تا ترجمه آثار مائو را به آنها بسپارند. به گفته مهدی به خاطر احاطه‌ای که قاسمی به مسایل سیاسی، فروتن به مسایل فلسفی و سغایی به مسایل نظامی داشتند کاندیداهای مناسبی برای ترجمه آثار سیاسی، فلسفی و نظامی مائو به شمار می‌آمدند.

— من با آنکه مسئول رابطه سازمان انقلابی با چینی‌ها بودم، اما وظیفه خود می‌دانستم کار آنها را به راه بیندازم و مسئله

— بیش از هر چیز لذت جنسی را. رسم این بود که آنها که رابطه زناشویی نداشتند نباید ازدواج می‌کردند و آنها که داشتند می‌بایست آماده باشند هر لحظه خانه و کاشانه‌شان را رها کنند و مخفی شوند. مواردی پیش آمد که زنانی در سازمان به خاطر حاکم بودن همین تفکر سقط جنین کردند.

● و این همه در اوج انقلاب جنسی در اروپا و آمریکا؟ — بیژن حکمت می‌گفت دوره، دوره عشق رومانتیک است. یعنی مسئله جنسی از صورت مسئله حذف است و جز پرداختن به انقلاب، فرصت برای چیز دیگری نیست.

● مسئله جنسی مقوله‌ای به غایت انسانی است. با حذف آن، تلخی و خشونت بر جای می‌ماند. عشق نیز به فرصت و لطافت و گاه مرارت نیاز دارد. با خشونتی که جریان داشت، جز مرارت چیز دیگری در میان نبود. تنها محرومیت بود که تقدیس می‌شد.

— وقتی بچه‌ها را برای کار در میان کارگران ایرانی به دوی و کویت فرستادیم، ایرج (کشکولی) شکایت می‌کرد و می‌گفت: «ما این همه در میان کارگران کار ایدئولوژیک می‌کنیم و خسرو صفایی از رم آمده اینجا و برایشان کلاس سوادآموزی گذاشته است. اینها در ایران زن و بچه دارند. آن وقت تا چشم ما را دور می‌بینند فاحشه‌ها را به خانه می‌آورند.»

● ماجرای قاسمی، فروتن و سغایی را دنبال کنیم. شما در آذرماه ۱۳۲۵ آنان را از سازمان انقلابی اخراج کردید و این



تصویری از تظاهرات دانشجویان کنگفدراسیون در وین - بهمن ۱۳۴۰

آمیز بود. چینی‌ها نیز با او با احترام رفتار می‌کردند. تا آن که بر سر چگونگی برنامه فارسی رادیو پکن با هم اختلاف پیدا کردند و مهدی به اروپا بازگشت. او ماجرای این اختلاف را در گفتگوهایش با تو توضیح داده است.

● مهدی می‌گوید او می‌خواست در رادیو برای انقلاب ایران تبلیغ کند. حال آن که هدف چینی‌ها توضیح پیشرفتهای چین و سطح تولید غله بود. این اقدام ارتباطی با انتناسیونالیسم پرولتری و همبستگی بین‌المللی که چین مدعی آن بود نداشت. در این زمینه چه می‌گوی؟

— حق با مهدی بود و من این را به چینی‌ها می‌گفتم که مردم ایران به این نوع تبلیغات بی‌توجه‌اند. توضیح می‌دادم که حتی از نظر منافع چین نیز این برنامه کارایی ندارد و مردم ترجیح می‌دهند به برنامه رادیو بی.بی.سی گوش دهند که اگر نه انتقادی‌تر، اما واقع‌بینانه‌تر است. اما سیاست چینی‌ها در این زمینه فقط مختص ایران نبود. درباره کشورهای آمریکای لاتین نیز همین سیاست را اعمال می‌کردند. ● چینی‌ها در این زمینه نظرات شما را نمی‌پذیرفتند. آیا این هیچ مانعی ←

ترجمه آثار مائو از طرف آن سه نفر را که به ابتکار مهدی عنوان شده بود از زاویه دیگری می‌دیدم. مهدی می‌خواست از این طریق سرخ تماس با چینی‌ها را به دست گیرد و این کار را مستقل از سازمان انقلابی و به اختیار خود انجام دهد. این با هر نوع خط و ربط فعالیت سازمانی در تضاد قرار داشت. مهدی تمام مدت تلاش کرد از پایگاه پکن برای خود امکانات درست کند. مثلاً به ابتکار خود با بچه‌ها تماس می‌گرفت و از آنها دعوت می‌کرد برای آموزش به چین بیایند.

● ایرادی می‌گرفتید؟ — بی‌فایده بود. اگر حرفی می‌زدیم می‌گفت: «محسن، این فلانی و فلانی در اروپا ول می‌گردند بفروستید اینجا باشند بهتر است.» یکبار می‌خواست در کنگره نویسندگان کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که در ژوئیه ۱۹۶۶ در چین برگزار شد شرکت کند و ما برای این کار تماس گرفت. گفتم مهدی جان تو که نویسنده نیستی. گفت: «اینجا چین است. فکر می‌کنی آن آفریقائی که در این کنگره شرکت می‌کند نویسنده است؟ من خودم از او پرسیده‌ام و می‌گوید چنین نیست.» با همین

مطلب را طی اطلاعیه‌ای درونی با کادرهای سازمان درمیان گذاشتید. در این اطلاعیه که با عنوان «همه چیز در خدمت مبارزه مسلحانه و همه فعالیتها در جهت احیای حزب طبقه کارگر، انتشار یافت، عنوان کردید: ایران فاقد حزب طبقه کارگر است؛ حال آن که آن سه نفر حزب توده را همچنان حزب طبقه کارگر می‌دانستند که باید به احیای مجدد آن دست زد. اشاره کردید که آنان علل انحراف کمیته مرکزی حزب توده را بروز تجدیدنظر طلبی در اصول مارکسیسم در اتحاد شوروی می‌دانند که بر حزب توده نیز چیره شده است. حال آن که به گمان شما علل انحراف را باید در درون پدیده‌ها جستجو کرد و عوامل خارجی را عمده نشمارد. فراکسیون بازی، تنگ نظری، اهمیت بخشیدن به زندگی خصوصی و عدم رعایت اصول مخفی‌کاری زمینه‌های دیگر انحرافات آنان شمرده می‌شدند. اما از جانب آنان و نیز کسانی که به رفتار شما انتقادهایی داشتند نیز نکاتی عنوان شد. نکاتی از این دست که آنان را در مضیقه مالی قرار داده‌اید. از دادن دارو، به سغایی که از بیماری قلبی رنج می‌برد خودداری کرده‌اید و

➔ در ذهن شما پیرامون انترناسیونالیسمی که چین مدعی آن بود ایجاد می‌کرد؟ انترناسیونالیسمی که بی‌شابهت به رفتار شوروی نبود.

– برعکس ما می‌گفتیم در این یک مورد رفتار شوروی بهتر است. رادیو شوروی گاه اعلامیه گروههای سیاسی را می‌خواند. مثلا در انشعاب خلیل ملکی و جمعی دیگر از حزب توده، همان شب به نفع حزب توده موضع گرفتند و یا رادیو پیک ایران با تمام تعجیدی که از سیاست شوروی می‌کرد، گاه ایراداتی به رژیم شاه می‌گرفت.

● در این جا تفاوتی موجود است. شما از چین نمی‌خواستید که در اختلافات میان سازمان انقلابی با آن سه نفر دخالت کند. حرف مهدی این بود که چرا از انقلاب ایران دفاع نمی‌کنند و به استبدادی که جریان دارد معترض نیستند.

چینی‌ها می‌گفتند این دخالت در امور داخلی دیگران است. ● مگر فراهم آوردن امکانات برای کمونیستهای ایرانی و آموزشی سیاسی و نظامی آنان دخالت در امور داخلی دیگران نبود؟ چنین به نظر می‌رسد که چینی‌ها می‌خواستند هم با شاه بسازند که ضد شوروی بود و هم از شما برای مقابله با حزب توده به عنوان چوب دست شوروی در ایران، استفاده کنند.

– چینی‌ها مسئله عدم دخالت در امور داخلی دیگران را تا حد اصولی خدشه‌ناپذیر ارتقاء داده بودند و این درست نقطه مقابل سیاست شوروی بود که احزاب کمونیست مدافع خود را به بنگاه تبلیغاتی برای پیشبرد منافع شوروی تبدیل کرده بود. با این همه، اگر در موردی خیلی اصرار می‌کردیم می‌گفتند نظرات ما را به اطلاع رفقای بالا، خواهند رساند و بعد از یکی دو روز می‌گفتند سیاستی که اعلام شده، نظر رفقای بالاست. واقعیت امر این بود که چین می‌خواست از انزوای جهانی بیرون آید و در دستیابی به این هدف اصولی را که برای ما بارز بود نادیده می‌گرفت. البته وقتی با دولتهای اروپایی کنار آمدند و روابط دیپلماتیک برقرار کردند، همچنان مقالات سازمانها و احزاب کمونیستی اروپایی مدافع چین را در نشریات خود به چاپ می‌رساندند.

● روشن است. چون آن مقالات در خود اروپا نیز به چاپ می‌رسید. در مورد شما جز این بود و صدای کمونیستهای ایرانی به گوش مردم می‌رسید. اگر چین پایگاه انقلاب جهانی بود، چرا حمایتی از انقلاب ایران نمی‌کرد؟ آیا این را از خود نمی‌پرسیدید؟

– در کارشان منطقی وجود داشت. انترناسیونالیسم پرولتری، به این معنا نبود که از ما پشتیبانی کنند تا نوکر چین شویم.

● آنها همه نوع امکانات برایتان فراهم می‌کردند و خرج بلیط هواپیمای تان را می‌دادند، نوکرشان نمی‌شدید. اما اگر در رادیو پکن از انقلاب در ایران پشتیبانی می‌کردند نوکرشان می‌شدید؟ – چینی‌ها اصولا مخالف انقلاب در ایران بودند، چون ضدشاه نبودند. در آستانه انقلاب نیز حتی هنگامی که ملکه انگلستان سفرش را به ایران لغو کرد، هواکوفنگ، رهبر حزب کمونیست چین، به ایران رفت.

● طنز تاریخ این بود که آخرین دیدار رسمی از دیکتاتور ایران که کمونیسم بین‌المللی را دشمن درجه اول خود می‌دانست، با رهبر حزب کمونیست چین باشد. – طنز تلخی بود.

● در مورد کمکهای مالی جمهوری توده‌ای چین به سازمان انقلابی چه می‌گویید؟ در گفتگوهایی که با تهرانی، کشکولی و لاشایی داشتیم آنها دریافت کمک مالی از آن کشور را تأیید می‌کنند. تنها تفاوتی که میان اظهارات آنها در این باره وجود دارد، مقدار کمی است که از چین می‌گرفتید.

– در درجه اول باید بگویم که چینی‌ها با احترام ویژه‌ای به ما برخورد می‌کردند. شاید این به خاطر سابقه حزب توده بود، چون در همه سالهایی که کمونیستها در آن کشور قدرت را در

دست گرفتند، حزب توده به عنوان قدرتمندترین حزب چپ در خاورمیانه از شهرت و اعتبار فراوانی برخوردار بود. یک بار یکی از کادرهای حزب کمونیست چین، به من گفت در موزه انقلاب چین در پکن تلگرافی از کارگران ایرانی دیده است که در پشتیبانی از انقلاب چین ارسال شده بود. از طرف دیگر، آنها از انضباط ما و این که دنبال ظواهر و زندگی خصوصی و امکاناتی که در اختیارمان می‌گذاشتند نبودیم، خشنود بودند.

● در مورد کمکهای مالی چین به سازمان انقلابی صحبت می‌کردیم.

– گمان می‌کنم تهرانی، کشکولی و لاشایی هر سه در گفتگوهایشان با تو خاطرنشان کرده‌اند که من از طرف سازمان انقلابی رابط و مسئول تماس با چین بودم. این حرف درست است و گمان می‌کنم سیزده بار به چین سفر کرده باشم و آنچه می‌گویم با آگاهی کامل است. مقوله‌ای به نام کمک مالی چین به سازمان انقلابی به نحوی که آن سه نفر به آن اشاره کرده‌اند از پایه بی‌اساس است.

یعنی از چین کمک مالی نمی‌گرفتید؟

– کمک مالی چینی‌ها به این ترتیب بود که آنها پول بلیط هواپیمای ما را می‌دادند. اگر قرار بود هفت نفر برای آموزشهای سیاسی و نظامی به آن کشور بروند، چینی‌ها حساب می‌کردند هفت بلیط با شرکت هواپیمایی سوئیس ایر مثلا ۱۴۰۰۰ دلار می‌شود و این مبلغ را به ما می‌دادند و ما به جای مسافرت با سوئیس ایر با شرکت هواپیمایی پاکستان سفر می‌کردیم و چون بلیطها ارزان تر بود، مبلغ باقیمانده را به حساب سازمان انقلابی می‌ریختیم که آن نیز اغلب خرج سفر می‌شد. پس هیچ وقت حرف گرفتن کمک مالی در میان نبود. فقط و فقط اگر کار مشخصی داشتیم پول می‌گرفتیم.

● کار مشخص چه بود؟

– مثلا یک بار برای فرستادن رفقا به داخل کشور به پول احتیاج داشتیم که ۴۰۰۰ دلار گرفتیم. یک بار هم کورش از طرف من مبلغی گرفت و چند بار نیز من چنین کردم. اما چیزی به نام مقرری ماهانه یا سالانه در میان نبود.

● کمک مالی از چه راهی گرفته می‌شد؟

– اکثرا به این ترتیب بود که به یکی از کنسولگری‌های آن کشور مراجعه می‌کردم و قرار می‌گذاشتیم. ● این که می‌گویید اکثرا، پس معلوم است این امر چندین بار اتفاق افتاده است.

– منظوری به خاطر گرفتن پول بلیط برای سفر به چین بود. ● این که گفته شده تو مسئول رابطه مالی با چینی‌ها بوده‌ای تا چه اندازه درست است؟

– اصلا چیزی به نام مسئول مالی رابطه با چینیها وجود نداشت. چنان که اشاره کردم اگر قرار بود مثلا یک گروه هفت نفری در سه ماه آینده به چین برود، من گذرنامه‌های آنها را می‌بردم سفارت چین و همانجا جزئیات کار روشن می‌شد و پول بلیط را حساب می‌کردند و می‌پرسیدند پول بلیط را می‌خواهم بلافاصله بگیرم یا اندکی پیش از سفر. چون آن روزها کنسولگری چین در کشورهای غربی تحت کنترل شدید بود من اغلب قرار می‌گذاشتم که پول را در کافه‌ای بگیرم. بعد در تاریخ معینی به آن کافه می‌رفتم و رابط چینی می‌آمد و رمزی رد و بدل می‌کردیم و قهوه‌ای می‌خوردیم و پولها را که همیشه به دلار بود در پاکتی دریافت می‌کردم.

● به این معنا جز خرج بلیط هواپیما و مبلغی خرج راه، پول دیگری از چینی‌ها نمی‌گرفتید.

– جز دو سه بار مورد استثنایی که پیش آمد، هیچگاه جز آن چه گفتم پول دیگری از چینی‌ها نگرفتیم. احتیاجی هم نداشتیم. در آغاز کار که اصولا خرجی در میان نبود. بعدها که سازمان انقلابی قدرتمند شد و در جنبش دانشجویی خارج از کشور نفوذ پیدا کرد، دانشجویان طرفدار ما که از

ایران برایشان پول می‌آمد به سازمان کمک مالی می‌کردند. با گسترش سازمان، اعضا و هواداران ما کار می‌کردند و منابع مالی سازمان از این راه تأمین می‌شد. بعدها بین کارگران ایرانی در خلیج فارس دست به ایجاد چند کارگاه حرفه‌ای زدیم که خودشان منبع مالی ما شدند و از همه مهمتر کمکهای مالی تشکیلات سازمان در آمریکا بسیار مؤثر بود و ماهی چند هزار دلار از آنجا تأمین می‌شد. با انقلاب فرهنگی چین که یکی از جنبه‌های تبلیغاتی آن تکیه به پیروزی خود بود، دریافت کمک مالی از آن کشور به لحاظ نظری نیز کم و بیش منتفی شد. مضاف بر این که اصولا کادر حرفه‌ای کم داشتیم.

● سیاست چین را در ارتباط با سازمان انقلابی چگونه ارزیابی می‌کنی؟

– چینی‌ها در سیاست خود نسبت به ما روی چهار نکته تکیه می‌کردند که عبارت بود از: اتکاء به نیروی خود؛ عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر؛ کمک متقابل بنابر شرایط مشخص؛ و آموزشهای سیاسی و نظامی برای آشنایی با تجربه انقلاب چین. روشن است که کمک متقابل تعارفی بیش نبود و ما نمی‌توانستیم کمکی به آنها بکنیم. تکیه چینی‌ها بر این مطلب بود که هدف تنها آشنایی ما با تجربه انقلاب چین است و نباید الگوبرداری کنیم، در عمل اجرا نمی‌شد.

● چرا؟

– نه چینی‌ها آن را اجرا می‌کردند و نه ما. وقتی با انقلاب فرهنگی توپخانه اندیشه ما تو را به راه انداختند، دیگر کسی جلودارشان نبود. گروههای مدافع چین همه دنبال این نظریه افتادند که اندیشه مائوتسه دون، مارکسیسم عصر حاضر است. ما نیز این پرچم را از آن خود ساختیم و «تحت لوای مارکسیسم – لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون، به پیش» تاختم. این شعار همیشگی ما بود. البته در جریان آموزشهای تئوریک و نظامی همواره از ما نظرخواهی می‌کردند و می‌خواستند بدانند چه مسایلی برایمان اولویت دارد تا براساس آن حرکت کنند. خیلی با نرمش رفتار می‌کردند.

در تمام مسایل؟

– نه. مثلا در مورد جنبش کردستان به هیچ وجه موافق آن نبودند. می‌گفتند در جنبش خلق کرد همواره دست خارجی در میان بوده و مورد سوءاستفاده شوروی قرار گرفته است. هر بار با آنها راجع به کردستان حرف می‌زدیم یا سکوت می‌کردند یا می‌گفتند موافقتی ندارند. حتی چند بار کوشش کردیم سازمانهای کرد را با آنها مرتبط کنیم و گفتیم در جنبش کردستان جریانات مارکسیست – لنینیستی و مدافع اندیشه مائو وجود دارد، اما روی خوش نشان ندادند.

آیا در این میان حمایت از رژیم شاه به عنوان رژیم ضد کمونیستی که در مقابل شوروی ایستاد، نقشی بازی می‌کرد؟

– قطعاً نقش بازی می‌کرد. چینی‌ها با تمام رژیمهای ضد کمونیستی که مخالف شوروی بودند، کنار می‌آمدند. این گرایش در جریان پیوستن به سازمان ملل تقویت شد بعدها با تئوری سه جهان که جنبه‌ای از آن اعتقاد به توانائی معین کشورهای در حال رشد برای مقابله با دو ابرقدرت آمریکا و شوروی بود، این جنبه به سیاست عمومی آن کشور در عرصه بین‌المللی بدل گشت.

در اینجا می‌خواهم در ارتباط با کمک مالی چین نکته‌ای را توضیح دهم و آن این که من دریافت هر نوع کمک، از جمله کمک مالی از یک حزب برادر را نه تنها نافی اصول و عقاید خود نمی‌شمارم، بلکه آن را وظیفه انترناسیونالیستی احزاب کارگری می‌دانم. ما خود به شماری از سازمانهای انقلابی در خاورمیانه، به جنبش فلسطین و ظفار و حزب کمونیست عراق کمک مالی کردیم. اما چینی‌ها به عنوان یک اصل مخالف آن بودند که برای احزاب برادر مقرر مالی تعیین شود و روی اصل اتکا به نیروی خود تأکید می‌کردند. ➔

مسئول اطلاعات «سپاه قدس» در سوریه و معاون وی در حمله جنگنده‌های اسرائیل به دمشق کشته شدند



از شدت انفجار ساختمان متعلق به اطلاعات سپاه قدس در دمشق به نظر می‌رسد که اسرائیل برای هدف قرار دادن آن از مهمات سنگین استفاده کرده است

«بار دیگر رژیم ددمنش و جنایتکار صهیونیستی اقدام به تجاوز به شهر دمشق پایتخت کشور سوریه نمود و طی حمله هوایی جنگنده‌های رژیم متجاوز و غاصب تعدادی از نیروهای سوری و چهار تن از مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.»

عملیات شکار مسئولان اطلاعات «سپاه قدس» در سوریه سه هفته پس از ترور رضی موسوی مسئول تدارکات سپاه قدس در دمشق انجام شده است. پس از کشته شدن رضی موسوی در ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۲ صالح محمد سلیمان العاروری مشهور به «ابومحمد» نفر دوم حماس در انفجاری در حومه جنوبی بیروت کشته شد.

حدود هفت ماه پیش روزنامه «واشنگتن پست» پاسدار امیدزاده را به عنوان «مغز متفکر طراحی عملیات علیه نیروهای آمریکایی» معرفی کرده بود.

ترور پی در پی فرماندهان ارشد سپاه قدس در منطقه توسط اسرائیل حکایت از نفوذ عمیق سرویس‌های اطلاعاتی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دارد.

اواسط آذرماه حسن هانی‌زاده تحلیلگر سیاسی حکومتی در ایران به خبرگزاری ایلنا گفته بود «توجه داشته باشید که اسرائیل در مورد ترور رهبران مقاومت صرفاً تمرکز خود را بر روی حذف فیزیکی سران حماس و جهاد اسلامی معطوف نخواهد کرد بلکه دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به دنبال آن است تا تمام رهبران مقاومت را از بین ببرد.»

● منابع داخلی ایران گزارش دادند سردار پاسدار «حاج صادق امیدزاده» معروف به (یوسف) مسئول اطلاعات نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه به همراه دستیارش حاج غلام (محرم) در بین کشته‌شدگان هستند.

● طبق اطلاعات شبکه «المیادین» وابسته به حزب‌الله، ساختمان مورد هدف اسرائیل در دمشق سه طبقه داشت و در دست یک نهاد وابسته به سپاه پاسداران بوده است. -حدود هفت ماه پیش روزنامه «واشنگتن پست» پاسدار امیدزاده را به عنوان «مغز متفکر طراحی عملیات علیه نیروهای آمریکایی» معرفی کرده بود.

چهار عضو ارشد «سپاه قدس» روز شنبه ۳۰ دی‌ماه در حمله جنگنده‌های نیروی هوایی اسرائیل به ساختمانی در منطقه «المزه» دمشق کشته شدند.

منابع داخلی ایران گزارش دادند سردار پاسدار «حاج صادق امیدزاده» معروف به (یوسف) مسئول اطلاعات نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه به همراه دستیارش حاج غلام (محرم) در بین کشته‌شدگان هستند.

طبق اطلاعات شبکه «المیادین» وابسته به حزب‌الله، ساختمان مورد هدف اسرائیل در دمشق سه طبقه داشت و در دست یک نهاد وابسته به سپاه پاسداران بوده است. روابط عمومی کل سپاه پاسداران در بیانیه‌ای اعلام کرد:

خاطرم هست در همان جلسه اولی که با چینی‌ها مذاکره کردیم از ما پرسیدند آیا از جایی کمک مالی می‌گیریم که پاسخ ما منفی بود. آنها می‌گفتند: «رفقا، چین سرزمین پهناوری است. برای ما ده، بیست هزار دلار مبلغ قابل توجهی نیست. اما بنابر تجربه خود چنین اقدامی را مضر می‌دانیم. روزگاری که ما نگاهمان به مسکو بود، روزگاری که دنبال کمینترن بودیم، استقلال خود را از دست دادیم. در عین حال، خود و شما را از یک خانواده می‌دانیم. اگر تقاضای مشخصی داشته باشید به خاطر ایجاد محیط گرم سیاسی آماده‌ایم آن را انجام دهیم.»

در ارتباط با نیازهای مالی سازمان انقلابی و کمکهای مالی چین نکته دیگری هم شایان توجه است و آن این که ما اصولاً خرج چندانی نداشتیم. خرج زندگی ما کمتر از آن بود که به تصور آید. خاطرم هست هوشنگ امیرپور، دبیر کنفدراسیون که از کادرهای بالای سازمان انقلابی بود، اتافی در شهر هانوو آلمان کرایه کرده بود که چند نفری در آن زندگی می‌کردیم. من نیز تقریباً تمام مدتی که در خارج به عنوان کادر حرفه‌ای و مخفی زندگی می‌کردم اتافی از آن خود نداشتم و اغلب پیش بچه‌ها زندگی می‌کردم. خاطرم هست یک بار در آپارتمانی چند نفری زندگی می‌کردیم و مسئول مالی ما از آن مرغهای یخ زده و ارزان قیمت آلمان می‌خرید و برای ناهار سرش را به ما می‌داد و هنگام شام نیمی از آن را می‌گذاشت لای پلو و نیمه دیگر هم سهم روز بعدمان بود. اسم این غذا را هم نمی‌دانم به چه مناسبتی گذاشته بودیم سندیاد. یک روز دیگر جانم به لبم آمد و مخفیانه به بندر هامبورگ رفتم. آنجا در یک کشتی که موز خالی می‌کردند و به کارگر روزمزد احتیاج داشتند تمام روز را کار کردم و درآمدم را به مسئول مالی دادم و خواهش کردم جیره مرغ ما را زیاد کند. این گرایش افراطی در ما وجود داشت. با این که شنیده بودیم انگلس گفته است خرده بورژوازی گمان می‌کند از طریق صرفه جویی پیشرفت می‌کند، حال آن که بورژوازی از طریق تولید است که کارش را توسعه و رونق می‌دهد. گفتم سیزده بار به چین سفر کرده‌ای. رفتار مسئولان حزب در ملاقاتهایی که صورت می‌گرفت، چگونه بود؟

– آنچه بیش از هر چیز ما را در چین آزار می‌داد رفتار یکنواخت آنها بود. اگر نظری ارائه می‌دادیم معلوم نبود که با آن موافق‌اند یا مخالف. هیچگاه بحثی با آنان در نگرفت. مگر یک بار، آن هم در مقوله اسلام مبارز که نظریه حزب رنجبران در زمینه دفاع از جمهوری اسلامی بود که چینی‌ها آشکارا گفتند با چنین تعریفی بنابر اصول مارکسیسم مخالف هستند. جز این، هرچه می‌گفتم پاسخ می‌دادند که نظر حزب کمونیست چین یا نظر رفیق مائو چنین و چنان است. در بهترین حالت وقتی دلیل اتخاذ موضعی از جانب چین را جویا می‌شدیم پاسخ می‌دادند که «رفقای بالا تصمیم گرفته‌اند.» و این رفتار برای ما که شب و روزمان در بحث و جدل می‌گذشت، عجیب و باورنکردنی بود. گاه اگر خیلی اصرار می‌کردیم که نظرشان را پیرامون موضوعی ارائه دهند، روز آخر یکی دو نفر از مسئولان حزبی می‌آمدند و بعد از تعارفات معمول که از شما خیلی آموختیم، می‌گفتند چند فکر به نظرشان رسیده است که ممکن است البته غلط باشد. پس بهتر است خودمان ارزیابی کنیم که به دردمان می‌خورد یا نه؟ آنگاه می‌گفتند در انقلاب چین چنین تجربه کرده‌اند که باید متحد شد و از این حرف چنین استنباط می‌کردیم شاید به امر وحدت با سایر سازمانهای چپ ایرانی برخوردی سکتاریستی داشته‌ایم.

(پایان)

متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت- دیوید (۸) سقوط ایران در ۵۷ و خواستن و برخاستن مردم برای تغییر رژیم



شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت- دیوید / نوامبر ۲۰۲۳

در پخش ویدئویی این مصاحبه از نرم افزار زیرنویس انگلیسی و صوت ترجمه همزمان به فارسی استفاده شده که اگرچه می‌تواند کمک اولیه برای آگاهی از مضمون باشد اما از آنجا که گفتار بر اساس صوت و تلفظ گویندگان تشخیص داده می‌شود، هم در زیرنویس انگلیسی و هم در ترجمه فارسی اشتباهات فاحش و غلط‌هایی وجود دارد که یا جمله را بی‌معنی و بی‌ربط کرده و یا حتا منظوری برعکس را منتقل می‌کند. کیهان لندن کل این گفتگو را ترجمه کرده که بالغ بر ۲۷ هزار کلمه می‌شود. اما هم از نظر زبان محاوره و هم از نظر برخی موضوعات پراکنده که مجری مطرح می‌کند، بخش‌های اصلی این گفتگو تا حد ممکن با وفاداری به عبارات اصلی تنظیم شده تا به صورت مکتوب و به عنوان مرجع در دسترس همگان قرار داشته باشد.

می‌کنند و بسیاری هم جمهورخواه هستند که از من حمایت می‌کنند. و من بارها و بارها گفته‌ام که برای هیچ مقامی نامزد نمی‌شوم و دلیل آن را به شما می‌گویم. در مورد این کار تعریف کنیم که اصلا این کار چیست. من به شما می‌گویم که چه کاری حاضرم انجام دهم و چه کاری را نمی‌خواهم. با گفتن این موضوع شروع می‌کنم که ممکن است در مقطعی مقدر بوده که به دلیل ولیعهد بودن، پادشاه آینده باشم. و البته بعدا همه چیز به سمت دیگری پیش می‌رود و رژیم تغییر می‌کند و واقعیت جدیدی شکل می‌گیرد. بعد از آن، من مرد جوانی در تبعید هستم و البته از همان اوایل دهه ۸۰ میلادی با فعالیت‌های ایرانیان مخالف علیه رژیم نیز درگیر هستم. و اکنون، همانطور که گفتم، ۴۳ سال است این ادامه دارد و من هنوز هم همین کار را می‌کنم، زیرا معتقدم این رژیم در مقطعی دوام نخواهد آورد و امیدوارم که این در طول زندگی من باشد.

از این نظر، ما ایرانی‌ها فرصتی برای طراحی آینده خود داریم. اما من چه چیزی برای ارائه دارم؟ چه چیزی واقعا می‌توانم ارائه کنم؟

اولاً فکر می‌کنم تجربیاتی که در این سالها کسب کرده‌ام، برای من نعمتی بود که اگر فقط در ایران می‌بودم هرگز کسب نمی‌کردم و صرفاً قدرت به من منتقل می‌شد. من این فرصت را داشتم که به چهار گوشه جهان سفر کنم؛ این فرصت را داشتم که فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف را ببینم. من این فرصت را داشتم که با مردم عادی، رانندگان تاکسی، بازرگانان، دانشجویان، افسران، همه نوع مردم صحبت کنم و درک کنم که شهروندان کشورهای مختلف چگونه به رهبران یا دولت‌ها نگاه می‌کنند و یا اینکه به چه چیزهایی علاقه دارند. ناراحتی آنها چیست؟ خواسته‌های آنها چیست؟ اینهمه اطلاعات پربرای است. و وقتی به ایران نگاه می‌کنم دیگر بخش حکومتی [حکومت کردن بر] آن را فراموش می‌کنم. اما آنچه من فکر می‌کنم کشور به آن نیاز دارد و فکر می‌کنم آنچه کشور فراتر از ساختار حکومتی به آن نیاز دارد، چیز است که سعی داشتم به پیرز [مورگن] هم بگویم که جامعه مدنی و نقش آن در حفظ این روند به تمام معنی نظارت‌کننده است. منظورم این است که همه ناظران و همه افشارگران جامعه را وقتی نگاه می‌کنید مثلاً ماجرای واترگیت و اتفاقی

● اما فکر می‌کنم سؤال من...
-اتفاقاً من آن یک کلمه را نشنیدم...

● منظورتان را متوجه شدم. سوال من از شما بیشتر از این منظر است که آیا می‌خواهید این کار را انجام دهید؟ اجازه دهید منظورم را اینطور توضیح بدهم. می‌بینم یکی از بچه‌هایم ورزش خاصی را تمرین می‌کند چون می‌خواهد مرا خوشحال کند. ولی یک وقت هست که او ورزشی می‌کند که من دوست ندارم ولی او را خوشحال می‌کند و می‌خواهد آن را درست انجام دهد. بدیهی است که هیچکس در دنیا نمی‌تواند واقعاً ولیعهد رضا پهلوی بودن شما را توصیف دهد همراه با اینهمه فشار که: همه می‌خواهند از شما در مورد پدرتان بپرسند، می‌خواهند درباره جایگاه شما بپرسند، می‌خواهی چه کنی؟ این کار را می‌کنی؟ و... این فشار مداوم را فقط یک نفر می‌تواند درک کند. بچه‌های شما آن را درک نمی‌کنند. همسران آن را درک نمی‌کنند؛ حامیان شما آن را درک نمی‌کنند. هیچکس قرار نیست آن را بفهمد؛ حتا مادر شما ممکن است آن را کاملاً درک نکند زیرا این فرد پسرش است. مادر شما فقط بهترین‌ها را برای شما می‌خواهد و باید یک نقش دیپلماتیک بازی کند.

بنابراین وقتی می‌بینید از حمایتی برخوردارید که به نظر من پشت سر شما وجود دارد و اگر آن را نادیده بگیرید خیلی خیلی زشت خواهد بود، پس شما باید بخواهید که این کار را انجام دهید. آیا شما هم همینطور می‌بینید؟ خودتان می‌خواهید کسی باشید که به آوردن دموکراسی به ایران کمک می‌کنند؟ می‌خواهید به آزادی مردم کمک کنید؟ یا بیشتر مثل اینست که اگر مردم مرا بخواهند، انجام خواهم داد! چون وظیفه من است، مسئولیت من است، این کار را انجام خواهم داد. این را چگونه آن را می‌بینید؟

-صادقانه بگویم و این واقعاً همان چیز است که از صمیم قلب به آن اعتقاد دارم. فکر می‌کنم خیلی‌ها از این نظر به من اعتماد دارند که می‌توانم به آنها در انتقال کمک کنم. این بدان معنا نیست که من نتیجه را نیز نمایندگی می‌کنم. این بدان معناست که من می‌توانم به انتقال کمک کنم.
در این نکته، بسیاری از طرفداران سلطنت از من حمایت

آن پاسخ یک کلمه‌ای کدام است؟ آیا اصلا وجود دارد؟!
● جالب است، این همان چیزی است که شما در مورد آن صحبت می‌کنید (نمایش فیلمی که جوانان در ایران پرچم آمریکا را لگد می‌کنند) آنها حتی نمی‌خواهند پا روی پرچم اسرائیل و یا آمریکا بگذارند. وقتی در ایران زندگی می‌کردم، این پرچم برای ما یک ایده بود. من آن را به چهره‌های ربط نمی‌دادم بلکه آن را به ایده آزادی پیوند می‌زدم به معنی رؤیای آزادی... به هر حال، من متقاعد هستم که آنها قصد دارند مپ هسته‌ای بسازند، چه بخواهید و چه نخواهید، و آن را از شما پنهان می‌کنند. آنها بیابان‌های وسیع در اختیار دارند که می‌توانند در زیرزمین فعالیت کنند بدون اینکه شما چیزی در مورد آن بدانید. پس بهتر است وقتی با چنین فردی مذاکره می‌کنید، بگوییم اصلا داریم چکار می‌کنیم؟! به هر حال قرار است آن را بسازند بنابراین مهم نیست که شما به آنها چه بگویید که انجام هم ندهند! چون آن را خواهند ساخت.

شما یک گفتگو با پیرز مورگن داشتید یک یا دو هفته پیش. او در پایان از شما سوالی می‌پرسد و من می‌خواهم آن را به شکل دیگری بپرسم ببینم نظر شما چیست. او از شما یک جواب یک کلمه‌ای می‌خواهد. (پخش ویدئوی پیرز مورگن) یک جوابی از شما می‌خواهد که می‌گیرد.

پرسش پیرز مورگن از شاهزاده رضا پهلوی

-اگر به صورت دموکراتیک فرصت بازگشت پیدا می‌کردید، آیا برای رهبری برمی‌گشتید؟

-من تا جایی که بتوانم بدون هیچ انگیزه شخصی به هم‌میهن‌انم کمک خواهم کرد. فکر نمی‌کنم موضوع برای من چیزی فراتر از کمک به ایجاد نهادهایی برای برقراری حکومت قانون باشد زیرا جامعه مدنی ناظر نهایی است و می‌بایست نهاد جامعه مدنی را تقویت کرد تا دموکراسی را به یک سیستم پایدار در ایران تبدیل کند.

-بسیار خوب، من پاسخ شما را به عنوان «بله» در نظر می‌گیرم. نه ۷۶ کلمه!

→ که در آن زمان افتاد، اگر آن دو خبرنگار نبودند، چه اتفاقی می‌افتاد؟ و نمونه‌های زیادی از این دست. آنچه من واقعاً فکر می‌کنم که چه چیزهایی است که می‌توانم ارائه کنم و برای ملت مفیدتر است، همه عناصریست که جامعه را تقویت می‌کند و جامعه را آموزش می‌دهد و آماده می‌کند که به شهروندان این درک را بدهد که چگونه برای حقوق خود مبارزه کنند، برای مثال من همین الان تضمین می‌کنم که ما بهترین قانون اساسی را ارائه خواهیم کرد که حقوق شهروندان، به ویژه حقوق زنان را تضمین می‌کند. تضمین شده در قوانین. فکر می‌کنید چند درصد از زنان ایرانی در ایران امروز حتا می‌دانند حق شروع چه کاری را دارند؟

● کمتر از ده درصد...

- بنابراین چه می‌کنید؟ آیا داشتن تضمین حقوقی و کتاب قانون کافیتست؟ یا باید آگاهی را به جامعه آورد؟ آن عناصر اضافی را برای آنها بیاورید که در واقع آنها را در مبارزه برای حقوق خود یا به دست آوردن حقوق یا تضمین حقوق خود مجهز می‌کند. اگر قرار باشد شما درگیر امور روزمره اداره کشور به عنوان یک مجری باشید، من چنین موقعیتی را برای خودم و خودم را در چنین نقشی نمی‌بینم. هنوز بدتر از آن، اگر مردم بخواهند که من در آن نقش سازمانی باشم، شما از نظر تکنیکی دهان‌تان بسته می‌شود. شما می‌توانید نظری داشته باشید و من هم نظری دارم، اما آیا ملکه انگلیس یا پادشاه انگلیس امروز می‌توانند نظر واقعی خود را در مورد دولت و سیاست‌های آن داشته و مطرح کنند؟ نه، نمی‌توانند. و این همان نقش تشریفاتی است که من خودم را در آن نمی‌بینم. اگر خوب به آن فکر کنید وضعیت بسیار ناخوشایندی است.

● آیا شما می‌گویید که این کار را نمی‌خواهید؟ شما نمی‌خواهید خانواده خود را به ایران منتقل کنید و آن را اداره کنید؟ اما ما بیلید به مردم کمک کنید تا دوره انتقال انجام شود و به شخص دیگری کمک کنید تا این کار را انجام دهد؟ این چیزی است که شما می‌گویید؟
- این به این معنا نیست که من حضور نخواهم داشت بلکه خیلی ساده به این معنی است که آیا من برای اینکه بتوانم کاری انجام دهم حتما باید در مقامی باشم؟

● آیا می‌خواهید کسی باشید که در ایران زندگی می‌کنید و خانواده خود را به آنجا می‌برید و ایران را اداره می‌کنید؟ آیا این را می‌بینید؟
- این به شرایط بستگی دارد. منظرم این است که، بطور جدی، پاسخ دادن به برخی از این سؤالات فرضی غیرممکن است، زیرا خیلی چیزها بستگی به این دارد که آیا ما واقعا به این نقطه رسیده‌ایم که ب: این چیز است که می‌توانید انجام دهید؟ ت: آیا اصلاً آنها [مردم] این را می‌خواهند؟...

● فکر نمی‌کنم اینطوری پیش برود. در کمال احترام، ولیعهد، بگذارید شما را در این نکته به چالش بکشم. تنها دلیلی که می‌گویم همین است که هرچه ما به عنوان مخاطب بیشتر کسی را بشناسیم بعد می‌توانیم طوری حمایت کنیم که در جایگاه خود وزن پیدا کند. می‌دانید، چند نام وجود دارد مثلاً علی کریمی، علی دایی، یا نام‌هایی که می‌دانید محبوب هستند، یکی بازیکن است دیگری مربی است، یکی ۱۵ میلیون فالوئر و اعتبار و احترام دارد ولی همه‌شان به نوعی در حاشیه هستند؛ چند نظامی هم در ایران هستند که نمی‌خواهند اسامی آنها را اعلام کنیم که صرفاً به خاطر احترام به شماسست چرا که فکر می‌کنند این جایگاه و کار اوست؛ ما حاضریم هر کاری برای کمک به او بکنیم تا بیاید و آزادی

به ایران بیاورد. و لطفاً اگر با من موافق نیستید، بگویید و مرا به چالش بکشید. من فکر می‌کنم نکته‌های وجود دارد که در آنجا شما جامعه را پس می‌زنید. برای اینکه شما چهره‌ای هستیید که همه منتظر اقدام وی هستند. فکر می‌کنم برای مردم مفید باشد که شما بگویید، بله، من با همسر صحبت کرده‌ام. با خانواده‌ام صحبت کرده‌ام و این کاریست که من حاضر در این سن و سال انجام دهم. من دیگر بیست ساله و سی ساله نیستم...
- من زمان را به شما گفتم، [موقع اعلام پادشاهی] ۲۳ ساله بودم...

● من به آن احترام می‌گذارم و به همین دلیل است که می‌گویم زندگی امروز با زندگی قبلی متفاوت است...
- اما به این معنا نیست که شما هنوز نمی‌توانید تأثیرگذار باشید...

● اما می‌بینید که وقتی این را می‌گویید...
- ولی لازم نیست یک نقش مطلق داشته باشید...

● وقتی شما این را می‌گویید برای من به این معنی است که در چه‌ای را باز می‌کنند. منظرم شخص خودم نیستم. ولی کسی که در حاشیه است می‌گوید، خب، عالی! من دستم را بلند می‌کنم؛ می‌توانیم با هم ملاقات داشته باشیم ولیعهد؛ دوست دارم از مشاوره و حمایت شما بهره‌مند شوم، آیا می‌توانیم مثلاً در دویی جلسه‌ای داشته باشیم؟ می‌خواهیم ببینیم و رویدادی را با هم برگزار کنیم. شما حامل پرچم و صدای این گردهمایی و جلب مردم باشید چون فکر می‌کنم شما از اقتدار اخلاقی بیشتری برخوردارید زیرا هیچ انگیزه‌ی شخصی ندارید. می‌دانید که چگونه گاهی کسی که شما می‌شناسید...

- این کمی فریبنده است و شاید از طرف من تا حدودی تردید یا پارانوایی وجود داشته باشد زیرا اگر آنها قصد را اشتباه تعبیر کنند یا اشتباه درک کنند که «اوه، این کار را به این دلیل انجام می‌دهد که می‌خواهد تاج روی سرش بگذارد» یا «اوه، او این کار را به این دلیل انجام می‌دهد که می‌خواهد به قدرت برسد» یا به خاطر فلان و بهمان این کار را می‌کند، که اصلاً اینطور نیست.

از طرف دیگر، این موضوع هم هست که من چقدر متعهد هستم. البته فکر می‌کنم در ۴۳ سال این تعهد را ثابت کرده‌ام. وگرنه می‌دانم، می‌شد گفت شما خودتان خراب کردید، من و خانواده‌ام را بیرون کردید که برویم دنبال کارمان [احالا دیگر از ما چه می‌خواهید؟] من فکر می‌کنم مسئولیت خودم را ثابت و فداکاری‌های زیادی کردم. و باز هم بدون هیچ نیت دیگری هدم اینست که بتوانم به هموطنانم کمک کنم تا به چیزی که لیاقت آن را دارند برسند. بنابراین تمرکز من در حال حاضر روی مرحله‌ای است که در آن هستیم، چگونه از شر این رژیم خلاص شویم؟ و سپس چگونه دوره انتقال را مدیریت کنیم؟ و من می‌دانم که این نیاز به رهبری دارد. برای تقویت این کار من نقش خودم را بازی می‌کنم تا عامل این انتقال باشم و به مردم کمک کنم که به آن دست پیدا کنند. می‌دانم در نهایت چگونه رای خواهند داد. و وقتی گفتم من خودم را برای این کار کاندیدا نمی‌کنم و انگیزه شخصی ندارم...

● آیا شما علاقه‌ای به این کار دارید؟
- علاقه من این است که به ایران کمک کنم و بتوانم کمک کنم تا مردم آن حاکمیت مناسبی را که می‌خواهند به دست آورند.

● پس اجازه دهید بپرسم...

- من فکر می‌کنم هنوز آنطور که باید و کاملاً با روشی که می‌خواهم نمی‌توانم به کشورم کمک کنم و فکر می‌کنم می‌توانم کمک کنم تا در این مسیر به پیش بروم. این به آن معنا نیست که بگویم ما یک گروه از وزرا هستیم که دور یک میز نشستیم و درباره آنچه باید باشد بحث می‌کنیم و اینکه چگونه امروز قیمت همه چیز را باید تعیین کنیم و یا این جنبه از دیپلماسی و یا فلان قرارداد در مقابل این کشورها درست بوده یا نه. برای انجام این کارها افراد توانمند به اندازه کافی وجود دارد. چیزی که هست اینکه فکر می‌کنم من توانایی انجام کارهایی را دارم که شاید آنها نتوانند؛ مثلاً داشتن ارتباط با شبکه‌ای از افراد که من می‌شناسم؛ تمام آنهایی که از نظر کارآفرینی در صنعت و فناوری در کشورم مفید باشند. نوعی از ارتباطات که می‌توانم برای ایرانی‌ها ایجاد کنم تا با دنیای بیرون مرتبط باشند. شاید بتوانم به نمایندگی از کشور در سراسر جهان سفیری برای انجام این اقدامات باشم. من واقعاً خودم را در یک دفتر با گروهی از تصمیم‌گیرندگان و در انزوا [از جامعه] نمی‌بینم که نمی‌توانم آزادانه در کشورم بگردم تا از نزدیک مردم را ببینم و اینکه ندانم دقیقاً آنها چه می‌خواهند و مرتب با محافظان امنیتی دوره شده باشم و یک برنامه کاری بیش از اندازه که انجام آنها لازم است داشته باشم بطوری که دائم درگیر اقدامات اجرایی خواهید بود. صادقانه بگویم، من چنین آدمی نیستم و فکر می‌کنم که هنوز می‌توانم برای کمک به کشور مشارکت کنم.

بنابراین، اگر ببینید و بگویید تو باید قطعاً و کاملاً ۱۰۰ درصد بگویی که آنجا نخواهی بود مگر اینکه یا تاج سرت بگذاری و یا رئیس جمهور بعدی باشی، خواهم گفت: آقایان، من نمی‌توانم کسی باشم که نیستم. این چیز است که من هستم. این چیز است که من می‌خواهم. این چیز است که من می‌خواهم بتوانم به شما کمک کنم. اگر این به اندازه کافی خوب نیست، بسیار خوب! از من بگذرید و شخص دیگری را پیدا کنید. اما من برای کسب قدرت اینجا نیستم. من برای کاری اینجا نیستم که مرا تحت کنترل بگیرد. حداقل الان نه. چون فکر می‌کنم ما از این موضوع خیلی فاصله داریم. اینکه ما الان اینجا هستیم برای این است که چگونه می‌توانیم این انتقال را مدیریت کنیم؟ و این چیز است که تشخیص من است و احساس می‌کنم بسیاری از ایرانی‌ها برای انجام این نقش به من امید بسته‌اند، زیرا افراد زیادی را نمی‌بینند که بتوانند اعتماد کنند.

● اجازه بدهید برداشت خودم را از گفته‌های شما بیان کنم. اگر اشتباه می‌کنم، شما تصحیح کنید؛ درک من از آنچه شما بیان کردید این است، برای مثال، وقتی به قانون اساسی ایالات متحده فکر می‌کنید، اعلامیه استقلال، شما ۵۶ نویسنده دارید مثل جفرسون و اسمیت و واشنگتن که واشنگتن نخستین رئیس جمهور می‌شود و غیره. اما یک نفر هم بود که هیچکس در مورد او که همه آنها به وی احترام می‌گذاشتند صحبت نمی‌کنند. مردی به نام بنجامین راش که در میان آنها او حرف اول بود؛ او مردی بود که این مسئولیت را نمی‌خواست، اما دیگران به او نیاز داشتند زیرا او با تجربه‌ترین و باهوش‌ترین بود؛ البته واشنگتن در بخش نظامی تجربه داشت. اما پس از آنکه واشنگتن رئیس جمهور می‌شود دیگر سیستم متفاوت است. آنچه من از حرف‌های شما می‌فهمم این است که می‌گویید به عنوان رئیس هیئت مدیره نقش‌ام را بازی خواهم کرد اما هیچ تمایلی به مدیرعامل شدن ندارم که همه خانواده را به ایران منتقل کنم و آنجا را رهبری کنم و به عنوان سومین پادشاه پهلوی تاجگذاری کنم. آیا درست فهمیدم؟

- بله... (ادامه دارد)

شکار افسران بلندپایه «سپاه قدس» در دمشق توسط اسرائیل و «برنامه هفتگی علی خامنه‌ای برای خواندن نماز میت» بر جنازه‌ی سپاهی‌ها



علی خامنه‌ای بر تابوت سید رضی موسوی نماز میت می‌خواند / هفتم دی‌ماه ۱۴۰۲

نیروهای آمریکایی در منطقه نیز بوده است. تأیید یا رد این ادعا به صورت مستقل ممکن نیست اما اغلب فرماندهان سپاه قدس که خارج از مرزهای ایران مأموریت دارند، هر کدام با بخشی از شبه‌نظامیان و گروه‌های نیابتی روابط قوی‌تری دارند که با همان‌ها نیز عملیات ایذایی علیه اهداف مورد نظرشان را اجرا می‌کنند.

از پیش گزارش‌هایی نیز در مورد اختلافات میدانی فرماندهان و نیروهای این گروه‌ها در مقاطع مختلف وجود دارد. اغلب این اختلافات عمدتاً یا بر سر باورهای ایدئولوژیک و شیوه‌های تاکتیکی است و یا بر سر منابع مالی. احتمال لو رفتن یا درز اطلاعات مربوط به واحدهای «سپاه قدس» و مأموریت‌های فرماندهان در همین رقابت‌ها و اختلافات زیاد است.

بعد از ترور رضی موسوی، هم‌رمز وی سردار جعفر اسدی روی آنتن زنده تلویزیون گفت اسرائیل «به واسطه جاسوس‌هایی که داشت، توانست مکان دقیق حضورش را شناسایی کند». لو رفتن محل استقرار چهار افسر اطلاعاتی سپاه پاسداران به فاصله سه هفته بعد از عملیات ترور رضی موسوی، یک افتضاح امنیتی برای جمهوری اسلامی به شمار می‌رود که با هیچ ترغیب و موشک‌پرانی به اینور و آنور که اغلب هم مردم خود ایران قربانی این اقدامات می‌شوند نمی‌توان آن را لاپوشانی کرد.

باید یادآور شد ضرباتی که سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) از سرویس‌های رقیب منطقه‌ای دریافت می‌کند پس از عزل حسین طائب در تابستان ۱۴۰۱ بیشتر شده است. پس از آن این شایعه در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مطرح شد که اعضای تیم طائب به تلافی برکناری وی، اطلاعات سری سپاه پاسداران را به عوامل مرتبط با دستگاه‌های اطلاعاتی خارجی لو می‌دهند.

با اینهمه در همان دوران که طائب بر اطلاعات سپاه پاسداران سلطه داشت نیز شیخ علی یونسی وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی تیرماه ۱۴۰۰ در یک مصاحبه گفت «نفوذ موساد در کشور آنقدر زیاد شده که مسئولان باید نگران جان‌شان باشند».

تا چه اندازه سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل در جمع‌آوری اطلاعات در مورد موقعیت نیروهای ارشد سپاه قدس در منطقه دقیق عمل کرده‌اند و هم‌زمان تا چه اندازه دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ضعیف و خودش پر از حفره‌های امنیتی است!

ترور پی در پی فرماندهان ارشد سپاه در سوریه توسط اسرائیل نمی‌تواند بدون همکاری عوامل نفوذی در نیروهای مسلح خود جمهوری اسلامی و همچنین دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم سوریه صورت گرفته باشد. چنانکه حکومت پس از ترور محسن فخری‌زاده از عوامل اتمی- موشکی حکومت در جاده دماوند در آذرماه سال ۱۳۹۹ اعلام کرد برای دست‌کم ۱۴ نفر از عوامل ترور کیفرخواست صادر شده و ۹ نفرشان بازداشت شدند. در این پرونده حتا علی‌رضا اکبری از فرماندهان ارشد شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی اعدام شد.

در واکنش به کشته شدن «حاج صادق امیدزاده» و همکارانش در محله المزه دمشق، بن سبطی سخنگوی فارسی‌زبان دولت اسرائیل ساعاتی پس از عملیات ارتش این کشور در دمشق با انتشار تصویری از علی خامنه‌ای در حال خواندن «نماز میت» بر تابوت رضی موسوی مسئول تدارکات «سپاه قدس» به کنایه در شبکه «ایکس» به «جدول کاری هفتگی خامنه‌ای» اشاره کرده و می‌نویسد: «یکشنبه- نماز میت شهید سپاهی، دوشنبه- نماز میت و تشییع جنازه، سه‌شنبه- نماز میت، چهارشنبه- نماز میت و بوسیدن دختران شهید، پنجشنبه- سرشماری اعضای سپاه (الباقی)...»

کنایه‌های بن سبطی به علی خامنه‌ای آنهم در حالی که تأکید بر خواندن «نماز میت» بر جنازه‌ی فرماندهان سپاه پاسداران دارد می‌تواند «جنگ روانی» جهت تشدید فشارها روی رهبر نظام به عنوان «فرمانده کل قوا» و تحریک وی و اطرافیانش برای اقدام تلافی‌جویانه باشد. سیاستی که به باور بسیاری تحلیلگران، دام اسرائیل برای سوق دادن رژیم ایران در باتلاق است.

در این میان، برخی منابع گزارش داده‌اند که صادق امیدزاده یکی از طراحان اصلی حملات راکتی و پهپادی به

● ترور نیروهای اطلاعاتی در پایگاه‌های آنها کار آسانی نیست چرا که اغلب از بالاترین سطح آموزش و امکانات برای محافظت و امنیت خود و تجهیزاتشان برخوردارند. هدف قرار دادن چهار عضو ارشد واحد اطلاعات «سپاه قدس» توسط اسرائیل در دمشق یک مشکل جدی جدید برای سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی خواهد بود.

● این عملیات نشان می‌دهد تا چه اندازه سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل در جمع‌آوری اطلاعات در مورد موقعیت نیروهای ارشد سپاه قدس در منطقه دقیق عمل کرده‌اند و هم‌زمان تا چه اندازه دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ضعیف و خودش پر از حفره‌های امنیتی است!

● ترور پی در پی فرماندهان ارشد سپاه در سوریه توسط اسرائیل نمی‌تواند بدون همکاری عوامل نفوذی در نیروهای مسلح خود جمهوری اسلامی و همچنین دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم سوریه صورت گرفته باشد.

● در واکنش به کشته شدن «حاج صادق امیدزاده» و همکارانش در محله المزه دمشق، بن سبطی سخنگوی فارسی‌زبان دولت اسرائیل با انتشار تصویری از علی خامنه‌ای در حال خواندن نماز میت بر تابوت رضی موسوی مسئول تدارکات «سپاه قدس» به کنایه در «ایکس» به «جدول کاری هفتگی خامنه‌ای» اشاره کرده و می‌نویسد: «یکشنبه- نماز میت شهید سپاهی، دوشنبه- نماز میت و تشییع جنازه، سه‌شنبه- نماز میت، چهارشنبه- نماز میت و بوسیدن دختران شهید، پنجشنبه- سرشماری اعضای سپاه (الباقی)...»

شکار نیروهای اطلاعاتی در پایگاه‌های آنها کار آسانی نیست چرا که این افراد اغلب از بالاترین سطح آموزش و امکانات برای محافظت و تأمین امنیت خود و تجهیزاتشان برخوردارند. هدف قرار دادن چهار عضو ارشد واحد اطلاعات «سپاه قدس» توسط اسرائیل در دمشق یک مشکل جدی جدید برای سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی خواهد بود.

پس از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اربیل عراق و ادلب سوریه مقامات جمهوری اسلامی بطور رسمی اعلام کردند این موشک‌ها «پیام به اسرائیل» بود. برخی رسانه‌های حکومتی حتا ادعا کردند که با این حملات «حساب کار دست اسرائیل آمد!» برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز از این فراتر رفته و مدعی شدند «عملیات سپاه قدرت ایران را به رخ جهانیان کشید!»

امامان جمعه در ایران ۲۹ دی‌ماه در خطبه‌های نماز صبح‌هایی کردند که نشان می‌داد از حملات موشکی سپاه به کشورهای منطقه ذوق‌زده‌اند یا دستور گرفته و هماهنگ کرده‌اند که روی «هشدار به اسرائیل» تأکید کنند. اما ۲۴ ساعت پس از خطبه‌های پرهیاهوی آنها، اسرائیل در یک عملیات حساب‌شده چهار نفر از فرماندهان ارشد اطلاعات «سپاه قدس» در دمشق را هدف قرار داد و از میان برداشت. سردار پاسدار «حاج صادق امیدزاده» معروف به یوسف با نام سازمانی «حجت‌الله امیدوار» مسئول اطلاعات سپاه قدس در سوریه و دستیاران وی علی آقازاده، حسین محمدی و سعید کریمی در ساختمانی در محله «المزه» دمشق که پایگاه اصلی اطلاعات «سپاه قدس» بود شناسایی شدند و هدف قرار گرفته و کشته شدند. این عملیات نشان می‌دهد

«حزب الله ترکیه» با حمایت اردوغان و رژیم ایران علیه اسرائیل فعال تر می شود



سخنرانی سهیل حسن الهندی (سمت راست) از رهبران حماس در شهر بوسرا ترکیه

همسو بوده و بازوی سیاسی آن «HÜDA-PAR» در حزب حاکم «عدالت و توسعه» (AKP) به رهبری اردوغان به شمار می رود که برای اولین بار در انتخابات سال گذشته سه کرسی نیز در پارلمان به دست آورد.

در یک رویداد دیگر، الهندی به عنوان سخنران روز ۱۴ ژانویه (۲۴ دی ماه) در استان بوسرا در شمال غربی ترکیه نیز علیه اسرائیل سخنرانی کرد. این مراسم با حمایت شهرداری بوسرا که تحت کنترل حزب «عدالت و توسعه» (حزب اردوغان) است برگزار شد. وی در آن سخنرانی ترور مرگبار «هفت اکتبر» حماس را عملیاتی به نفع اسلام و اعتلای عزت و حیثیت مسلمانان توصیف کرد!

وی گفت: «این افراد شجاع، گردان‌های قسام، صهیونیست‌ها را به زانو درآورده‌اند و ترس را در آنها ایجاد کرده‌اند.»

یاسین آکنای مشاور سابق رئیس جمهوری ترکیه و معاون سابق حزب «عدالت و توسعه» نیز سخنران این مراسم بود. وی نیز گفت: «با این توفان [اشاره به حمله هفت اکتبر]، مردم بار دیگر شاهد ظلم و ستم [از سوی اسرائیل] شدند و همه ملل جهان قیام کردند!» آکنای با بیان اینکه حملات «هفت اکتبر» روحیه مقاومت را بیدار کرده است، پیش‌بینی کرد که «مسلمانان از این درگیری علیه امپریالیسم پیروز بیرون خواهند آمد.»

در این میان، جریان‌هایی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز اگرچه از فعال‌تر شدن «حزب‌الله ترکیه» استقبال می‌کنند اما همزمان منابع وابسته به سپاه انتقادات شدیدی علیه اردوغان به دلیل مواضع «ریاکارانه» علیه اسرائیل مطرح می‌کنند. اشاره آنها به ادامه روابط تجاری این کشور با اسرائیل است که همچنان برقرار است. به عنوان مثال کانال تلگرامی «سپاه قدس» اول بهمن با انتشار تصویری از وبسایت «مارین ترافیک» که مسیر کشتی‌ها را رصد می‌کند نوشته است کشتی کانتنتری ترکیه «-TURKON ISTAN-BUL» در حال حرکت به سمت بندر حیفا در اسرائیل است. این کانال تلگرامی می‌نویسد که ترکیه و اردوغان به تامین تجهیزات اسرائیل ادامه می‌دهند فارغ از اینکه اردوغان «حرف»‌های زیادی می‌زند.

الهندی در مراسم تشییع جنازه یکی دیگر از مقامات حماس به نام مجید ابوحسن نیز حضور داشت که بنا بر گزارش‌ها سال‌ها را در زندان اسرائیل با العاروری گذرانده بود.

گزارش‌هایی که منتشر شده نشان می‌دهند که سهیل الهندی در سال ۱۹۶۴ در شهر غزه متولد شده است. وی در سال ۱۹۸۱ به اخوان‌المسلمین پیوست و پس از آن درگیر فعالیت‌های دانشجویی در «رام‌الله» شد. در طول سال‌ها، او بارها توسط مقامات اسرائیلی بازداشت شده است.

با ترور رهبران ارشد حماس این تشکیلات به سرعت نیروهای جدید را جایگزین آنها می‌کند. یکی از آنها انور قلیچ ارسلان است. وی در سال ۲۰۰۲ به دلیل عضویت در حزب‌الله و فعالیت‌های تروریستی حدود هفت سال و نیم به زندان محکوم شد.

قلیچ ارسلان که در سال ۱۹۸۷ در ایران آموزش دیده بود، برای خدمت به رهبر پیشین حزب‌الله ترکیه «حسین ولی اوغلو» منصوب شد. ولی اوغلو در ژانویه سال ۲۰۰۰ در جریان حمله به خانه‌های امن در استانبول در یک درگیری با پلیس کشته شد.

این مجرم سابقه‌دار در کنار الهندی در مسجد «فاتح» استانبول در مراسم ختم العاروری در یک سخنرانی یهودستیزانه گفت، «اکنون همه کشورهای اروپایی از جمله بریتانیا، فرانسه و آلمان با سلاح، توپخانه و تانک‌های آمریکایی به اسرائیل کمک می‌کنند. آنها این سلاح‌ها را بر سر مسلمانان می‌بارند... اگر خدا بخواهد، می‌تواند همه آنها را نابود کند، اما او ما را امتحان می‌کند تا ببیند چه کسی کجا ایستاده است!» به امید آنکه همه شاهد روزی باشیم که مجاهدان به پیروزی برسند.»

قلیچ ارسلان در حال حاضر رهبری اتحادیه علما و مدارس اسلامی (İTTİHADUL ULEMA) وابسته به حزب‌الله ترکیه را بر عهده دارد. این گروه به دنبال ایجاد یک رژیم آخوندی به سبک جمهوری اسلامی ایران در ترکیه است. تحقیقات نشان می‌دهد که حزب‌الله ترکیه از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران کمک مالی دریافت کرده است. حزب‌الله ترکیه از سال ۲۰۱۴ از نظر سیاسی با دولت اردوغان

● پس از آنکه صالح العاروری از رهبران ارشد حماس توسط اسرائیل کشته شد، سهیل احمد حسن الهندی به عنوان سخنگوی حماس در ترکیه ظاهر شده است.

● برخی منابع گزارش دادند وی که نفوذ زیادی در دفتر سیاسی حماس دارد برای برگزاری یک تظاهرات بزرگ در ترکیه علیه اسرائیل برنامه‌ریزی می‌کند. این تظاهرات قرار است با همکاری حزب‌الله ترکیه از حامیان رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری اسلامگرای این کشور و با حمایت جمهوری اسلامی در چند شهر برگزار شود.

● سر و کله الهندی نخستین بار پنجم ژانویه ۲۰۲۴ (۱۵ دی ماه) در جریان مراسم ختم العاروری در مسجد «فاتح» استانبول پیدا شد. وی در این مراسم درباره میراث العاروری صحبت کرد و او را «مجاهد» توصیف نمود؛ اصطلاحی که اردوغان نیز برای توصیف اعضای حماس به کار می‌برد.

● با ترور رهبران ارشد حماس این تشکیلات به سرعت نیروهای جدید جایگزین آنها می‌کند. یکی از آنها انور قلیچ ارسلان است. وی در سال ۲۰۰۲ به دلیل عضویت در حزب‌الله و فعالیت‌های تروریستی حدود هفت سال و نیم به زندان محکوم شد.

● قلیچ ارسلان در حال حاضر رهبری اتحادیه علما و مدارس اسلامی (İTTİHADUL ULEMA) وابسته به حزب‌الله ترکیه را بر عهده دارد. این گروه به دنبال ایجاد یک رژیم آخوندی به سبک جمهوری اسلامی ایران در ترکیه است. تحقیقات نشان می‌دهد که حزب‌الله ترکیه از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران کمک مالی دریافت کرده است.

● اگرچه جریان‌هایی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فعال‌تر شدن «حزب‌الله ترکیه» استقبال می‌کنند اما همزمان منابع وابسته به سپاه انتقادات شدیدی علیه اردوغان به دلیل مواضع «ریاکارانه» علیه اسرائیل مطرح می‌کنند. اشاره آنها به ادامه روابط تجاری این کشور با اسرائیل است که همچنان برقرار است.

پس از آنکه صالح العاروری از رهبران ارشد حماس توسط اسرائیل کشته شد، سهیل احمد حسن الهندی به عنوان سخنگوی حماس در ترکیه ظاهر شده است.

برخی منابع گزارش دادند وی که نفوذ زیادی در دفتر سیاسی حماس دارد برای برگزاری یک تظاهرات بزرگ در ترکیه علیه اسرائیل برنامه‌ریزی می‌کند. این تظاهرات قرار است با همکاری حزب‌الله ترکیه از حامیان رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری اسلامگرای این کشور و با حمایت جمهوری اسلامی در چند شهر برگزار شود.

سر و کله الهندی نخستین بار پنجم ژانویه ۲۰۲۴ (۱۵ دی ماه) در جریان مراسم ختم العاروری در مسجد «فاتح» استانبول پیدا شد. وی در این مراسم درباره میراث العاروری صحبت کرد و او را «مجاهد» توصیف نمود؛ اصطلاحی که اردوغان نیز برای توصیف اعضای حماس به کار می‌برد.

الهندی در این مراسم ضمن ستایش العاروری گفت: «برای زنده نگه داشتن مقاومت، همه امکاناتی را که در اختیار داشت بسیج کرد. در مقابل دشمن با موشک و سلاح به میدان آمد. آن مجاهد در آخر عمر تاج شهادت بر سر گذاشت.» حماس با مرگ العاروری روی ترویج ایدئولوژی رادیکال این گروه در ترکیه سرمایه‌گذاری کرده است و از او به عنوان یک نماد برای جذب نیروهای جدید، بودجه و پشتیبانی استفاده می‌کند.

چیگرایی در تئوری و عمل؛ چیگرایی کلاسیک: پاسخی به بحران؟



● قرن نوزدهم را می‌بایست به عنوان نقطه شروع منسجم آیین‌های چیگرایی که هر کدام با تفاسیر خاص خود از مفهوم چپ به معنی سوسیالیستی کلمه ظهور کردند، مورد توجه قرار داد. در آن دوران در پاسخ به بحرانی که جوامع وقت اروپا به ویژه انگلستان را در بر گرفته بود، سه جریان چیگرایی سوسیالیستی مشاهده می‌شوند: سوسیالیسم آرمانگرا، سوسیالیسم لیبرال و سوسیالیسم مارکسیستی.

● مفهوم حق خود را با دو چهره نشان می‌دهد: احساس آزاد بودن برای انتخاب در خصوص موضوعات حیاتی تحقق انسانی از یکسو، و احساس آزاد بودن با ادراک آن به عنوان معیار انسان بودن برای هموعان خویش. به همین سبب، آزادی با تعهد سیاسی به آزادی دیگران همراه و به همین دلیل ضرورتاً به خیر عمومی معطوف است.

محمود مسائلی - در نوشتار پیشین با عنوان «مفهوم چپ در طیف اندیشه سیاسی» فرضیه‌ای ارائه و با کمک آن توضیح داده شد که مفهوم چپ در جایگاه‌هایی که در طیف اندیشه سیاسی قرار می‌گیرد، می‌بایست تعریف شود. این جایگاه‌های چپ دو مشخصه برجسته دارند: اول اینکه جامعه باید تغییرات بنیادینی را در جهت بهبود شرایط زندگی تجربه کند. دوم اینکه این تغییرات باید بتواند مردم را بر اراده آزاد خود حاکم سازد. بنابراین، تغییرات بنیادین و حاکمیت اراده مردم دو ویژگی کلی اندیشه‌هایی است که چپ به خود نسبت می‌دهد و من این دو ویژگی را با عنوان پیشرو و مترقی [i] بودن توضیح دادم.

طیف اندیشه سیاسی نیز ابزاری فکری [ii] است که ما را یاری می‌سازد بتوانیم این مشخصه‌ها را در متون مختلف سیاسی- اجتماعی درک کنیم. با این توصیف، نظام‌های سیاسی و دولت و یا نظریه‌های مربوط به حکومت نیز صرف نظر از اینکه پادشاهی مشروطه و یا جمهوری باشند، هم می‌توانند پیشرو و مترقی در جهت چپ یا راست باشند، و یا تمایل افراطی راست یا افراطی چپ یعنی مقابله با اراده مردم داشته باشند. پیشرو بودن می‌تواند درجات متفاوتی از راست تا چپ را در بر بگیرد.

ظهور چیگرایی را می‌بایستی در قیام‌های اجتماعی که در نیمه‌های قرن نوزدهم تقریباً همه اروپا را در بر گرفته و به انقلاب مردم یا انقلاب ملت‌ها موسوم شد جستجو کرد. علاوه بر این نابرابری‌های توسعه‌یافته و عمیق و شرایط وحشتناک زندگی طبقه کارگر آرام آرام موجبات این اندیشه را به وجود آورد که شرایط باید تغییر کند و این تغییرات باید در جهت اعاده حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش انجام پذیرد. اگر به ادبیات اروپای قرن نوزدهم نظر کوتاهی داشته باشیم و به آثار افرادی مانند چارلز دیکنز و یا ویلیام بلیک مراجعه نمایم، می‌توانیم عمق فاجعه بخش بزرگی از مردم را که در محرومیت محض زندگی می‌کردند بهتر دریابیم. [iii] درحقیقت، سرمایه‌داری انحصاری چنان نابرابری‌های دهشتناکی به وجود آورده بود که ضرورت تغییر را برای دفاع از حقوق ذاتی حیاتی طبقه محروم اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. یک قطعه از «ترانه‌ها معصومیت» اثر ویلیام بلیک می‌تواند عمق فاجعه را نشان دهد. این قطعه از زبان تام کوچولو پسر ۸ ساله‌ای است که می‌بایست دودکش بخاری خانه‌های ثروتمندان را تمیز کند:

وقتی مادر مُرد، خیلی کوچک بودم

هنوز زبان باز نکرده بودم که پدر مرا فروخت

به شدت گریه می‌کنم، گریه، گریه، گریه

من دودکش‌های شما را تمیز می‌کنم و در دوده‌ها

می‌خوابم

تام کوچولو گریه می‌کند، موهای تراشیده‌اش نیز گریه

می‌کنند

مثل بره‌ای که در خود می‌پیچد موهای او را تراشیده‌اند.

ولی اینها برای تام کوچولو مهم نیست چون وقتی سرش

تراشیده شده

دیگر مهم نیست که دوده‌ها روی سرش بنشینند و موهای

او را خراب کنند

پس ساکت و بی‌حرکت ماند و همان شب

در خواب دید که هزاران کودک دودکش‌پاک‌کن، دیک،

جو، ند و جک

همه آنها در تابوت‌های سیاه دوده‌ها محبوس‌اند.

تام بیدار شد، در تاریکی از جا برخاست

و کوله و جاروی خود را به دست گرفت تا به سر کار

برود.

صبح بسیار سرد بود، ولی تام گرم بود و خوشحال.

اگر وظیفه‌اش را انجام دهد، هرگز ترسی از تنبیه نخواهد

داشت. [iv]

مفهوم چپ در این متن، یعنی پاسخی به بحران سرمایه‌داری ظهور کرد. این نوشته بر اینگونه اشکال و نمله‌های چیگرایی نظارت دارد. هدف این است که توضیح دهد بسیاری از گروه‌های چپ امروزین، شامل چیگرهای ایرانی، درک روشنی از مفهوم چپ نداشته و پیام‌های اینگونه نگرش را به سطحی‌ترین معنی ممکن یعنی به بهره‌برداری ایدئولوژیک تقلیل داده‌اند.

چیگرایی کلاسیک

قرن نوزدهم را می‌بایست به عنوان نقطه شروع منسجم آیین‌های چیگرایی که هر کدام با تفاسیر خاص خود از مفهوم چپ به معنی سوسیالیستی کلمه ظهور کردند، مورد توجه قرار داد. در آن دوران در پاسخ به بحرانی که جوامع وقت اروپا به ویژه انگلستان را در بر گرفته بود، سه جریان چیگرایی سوسیالیستی مشاهده می‌شوند: سوسیالیسم آرمانگرا، سوسیالیسم لیبرال و سوسیالیسم مارکسیستی. نگاهی گذرا به هر کدام از این جریانات تواند توضیح‌دهنده آمال و آرزوها و همچنین اهداف و خط مشی‌های عملی آنان باشد.

سوسیالیسم آرمانگرا در واکنش به نابرابری‌ها عمیقی که در جریان انقلاب صنعتی در جامعه اروپایی به ویژه در بریتانیای کبیر آن زمان شکل گرفته بود، به وجود آمد. سوسیالیست‌های آرمانگرا سعی می‌کردند با توسعه آرمان‌های اخلاقی و اجتماعی، گشایشی در شرایط زندگی سخت و تاثرآور ستمدیدگان و فقرا به وجود آورند. پس نظریه‌های بدیل و اقدامات بنیادشکن آنان به سوسیالیسم آرمانگرا مشهور شد. در ورای اینگونه چشم‌اندازهای اصلاح‌گرایانه برای فقرزدایی و ایجاد برابری، سوسیالیست‌های اولیه‌اندیشه‌های آرمانگرایانه‌ای را مطرح ساختند که از یکسو از مدرن بودن اندیشه بهره می‌گرفت، و از دیگرسو سعی می‌کرد آنها را با نوعی معنویت‌گرایی عارفانه همراه و هماهنگ سازد تا بتواند نوید شکل‌گیری جامعه‌ای بر مبنای عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق بشر درماندگان را بدهد. اندیشه‌های اینان پراکنده بود و نمی‌توان آن را در درون سنت واحدی تحت عنوان اصالت اجتماع گرد آورد. با این حال، وجوه مشترکی میان این اندیشه‌های



را در جامعه خویش برقرار سازند. همین ناتوانی انگیزه‌ای را برای بازتعریف مفهوم لیبرال بودن با تعهد به خیر عمومی به وجود می‌آورد. در حقیقت، تحقق بخشیدن به آرمان توسعه انسانی و شکوفایی استعدادها برای تنظیم جامعه‌ای سالم و عادلانه آنگونه که از درون عقلانیتی عمیق و آگاهانه سرچشمه می‌گیرد، منابع توجیه لیبرالیسم از فردگرایی اقتصادی به سوی فردگرایی اجتماعی و ریشه‌دار را فراهم می‌آورد. [ix]

سوسیالیسم مارکسیستی جریان سوم چپگرایی را تشکیل می‌دهد که می‌بایست آن را در فلسفه مارکسیستی جستجو کرد. اساس بحث هم این است که نظام سرمایه‌داری اولیه توانست با تغییرات بنیادین در نقش افراد در پیشرفت اقتصادی ابزارهای تولید و روابط حاکم بر آن را به گونه‌ای تنظیم نماید که جامعه، حداقل در ابعاد نظری به سوی رفاه بیشتر برای همه سوق داده شود، ولی همان نظام به تضادی غیرقابل انکار میان ساختار اقتصادی و اهداف تعیین شده آن و نیروهای تولیدی کشیده شد. در واقع، ظهور سرمایه‌داری با خویش نابرابری را نیز به دنبال آورد چرا که اینگونه نظام اجتماعی ماهیتا منافع فردی افراد قدرتمندتر جامعه را تامین می‌کند، در حالی که حضور خود را در پناه شعار آزادی و فردگرایی توجیه می‌نمود. از همان آغاز تقریباً ده درصد از جمعیت کل دارایی عمومی را به قیمت نادیده انگاشتن اکثریت جامعه که نیروی اصلی تولید است در اختیار داشت. با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و اقتصادی، رشد صنعت، و بزرگتر شدن جمعیت شهری، ثروت هرچه بیشتر در دستان طبقات ثروتمند متمرکز شد. با گسترش انحصار بر منابع و روابط تولید توسط طبقات سرمایه‌داری، طبقه متوسط به تدریج حضور فعال خود را از دست داده و در طبقه کارگر سقوط کرد. آنچه توسعه سرمایه‌داری با خود به همراه آورد در تضاد کامل با حقوق بشری بود که نوید آن توسط فلاسفه لیبرال داده شده بود. سرمایه‌داری نه تنها از زمینه‌های اخلاقی که به آن وفادار بود خود را گسست، بلکه ضروری مسلط در سیستم قانونی به دست آورد.

نکته مهمی که باید در نظر داشت اینست که تضاد میان نیروهای تولید و نیروهایی که غلبه انحصاری بر فرآیند تولید و کسب منافع حاصل از آن را داشته‌اند، در تاریخ گذشته به انقلاباتی منجر شد. ولی این انقلابات اساس روابط تولید و آگاهی‌های حاصل از آنرا تغییر ندادند. پس لزوماً انقلاب به تغییرات رهایی‌بخش منجر نمی‌شود چرا که در فضای پساانقلاب نیروهای مسلط به دلیل همان آگاهی‌های سلطه‌گر و فریبنده خود بار دیگر منابع حاصل از انقلاب را از آن خود می‌سازند. راه این نوع سلطه نیز از طریق استفاده طبقه مسلط از مفاهیم عمومی مانند اختیار، آزادی، و یا برابری انجام می‌شود و از این طریق طبقه حاکم را برای رسیدن به مقاصد خود یاری می‌نماید. به عنوان مثال مفهوم اختیار در جوامع سرمایه‌داری فقط محدود به کارآفرینان و طبقات سرمایه‌داری است که کنترل بازار را در اختیار دارند. اینان دیگرانی را که ایدئولوژی سرمایه‌داری شامل مباحث انتزاعی آزادی و برابری را به انتقاد می‌کشند، ناقص حقوق بشر تلقی می‌کنند. پس تا زمانی که این ابزارهای فریبنده به ظاهر اخلاقی در اختیار طبقات حاکم سرمایه‌داری قرار دارد، امیدی به رهایی نیست. به روشنفکران سیستم سرمایه‌داری نیز که این مفاهیم را توضیح می‌دهند نمی‌توان اعتماد داشت به این جهت که آنها با توجیه پایه‌های طبقاتی اینگونه مفاهیم، همواره روابط قدرت را در جوامع محفوظ می‌دارند. طبیعی است که نقد ایدئولوژی سرمایه‌داری، خواننده آثار مارکس را می‌تواند به این نتیجه‌گیری اولیه هدایت نماید که گفتمان حقوق بشر خواه از سوی

درباره معنی و ابعاد شکوهمند بودن و نیز سیاست‌های استعماری نسبت به آن را نیز به دنبال داشت. در واقع قرن ۱۹ آغاز عصری است که در آن مکتب اقتصادی لیبرال، موسوم به سرمایه‌داری، با چالش‌های عمده‌ای مواجه شد. از یکسو، سوسیالیسم آلمانگرا و مارکسیسم مابنی نظری و نیز سلطه انحصاری لیبرالیسم اقتصادی بر منابع و روابط اجتماعی تولید را به چالش کشیدند. از سوی دیگر، خود مکتب لیبرال از سرچشمه‌های کلاسیک خود فاصله گرفته و به دو جریان نئولیبرالیسم و لیبرالیسم اجتماعی انشعاب پیدا کرد. علت اصلی این انشعاب، وجود جامعه به شدت طبقاتی قرن ۱۹ و فقر گسترده و عمیقی بود که در متن و مرکز دوران ویکتوریایی به وجود آمده بود و با امپریالیسم بریتانیای کبیر بر عمده نقاط جهان از جمله آفریقا حکم می‌راند. فقر مهلک طبقات عمده‌ای از مردم در جوامع سرمایه‌داری آن دوران که در آن اندیشه‌های آزادیخواهانه و تقاضا برای برابری به اوج خود رسیده بود، این پرسش را برای بسیاری از متفکران آن زمان ایجاد کرد که چرا نظام لیبرال با وجود تکیه بر مفاهیم متعالی انسانی مانند آزادی، برابری و برادری، جامعه را به زشت‌ترین اشکال محرومیت، به حاشیه رانده شدن طبقات کارگری، و تقسیم طبقاتی کشانده است؟ برای پاسخ به این پرسش غیرقابل چشم‌پوشی و اساسی، هم متفکران سوسیالیست آلمانگرا، هم مارکسیست، و هم بخش عمده‌ای از آگاهان مکتب لیبرال اندیشه‌ها را به سوی معنا و مفهوم حق کشاندند. واقعا اگر اندیشه‌های پیشرو آن زمان مانند نظریه آزادیخواهی استوارت میل و یا سرمایه‌داری اخلاقی و خودکنترل‌کننده مورد نظر اسمیت باید در عمل به بهبودی شرایط زندگی و سعادت طبقات کارگری و دیگر محرومان منجر شود، پس چرا جامعه با بالاترین نرخ نابرابری و فقر مواجه است؟

در پاسخ به اینگونه پرسش‌ها بود که لیبرالیسم اجتماعی تعهدی عمیق برای اعاده حق آزاد بودن برای تعیین نوع زندگی عادلانه را در مرکز فلسفه اجتماعی و سیاسی قرار داده و آنرا با تکیه بر مفهوم خیر عمومی باز کرد. بحث اصلی در اجتماعی‌سازی (سوسیالیزاسیون) این است که عاملیت عقلانی برای حفاظت از حقوق خویش آنرا از طریق منافع جمع درآمیخته و علاوه بر «آزاد بودن از...» به «آزاد بودن برای...» توضیح می‌دهد. این تفسیر گسترده از حقوق خویش با به رسمیت شناختن حقوق دیگران ملازمه دارد. بنابراین مفهوم حق خود را با دو چهره نشان می‌دهد: احساس آزاد بودن برای انتخاب در خصوص موضوعات حیاتی تحقق انسانی از یکسو، و احساس آزاد بودن با ادراک آن به عنوان معیار انسان بودن برای همنوعان خویش. به همین سبب، آزادی با تعهد سیاسی به آزادی دیگران همراه و به همین دلیل ضرورتاً به خیر عمومی معطوف است. توماس هیل گرین این رابطه را به عنوان ظرفیتی برای فهمیدن حقوق فردی از طریق شناسایی همان حقوق برای دیگران و از طریق آن نوعی شناسایی متقابل حق و تعهد اجتماعی تفسیر می‌کند.

این شکل لیبرالیسم ریشه‌دار می‌تواند آرمان حق برخورداری از آزادی و خیر عمومی (عدالت اجتماع) را با یکدیگر همراه و هماهنگ سازد. این در حالیست که لیبرالیسم اختیاریگرایی و نظریه مسلط اقتصادی لیبرالیسم و نیز نهادهای اجتماعی، اقتصادی، و اخلاقی آمیخته به آن به این دلیل که نمی‌توانند نیاز به عدالت اجتماعی را تامین کنند، ناقص هستند. به عبارت بهتر، انواع دیگر لیبرالیسم به دلیل ناتوانی در موضوع آزادیبخشی از پیام‌های اصیل خود فاصله گرفته‌اند. به همین دلیل جوامع لیبرال دمکراسی مبتنی بر بازار نتوانسته‌اند با وجود داعیه لیبرال بودن برابری

برخاسته از آرمانگرایی به عنوان پاسخی به آسیب‌های عقلانیت محاسبه‌گر و منفعت‌طلب عصر روشنگری، و منابع الهام مذهبی و روحانی که می‌خواست آرمانی بودن را به طریقی عملی در جامعه به تحقق درآورد، جستجو کرد. با این باهاماتی در نظریه‌های آنان وجود داشت که در نهایت نهضت سوسیالیسم آلمانگرا برای دفاع از حقوق محرومین را به شکست کشاند. این ابهامات و تناقضات به نوعی ذاتی بودند زیرا این متفکران به همراه سرمایه‌داران خیراندیش می‌خواستند آرمان‌های مدینه فاضله خود را در متن واقعیت جامعه تحقق بخشند. این آرمان‌ها نمی‌توانستند رابطه دقیق و سازنده‌ای با روش‌های واقع‌گرایانه که ضرورت حیات اجتماعی بودند، برقرار نمایند. در واقع آنان به دنبال نوعی هماهنگی میان ادبیات و آرای مدینه فاضله‌ای بودند که می‌توانست عقل‌گرایی نوین و فرآیند صنعتی شدن را به نوعی به برابری، انسانیت، و ندهای معنوی متعهد سازد. به همین دلیل مدافعان سوسیالیسم آلمانگرا پاسخ به رنج‌های بشری و ریشه‌کن کردن نابرابری و فقر را در سیمای جامعه هماهنگی جستجو می‌کردند که در آن مردم ضمن برخورداری از آزادی‌های بنیادین خود، مانع از پیمان کردن حقوق دیگران نیز بشوند.

بر اساس باورهای بنیانگذاران این نوع سوسیالیسم، مانند سن سیمون [v]، رابرت اوون [vi]، و چارلز فوریه [vii] زندگی رهبانی و گریز از تجملات برای احیای تمدن انسانی فاضلانیه فراموش شده، آمال اصلی سوسیالیست‌های آلمانگرا را شکل می‌بخشید. به همین دلیل آنان به نیکوکاری، خیرخواهی، و خدمت به همنوع به عنوان فضایل اجتماعی توجه داشتند. در حالی که سوسیالیسم مارکسیستی اینگونه اوصاف را برآمده از ذات نظام سرمایه‌داری و توجیهی برای استعمار طبقات فروتر می‌دانست. هر دو گروه انحصارطلبی و سلطه بر منابع و ابزار تولید توسط سرمایه‌داری را مایه اصلی همه تباهی‌ها می‌دانستند، اما برای مقابله با آن روش‌های متفاوتی را دنبال می‌کردند. سوسیالیست‌های آلمانگرا و روحانی مسلک اخلاقی نظرگاه‌های رمانتیک و رویاگونه را دنبال می‌کردند، در حالی که سوسیالیسم مارکسیستی عملگر، مادی‌گرا، بی‌خادگرا، انقلابی، و بنیادشکن بود. [viii] هرچند که اینگونه سوسیالیسم آلمانی به سرعت فرو پاشید و نتوانست مدینه فاضله خود را تاسیس کند، اما هنوز می‌تواند درس‌هایی برای دنیای امروز داشته باشد. در حقیقت، سوسیالیسم آلمانی نتوانست آسیب‌های حاصل از سرمایه‌داری انحصاری را به معرض نمایش بگذارد، هرچند که برای ریشه‌کن ساختن آنها نتوانست اقدامی روشن انجام دهد. علاوه بر این، سوسیالیسم آلمانگرا نتوانست اهمیت تعهد به انسانیت و اخلاق در مراودات اجتماعی را به معرض نمایش بگذارد. این مکتب سوسیالیستی آلمانگرایانه به مخالفت جدی با رقابت‌های غیرقابل کنترل، نزاع، و جنگ بر سر منافع بیشتر برخاست که عمیق‌ترین جراحات را بر روح جوامع وارد کرده بودند، و بجای آن شفقت و مهربانی، دوستی و همکاری را پیشنهاد می‌کرد. در نهایت سوسیالیسم آلمانگرا توجهات را به هماهنگی میان تولید و تفاهم اقتصادی از یکسو، و عواطف و نیازهای انسانی از دیگرسو معطوف نمود.

سوسیالیسم لیبرال، یا به عبارت بهتر لیبرالیسم اجتماعی که به هیچ عنوان نباید با مارکسیسم اشتباه گرفته شود، یکی از جریان‌های فکری سوسیالیستی است که می‌کوشید آیین لیبرال را با مفهوم خیر عمومی در پیوند قرار داده، و به تعبیری در جهت عدالت اجتماعی آنرا بیشتر انسانی سازد. در حقیقت، قرن ۱۹ میلادی صرف نظر از اینکه به عصر شکوه ویکتوریایی معروف است، بی‌تردید انتقادات بسیار جدی

واکنش‌ها به اعدام محمد قبادلو؛ امیر رئیس‌ان اعدام موکلش را «قتل» می‌داند

● حکم اعدام محمد قبادلو در کمال ناباوری در سحرگاه روز سه‌شنبه سوم بهمن‌ماه اجرا و پیکر او در جوی امنیتی و با حضور گسترده مأموران و بدون حضور اقوام و آشنایان در آرامستان «بهشت زهرا»ی تهران به خاک سپرده شد.

● کاربران در شبکه ایکس هشتگ «#محمد قبادلو» را با صدها هزار بار انتشار ترند کرده و نسبت به اعدام این جوان معترض واکنش نشان دادند.

● شماری از خانواده‌های دادخواه که جان عزیزانشان توسط جمهوری اسلامی گرفته شده نیز به اعدام محمد قبادلو واکنش نشان دادند.

● شاهزاده رضا پهلوی: «امروز زمان نامیدی نیست. زمان ایستادگی و تاکید بر تداوم مبارزه تا به زیر کشیدن این رژیم ضدایرانی و اهریمنی است. زمان رسیدن به این باور که در پایان این مبارزه ما پیروزیم و جشن آزادی را در خیابان‌های سراسر ایران می‌گیریم. و باور به اینکه خون محمد قبادلو و دیگر جانباختگان راه آزادی ایران به هدر نخواهد رفت.

اعدام محمد قبادلو شهروند بازداشت شده در اعتراضات جنبش ملی با موجی از واکنش‌ها روبرو شده است. وکیل محمد قبادلو «اعدام» موکلش را در حالی که هنوز رأی دادگاه هم‌عرض صادر نشده بود «قتل» خوانده و قوه قضاییه را به مناظره دعوت کرده است.

اعدام غیرقانونی و ناعادلانه محمد قبادلو جوان ۲۳ ساله‌ای که در اعتراضات سال گذشته بازداشت و قربانی سناریوسازی و دادرسی ناعادلانه در نظام قضایی جمهوری اسلامی شد، با موجی از واکنش‌ها روبرو شده است.

محمد قبادلو در حالی اعدام شد که حکم او در دیوان عالی کشور «نقض» و پرونده او برای بررسی به شعبه هم‌عرض منتقل شده بود. رأی دادگاه شعبه هم‌عرض هنوز صادر و ابلاغ نشده بود ولی متهم پرونده به شکلی شتابزده به چوبه دار آویخته شد.

امیر رئیس‌ان وکیل محمد قبادلو شب گذشته با انتشار متنی در شبکه «ایکس» اعلام کرده بود که «ابلاغیه اجرای حکم اعدام» را برای بامداد سه‌شنبه دریافت کرده است.

حکم اعدام محمد قبادلو در کمال ناباوری در سحرگاه روز سه‌شنبه سوم بهمن‌ماه اجرا و پیکر او در جوی امنیتی و با حضور گسترده مأموران و بدون حضور اقوام و آشنایان در آرامستان «بهشت زهرا»ی تهران به خاک سپرده شد.

خبرگزاری «میزان»، مرکز رسانه‌ای قوه قضاییه، صبح روز سه‌شنبه با اعلام خبر اعدام محمد قبادلو، در گزارشی غیرواقعی، تصویری منتشر کرد و مدعی شد بخشی از رأی صادره از سوی شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور در تأیید حکم اعدام محمد قبادلو است.

امیر رئیس‌ان وکیل محمد قبادلو در واکنش به این گزارش غیرواقعی اعلام کرد که این دادنامه هرگز به او یا

جریان دوم را باید در چپ نوین جستجو کرد که به دنبال انقلابات سال ۱۹۶۸ در سراسر اروپا امتداد یافت. این نگرش چپ بطور کامل ارتباطات آیینی، فکری و منش سیاسی خود را از چپ کهنه و منسوخ کمونیستی جدا ساخت. این نگرش نوین چپ جهانی (یا چپ غربی) است که در جریان اجلاس سازمان تجارت جهانی در سیاتل و سپس در اجلاس پورتر آلگره در سال ۲۰۰۱ چهره خود را نمایان ساخت، اما به سرعت رو به فروپاشیدن گذاشت.

حال می‌توان به یک جمع‌بندی ساده از این مباحث دست یافت. مفهوم چپگرایی که به عنوان نماد پیشرو بودن در جهت عدالت اجتماعی در طیف اندیشه‌های سیاسی به حساب می‌آید، برای دست یافتن به این هدف نخله‌های فکری مختلفی را ایجاد کرده است. اما آنچه همه این نخله‌ها را در یک متن واحد فلسفی سیاسی قرار می‌دهد، تعهد آنها به خیر عمومی برای کاهش دادن نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی است که به واسطه جریان‌ات سلطه به وجود آمده‌اند. از میان سه نخله چپگرایی یادشده، سوسیالیسم آرمانگرا بیش از چند سال دوام نیاورد و عملاً خاموش شد. لیبرالیسم اجتماعی مراحل پیچیده تکاملی را طی کرده و امروز به عنوان سوسیال دموکراسی در شمال اروپا سیاست‌های کشورهای حوزه اسکاندیناوی را در بر می‌گیرد. سرنوشت مارکسیسم بغایت پیچیده است زیرا نه تنها به آرمان سیاسی سرکوبگری تبدیل شد که بخش بزرگی از جهان را از ادراک مفهوم صحیح آزاد بودن، دموکراسی، و توسعه‌یافتگی محروم ساخت، بلکه با تخریب مسیرهای رهایی‌مردمی که برای آزادی مبارزه می‌کردند، دستیابی به آمل و آرزوهای آنها را با موانع جدی مواجه ساخت. به باور نویسنده، بخش بزرگی از چپگرایی در ایران امروز در این مقوله‌ی اخیر قرار می‌گیرد. [xii]

→ نظام سرمایه‌داری غربی مورد حمایت باشد، خواه توسط سوسیالیسم پشتیبانی شود، و یا به عنوان گفتاری در اجرای سیاست‌های کشورهای عدم تعهد به کار گرفته شود، تا زمانی که ابزار ایدئولوژی سلطه باشد هرگز نمی‌تواند رهایی‌بخش باشد. درواقع این نظریه استفاده ابزاری از حقوق بشر برای حفظ وضع موجود را توسط هر نوع سیستم سیاسی که مورد استفاده قرار گیرد به نقد و چالش می‌کشاند. [x]

در سال‌های میانه دوران جنگ سرد، آیین چپ تحولات بنیادینی یافت که با ویژگی‌های مارکسیستی آن نه تنها بیگانگی، بلکه عدم سازگاری داشت. گویی چپ نوینی به وجود آمده بود که هم نظام سرمایه‌داری افسارگسیخته را به چالش می‌کشید و هم در مقابله با نظام مارکسیست کمونیستی منسوخ شده قرار می‌گرفت.

این تحولات را می‌توان در دو جریان کلی جستجو کرد: جریان اول در نئومارکسیسم تبلور یافت و فرضیات اصلی آنرا در کارهای نظریه‌پردازان وابستگی مانند آندره گوندر فرانک باید جستجو کرد. به نظر اینان، توسعه‌نیافتگی شرایطی است که توسط کشورهای مادر در سرزمین‌های حاشیه گسترش یافته است. بنابراین معضلات جهان سوم (آن زمان) را باید بر مبنای گسترش توسعه‌نیافتگی احتمالی که در اثر ساختارهای بین‌المللی حادث شده‌اند، توضیح داد. شرایط توسعه‌نیافتگی در اثر تبانی جهان سرمایه‌داری و همچنین کمونیسم ایجاد شده است. بنابراین، باید از هر دو این آیین‌های سیاسی عبور کرد. در حقیقت، مارکسیسم قرار بود با به دست آوردن قدرت، ساختارهای را به گونه‌ای بنیادشکن دگرگون سازد، اما هرگز چنین تغییرات اساسی توسط کشورهای مارکسیستی به وجود نیامدند. [xi]

* دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

[i] Progressive

[ii] An intellectual device

[iii] Dicken, C. (1837-39). *Oliver Twist; or The Parish Boy's Progress*. Charles; Dicken, C. (1864-65). *Our Mutual Friend*. See: The Project Gutenberg eBook of *Our Mutual Friends*, by Charles Dickson; Blake, W. (1969). *Chimney Sweeper*

Blake, W. (1789/2012). *The Songs of Innocence*; Gaskell, E. (1845/2017). *Mary Barton: A Tale of Manchester*; Trollope, C. (1984). *Shirley*; Kingsley, C. (1984/2010). *Yeast: A Problem*; North and South, novel by Elizabeth Gaskell, written at the request of Charles Dickens and published anonymously in serial form in *Household Words*; Barton, M. (1839). *A Tale of Manchester Life*

[iv] Blake, W. (1789/2012). *The Songs of Innocence*. United States of America: LSC Communications

[v] Henri de Saint-Simon (1760-1825)

[vi] Robert Owen (1858-1771)

[vii] Charles Fourier (1772-1837)

[viii] برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به جلد سوم از مجموعه «اندیشه‌های حقوق بشری» از این نویسنده با عنوان «نظریه‌های بنیادشکن حقوق بشر» که توسط انتشارات اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

[ix] برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به جلد دوم از مجموعه «اندیشه‌های حقوق بشری» از این نویسنده با عنوان «حقوق بشر و مفهوم خیر عمومی» که توسط انتشارات ایران آکادمیا در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

[x] برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به فصل دوم از جلد سوم مجموعه «اندیشه‌های حقوق بشری» از این نویسنده با عنوان «حقوق بشر در نظریه اجتماعی و سیاسی مارکسیسم» که توسط اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل انتشار یافته است.

[xi] نگاه کنید به «کانادا و چالش‌های جهانی شدن و توسعه بین‌الملل» از این نویسنده. این کتاب که به عنوان دومین کتاب درسی برتر در علوم اجتماعی توسط ناشران آمریکای شمالی انتخاب شد، توسط انتشارات دانشگاه آتاوا به چاپ رسیده است.

[xii] نگاه کنید به نوشتاری از این نویسنده با عنوان «خطوط آیینی چپگرایی جهانی»



از اساس جعلی است و مدرکی مبنی بر تصادف منجر به فوت در دادگاه ارائه نشده است.

نخستین جلسه دادگاه محمدقبادلو روز هفتم آبان سال گذشته با ریاست قاضی صلواتی برگزار شد. بر اساس کیفرخواستی که علیه این جوان صادر شده بود، او متهم به «افساد فی الارض» از طریق اقدام گسترده علیه مأموران موتوری نیروی انتظامی «با اصابه خودروی سواری پیکان سفیدرنگ» و «شهادت استوار وحید کرمپور حسنونند و مجروح شدن ۵ مأمور پلیس» شده بود.

مرکز رسانه قوه قضائیه ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۱ اعلام کرده بود بر اساس حکم صادر شده توسط دادگاه انقلاب تهران، «فردی که در اقدامی تروریستی به صورت عمد و با قصد جان مأمورین نیروی انتظامی، با خودروی سواری خود به سرعت به مأمورین هجوم برده و در اثر برخورد با آنها، یک پلیس را به شهادت رسانده و تعدادی را نیز مجروح کرده بود پس از اعترافات صریح خودش مبنی بر ارتکاب جرم در دادگاه و مستندات مستدل موجود در پرونده، به افساد فی الارض از طریق جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، تخریب و اقدام علیه امنیت ملی کشور که منجر به اختلال در نظم عمومی و ناامنی در کشور و وارد کردن خسارت به افراد و اموال عمومی، متهم و به اعدام محکوم شده است.»

اما آنچه در حکم صادر شده علیه محمد قبادلو به عنوان «اعتراف صریح» آمده در واقع اقرار زیر شکنجه بوده است. همچنین امیر رئیسیان وکیل محمد قبادلو گفته که اتهام قتل مأمور یگان ویژه از طریق «زیر گرفتن» به شدت مورد تردید است.

در بین مدارک، هیچ تصویری از محل جرم، مدارک پزشکی قانونی و دیگر مدارک که روال عادی یک دادگاه در مورد بررسی تصادف رانندگی است، وجود نداشته است.

بر اساس گواهی صادر شده از سوی پزشک معالج محمد قبادلو، او از هفت سال پیش به دلیل ابتلا به اختلال دوقطبی تحت درمان بوده و از دو ماه پیش از حادثه تصادف، دارو مصرف نکرده بود. در چنین شرایطی و بر اساس همین قوانین نیم‌بند و ناعادلانه جمهوری اسلامی هم این جوان ۲۲ ساله نمی‌تواند متهم به «محرابه» و محکوم به «اعدام» شود. محمدعلی قبادلو، پدر محمد قبادلو سال گذشته در یک پیام ویدئویی گفته بود که جانباز شیمیایی و جانباز اعصاب و روان است که هفت سال برای کشور جنگیده است.

«سرتان را بالا بگیرد و به فرزند قهرمان‌تان افتخار کنید. ستاره محمد از امشب در آسمان ایران می‌درخشد.»

شماری از خانواده‌های دادخواه که جان عزیزانشان توسط جمهوری اسلامی گرفته شده نیز به اعدام محمد قبادلو واکنش نشان دادند. کاملیا سجادیان، مادر محمدحسن ترکمان، از جانب‌آختگان خیزش انقلابی ۱۴۰۱، با انتشار متنی در صفحه اینستاگرام خود به اعدام محمد قبادلو واکنش نشان داد. این مادر دادخواه خطاب به مردم ایران نوشت: «سکوت نکنید که در غیر اینصورت، نوبت به تک تک شما هم خواهد رسید. سکوت شما یعنی حمایت از ستمکاران و ظالمان، یعنی گرفتن جان عزیز. حالا شاید روزی آن عزیز عزیز شما باشد.»

گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی، در واکنش به اعدام قبادلو، در صفحه اینستاگرام خود نوشت علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، «انتقام ناکامی‌هایش را با ریختن خون جوانان ما می‌گیرد.»

کلارا بونگر نماینده حزب چپ آلمان و کفیل سیاسی محمد قبادلو در شبکه «ایکس» با ابراز تأسف از اعدام وی، این اقدام قوه قضائیه جمهوری اسلامی را «قتل یک انسان بی‌گناه» خواند.

سازمان حقوق بشر ایران اعدام محمد قبادلو را «با شدیدترین الفاظ» محکوم کرد و از جامعه جهانی خواست تا با نشان دادن واکنش‌های محکم، ماشین اعدام جمهوری اسلامی را متوقف کند.

مولوی عبدالحمید، چهره اهل سنت، در واکنش به اعدام قبادلو به اخذ اعتراف‌های اجباری از زندانیان سیاسی اشاره کرد. او در حساب خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اخذ اعتراف اجباری از زندانیان و اجرای بی‌رویه احکام اعدام در کشور، مجامع بین‌المللی را تکان داده و باعث افزایش نارضایتی مردم و گسترش فاصله آنها از حاکمیت شده است.»

محمد قبادلو متولد ۱۳۷۹ کارگر آرایشگاه و ساکن شهر پرند بود که در زمان بازداشت ۲۲ سال سن داشت. او به اتهام «محرابه» و «افساد فی الارض» با قتل یک مأمور انتظامی با نام فرید کرمپور و مجروح کردن پنج مأمور دیگر از طریق زیر گرفتن آنها با ماشین سواری به اعدام محکوم شد. این در حالیست که اتهام انتسابی علیه محمد قبادلو یعنی «محرابه» از طریق زیر گرفتن مأموران یگان ویژه با اتومبیل

خانواده موکلش ابلاغ نشده است. این وکیل دادگستری همچنین با اشاره به محتوای دادنامه منتشر شده از سوی خبرگزاری «میزان» نوشت عباراتی چون «قصد حمله به مردم» و «پس از کشتن یک نفر» پیش از این در پرونده مطرح نشده بودند.

در تصویر منتشر شده از سوی خبرگزاری میزان آمده که «امر جدیدی حادث نشده است که موجب تجویز اعاده دادرسی شود». امیر رئیسیان در پاسخ به این ادعا نوشته که «امر جدیدی که حادث شده بود و شعبه یک دیوان بر اساس آن حکم را نقض کرده بود و مشخص نیست چطور شعبه ۳۹ توجهی به آن ندارد این است که روانپزشکی که در پرونده سلامت محمد را گواهی کرده بود پس از صدور حکم، به همراه ۴۹ روانپزشک دیگر، بررسی‌های پزشکی را ناقص دانستند.» وکیل محمد قبادلو همچنین نوشته که «همه اینها به کنار! اگر بنا بر ادعای خبرگزاری میزان حکمی که امروز اجرا شد در ۲۱ دی ماه (کمتر از دو هفته پیش) صادر شده بود، بفرمایید چطور می‌شود حکم قصاص را قبل از ابلاغ، اجرا کرد؟!» امیر رئیسیان در متن دیگری نوشته که «خبرگزاری میزان اگر راست می‌گوید شماره و تاریخ صدور این حکم را اعلام کند. در این پرونده حکم قطعی قصاص در اعاده دادرسی توسط شعبه اول دیوان عالی کشور نقض شده است و پس از آن شعبه هم‌عرض هم حکم نداده است. حکم دیگری هم به ما ابلاغ نشده است.»

او همچنین قوه قضائیه را به منظره و ارائه اسناد دعوت کرده است: «پس در حضور رسانه‌ها منظره کنیم با اسناد و احکام پرونده.»

کاربران در شبکه ایکس هشتگ «#محمدقبادلو» را با صد‌ها هزار بار انتشار ترند کرده و نسبت به اعدام این جوان معترض واکنش نشان دادند.

بیش از پانزده وکیل دادگستری نیز با انتشار متن‌هایی در شبکه ایکس اجرای حکم اعدام محمد قبادلو را «غیرقانونی» خواندند. مهدخت دامغان‌پور وکیل پایه یک دادگستری نوشته که «ابلاغ اجرای حکم قصاص محمد امروز به ما وکلای محمد قبادلو در حالی است که به خانواده ابلاغی نشده و دیداری با محمد نداشتند. رأی صادر و ابلاغ نشده است. اجرای حکم قصاص محمد در حالی که توسط دیوان عالی قبلاً نقض شده بود غیر قانونی است.»

محسن برهانی وکیل و استاد حقوق دانشگاه تهران نیز نوشته که «اجرای حکم قصاص قبادلو در حالی که اعاده دادرسی توسط دیوان عالی کشور پذیرفته شده و هنوز دادگاه هم‌عرض در این مورد اظهار نظر نکرده است، یا ناشی از یک اشتباه است یا ناشی از یک شیطنت. اگر عقلای دستگاه قضا در این چند ساعت ورود نکنند، برخلاف قانون خونی بر زمین ریخته خواهد شد. عجب شب شوک‌آوری!» شاهزاده رضا پهلوی نیز با انتشار متنی نوشت: «رژیم درمانده خامنه‌ای، انتقام کشته‌شدن تروریست‌هایش در سوریه و لبنان و یمن و عراق را از مردم ایران، جوانان و کودکان بی‌گناه می‌گیرد؛ با این هدف که به معدود حامیان متزلزل خود، امید بدهد و ملت ایران را در مبارزه‌شان ناامید کند.» در ادامه این پیام آمده که «امروز زمان ناامیدی نیست. زمان ایستادگی و تأکید بر تداوم مبارزه تا به زیر کشیدن این رژیم ضدایرانی و اهریمنی است. زمان رسیدن به این باور که در پایان این مبارزه ما پیروزیم و جشن آزادی را در خیابان‌های سراسر ایران می‌گیریم. و باور به اینکه خون محمد قبادلو و دیگر جانب‌آختگان راه آزادی ایران به هدر نخواهد رفت.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرده که با خانواده محمد، مادر و پدر داغدارش همدردی می‌کنم و به آنها می‌گویم

تداوم فشار بر مشروطه خواهان زندانی؛ ممنوعیت تماس تلفنی برای منوچهر بختیاری و بستری شدن مهدی مسکین نواز با ۳۶ درصد سوختگی!



مهدی مسکین نواز و دخترش عسل

از ده روز با تودیع قرار وثیقه از کانون اصلاح و تربیت تهران آزاد شد.

دو شعبه دادگاه انقلاب تهران با صدور احکامی سنگین برای چهارده فعال سیاسی مشروطه خواه، هر یک از آنها را به پنج تا ۱۶ سال زندان، تحمل شلاق و پرداخت جزای نقدی محکوم کردند. مجموع سال‌های زندان برای این فعالان بیش از ۱۴۱ سال است.

یازده فعال مشروطه خواه با صدور حکمی در پرونده‌ای مشترک به پنج تا ۱۶ سال زندان، تحمل شلاق و پرداخت جزای نقدی محکوم شدند. این رأی سنگین در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان صادر شده است. محمدرضا کامرانی نژاد، وحید سرخ گل، کاظم علی نژاد برانلو، آرشام (محمود) رضایی، میثم غلامی، وحید قدیرزاده، علی اصغر حسنی راد، سامان رضایی، پیام باستانی پاریزی، فاطمه حق پرست و حجت اله رافعی مشروطه خواهانی هستند که حکم حبس علیه آنها صادر شده است.

بر اساس این حکم، وحید سرخ گل و پیام باستانی پاریزی هر کدام به شانزده سال حبس، آرشام (محمود) رضایی به پانزده سال زندان و پرداخت پانزده میلیون تومان جزای نقدی، کاظم علینژاد برانلو به یازده سال حبس، علی اصغر حسنی راد به هشت سال زندان، یازده ضربه شلاق و پرداخت سه میلیون و یکصد و هفتاد و سه هزار و سیصد و سی و سه تومان جزای نقدی، میثم غلامی، وحید قدیرزاده، محمدرضا کامرانی نژاد و حجت‌الله رافعی هر کدام به شش سال حبس، سامان رضایی به پنج سال حبس و فاطمه حق پرست سهی به هشت ماه حبس و یک میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده‌اند.

همچنین بابت مجازات‌های تکمیلی هر یک از این افراد به دو سال منع اقامت در استان تهران و سایر استان‌های مجاور، دو سال منع عضویت در گروه‌ها و دستجات

مشروطه خواه محبوس در زندان اوین نیز از مدتی پیش از تماس با تنها فرزندش محروم شده بود. این زندانی سیاسی روز گذشته در پی فشار روحی ناشی از ممنوعیت تماس و بی‌خبری از دختر ۱۸ ساله‌اش با ریختن یک دیگ آب جوش بر بدنش خودسوزی کرد.

منابع مطلع به «کیهان لندن» گزارش دادند که اکثر سطح بدن این زندانی مشروطه خواه دچار سوختگی شده و مقامات زندان به ناچار او را به بیمارستان «مطهری» تهران منتقل کردند. بر اساس اعلام پزشکان مهدی مسکین نواز دچار ۳۶ درصد سوختگی شده و در حالی که تمام بدنش باندپیچی شده در بیمارستان بستری است.

عسل دختر ۱۸ ساله مهدی مسکین نواز و تنها فرزند او، روز گذشته توانسته تنها برای دقایقی پدرش را در بیمارستان مطهری تهران ملاقات کند.

مهدی مسکین نواز در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ بازداشت شد و مدتی بعد به اتهامات «اجتماع و تبانی»، «اقدام علیه امنیت ملی»، «توهین به رهبری» و «تبلیغ علیه نظام» به ۱۳ سال حبس تعزیری و دو سال اقامت اجباری در فرج کرمان و ممنوعیت از عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی محکوم شد.

مهدی مسکین نواز تابستان امسال نیز در پرونده‌ای که در طول زندان علیه وی باز شد به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم گشت. عناوین اتهامی مهدی مسکین نواز در این پرونده «تشکیل گروه به قصد برهم زدن امنیت کشور» و «تبلیغ علیه نظام» عنوان شده است.

همچنین عسل مسکین نواز فرزند مهدی مسکین نواز نیز ۲۲ تیرماه در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اتهام «اجتماع و تبانی»، «تبلیغ علیه نظام» و «همکاری با دولت متخاصم» محاکمه شد. عسل مسکین نواز بهمن ماه سال گذشته در کرج بازداشت و پس

● مهدی مسکین نواز روز گذشته در پی فشار روحی ناشی از ممنوعیت تماس و بی‌خبری از دختر ۱۸ ساله‌اش با ریختن یک دیگ آب جوش بر بدنش خودسوزی کرد.

● منابع مطلع به «کیهان لندن» گزارش دادند که مهدی مسکین نواز دچار ۳۶ درصد سوختگی شده و در حالی که تمام بدنش باندپیچی شده در بیمارستان «مطهری» بستری است.

● منوچهر بختیاری، زندانی سیاسی محبوس در زندان چوبیندر قزوین از دسترسی به تلفن زندان و تماس با خانواده محروم شده است.

در ادامه فشارهای نهاد‌های امنیتی بر فعالان مشروطه خواه زندانی، منوچهر بختیاری زندانی محبوس در زندان قزوین از دسترسی به تلفن زندان و تماس با خانواده محروم شد. مهدی مسکین نواز زندانی مشروطه خواه محبوس در زندان اوین نیز در پی ممنوعیت تماس تلفنی با تنها فرزندش خودسوزی کرده و در بیمارستان بستری شده است.

منوچهر بختیاری زندانی سیاسی محبوس در زندان چوبیندر قزوین از دسترسی به تلفن زندان و تماس با خانواده محروم شده است.

خبرگزاری «هرانا»، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، به نقل از یک منبع نزدیک به خانواده منوچهر بختیاری نوشته که «آقای بختیاری از تاریخ نوزدهم دی‌ماه، توسط شواری انضباطی زندان به مدت سه ماه از دسترسی به تلفن زندان و تماس با خانواده‌اش محروم شده است. منوچهر بختیاری در تاریخ مذکور در خصوص صدور حکم ۱۸ حبس خود با خانواده‌اش در حال مکالمه بود که تلفن وی قطع شد. احتمال می‌رود این محرومیت از تماس به دلیل این موضوع باشد.»

منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری از جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۹۸ است که پس از جانب‌اختن فرزندش به دادخواهی برخاست و بیش از چهار سال است که به همراه ناهید شیربیشه مادر پویا و دیگر اعضای خانواده، زیر شدیدترین فشارهای امنیتی و قضایی قرار دارند.

منوچهر بختیاری در حالی در زندان «چوبیندر» قزوین محبوس است که به تازگی بار دیگر به دلیل پرونده‌ای که در زمان حبس علیه او گشوده شد، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب کرج به ریاست قاضی سید موسی آصف‌الحسینی در مجموع به ۱۸ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. او را برای شرکت در دادگاه به کرج اعزام نکردند و جلسه دادگاه در تاریخ سوم دی‌ماه به صورت ویدیوکنفرانس در شعبه اول دادگاه انقلاب کرج برگزار شده بود.

منوچهر بختیاری پیشتر در تاریخ ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰، توسط نیروهای امنیتی همراه با ضرب و جرح در منزل شخصی خود در تهران بازداشت شده بود. او توسط دادگاه انقلاب به ۳ سال و ۶ ماه حبس، ۲ سال و ۶ ماه تبعید و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. این شهروند در تیرماه ۱۴۰۱، از ندامتگاه مرکزی کرج به زندان «چوبیندر» قزوین تبعید گشت.

منوچهر بختیاری همچنین آبان امسال نیز در پرونده دیگری که در دوران حبس علیه وی گشوده شده بود، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان قزوین به اتهام «توهین به رهبری» به شش ماه حبس محکوم شد.

از سوی دیگر مهدی مسکین نواز زندانی سیاسی

بیانیه مشترک چند تشکل دانشجویی:

ما اعدام را تحمل نمی‌کنیم و حکومت اعدامی را نابود خواهیم کرد!



بایستیم. ما باید با اعتراض کردن، حربه اعدام را از این حکومت گرفته و آن را از کار بیاندازیم. از این رو ما دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی بار دیگر مانند همیشه اعلام می‌کنیم در این مبارزه، کنار خانواده‌هایی که برای عزیزان‌شان حکم اعدام صادر شده و یا در خطر صدور حکم هستند؛ قرار می‌گیریم.

ما همانگونه که در شعار انقلاب‌مان «زن زندگی آزادی» پیداست، جزء «زندگی» از این شعار تاریخی را به معنای «حق حیات» و برخورداری از رفاه، امنیت، آسایش و خوشبختی تک به تک انسان‌ها، یک ارزش پایه‌ای و اساسی می‌دانیم و برای آن مبارزه می‌کنیم.

هدف ما در پیروزی انقلاب‌مان، سرنگونی رژیم جلا و قاتل و نابود کردن قوانین ارتجاعی و قرون وسطایی اسلامی است و در این مسیر تا رسیدن به جامعه‌ای انسانی، آزاد، برابر، مدرن، مرفه برای همگان، بدون اعدام، سکولار و امن برای همه دست از مبارزه نخواهیم کشید.

امضاها:

- تشکل دانشجویان پیشرو
- نهاد آزادیخواهان دانشگاه تهران شمال
- کمیته سراسری دانشجویان کردستان
- نهاد مستقل دانشجویان دانشگاه آزاد اصفهان
- نهاد آزاداندیشان جندی‌شاپور
- دانشجویان مستقل دانشگاه خواجه نصیر
- جمعیت صدای آزاد دانشگاه (هتر اصفهان)
- اتحاد دانشگاه صنعتی اصفهان
- اتحاد دانشجویان دانشگاه «الزهر»
- جمعی از دانشجویان و فعالین:**
- دانشگاه اصفهان
- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
- دانشگاه کردستان
- دانشگاه فنی حرفه‌ای دخترانه سنندج
- دانشگاه فنی «یزدان‌پناه» کردستان
- دانشگاه فنی «مهاجر» اصفهان
- دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
- دانشگاه شیراز

● با توجه به بالا گرفتن موج اعدام‌ها در روزها و هفته‌های اخیر در چهار گوشه کشور و تایید حکم اعدام رضا رسایی، مجاهد کورکور، منصور دهمرده، فرشید حسین‌زهی، وفا آذربار، محمد فرامرزی، پژمان فاتحی و محسن مظلوم، لازم است اعتراض سراسری در برابر این موج توحش و ضدیت علیه انسان و انسانیت را با کارزارها و اقدامات میدانی گسترش دهیم.

● جمهوری اسلامی تصور می‌کند که با اعدام معتزین و مخالفین می‌تواند جامعه را مرعوب کند و انقلاب‌مان و اعتراضات‌مان را مهار و متوقف کند؛ اما این یک توهم است. ما جمهوری اسلامی را نابود خواهیم کرد.

ما مبارزین و انقلابیون «زن زندگی آزادی» مخالف سرسخت مجازات اعدام هستیم و اعلام می‌کنیم که تحت هیچ شرایطی، برابر اعدام، این «قتل عمد حکومتی» سکوت نخواهیم کرد.

با توجه به بالا گرفتن موج اعدام‌ها در روزها و هفته‌های اخیر در چهار گوشه کشور و تایید حکم اعدام رضا رسایی، مجاهد کورکور، منصور دهمرده، فرشید حسین‌زهی، وفا آذربار، محمد فرامرزی، پژمان فاتحی و محسن مظلوم، لازم است اعتراض سراسری در برابر این موج توحش و ضدیت علیه انسان و انسانیت را با کارزارها و اقدامات میدانی گسترش دهیم.

خانواده‌های محکومین و قربانیان حکم ضدانسانی اعدام در مدت اخیر، بارها اعلام کردند که عزیزان‌شان، تحت شکنجه و وحشیگری جلادان حکومتی وادار به اعتراف علیه خود شده‌اند و پرونده‌های آنها سراسر ضد و نقیض است.

اما حکومت با ایجاد رعب و وحشت به واسطه صدور و اجرای احکام اعدام، به دنبال برون‌رفت از بحران سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و بین‌المللی‌ای است که روز به روز تشدید می‌یابد. جمهوری اسلامی تصور می‌کند که با اعدام معتزین و مخالفین می‌تواند جامعه را مرعوب کند و انقلاب‌مان و اعتراضات‌مان را مهار و متوقف کند؛ اما این یک توهم است. ما جمهوری اسلامی را نابود خواهیم کرد.

در حال حاضر باید همبسته و سراسری دوشادوش خانواده‌های محکومین به اعدام، علیه این اعدام‌ها

سیاسی و اجتماعی و ضبط گوشی‌های تلفن همراه و مودم اینترنت کشف شده از وحید سرخ گل، آرشام (محمود) رضایی، میثم غلامی، وحید قدیرزاده، علی اصغر حسنی راد، پیام باستانی زاده پاریزی، محمدرضا کامرانی نژاد و حجت‌اله رافعی و مبلغ نود و سه میلیون تومان و از آرشام (محمود) رضایی به مبلغ هفتاد و سه میلیون و از علی اصغر حسنی راد مبلغ بیست میلیون به نفع دولت، محکوم شدند.

در دادنامه صادره آمده است، در خصوص هر یک از متهمان مجازات اشد یعنی برای فاطمه حق پرست سهی هشت ماه حبس، برای سامان رضایی چهار سال حبس، برای وحید سرخ گل، کاظم علینژاد بارانلو، آرشام (محمود) رضایی، میثم غلامی، وحید قدیرزاده، علی اصغر حسنی راد، محمدرضا کامرانی نژاد، حجت‌الله رافعی هر یک به پنج سال حبس و برای پیام باستانی پاریزی ده سال قابل اجرا خواهد بود. همچنین شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران حکم صادر شده علیه رضا محمدحسینی، محبوبه رضایی و سمانه نوروز مرادی را صادر و ابلاغ کرده است.

بر اساس حکم صادره از سوی دادگاه تجدید نظر رضا محمدحسینی به چهارده سال و شش ماه حبس و جریمه نقدی، محبوبه رضایی به نوزده سال و ۹ ماه حبس و پرداخت هشت میلیون تومان جزای نقدی و سمانه نوروز مرادی به یازده سال حبس محکوم شده‌اند.

جزئیات رأی صادرشده علیه این سه فعال مشروطه‌خواه که در یک پرونده مشترک محاکمه شدند نشان می‌دهد رضا محمدحسینی به دلیل اتهام عضویت در گروه‌های مخالف نظام با هدف برهم زدن امنیت کشور به شش سال و سه ماه حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی، به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور به شش سال و سه ماه حبس، به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی به یک سال زندان، و به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع به رد دو برابر اصل مال به نفع دولت و در نهایت به اتهام تفرّد نسبت به مأمورین در حین انجام وظیفه به یک سال حبس محکوم شده است.

محبوبه رضایی به اتهام عضویت در گروه‌های مخالف نظام با هدف بر هم زدن امنیت کشور به شش سال و سه ماه حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی، به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور به شش سال و سه ماه حبس، به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس، به اتهام اهانت به مقدسات اسلام به شش سال و سه ماه حبس، به اتهام کشف حجاب و تظاهر به فساد در فضای مجازی به پرداخت هشت میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده است.

سمانه نوروز مرادی دیگر فعال مشروطه‌خواه نیز به اتهام عضویت در گروه‌های مخالف نظام با هدف بر هم زدن امنیت کشور به پنج سال با احتساب ایام بازداشت قبلی، به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور به پنج سال زندان و به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس محکوم شده است.

در دادگاه بدوی که در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمدرضا عموزاد برگزار شده بود، رضا محمدحسینی به بیست و یک سال و هشت ماه حبس، محبوبه رضایی به بیست و شش سال و پنج ماه زندان و سمانه نوروز مرادی به سیزده سال و ۹ ماه حبس مجموعاً به ۶۱ سال و ده ماه حبس و محرومیت‌های اجتماعی محکوم شده بودند. همچنین از بابت مجازات‌های تکمیلی هر یک از این افراد به دو سال منع اقامت در استان تهران و دو سال منع عضویت در احزاب گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی و فعالیت در فضای مجازی محکوم شده بودند.

خلاصه حکم دادگاه تجدید نظر حمید نوری در سوئد و

نگاهی به برخی نکات مهم آن (بخش پایانی)

حنیف حیدر نژاد



حمید نوری / نقاشی سیامک نادری

یک اشتباه جدی پیش آمده است. وگرنه درخواست فرجام رد خواهد شد.

● خلاصه حکم دادگاه، جایگزین خود حکم نیست. حکم دادگاه تجدید نظر به زودی با ترجمه رسمی و بطور کامل از سوی دادگاه انتشار پیدا خواهد کرد. تنظیم‌کنندگان خلاصه حکم در سازمان سوئدی «گزارش پنجاه وهشتم» تلاش کرده‌اند تا با این نوع خلاصه کردن که زبان اداری و حقوقی در آن ساده شده، فهم آن را برای بخش بزرگتری از مردم امکان‌پذیر کنند.

● اگر دولت سوئد که هیچ اظهار نظری در زمینه مبادله نداشته، نیت مبادله حمید نوری با زندانیان سوئدی در ایران را داشته باشد، باید تا نهای شدن حکم دادگاه تجدید نظر صبر کند. حمید نوری پس از پایان دوران محکومیت بر این اساس که حکم حبس ابد در سوئد برابر با ۲۵ سال است به ایران اخراج خواهد شد.

● دادگاه پژوهش یا استیناف و یا تجدید نظر حمید نوری ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ شروع و پس از ۹ ماه رسیدگی به پرونده، در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳ حکم حبس ابد حمید نوری را تأیید کرد. دادگاه سوئد متهم را به اتهام یک جنایت جنگی و ۲۴ قتل به حبس ابد محکوم کرد.

● حمید نوری فرصت دارد تا ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴ از دیوان عالی سوئد فرجام‌خواهی کند تا حکم صادره از سوی دادگاه تجدید نظر را مورد بررسی قرار دهد. دیوان عالی سوئد زمانی چنین درخواستی را می‌پذیرد که دلایل محکمی ارائه شود که دادگاه تجدید نظر در حکم صادره رویه جدیدی را به لحاظ قضائی پایه‌گذاری کرده است. یا اگر دلایل خیلی استثنایی وجود داشته باشد، از جمله اینکه مشخص شود روند دادرسی در دادگاه تجدید نظر یک نقض جدی داشته یا اینکه در صدور حکم،

دادگاه به این نتیجه رسید که متهم تحت فشار عمل نکرده و متهم ادعا نکرده است که به عنوان یک زیردست موظف به پیروی از دستوره‌های خاص بوده است. با این حال، دادگاه خاطرنشان کرد که حتی اگر چنین تعهداتی وجود می‌داشت، بخش ۸ در فصل ۲۴ قانون جزای سوئد به صراحت بیان می‌کند که این واقعیت که عملی به دستور مقام مافوق ارتکاب یافته است، زیردستان را از مسئولیت در قبال جرائم سنگین معاف نمی‌کند. بنابراین دادگاه تشخیص داد که دلیلی برای معافیت متهم از مسئولیت وجود ندارد.

مجازات

دادگاه متهم را به اتهام یک جنایت جنگی و ۲۴ قتل به حبس ابد محکوم کرد. جنایات جنگی شامل شرکت در اعدام‌های متعدد و تحمیل رنج‌های شدید بود. مانند دادگاه منطقه، دادگاه به این نتیجه رسید که اقدامات متهم طبق کیفرخواست اول به دلیل تعداد زیاد اعدام‌های انجام شده و رنج شدیدی که بر زندانیان تحمیل شده است، جنایات جنگی جدی است.

دادگاه تجدیدنظر با ارزیابی دادگاه منطقه موافقت کرد که متهم مرتکب جرائم شدیدی شده است که حتی با توجه به اینکه متهم قبلاً برای مدت طولانی در زندان بوده است، جایی برای صدور حکمی کمتر از حبس ابد وجود ندارد. دادگاه همچنین دریافت که این واقعیت که مدت زمان قابل توجهی از ارتکاب جرائم گذشته است، آنقدر در صدور حکم تأثیری نداشته است که زمینه را برای انتخاب مجازات متفاوت فراهم کند.

خسارت

مطابق قانون سوئد، دادگاه در ارزیابی خساراتی که باید بین شاکیان توزیع شود، به مقررات قانون شکنجه در ایران در زمان وقوع جرائم استناد کرد. دادگاه در مورد میزان خسارت و اینکه کدام شاکیان مستحق دریافت

موج دوم اعدام‌های گروهی در زندان گوهردشت، با یک نقشه جنایتکارانه شامل اعدام افرادی می‌شد که به عنوان «محراب» (کسی که با خدا می‌جنگد) شناخته می‌شوند. از آنجا که طرح جنایی در دوره موج دوم اعدام‌ها نیز شامل اعدام تعداد زیادی از افراد بود، دادگاه هیچ دلیلی نمی‌بیند که او را جدا از مسئولیتی که در ارتباط با همان اتهام اول مشخص شد، دست‌بندی کند. حتی اگر هر قتل تحت این اتهام دوم به عنوان یک پرونده و مورد جداگانه جرم محسوب شود.

سپس دادگاه قصد و آگاهی متهم از برنامه‌های جنایت را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که موقعیت متهم در سلسله مراتب زندان فراتر از صرفاً نگهداری یا کارمند زندان است. در عوض، فرض بر این بود که او سمتی به عنوان دستیار یا آجودان دادیار زندان داشته است و در این نقش باید درک خوبی از نقشه جنایتکارانه‌ی جاری، یعنی اطاعت از فرمان رهبری [جمهوری اسلامی] ایران برای کشتن افراد خاص داشته باشد که در زندان‌های کشور اجرا می‌شود. علاوه بر این، دادگاه به این نتیجه رسید که با توجه به حضور متهم در راهرو اصلی، باید برای متهم آشکار باشد که بررسی هیئت قبل از اجرای حکم، الزامات یک دادرسی عادلانه را برآورده نمی‌کند. علاوه بر این، دادگاه به این نتیجه رسید که باید برای متهم آشکار باشد که اعدام زندانیان ارتباط نزدیکی با تصمیمات کمیته دارد و اعدام زندانیان مرتبط با مجاهدین خلق با درگیری مسلحانه بین ایران و عراق مرتبط است.

دادگاه به این نتیجه رسید که متهم با اقدامات خود به طرح مجرمانه مشترک پیوسته است و نمی‌توان مشارکت وی را با حضور منفعلانه در صحنه جرم یکی دانست. دادگاه به این نتیجه رسید که این امر در مورد هر دو اتهام صدق می‌کند و متهم در هر دو فقره اول (جنایات جنگی) و اتهام دوم (قتل) شریک جرم بوده است.

دلایل معافیت از مسئولیت

دادگاه تشخیص داد که طرح جنایی به اجرا گذاشته شده در زندان گوهردشت به صورت دستجمعی اجرا شده است. هدف، اعدام تعداد زیادی از افرادی بود که طبق دستور خمینی به قول خود وی «به نفاق خود در زندان‌های سراسر کشور اذعان داشتند». اجرای طرح جنایت نیازمند همکاری چند نفر بود. دادگاه به ویژه خاطرنشان کرد که اجرای طرح جنایت بدون تلاش هماهنگ تعداد زیادی از افراد غیرممکن بود.

در رابطه با جرم موضوع اتهام اول (جنایات جنگی)، دادگاه به این نتیجه رسید که مشارکت متهم در اجرای طرح جنایت به هیچ وجه نمی‌تواند بی‌اهمیت یا اتفاقی تلقی شود و این امر حتی اگر ثابت نشده باشد، وجود دارد. اینکه متهم هرگونه نفوذی بر افرادی داشته که باید اعدام می‌شدند، و تعهد او در اجرای عملی و تکمیل عملیات مجرمانه مشترک، نقش اساسی داشت. دادگاه دریافت که صرف حضور مجرمان دیگر، که دخالت آنها حتی مهم‌تر به نظر می‌رسید، این واقعیت را تغییر نداد. خاطرنشان شد که متهم در جریان موج اول اعدام‌های دستجمعی در زندان گوهردشت بسیار فعال بوده و نقش او جنبه تدارکاتی داشته است.

دادگاه همچنین مشخص کرد که می‌توان فرض کرد که متهم در موج اول اعدام‌ها بیشتر شرکت داشته است، اما اثبات شده است که او همچنین در مدت موج دوم اعدام‌ها نقش مهمی داشته و این نقش‌ها به وضوح به لحاظ زمانی و مکانی با جرم و طرح جرم در ارتباط بوده‌اند. در جریان موج دوم اعدام‌های دستجمعی در زندان گوهردشت، نقشه جنایتکارانه اعدام افرادی بود که «محراب» (مبارزه با خدا) محسوب می‌شدند. از آنجایی که طرح جنایی شامل اعدام تعداد زیادی از افراد در جریان موج دوم اعدام‌ها نیز می‌شد، دادگاه دلیلی برای ارزیابی مسئولیت متهم متفاوت از اتهام اول ندید، حتی اگر هر قتل به عنوان اتهام دوم به عنوان اتهامی جداگانه باشد. گزارش قتل مشخص شد

کامرون همچنین عنوان کرد: «حماس برای دستیابی به آتش‌بس پایدار در غزه دیگر نمی‌تواند در قدرت باشد و قادر به تهدید اسرائیل نیست. این تحریم‌ها با ایجاد اختلال در شبکه‌های مالی حامی عملیات حماس، از جمله ایران، از این هدف حیاتی حمایت می‌کنند.»

در بیانیه دولت بریتانیا آمده که این کشور متعهد به همکاری با شرکای خود برای مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی در خاورمیانه، از جمله حمایت طولانی این رژیم از گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی است.

یکی دیگر از کسانی که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته زهیر شملخ است. وی فرد بدنامی است که به عنوان «صراف اصلی» حماس از سال ۲۰۱۹ فعال بوده و یک چهره کلیدی در تغییر پول نقد به سمت ارزهای دیجیتال برای این گروه به شمار می‌رود.

شملخ از ارزهای دیجیتال و سیستم‌های موجود انتقال پول

آمریکا و بریتانیا در یک اقدام مشترک شبکه مالی انتقال پول و «رمزارز» از ایران به گروه حماس را تحریم کردند

- افراد تحریم شده از سرمایه‌گذاران کلیدی حماس هستند که از صرافی‌ها و پول و ارز دیجیتال خود برای انتقال پول از ایران به گروه‌های تروریستی استفاده کرده‌اند.
- جیمز کامرون وزیر خارجه بریتانیا گفته «حماس برای



اعضای گردان‌های القسام در غزه

غیررسمی برای انتقال مبالغ هنگفتی از ایران به حماس قبل از حملات «هفت اکتبر» سوء استفاده کرده است. این شبکه مالی زیرزمینی از مشاغل قانونی به عنوان پوششی برای پنهان کردن جریان تأمین مالی تروریسم استفاده می‌کرد. افرادی که اکنون مشمول مسدود شدن دارایی‌های بریتانیا و تحریم‌های هدفمند تسلیحاتی شده‌اند عبارتند از:

-زهیر شملخ: از سرمایه‌گذاران کلیدی حماس و شرکت وی المتحدون

-احمد شریف عبدالله عوده: یکی از اپراتورهای کلیدی در شبکه مالی حماس که از شرکت‌های خود به عنوان پوشش استفاده می‌کرد.

-اسماعیل برهوم: یکی از اعضای دفتر سیاسی حماس در غزه و عضو مجلس شورای غزه

-حسن الوردیان: یکی از رهبران ارشد حماس در منطقه بیت‌الحم/ کرانه باختری

-جمیل یوسف احمد علیان: یکی از مقامات ارشد و نماینده جهاد اسلامی مستقر در غزه

بریتانیا همراه با شرکای خود در «گروه هفت» متعهد شده است اقداماتی را انجام دهد تا حماس را از توانایی جمع‌آوری و استفاده از بودجه برای انجام جنایات محروم کند.

اتحادیه اروپا نیز روز جمعه ۱۹ ژانویه ۲۰۲۴ تحریم‌های جدیدی علیه حماس اعلام کرد و شش هدف را که قبلاً توسط بریتانیا و ایالات متحده تحریم شده بودند، تحریم کرد.

این سومین دوره تحریم‌هایی است که بریتانیا علیه حماس و همکاریانش از «هفت اکتبر» به اجرا گذاشته است.

دستیابی به آتش‌بس پایدار در غزه دیگر نمی‌تواند در قدرت باشد و قادر به تهدید اسرائیل نیست. این تحریم‌ها با ایجاد اختلال در شبکه‌های مالی حامی عملیات حماس، از جمله ایران، از این هدف حیاتی حمایت می‌کنند.

● یکی از کسانی که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته است زهیر شملخ است. وی از طریق شرکت خود «المتحدون» به عنوان «صراف اصلی» حماس از سال ۲۰۱۹ فعال بوده و یک چهره کلیدی در تغییر پول نقد به سمت ارزهای دیجیتال برای این گروه به شمار می‌رود.

انگلیس و آمریکا در یک اقدام مشترک روز دوشنبه ۲۲ ژانویه (دوم بهمن‌ماه) چهره‌های کلیدی شبکه مالی دو گروه تروریستی حماس و جهاد اسلامی فلسطین را تحریم کردند. احمد شریف عبدالله عوده، اسماعیل برهوم، حسن الوردیان و جمیل یوسف احمد علیان از جمله کسانی هستند که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

این افراد از سرمایه‌گذاران کلیدی حماس هستند که از صرافی‌ها و پول و ارز دیجیتال خود برای انتقال پول از ایران به گروه‌های تروریستی استفاده کرده‌اند.

جیمز کامرون وزیر خارجه بریتانیا گفته تحریم‌های هماهنگ نشان می‌دهد که «جایی برای پنهان شدن» برای سرمایه‌گذاران حماس وجود ندارد. وی تأکید کرد: «این تحریم‌ها پیام روشنی به حماس می‌فرستد، بریتانیا و شرکای ما متعهد هستند که هیچ مخفیگاهی برای کسانی که از فعالیت‌های تروریستی حمایت مالی می‌کنند وجود نخواهد داشت.»

خسارت بودند، به همان نتیجه دادگاه منطقه‌ای رسید. علاوه بر این، دادگاه ادعای شاکی ۱۹ را برای جبران خسارت رد کرد. دادگاه منطقه نیز درخواست او را رد کرده بود، اما شاکی به این تصمیم اعتراض نکرده بود. بنابراین دادگاه تجدید نظر نتوانست به درخواست وی رسیدگی کند و لذا آن را رد کرد.

اجراج دادگاه تصمیم دادگاه منطقه‌ای مبنی بر اجراج متهم پس از گذراندن دوران محکومیت به ایران را تأیید کرد.

بازداشت

دادگاه تصمیم گرفت که متهم تا زمان قطعی شدن حکم در تاریخ ۲۵ دی‌ماه ۱۴۰۲ / ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴ در بازداشت بماند.

نظر مخالف

یکی از قضات در خصوص مسئولیت کیفری متهم در رابطه با اتهام دوم (قتل) نظر مخالف داد. قاضی در نظر گرفت که اگرچه شواهد به اندازه کافی قانع‌کننده نیست که متهم را به قتل محکوم کند، اما در عوض باید او را به اتهام معاونت در ۲۴ فقره قتل محکوم کرد.

نظر سازمان مدافعان حقوق شهروندی: حالا چه اتفاقی می‌افتد؟

آخرین مهلت تجدیدنظرخواهی از حکم دادگاه تجدید نظر به دیوان عالی کشور، ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴ است. برای رسیدگی به پرونده در دیوان عالی کشور، دیوان عالی کشور باید ابتدا اجازه بررسی بدهد. مجوز بازنگری فقط به دلایل خاصی می‌تواند اعطا شود. دیوان عالی فقط در صورتی باید اجازه بررسی بدهد که تشخیص دهد حکم‌اش ممکن است رویه جدیدی را به لحاظ قضائی پایه‌گذاری کند یا آنکه باید دلایل خیلی استثنایی وجود داشته باشد. چنین دلایل استثنایی ممکن است این باشد که روند دادرسی در دادگاه تجدید نظر یک نقض جدی داشته یا اینکه در صدور حکم، یک اشتباه جدی پیش آمده است.

توماس بودستروم، یکی از وکلای متهم، پیش از این به رسانه‌ها گفته بود که متهم قصد دارد به این حکم اعتراض کند. از جمله او این ادعا را تکرار می‌کند که یک افسر پلیس درگیر در تحقیقات، جانبدار بوده است.

سال گذشته نیز بحث‌هایی در رسانه‌ها درباره احتمال استرداد متهم به ایران پس از صدور حکم مجرمیت از سوی دادگاه تجدید نظر به عنوان بخشی از تبادل زندانی برای شهروندان سوئدی که در حال حاضر در ایران زندانی هستند، مطرح شد. در زمان نگارش این گزارش، دولت سوئد هیچ اظهار نظری مبنی بر قصد آشکار برای استرداد متهم ارائه نکرده است. اگر چنین نبیتی وجود داشته باشد، دولت باید تا نهایتی شدن حکم دادگاه تجدید نظر صبر کند.

در صورت عدم درخواست تجدید نظر، حکم فعلی در تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴ قطعی می‌شود. در صورتی که درخواست تجدید نظر به دیوان عالی ارائه شود و دیوان عالی کشور درخواست را رد کند، حکم دادگاه تجدید نظر قطعی می‌شود. اگر دیوان عالی اجازه بررسی بدهد، پس از صدور حکم دیوان عالی، حکم قطعی می‌شود.

*منبع:

<https://crd.org/2023/12/22/report-58-court-of-ap-peals-verdict/>
(پایان)

چرا عملیات «ائتلاف دریایی» نتوانسته حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها در دریای سرخ را متوقف کند؟



نفتکش آمریکایی «کیم رنجر» که نیروی دریایی هندوستان خدمه آن را پس از اصابت موشک حوثی‌ها نجات داد

گذشته ادعاهای ضد و نقیض در مورد اصابت یا عدم اصابت موشک به کشتی‌ها ابراز داشته‌اند که بعداً مشخص شد دقیق نبوده است. به نظر می‌رسد آمریکا برای توجیه عدم قاطعیت خود حملات را خفیف جلوه می‌دهد و حوثی‌ها برای قدرت‌نمایی آنها را شدید و خسارت‌بار توصیف می‌کنند. در این میان، با وجود ادامه حملات نیروهای ائتلاف به مواضع حوثی‌ها در یمن آنها همچنان به مختل کردن مسیرکشتیرانی در دریای سرخ و باب‌المندب ادامه می‌دهند و دوباره نیز اعلام کردند «کشتی‌های اسرائیلی یا کشتی‌هایی که به هر طریقی با اسرائیل مرتبط هستند کوچکترین فرصتی برای عبور از دریای سرخ نخواهند داشت.»

حملات حوثی‌ها اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. ایالات متحده روز پنجشنبه اقدامات نظامی جدیدی علیه موشک‌های ضد کشتی حوثی‌ها به سمت دریای سرخ انجام داد.

خبرگزاری رویترز گزارش داده حملات شبه‌نظامیان حوثی متحد رژیم ایران به کشتی‌ها در دریای سرخ و اطراف آن از ماه نوامبر، تجارت بین آسیا و اروپا را گند کرده و قدرت‌های بزرگ را در ارتباط با پیامدهای تشدید جنگ بین اسرائیل و شبه‌نظامیان فلسطینی حماس در غزه نگران کرده است.

طی هفته گذشته دست‌کم دو کشتی آمریکایی هدف حملات حوثی‌ها قرار گرفتند. پیش از این، روز چهارشنبه کشتی باری «جنکو پیکاردی» با پرچم جزایر مارشال در عدن هدف قرار گرفت که باعث آتش‌سوزی در آن شد و نیروی دریایی هند ۲۲ خدمه آن را

مستقیم در عملیات علیه حوثی‌ها ندارند. ● آیا آمریکا و متحدانش ظرفیت کافی برای نشان دادن پاسخ مناسب به شبه‌نظامیان حوثی را ندارند یا عاقدانه و بطور تاکتیکی و برای رسیدن به اهداف دیگری، میدان را برای بالا بردن خسارات باز گذاشته‌اند تا دست‌شان برای اقدامی فراتر از آنچه تا کنون انجام دادند باز شود؟

حوثی‌های یمن پنجشنبه شب ۱۸ ژانویه (۲۸ دی‌ماه) بار دیگر به یک کشتی در خلیج عدن حمله کردند. برخی منابع گزارش داده‌اند که این کشتی با پهپادهای انتحاری هدف قرار گرفت.

ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) اعلام کرد که «دو موشک بالستیک ضدکشتی از سوی حوثی‌ها به سمت نفتکش آمریکایی «کیم رنجر» (Chem Ranger) پرتاب شده است. این نفتکش با پرچم جزیره مارشال رفت و آمد می‌کرده و متعلق به یونان است.» طبق اعلام سنتکام «خدمه مشاهده کردند که موشک‌ها به آب نزدیک کشتی برخورد کردند. گزارشی مبنی بر تلفات یا خسارت وارده به کشتی اعلام نشده و کشتی به حرکت خود ادامه داده است.»

اما یحیی سریع سخنگوی نیروهای مسلح یمن بامداد جمعه ۱۹ ژانویه ۲۰۲۴ اعلام کرد که کشتی آمریکایی با موشک‌هایی هدف قرار گرفته که به هدف نیز اصابت کرده‌اند. ادعاهای هیچکدام از طرفین بطور مستقل قابل تأیید یا رد نیست به ویژه آنکه هر دو طرف در هفته‌های

● ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) اعلام کرد که دو موشک بالستیک ضدکشتی از سوی حوثی‌ها به سمت نفتکش آمریکایی «کیم رنجر» پرتاب شده است. آمریکا ادعا کرده کشتی به مسیر خود ادامه داده است.

● یحیی سریع سخنگوی نیروهای مسلح یمن اما می‌گوید کشتی آمریکایی با موشک‌هایی هدف قرار گرفته که به هدف نیز اصابت کرده‌اند.

● به نظر می‌رسد آمریکا برای توجیه عدم قاطعیت خود حملات را خفیف جلوه می‌دهد و حوثی‌ها برای قدرت‌نمایی آنها را شدید و خسارت‌بار توصیف می‌کنند.

● طی هفته گذشته دست‌کم دو کشتی آمریکایی هدف حملات حوثی‌ها قرار گرفتند. پیش از این روز چهارشنبه کشتی باری «جنکو پیکاردی» با پرچم جزایر مارشال در عدن هدف قرار گرفت که باعث آتش‌سوزی در آن شد و نیروی دریایی هند ۲۲ خدمه آن را نجات داد.

● جو بایدن روز پنجشنبه اعتراف کرد که حملات نیروهای ائتلاف نتوانسته موشک‌پرانی نیروهای حوثی را متوقف کند اما تأکید کرد پاسخ نظامی آمریکا همچنان ادامه دارد.

● برخی تحلیلگران معتقدند شدت ضرباتی که نیروی‌های ائتلاف به حوثی‌ها در یمن می‌زنند بسیار کمتر از آن است که باعث متوقف شدن آنها شود. بعضی علائم نشان می‌دهد که شماری از دولت‌های عضو «ائتلاف دریایی» (گروه ضربت ۱۵۳) اشتیاق چندانی به همکاری

دومین عملیات مشترک آمریکا و بریتانیا علیه حوثی‌ها

یحیی سریع سخنگوی نظامی انصارالله: تلافی می‌کنیم!



عملیات مشترک علیه حوثی‌ها / عکس: سنتکام

بیشتر در صورت نیاز است.

گرنات شاپس وزیر دفاع بریتانیا، توضیح داد که عملیات علیه حوثی‌ها شامل استفاده از چهار فروند تاینون FGR۴ نیروی هوایی سلطنتی بود.

یک مقام ارشد ارتش آمریکا نیز گفت که ایالات متحده عملاتی را از هواپیماهای نظامی، ناوها و زیردریایی‌ها با استفاده از موشک‌های تاماهاوک و سایر مهمات هدایت‌شونده دقیق انجام داده است. این مقام گفت که ایالات متحده حدود ۲۵ تا ۳۰ مهمات پرتاب کرده است.

شورشیان حوثی پیش از این حمله، یک کشتی باری نظامی آمریکا را در دریای سرخ هدف قرار داده بودند.

اگرچه بر شدت حملات آمریکا و انگلیس علیه حوثی‌ها اضافه شده اما به نظر می‌رسد ائتلاف دریایی آمریکا موسوم به «گروه ضربت ۱۵۴» نتوانسته اقدامات حوثی‌ها برای مختل کردن تجارت بین‌المللی در دریای سرخ و باب‌المندب را متوقف کند. اما یک مقام ارشد دفاعی آمریکا گفت که حملات حوثی‌ها از زمان آغاز حملات آمریکا در اوایل ماه جاری کاهش یافته که به گفته‌ی این مقام، به دلیل «کاهش توانایی حوثی‌ها برای انجام این حملات» است.

استرالیا، بحرین، کانادا و هلند نیز بیانیه انجام حمله اخیر به حوثی‌ها را امضا کرده‌اند.

همزمان با این حملات، برد کوپر فرمانده ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا گفت که جمهوری اسلامی بطور «خیلی مستقیم» در حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها دخالت دارد. علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز دوشنبه دوم بهمن‌ماه در مصاحبه با شبکه خبری «العالم» ادعا کرد حوثی‌ها از کسی دستور نمی‌گیرند. با اینهمه وی حملات آنها را تأیید و تأکید کرد: «شهامت رزمندگان یمنی نشانه مردانگی آنهاست.»

از سوی دیگر، یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها تهدید کرده است که «آمریکا و انگلیس باید بدانند که ما در حال پاسخ دادن به این تجاوزات هستیم و مردم ما چیزی به نام تسلیم شدن نمی‌شناسند.»

● در بیانیه مشترک آمریکا و بریتانیا آمده «هدف ما تنش‌زدایی و بازگرداندن ثبات در دریای سرخ است، اما اجازه دهید هشدار خود را به رهبری حوثی‌ها تکرار کنیم: ما در دفاع از جان‌ها و جریان آزاد تجارت در یکی از بحرانی‌ترین آب‌های جهان تردید نخواهیم کرد.»

● روزنامه «فایننشال تایمز» می‌نویسد گسترش اقدامات نظامی این نگرانی را ایجاد کرده که ایالات متحده و متحدانش ممکن است به یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر کشیده شوند، حتی اگر بگویند که به دنبال درگیر شدن در یک جنگ نیستند.

● یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها تهدید کرده است که «آمریکا و انگلیس باید بدانند که ما در حال پاسخ دادن به این تجاوزات هستیم و مردم ما چیزی به نام تسلیم شدن نمی‌شناسند.»

● سخنگوی دولت بریتانیا اعلام کرده: به تلاش‌های دیپلماتیک ادامه خواهیم داد تا رژیم ایران پشتیبانی از حوثی‌ها را متوقف کند.

● همزمان با این حملات، برد کوپر فرمانده ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا گفت که جمهوری اسلامی بطور «خیلی مستقیم» در حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها دخالت دارد.

ایالات متحده و بریتانیا دوشنبه شب ۲۲ ژانویه (دوم بهمن‌ماه) دور دیگری از حملات مشترک را علیه حوثی‌ها در یمن انجام دادند، این دومین بار است که بریتانیا مستقیماً در اقدام نظامی علیه شبه‌نظامیان حوثی با آمریکا مشارکت داشته است.

بر اساس بیانیه‌ای که از سوی ایالات متحده و بریتانیا منتشر شد، به هشت نقطه در یمن از جمله یک انبار زیرزمینی و محل استقرار موشک‌ها و پایگاه شناسایی حوثی‌ها حمله شد.

این مباران هشتمین باری بود که ایالات متحده از ۱۱ ژانویه (۲۱ دی‌ماه) به اهداف متعلق به حوثی‌ها در یمن حمله می‌کرد. روزنامه «فایننشال تایمز» می‌نویسد گسترش اقدامات نظامی این نگرانی را ایجاد کرده که ایالات متحده و متحدانش ممکن است به یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر کشیده شوند، حتی اگر بگویند که به دنبال درگیر شدن در یک جنگ نیستند.

در بیانیه مشترک آمریکا و بریتانیا آمده «هدف ما تنش‌زدایی و بازگرداندن ثبات در دریای سرخ است، اما اجازه دهید هشدار خود را به رهبری حوثی‌ها تکرار کنیم: ما در دفاع از جان‌ها و جریان آزاد تجارت در یکی از بحرانی‌ترین آب‌های جهان تردید نخواهیم کرد.»

دور جدید حملات به حوثی‌ها پس از آن صورت گرفت که جو بایدن و ریشی سوناک نخست‌وزیر بریتانیا، روز دوشنبه تلفنی درباره ادامه حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌ها در دریای سرخ گفتگو کردند و «تعهد خود را به آزادی دریانوردی، تجارت بین‌المللی و دفاع از دریانوردان در برابر حملات غیرقانونی تکرار نمودند.»

سخنگوی دولت بریتانیا گفت که دو رهبر «متعهد به ادامه تلاش» برای جلوگیری از حملات حوثی‌ها شده‌اند. این تلاش شامل «فشار دیپلماتیک بر جمهوری اسلامی برای توقف حمایت‌اش از فعالیت حوثی‌ها» و اقدامات نظامی

→ نجات داد. سنتکام کمتر به ضرباتی که آمریکا از سوی حوثی‌ها متحمل می‌شود اشاره می‌کند تا عدم قاطعیت ایالات متحده به نوعی توجیه شود.

جو بایدن روز پنجشنبه اعتراف کرد که حملات نیروهای ائتلاف نتوانسته موشک‌پرانی نیروهای حوثی را متوقف کند اما تأکید کرد پاسخ نظامی آمریکا همچنان ادامه دارد.

سابرینا سینگ سخنگوی پنتاگون می‌گوید: «ما به دنبال گسترش جنگ با حوثی‌ها نیستیم. آنها اقدام به پرتاب موشک‌های کروز، موشک‌های ضد کشتی به سمت دریانوردان بی‌گناه می‌کنند... کاری که ما با شرکای خود انجام می‌دهیم، دفاع از خودمان است.»

بر اساس گزارش رویترز، حملات حوثی‌ها باعث شده که کشتی‌ها مجبور شوند بجای عبور از دریای سرخ، مسیر خود را کج و طولانی کرده و از جنوب آفریقا حرکت کنند که رسیدن آنها را به مقصد بین ۱۰ تا ۱۴ روز طولانی‌تر می‌کند. کاهش شدید درآمد از کانال سوئز ضربه دردناک جدیدی به اقتصاد رو به وخامت مصر وارد کرده است. رئیس اداره کانال سوئز هفته گذشته گفت که درآمد مصر از اواسط ژانویه حدود ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده است.

سازمان تجارت جهانی نیز روز پنجشنبه اعلام کرد، ترانزیت محموله‌های گندم از طریق کانال سوئز در نیمه اول ژانویه تقریباً ۴۰ درصد کاهش یافته و به نیم میلیون تُن رسیده است.

بحران دریای سرخ دنیای تجارت را متلاطم کرده و به این نگرانی دامن می‌زند که بحران جدیدی پس از همه‌گیری کرونا گریبان جهان را بگیرد.

تغییر مسیر تعداد زیادی از کشتی‌ها، الگوهای سوخت‌گیری را نیز تغییر می‌دهد و تقاضا برای سوخت ذخیره مورد استفاده کشتی‌ها در بنادر دوردست، از جزیره موریس در آفریقای جنوبی تا جزایر قناری را افزایش می‌دهد. بسیاری از شرکت‌ها از جمله شرکت مرسک دانه‌ارک که یکی از بزرگترین کشتیرانی‌های دنیاست، رفت و آمد از دریای سرخ را متوقف کرده‌اند.

برخی تحلیلگران معتقدند شدت ضرباتی که نیروی‌های ائتلاف به حوثی‌ها در یمن می‌زند بسیار کمتر از آن است که باعث متوقف شدن آنها شود. بعضی علائم نشان می‌دهد که شماری از دولت‌های عضو «ائتلاف دریایی» (گروه ضربت ۱۵۳) اشتیاق چندانی به همکاری مستقیم در عملیات علیه حوثی‌ها ندارند. حتی شنیده می‌شود که انگلیس بجز یک دوره دیگر با آمریکا در این حملات مشارکت مستقیم نداشته است.

آمریکا و متحدانش از نظر نظامی امکانات کافی و اساسی برای زدن ضربات نابودکننده به حوثی‌ها را دارند اما اینکه چرا آمریکا و متحدانش شدت عمل بیشتری نسبت به حملات موشکی و پهپادی حوثی‌ها نشان نمی‌دهند قابل بحث است آنهم در حالی که وزارت خارجه آمریکا و وزارت دفاع این کشور و همچنین کاخ سفید در روزهای اخیر صراحت به خرج داده و مرتب تکرار می‌کنند که جمهوری اسلامی حملات حوثی‌ها را هدایت می‌کند.

در چنین شرایطی چند پرسش قابل طرح است: چرا آمریکایی‌ها بجای اقدام شدیدتر علیه حوثی‌ها مدام تکرار می‌کنند که عملیات نظامی در دریای سرخ نتوانسته جلوی حملات به کشتی‌ها را بگیرد؟! آیا آمریکا و متحدانش ظرفیت کافی برای نشان دادن پاسخ مناسب به شبه‌نظامیان حوثی را ندارند یا عاقدانه و بطور تاکتیکی و برای رسیدن به اهداف دیگری، میدان را برای بالا بردن خسارات باز گذاشته‌اند تا دست‌شان برای اقدامی فراتر از آنچه تا کنون انجام دادند باز شود؟

رویترز: فرماندهانی از سپاه و نیروهای حزب الله به حوثی‌ها برای حمله به کشتی‌ها کمک می‌کنند



راهپیمایی شبه‌نظامیان تازه استخدام شده حوثی در صعا که اعلام کرده بودند قصد اعزام به جنگ در حمایت از فلسطینیان در نوار غزه را دارند / رویترز ۲ دسامبر ۲۰۲۳

در صورت طولانی شدن می‌تواند برای غرب بسیار پرهزینه باشد و می‌تواند با تشدید اوضاع عواقب فاجعه باری در منطقه داشته باشد.

عبدالعزیز الساگر مدیر اندیشکده مرکز تحقیقات خلیج فارس مستقر در جدّه با اشاره به اینکه حوثی‌ها ۲۰ هزار عضو دارند، گفت: «حوثی‌ها مستقل عمل نمی‌کنند... آنها با پرسنل، میزان تخصص و توانایی‌های خود چندان پیشرفته نیستند. روزانه ده‌ها کشتی از باب‌المندب عبور می‌کند ولی حوثی‌ها ابزار، منابع، دانش یا اطلاعات ماهواره‌ای برای یافتن هدف و حمله‌ای خاص ندارند.»

آدرین واتسون سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید نیز ماه گذشته گفته بود که اطلاعات تاکتیکی ارائه شده توسط رژیم ایران برای فعال کردن حوثی‌ها جهت هدف قرار دادن کشتی‌ها حیاتی بوده است.

به گفته دو منبع سابق ارتش یمن، اعضای سپاه و حزب الله در یمن حضور آشکار دارند. این دو نفر گفتند که آنها مسئول نظارت بر عملیات نظامی، آموزش و مونتاژ مجدد موشک‌های قاچاق شده به یمن هستند که به شکل قطعات جداگانه دریافت می‌کنند.

عبدالغنی العریانی محقق ارشد مرکز مطالعات راهبردی صعا که یک اندیشکده مستقل است، گفت: «به وضوح مشخص است که ایرانی‌ها به شناسایی هدف و مقصد کمک می‌کنند. حوثی‌ها ظرفیت این کارها را ندارند.»

یک منبع ارشد منطقه‌ای نیز که مسائل ایران را دنبال می‌کند و نخواست نامش فاش شود، گفت: «تصمیم سیاسی در تهران است، مدیریت با حزب الله است و عمل با حوثی‌ها در یمن است.»

اسلحه و هشدار

عبدالسلام سخنگوی حوثی‌ها گفت که هدف این

خود در مورد چگونگی حمایت رژیم ایران از حوثی‌ها اشاره کرد.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری در کنفرانس‌های خبری هفتگی خود بارها دست داشتن تهران در حملات حوثی‌ها در دریای سرخ را رد کرده است. روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخ نداده است.

محمد عبدالسلام سخنگوی حوثی‌ها هرگونه دخالت جمهوری اسلامی یا حزب الله در کمک به هدایت حملات دریای سرخ را رد می‌کند. همچنین سخنگوی حزب الله به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخی نداده است.

یک «منبع آگاه ایرانی» به رویترز گفت: «سپاه پاسداران به حوثی‌ها در آموزش نظامی (در مورد سلاح‌های پیشرفته) کمک می‌کند. گروهی از شبه‌نظامیان حوثی ماه گذشته در ایران بودند و در یکی از پایگاه‌های سپاه در مرکز ایران آموزش دیدند تا با فناوری جدید و استفاده از موشک‌ها آشنا شوند.»

این فرد گفت که فرماندهان سپاه به یمن نیز سفر کرده‌اند و یک مرکز فرماندهی در صعا پایتخت یمن برای حملات دریای سرخ ایجاد کرده‌اند که توسط فرمانده ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واحد یمن اداره می‌شود.

استراتژی منطقه‌ای

دو تحلیلگر نیز می‌گویند که حملات دریای سرخ با استراتژی رژیم ایران برای گسترش و بسیج شبکه شیعه منطقه‌ای شبه‌نظامیان مسلح خود برای نشان دادن نفوذ و نمایش توانایی خود در تهدید امنیت دریایی در منطقه و فراتر از آن مطابقت دارد.

آنها گفتند که تهران می‌خواهد نشان دهد که جنگ غزه

● خبرگزاری رویترز روز شنبه ۲۰ ژانویه (۳۰ دی ماه) به نقل از «چهار منبع منطقه‌ای و دو منبع ایرانی» گزارش داد که فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه حزب الله لبنان در داخل یمن حضور دارند و به هدایت و نظارت بر حملات حوثی‌ها به کشتی‌های دریایی دریای سرخ کمک می‌کنند.

● این منابع گفتند که فرماندهان و مستشاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین در حال ارائه دانش، اطلاعات و پشتیبانی اطلاعاتی برای تعیین اینکه کدام یک از ده‌ها کشتی که هر روز از طریق دریای سرخ رفت و آمد می‌کنند، به مقصد اسرائیل هستند و می‌توانند مورد هدف حوثی‌ها قرار گیرند.

● یک «منبع آگاه ایرانی» به رویترز گفت: «سپاه پاسداران به حوثی‌ها در آموزش نظامی (در مورد سلاح‌های پیشرفته) کمک می‌کند. گروهی از شبه‌نظامیان حوثی ماه گذشته در ایران بودند و در یکی از پایگاه‌های سپاه در مرکز ایران آموزش دیدند تا با فناوری جدید و استفاده از موشک‌ها آشنا شوند.»

● این فرد گفت که فرماندهان سپاه به یمن نیز سفر کرده‌اند و یک مرکز فرماندهی در صعا پایتخت یمن برای حملات دریای سرخ ایجاد کرده‌اند که توسط فرمانده ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واحد یمن اداره می‌شود.

● یکی از مقامات امنیتی نزدیک به ایران می‌گوید: «حوثی‌ها پهباد، موشک و هر آنچه برای مبارزه با اسرائیل لازم است در اختیار دارند، اما در مسیرهای کشتیرانی و کشتی‌ها به راهنمایی و مشاوره نیاز داشتند، بنابراین از سوی جمهوری اسلامی ایران به آنها ارائه شده است.»

خبرگزاری رویترز روز شنبه ۲۰ ژانویه (۳۰ دی ماه) به نقل از «چهار منبع منطقه‌ای و دو منبع ایرانی» گزارش داد که فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه حزب الله لبنان در داخل یمن حضور دارند و به هدایت و نظارت بر حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها در دریای سرخ کمک می‌کنند. چهار منبع منطقه‌ای گفته‌اند حکومت ایران که حوثی‌ها را تسلیح، آموزش و تامین مالی کرده است در پی جنگ غزه که با حمله حماس به اسرائیل در «هفت اکتبر» آغاز شد، تدارکات تسلیحاتی خود را برای شبه‌نظامیان افزایش داده است. به گفته این منابع، تهران پهبادهای پیشرفته، موشک‌های کروز ضد کشتی، موشک‌های بالستیک دقیق و موشک‌های میان‌برد را در اختیار حوثی‌ها قرار داده است.

این منابع گفتند که فرماندهان و مستشاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین در حال ارائه دانش، اطلاعات و پشتیبانی اطلاعاتی برای تعیین اینکه کدام یک از ده‌ها کشتی که هر روز از طریق دریای سرخ رفت و آمد می‌کنند، به مقصد اسرائیل هستند و می‌توانند مورد هدف حوثی‌ها قرار گیرند.

واشنگتن ماه گذشته اعلام کرده بود که رژیم ایران عمیقاً در برنامه‌ریزی عملیات علیه کشتیرانی در دریای سرخ مشارکت دارد و اطلاعات کشتی‌ها را در اختیار حوثی‌ها قرار می‌دهد.

کاخ سفید در پاسخ به درخواست رویترز برای اظهار نظر درباره حضور سپاهی‌ها در یمن، به اظهارات عمومی قبلی

تحریم شرکت هواپیمایی «فلائی بغداد» و مدیرعامل آن به علت انتقال محموله‌های تسلیحاتی برای «سپاه قدس»



هواپیماهای «فلائی بغداد» در فرودگاه بغداد

به تهدیدات مداوم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شبکه نیابتی آن علیه پرسنل ایالات متحده و منطقه است. برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی در اینبار گفت: «رژیم ایران و گروه‌های نیابتی آن به دنبال سوء استفاده از اقتصادهای منطقه و استفاده از تجارت‌های به ظاهر قانونی به عنوان پوششی برای تأمین مالی و تسهیل حملات خود هستند... ایالات متحده به متوقف کردن فعالیت‌های غیرقانونی جمهوری اسلامی با هدف تضعیف ثبات در منطقه ادامه خواهد داد.»

در این بیانیه تأکید شده هواپیمایی شرکت «فلائی بغداد» برای چندین سال از عملیات سپاه قدس و نیابتی‌ها از طریق ارسال تجهیزات و نیرو در سراسر منطقه پشتیبانی می‌کرده است. پروازهای «فلائی بغداد» همچنین محموله‌های تسلیحاتی را به فرودگاه بین‌المللی دمشق در سوریه تحویل داده‌اند تا به اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های شبه‌نظامی همسو با رژیم ایران از جمله گارد ریاست جمهوری سوریه، حزب الله لبنان و کتائب حزب الله منتقل شود.

مدیرعامل این شرکت هواپیمایی «بشیر عبدالکاظم علوان الشبانی (الشعبانی)» و همچنین دو هواپیمای این شرکت نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. تحریم شرکت مسافری «فلائی بغداد» به دلیل همکاری با «سپاه قدس» در شرایطی است که تقریباً تمام شرکت‌های هواپیمایی در ایران از جمله «ماهان»، «ایران ایر»، «قشم ایر»، «معراج» و «کاسپین» به دلیل مشابه در فهرست تحریم‌های آمریکا و اروپا قرار دارند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان «سپر انسانی» از هواپیماهای تجاری و مسافری برای حمل سلاح و نیرو استفاده می‌کند.

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) دوم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ شرکت هواپیمایی «فلائی بغداد» و «بشیر عبدالکاظم علوان الشبانی (الشعبانی)» مدیرعامل آن را به دلیل کمک به نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی وابسته به آن در عراق، سوریه و لبنان تحریم کرد. برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی در اینبار گفت: «رژیم ایران و گروه‌های نیابتی آن به دنبال سوء استفاده از اقتصادهای منطقه و استفاده از تجارت‌های به ظاهر قانونی به عنوان پوششی برای تأمین مالی و تسهیل حملات خود هستند... ایالات متحده به متوقف کردن فعالیت‌های غیرقانونی جمهوری اسلامی با هدف تضعیف ثبات در منطقه ادامه خواهد داد.»

● تحریم شرکت مسافری «فلائی بغداد» به دلیل همکاری با «سپاه قدس» در شرایطی است که تقریباً تمام شرکت‌های هواپیمایی در ایران از جمله «ماهان»، «ایران ایر»، «قشم ایر»، «معراج» و «کاسپین» به دلیل مشابه در فهرست تحریم‌های آمریکا و اروپا قرار دارند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) روز دوشنبه ۲۲ ژانویه (دوم بهمن‌ماه) شرکت هواپیمایی «فلائی بغداد» و مدیرعامل آن را به دلیل کمک به نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی وابسته به آن در عراق، سوریه و لبنان تحریم کرد.

همچنین سه مقام کتائب حزب الله (KH) و نیز شرکتی که برای این گروه پولشویی کرده بود، در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. وزارت خزانه‌داری آمریکا تأکید کرد این اقدام واکنشی

گروه هدف قرار دادن کشتی‌های اسرائیلی است که به سمت اسرائیل حرکت می‌کنند. وی همچنین تأکید کرد «حملات آمریکا و انگلیس به یمن آنها را مجبور به عقب‌نشینی نخواهد کرد.» این مقام حوثی همچنین تأکید کرده که از تهران دستور نمی‌گیرند. یکی از مقامات امنیتی نزدیک به جمهوری اسلامی ایران به رویترز گفت: «حوثی‌ها پهباد، موشک و هر آنچه را برای مبارزه با اسرائیل لازم است در اختیار دارند، اما در مسیرهای کشتیرانی و کشتی‌ها به راهنمایی و مشاوره نیاز داشتند، بنابراین از سوی جمهوری اسلامی ایران به آنها ارائه شده است.»

وقتی از او پرسیده شد که «تهران چه نوع مشاوره‌ای ارائه کرده است؟» او گفت که «شبهه به نقش مستشاری ایران در سوریه است، از آموزش گرفته تا نظارت بر عملیات در صورت نیاز... گروهی از اعضای سپاه پاسداران اکنون برای کمک به عملیات در صناعا هستند.»

رویترز می‌نویسد، رژیم ایران در سال ۲۰۱۱ صدها عضو سپاه پاسداران را به همراه هزاران ستیزه‌جوی حزب الله به سوریه فرستاد که به آموزش و سازماندهی شبه‌نظامیان شیعه از افغانستان، عراق و پاکستان کمک کنند تا از سقوط بشار اسد رئیس جمهور آن کشور در جریان شورش سنی‌ها جلوگیری کنند.

واشنگتن و کشورهای عربی خلیج فارس بارها حکومت ایران را به تسلیح، آموزش و تأمین مالی حوثی‌ها متهم کرده‌اند.

آموزش و تجهیز

با اینهمه یکی از رهبران ائتلاف گروه‌های طرفدار رژیم ایران وجود فرماندهان سپاه یا حزب الله را در یمن را تکذیب می‌کند. او گفته که تیمی از کارشناسان نظامی ایران و حزب الله پیش از این در جنگ داخلی یمن برای آموزش، تجهیز و ایجاد توان نظامی تولیدی حوثی‌ها به یمن رفته بودند.

وی با بیان اینکه نباید توان نظامی حوثی‌ها را دست کم گرفت، گفت: «آنها آمدند و به حوثی‌ها کمک کردند و رفتند، همانطور که به حزب الله و حماس کمک کردند.»

این شخص گفت که حوثی‌ها زمین و دریا را به خوبی می‌شناسند و از قبل سیستم‌هایی برای حمله به کشتی‌ها از جمله تجهیزات بسیار دقیق از ایران در اختیار داشتند. در طول سال‌های پر هرج و مرج پس از قیام بهار عربی در سال ۲۰۱۱ در یمن، حوثی‌ها کنترل خود را بر شمال این کشور تشدید کردند و پایتخت را در سال ۲۰۱۴ تصرف کردند و ماه‌ها بعد ائتلاف به رهبری عربستان سعودی را مجبور به مداخله نظامی نمودند.

به گفته تحلیلگران، زمانی که حماس به اسرائیل حمله کرد، ایران پس از سال‌ها لفاظی ضد اسرائیلی، چاره‌ای جز نشان دادن حمایت از این گروه فلسطینی نداشت، اما نگران بود که استفاده از حزب الله باعث انتقامجویی گسترده‌تر اسرائیل شود.

یک تحلیلگر در مرکز مطالعات استراتژیک صناعا گفت که جنگ بزرگ بین اسرائیل و حزب الله برای لبنان فاجعه‌بار خواهد بود و آینده گروهی را که به مهم‌ترین گروه در «محور مقاومت» رژیم ایران تبدیل شده، به خطر می‌اندازد.

او گفت که در مقابل، حوثی‌ها در موقعیت استراتژیک منحصر به فردی قرار دارند که با ایجاد اختلال در فعالیت‌های دریایی جهان می‌توانند با تلاش اندک، تأثیر زیادی داشته باشند.

رابرت مالی در «دانشگاه ییل» دوره آموزشی «جدال اسرائیل- فلسطین» تدریس می کند!



● روزنامه داخلی دانشگاه ییل گزارش داده که محور یک ترم از این دوره آموزشی «نگاهی عمیق به پرسش‌های مهم در باره درگیری اسرائیل و فلسطین» است.

● رابرت مالی به این روزنامه گفت که قصد دارد «بحث‌های روشن‌گرانه و محترمانه» را در مورد این درگیری تقویت کند.

● واشنگتن فری بیکن در گزارشی می‌نویسد این دوره آموزشی در شرایطی برگزار می‌شود که خشونت ضد یهود به اوج خود رسیده است. برگزارکننده این دوره آموزشی یعنی دانشگاه ییل جنایات جنگی گسترده حماس علیه شهروندان اسرائیل را تکذیب و حملات این گروه تروریستی به غیرنظامیان یهودی را توجیه کرده.

● رابرت مالی به «ییل دیلی نیوز» گفت: «من به خوبی می‌دانم که بحث‌های دوقطبی و حتی مسموم در مورد اسرائیل و فلسطین چقدر می‌تواند حساس باشد. به خوبی از این واقعیت آگاهم که همه ما، از جمله خودم، تعصباتی داریم. من سعی می‌کنم تا جایی که می‌توانم برای رفع آن گام بردارم. [دانشجویان] نیازی به پنهان کردن یا تغییر [نظر] خود ندارند؛ فقط باید تلاش کنند به حرف هم گوش دهند و یکدیگر را درک کنند.»

● مایکل روبین تحلیلگر مسائل خاورمیانه و مشاور سابق پنتاگون به کنایه گفته معتبرتر از رابرت مالی شخص دیگری نبود که بخواهد این دوره را تدریس کند؟! رابرت مالی مسئول پیشین وزارت خارجه دولت بایدن در امور ایران که مجوز امنیتی وی به اتهام «سوء استفاده از اطلاعات محرمانه» باطل و با فرستادنش به مرخصی بدون حقوق مجبور به کناره‌گیری از سمت خود شد، قرار است در سال ۲۰۲۴ در دانشگاه مشهور «ییل» دوره آموزشی با موضوع درگیری اسرائیل و فلسطین تدریس کند.

● پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» جمعه ۱۹ ژانویه (۲۹ دی‌ماه) گزارش داد رابرت مالی تدریس در دو دوره

عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی:

یقین داشته باشید حمله موشکی سپاه با هماهنگی اقلیم کردستان و دولت عراق بود!



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامگاه دوشنبه ۲۵ دی‌ماه با چند فروند موشک بالستیک نقاطی در اربیل عراق و ادلب سوریه را هدف قرار داد

به خطر انداختن جان شهروندان عراق است.» همچنین شورای امنیتی منطقه کردستان عراق نیز بامداد سه‌شنبه اعلام کرد که تهران از توجیه و بهانه غیرضروری برای حمله موشکی به اربیل استفاده کرده است. جمهوری اسلامی ادعا کرد که در حملات موشکی به اربیل عراق، محل موساد و گروه‌های «ضدانقلاب» را هدف قرار داده است اما فؤاد حسین وزیر خارجه عراق گفت، «چون جمهوری اسلامی نمی‌تواند به حملات اسرائیل پاسخ دهد، به مناطق غیرنظامی در اربیل حمله کرده است.» وی ضمن محکوم کردن این حملات، اقدام سپاه پاسداران را «تجاوز به عراق و نقض قوانین بین‌المللی» خواند. پس از حمله موشکی سپاه به اربیل، مسرور بارزانی نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق نیز با محکوم کردن این اقدام از دولت عراق خواست درباره نقض آشکار تمامیت ارضی عراق و اقلیم کردستان سکوت نکند. همچنین وزارت خارجه آمریکا نیز حمله موشکی سپاه به کردستان عراق را محکوم کرد. ماتیو میلر سخنگوی این وزارتخانه با تسلیت به بازماندگان قربانیان موشک‌باران سپاه پاسداران گفت این قبیل حملات ثبات در عراق را تضعیف می‌کند. در عین حال، محلی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اقلیم کردستان عراق هدف حملات موشکی قرار داد منزل پیشرو دیزایی بازرگان مشهور بود. وی به همراه چهار عضو دیگر خانواده‌اش کشته شد. اما حکومت ایران مدعی است که وی «نیروی موساد» بود. اینکه سرانجام شکایت دولت عراق از جمهوری اسلامی در مورد تعرض به اقلیم کردستان این کشور به کجا خواهد رسید مشخص نیست اما از یکسو رژیم ایران نفوذ زیادی در دولت عراق و نیروهای مسلح این کشور به ویژه حشدالشعبی دارد و از سوی دیگر بعید است با توجه به اختلافات اساسی بین اعضای قدرتمند شورای امنیت سازمان ملل این شکایت‌ها در حال حاضر نتیجه‌ای داشته باشد.

● فداحسین مالکی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ۲۸ دی‌ماه در یک مصاحبه ادعا کرد حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اربیل عراق با «هماهنگی» مقامات اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق بود.

● این ادعا در حالی مطرح می‌شود که وزارت خارجه عراق چهارشنبه ۲۷ دی‌ماه علیه جمهوری اسلامی به سازمان ملل و شورای امنیت شکایت کرد.

● در بیانیه این وزارتخانه آمده است حملات موشکی اخیر به اربیل، نقض آشکار حاکمیت و تمامیت ارضی، و به خطر انداختن جان شهروندان عراق است.»

● فداحسین مالکی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ۲۸ دی‌ماه در یک مصاحبه ادعا کرد حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اربیل عراق با «هماهنگی» مقام‌های اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق بود.

وی توضیح داد، «این حملات بر اساس توافقاتی که ما با عراقی‌ها و رهبران اقلیم در کردستان داشتیم، صورت گرفته است. ما بارها تاکید کردیم که به هیچ عنوان گروه‌های معاند با جمهوری اسلامی را در مرزهای خود و در هر مرزی که باشد، نمی‌توانیم قبول کنیم و قابل هضم برای ما نیست.»

● مالکی افزود: «بر همین اساس، اولین گامی که ما با کشورهای ترکیه و آذربایجان و خصوصا عراق و اقلیم کردستان داشتیم این بوده که خودشان جلوگیری کنند. اگر عملیاتی هم صورت گرفت یقین داشته باشید که با هماهنگی اقلیم و دولت مرکزی عراق بود.»

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که وزارت خارجه عراق چهارشنبه ۲۷ دی‌ماه علیه جمهوری اسلامی به سازمان ملل و شورای امنیت شکایت کرد.

در بیانیه این وزارتخانه آمده بود «حملات موشکی اخیر به اربیل، نقض آشکار حاکمیت و تمامیت ارضی، و

تشکیل «واحد تخصصی جدید» در پلیس بریتانیا برای مقابله با تهدیدات حکومت ایران



افسران پلیس در خارج از ساختمان اسکاتلندیارد مقر پلیس متروپولیتن در لندن / بریتانیا / ۲۱ مارس ۲۰۲۳

در سال گذشته بیش از ۱۵ تهدید مستقیم به دستگاه دولتی ایران مرتبط بوده است.

مت جوکس همچنین گفت که درگیری در اسرائیل و غزه یک «مقطع رادیکالیزه» است که این پتانسیل را دارد که افراد مستعد را به سمت تروریسم سوق دهد.

وی در نشست خبری با خبرنگاران گفت: «این فقط یک حرف نیست. اگر به شاخص‌ها و علائم نگاه کنیم نشانه‌های خاصی وجود دارد که ما روی آنها تمرکز خواهیم کرد... در حال حاضر، نشانه‌هایی وجود دارند که جهت‌های اشتباه‌انسان می‌دهند.»

پس از حملات «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل و مباران غزه، واحد پرونده اینترنتی ضد تروریسم افزایش بی‌سابقه‌ای در زمینه مطالب آنلاین دریافت کرده است، با سه هزار پرونده که از این تعداد ۷۰۰ مورد بطور بالقوه ناقض قوانین مربوط به تروریسم یا قوانین دیگر در نظر گرفته شده است.

برخی از موارد مربوط به اطلاعات نادرست یا تصاویر نادرست تولید شده توسط هوش مصنوعی است در حالی که برخی دیگر شامل دستکاری تصاویر در درگیری‌های قبلی می‌شود.

بطور جداگانه از «هفت اکتبر» حدود ۹۲ مورد از سوی سازمان‌ها، شرکت‌های حقوقی و افراد به واحد جنایات جنگی پلیس لندن ارجاع شده که ۱۹ مورد آن علیه حماس یا مردم غزه و ۷۳ مورد علیه اسرائیل بوده است.

تنها یک مورد تا کنون منجر به ارجاع فردی به دادگاه کیفری بین‌المللی شده که ممکن است بتواند مدارکی را ارائه کند در حالی که بقیه هنوز در حال بررسی هستند.

افسران ارشد پلیس بریتانیا اوایل آبان ۱۴۰۲ هشدار داده بودند که رژیم تهران در تلاش است تا تنش‌ها را در تجمعات طرفداران حماس در شهرهای بریتانیا افزایش دهد. در همین ارتباط پلیس نسبت به افزایش فعالیت «دولت‌های متخاصم» در بریتانیا هشدار داد.

روزنامه «تایمز» به نقل از منابع امنیتی در واحد ضدتروریسم گزارش داد تهران در تلاش است تا آشوب‌ها را در تجمعات علیه اسرائیل افزایش دهد و عوامل آن در این تجمعات حضور فیزیکی دارند و همزمان کارزاری برای نشر اطلاعات غلط با هدف تحریک احساسات ضدیهودی مسلمانان به راه انداخته‌اند.

● به گزارش رویترز، مت جوکس رئیس پلیس مبارزه با تروریسم بریتانیا می‌گوید که شواهد و احساس در میان افسران پلیس این است که چالش‌های ایجاد شده توسط کشورهای متخاصم «اکنون بزرگتر از دوران جنگ سرد است».

● وی به خبرنگاران گفت: «بدون تعارف بگویم ما در مورد بخش‌هایی از دستگاه دولتی ایران، چین و روسیه صحبت می‌کنیم.»

● جوکس توضیح داد حجم اطلاعات نادرست آنلاین بیش از تمام سال‌های منتهی به انتخابات افزایش پیدا کرده و پلیس نگران توطئه برای کشتن مخالفان یا مخالفان سیاسی است. رئیس پلیس مبارزه با تروریسم بریتانیا اشاره کرد که در سال گذشته بیش از ۱۵ تهدید مستقیم به دستگاه دولتی ایران مرتبط بوده است.

پلیس بریتانیا روز جمعه ۱۹ ژانویه (۲۹ دی‌ماه) اعلام کرد که واحد جدیدی را برای مقابله با تهدیدات چین، روسیه و رژیم ایران راه‌اندازی کرده است. آنها اعلام کرده‌اند در مورد خطرات پیش از انتخابات سراسری که امسال برگزار می‌شود بسیار نگران هستند.

به گزارش رویترز، مت جوکس رئیس پلیس مبارزه با تروریسم بریتانیا گفت که شواهد و احساس در میان افسران پلیس این است که چالش ایجاد شده توسط کشورهای متخاصم «اکنون بزرگتر از دوران جنگ سرد است».

او به خبرنگاران گفت: «بدون تعارف بگویم مادرورد بخش‌هایی از دستگاه دولتی ایران، چین و روسیه صحبت می‌کنیم.»

بریتانیا سال گذشته یک قانون «امنیت ملی» را تصویب کرد تا کار جاسوسی، سرقت اسرار تجاری و مداخله در نظام سیاسی را برای کشورها دشوارتر کند.

جوکس در همین ارتباط گفت که «واحد تحقیقات تخصصی جدید از اختیارات جدید این قانون استفاده خواهد کرد... ما عملکرد دستگاه‌های امنیتی بریتانیا را برای واکنش به اقدامات دولت‌های متخاصم افزایش خواهیم داد.»

وی همچنین گفت که حجم اطلاعات نادرست آنلاین بیش از تمام سال‌های منتهی به انتخابات افزایش پیدا کرده و پلیس نگران توطئه برای کشتن مخالفان یا مخالفان سیاسی است. رئیس پلیس مبارزه با تروریسم بریتانیا اشاره کرد که

آموزشی در دانشگاه‌های ییل و پرینستون را پذیرفته است. قرار است وی دانش خود در مورد خاورمیانه را به عنوان بخشی از یک دوره آموزشی با عنوان «جدال اسرائیل-فلسطین» به اشتراک بگذارد. روزنامه «ییل دیلی نیوز» گزارش داده که محور یک ترم از این دوره آموزشی «نگاهی عمیق به پرسش‌های مهم درباره درگیری اسرائیل و فلسطین» است.

رابرت مالی سال‌ها در داخل و خارج از مسئولیت‌هایی در دولت ایالات متحده درگیر مناقشه خاورمیانه بوده است. وی به عنوان مشاور کمین انتخاباتی باراک اوباما، رئیس جمهوری سابق آمریکا در سال ۲۰۰۸، مذاکرات غیرمجاز با گروه تروریستی حماس انجام داد که منجر به کنار گذاشتن وی از این سمت شد. حماس اکنون در حال جنگ با اسرائیل است.

مالی به عنوان نماینده دولت بایدن در امور ایران نیز برای کاهش تحریم‌های اقتصادی علیه رژیم ملاحه تلاش کرد و درآمدهای بادآورده‌ای برای آنها فراهم نمود که حماس و دیگر گروه‌های تروریستی تحت حمایت تهران را که به اسرائیل حمله می‌کنند، تقویت کرده است.

رابرت مالی به «ییل دیلی نیوز» گفت که قصد دارد «بحث‌های روشن‌گرانه و محتمانه» را در مورد این درگیری تقویت کند. این دوره آموزشی در شرایطی برگزار می‌شود که خشونت ضد یهود به اوج خود رسیده است. برگزارکننده این دوره آموزشی یعنی دانشگاه ییل جنایات جنگی گسترده حماس علیه شهروندان اسرائیل را تکذیب و حملات این گروه تروریستی به غیرنظامیان یهودی را توجیه کرد.

مالی در مورد برگزاری این دوره به روزنامه دانشگاه ییل گفت: «پس از هفتم اکتبر، از خود پرسیدم که برگزاری این دوره آیا هنوز منطقی است یا اینکه بهتر است صبر کنم... در نهایت، با هماهنگی با دانشگاه به این نتیجه رسیدم که تلاش برای ایجاد محیطی که دانشجویان بتوانند در مورد این موضوع بیشتر بیاموزند و با دیگران در گفتگوهای با تأمل و محتمانه شرکت کنند، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.»

سمینارهای رابرت مالی در دانشگاه‌های ییل و پرینستون سال گذشته به دلیل تحقیقات «اف‌بی‌آی» در مورد سوء استفاده احتمالی این دیپلمات از اطلاعات طبقه‌بندی شده، با واکنش کنگره ایالات متحده مواجه شد.

رابرت مالی به «ییل دیلی نیوز» گفت: «من به خوبی می‌دانم که بحث‌های دوقطبی و حتی مسموم در مورد اسرائیل و فلسطین چقدر می‌تواند حساس باشد. به خوبی از این واقعیت آگاهم که همه ما، از جمله خودم، تعصباتی داریم. من سعی می‌کنم تا جایی که می‌توانم برای رفع آن گام بردارم. [دانشجویان] نیازی به پنهان کردن یا تغییر [نظر] خود ندارند؛ فقط باید تلاش کنند به حرف هم گوش دهند و یکدیگر را درک کنند.»

این دیپلمات و همکاران وی در «گروه بحران» فعالیت می‌کردند؛ اتاق فکری که دیپلماسی بیشتر با رژیم تهران را ترویج می‌کند. مسئولان دانشگاه ییل می‌گویند رابرت مالی هنوز مجرم شناخته نشده و تدریس او در این دانشگاه مشکلی ندارد.

مایکل روبین تحلیلگر مسائل خاورمیانه و مشاور سابق پنتاگون اما می‌گوید که ییل با استخدام رابرت مالی برای تدریس در مورد مناقشه اسرائیل و فلسطین، به دانشجویان خود آسیب می‌رساند.

وی به کنایه افزوده است: «تیریک می‌گویم ییل؛ شما یکبار دیگر نشان دادید که به تنوع دیدگاه‌ها با تحقیر برخورد می‌کنید. چه دلیل دیگری می‌تواند وجود داشته باشد که فردی مثل رابرت مالی این دوره را تدریس کند اما از افراد دیگر که اعتبار بالاتری دارند دعوت نشود؟»



رئیس «قرارگاه نفوس»: باید منع از سقط را به عنوان یکی از برترین موارد نهی از منکر پیگیر شد یک پزشک متخصص زنان: سقط جنین مرتب در کشور انجام می شود

بگیر و بندهای حکومتی عمل سقط جنین مرتب انجام می شود.»

او اضافه می کند: «همین چند وقت پیش دختری ۲۲ ساله به من مراجعه کرد که خودش به تنهایی دو بار عمل سقط را بدون مشکل انجام داده بود. وقتی او را معاینه کردم متوجه شدم سابقه سقط داشته؛ از او پرسیدم: چطور سقط کردی؟ گفت: دو بار سابقه سقط داشتم هر دو بار از «میزوپروستول» استفاده کردم. بنابراین باید گفت زنان ما آنقدرها هم کم اطلاع نیستند. خودشان قرص را می گذارند و به بارداری خاتمه می دهند.»

به گفته این متخصص زنان و زایمان زوج های رسمی به علت مشکلات اقتصادی، محیطی و شرایط جامعه حاضر به بچه دار شدن نیستند.

در پی تشدید سختگیری های مرتبط با منع سقط جنین در ایران و حمایت از سیاست «فرزندآوری»، تا کنون افراد زیادی در این ارتباط شناسایی و بازداشت شده اند. از جمله می توان به پلمب ۷ مطب در تبریز به جرم سقط جنین غیرقانونی در ۱۲ دی ماه، پلمب یک مطب مامایی به دلیل فعالیت در موضوع سقط جنین در تبریز در یکم بهمن و ارجاع آن به دستگاه قضایی اشاره کرد. در ۱۷ اردیبهشت ماه نیز در همین شهر یک مطب مامایی به همین دلیل پلمب شد.

وبسایت «رکنا» نیز ۲۸ دی ماه از صدور کیفرخواست برای یک پزشک متخصص در یزد به دلیل «آمادگی او» برای فراهم کردن زمینه اجرای «سقط جنین غیرقانونی» خبر داد. در این گزارش آمده بود که در مطب این پزشک، ۱۱ قرص سقط جنین «میزوپروستول» پیدا شد. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری گیلان نیز ۱۴ دی ماه اعلام کرد: «یک باند سازمان یافته سقط جنین در استان شناسایی و اعضای آن هم دستگیر شدند.»

هدف گذاری کاهش ۳۰ درصدی سقط جنین غیرقانونی در برنامه هفتم توسعه

در چنین شرایطی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان رسیدگی به فصل «زن، خانواده و جمعیت» ←

ذاکریان تاکید کرد: «برای جلوگیری از سقط، باید فعالیت های فرهنگ سازی و آموزشی و حمایت همه جانبه با هدف تأمین مالی خانواده ها برای انصراف از سقط و نجات فرزند را پیگیری کرد، بنابراین باید منع از سقط را به عنوان یکی از برترین موارد نهی از منکر پیگیر شد.»

امیرحسین بانکی پور نماینده مجلس شورای اسلامی نیز ۱۳ دی ماه با بیان اینکه روزانه ۲ هزار جنین در کشور سقط می شود گفته بود که ۹۳ درصد این جنین ها «حلال زاده» هستند. منظورش این است که در رابطه ای ازدواج به وجود آمده اند!

به گفته این نماینده مجلس، تعداد سقط در دهه ۸۰ بسیار کمتر بوده و پژوهشگران عامل اصلی این تعداد بالای سقط را «فجربزایی از مقوله سقط جنین» می دانند.

وی اما مجبور می شود بلافاصله به مشکلات اقتصادی اشاره کند و بگوید «ما منکر مشکلات اقتصادی نیستیم» و اضافه کند که اما «کسی برای مشکلات اقتصادی فرزند یک ساله خود را نمی کشد، جنین هم همینطور است. صاحب حیات است. اینکه سقط تا یک سنی برای جنین در کشور از نظر شرعی مجاز شد باعث شد افراد سقط های بیشتری انجام بدهند.»

در همین ارتباط کیهان لندن موضوع سقط جنین را با یک پزشک متخصص زنان ساکن کرج مطرح کرده است.

این پزشک معتقد است: «عمل سقط جنین به شکل قانونی جزوی از کار های تخصصی یک متخصص بیماری های زنان است. ما متخصص زنان فقط راهنمایی می کنیم که از چه روش علمی استفاده کنند که جان بیمار به خطر نیفتد. در مجموع چیزی که من به چشم خود می بینم این است که همه بیمار در ابتدای بارداری وقتی بی بی چک آنها مثبت و بارداری آنها ناخواسته است، میزوپروستول واژینال استفاده می کنند و وقتی به خونریزی می افتند به ما مراجعه می کنند، در این شرایط جان مادر برای ما مهم است و کارهای انجام سقط را به صورت قانونی انجام می دهیم، بعد بیمار به خانه بر می گردد یک هفته بعد دوباره مراجعه می کند تا مطمئن شویم بقایای جنین در بدن بیمار وجود نداشته باشد. بنابراین به شما می گویم که با وجود همه

● محسن ذاکریان رئیس «قرارگاه نفوس»: «برای جلوگیری از سقط، باید فعالیت های فرهنگ سازی و آموزشی و حمایت همه جانبه با هدف تأمین مالی خانواده ها برای انصراف از سقط و نجات فرزند را پیگیری کرد، بنابراین باید منع از سقط را به عنوان یکی از برترین موارد نهی از منکر پیگیر شد.

● یک پزشک متخصص زنان: «عمل سقط جنین به شکل قانونی جزوی از کار های تخصصی یک متخصص بیماری های زنان است. ما متخصص زنان فقط راهنمایی می کنیم که از چه روش علمی استفاده کنند که جان بیمار به خطر نیفتد. در مجموع چیزی که من به چشم خود می بینم این است که همه بیمار در ابتدای بارداری وقتی بی بی چک آنها مثبت و بارداری آنها ناخواسته است، میزوپروستول واژینال استفاده می کنند و وقتی به خونریزی می افتند به ما مراجعه می کنند، در این شرایط جان مادر برای ما مهم است و کارهای انجام سقط را به صورت قانونی انجام می دهیم.»

فیروزه نوردستروم - رئیس «قرارگاه نفوس» در کشور با بیان اینکه در بازه زمانی یک سال بین ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار مورد سقط جنین در کشور به وقوع می پیوندد، گفت: «بر اساس آمار موجود در سطح کشور روزانه حدود یک هزار سقط انجام می شود در حالی که حفظ بارداری برای مادر خطری ندارد.»

به گزارش خبرگزاری ایلنا، محسن ذاکریان در جلسه شورای اداری استان مرکزی با بیان این مطلب افزود: «طبق مطالعات صورت گرفته از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی ۹۰ تا ۹۳ درصد سقط ها از سوی زوجینی که ازدواج رسمی و دائم، قانونی و شرعی دارند، انجام می شود.»

به گفته وی بیش از ۸۰ درصد مردم دارای دو فرزند یا تک فرزند، بدون فرزند یا مجرد هستند.

رئیس «قرارگاه نفوس» با بیان اینکه فاصله تصمیم تا سقط، چند ساعت است اضافه کرد: «افراد به راحتی به امکان سقط و ابزارهای سقط دسترسی دارند؛ زوجینی هستند که به راحتی دست به سقط می زنند.»



دیدار امیرعبداللهیان با لاوروف در حاشیه نشست سازمان ملل در نیویورک / دوشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۲

امیرعبداللهیان در نیویورک به دیدار لاوروف رفت؛ سانسور قاب عکس ولادیمیر پوتین در خبر «ایرنا»

از «کارشکنی‌های آمریکا در شورای امنیت» و ممانعت واشنگتن از تصویب قطعنامه آتش‌بس انتقاد کرد و خواستار موضع متحد کشورهای عربی در مورد فلسطین شد. از سوی دیگر، خبرگزاری دولتی روسیه «تاس» روز سه‌شنبه سوم بهمن به نقل از ضمیر کابلوف نماینده ریاست جمهوری روسیه در امور افغانستان نوشت «روسیه و ایران به زودی معاهده مشارکت استراتژیک امضاء می‌کنند».

وی توضیح داد: «کار بر روی متن پیش‌نویس سند رو به اتمام است و به محض پایان آن، رؤسای جمهور دو کشور تصمیم خواهند گرفت که چه زمانی و کجا [این سند] امضا شود... این به زودی اتفاق خواهد افتاد زیرا (پیمان) در مرحله نهایی است».

به نظر می‌رسد اشاره این دیپلمات روس به تفاهنامه اطلاعاتی-امنیتی تهران و مسکو است که اواسط آذرماه ۱۴۰۲ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و مربوط به واردات تجهیزات شوند، فعالیت‌های سایبری، کمک به ماشین‌سرکوب جمهوری اسلامی و جاسوسی از مردم است. پیش از این برخی منابع امنیتی غربی گزارش داده بودند که روسیه و رژیم ایران برای انتقال ده‌ها پهپاد انتحاری جدید و موشک‌های بالستیک برای استفاده در جنگ علیه اوکراین به توافق رسیده‌اند.

به گزارش رویترز وزارت خارجه روسیه اعلام کرد، لاوروف و امیرعبداللهیان در مورد وضعیت متشنج در دریای سرخ ابراز نگرانی کردند. این در حالیست که جمهوری اسلامی بطور مستقیم از حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها حمایت می‌کند و شادمانی خود را از این حملات پنهان نمی‌کند!

همچنین اعلام شد لاوروف دیدارهایی نیز با وزرای خارجه ترکیه و لبنان داشته است.

در شرایطی که رسانه‌های حکومتی و طرفداران نظام از دیدار وزرای خارجه جمهوری اسلامی و روسیه بسیار خرسند هستند، در ایران شماری از چهره‌های سیاسی در مورد «خیانت» روس‌ها به ایران مدام هشدار می‌دهند. آنها صراحتاً می‌گویند روسیه با زیرکی جمهوری اسلامی را به عنوان ابزاری برای ضربه زدن به منافع غرب به بازی گرفته است. در شش ماه اخیر لاوروف دست‌کم در دو نشست با رهبران و مقامات دولت‌های عربی منطقه، حق حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه را زیر سؤال برد.

در همین ارتباط حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفته بود «خیانت بزرگ روس‌ها را زمانی خواهیم دید که دیکتاتور مجبور به تنش‌زدایی با ناتو شود».

● خبرگزاری دولتی «ایرنا» گزارش داد بعد از آنکه امیرعبداللهیان و لاوروف با یکدیگر دست دادند و وارد اتاق مذاکرات شدند وزیر خارجه جمهوری اسلامی از لاوروف درباره اوضاع پرسید که لاوروف با شوخی گفت: «همه چیز تحت کنترل است [باخنده] مهم این است که بدانیم تحت کنترل چه کسی است!»

● خبرگزاری دولتی روسیه «تاس» روز سه‌شنبه سوم بهمن به نقل از ضمیر کابلوف نماینده ریاست جمهوری روسیه در امور افغانستان نوشت «روسیه و ایران به زودی معاهده مشارکت استراتژیک امضا می‌کنند».

به دعوت فرانسه که ریاست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل را بر عهده دارد، حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای حضور در نشست این شورا با موضوع فلسطین به نیویورک رفته است. وی پیش از برگزاری نشست شورای امنیت در اولین دیدار دوجانبه روز دوشنبه دوم بهمن‌ماه با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه گفتگو کرد. خبرگزاری دولتی «ایرنا» گزارش داد بعد از آنکه امیرعبداللهیان و لاوروف با یکدیگر دست دادند و وارد اتاق مذاکرات شدند، وزیر خارجه جمهوری اسلامی از لاوروف درباره اوضاع پرسید که لاوروف با شوخی گفت: «همه چیز تحت کنترل است [باخنده] مهم این است که بدانیم تحت کنترل چه کسی است!»

مکانی که ایرنا اسم آن را «اتاق مذاکرات» گذاشته است درواقع دفتر نمایندگی روسیه در سازمان ملل است که بر دیوار مجاور میز کاری آن پشت سر هیأت روسی قاب عکس بزرگ ولادیمیر پوتین نصب است. قاب عکسی که خبرگزاری ایرنا با فتوشاپ آن را حذف کرد! در حالی که همین قاب عکس در دیدار بعدی لاوروف با نماینده دولت امارات دیده می‌شود. به نظر می‌رسد خبرگزاری دولتی «ایرنا» یا به حساسیت منفی مخاطبان نسبت به روسیه و پوتین آگاه است و نخواسته این قاب عکس به مضمون کاربران در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شود یا اینکه نیاز به لاپوشانی کردن روسوفیل بودن نظام و دولت‌اش در این عکس بوده است. در هر حال، دلیل این تقلب هر چه بوده باشد، همین کار نیز از چشم مخاطبان دور مانده و موضوع را بیشتر زیر ذره‌بین برده است!

خبرگزاری «ایرنا» با تأکید نوشته است که «دیدار وزرای خارجه ایران و روسیه با گرمی آغاز شد و پایان یافت». گفته می‌شود امیرعبداللهیان در این دیدار با اشاره به جایگاه روسیه و نقش آن به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت، خواستار ایفای نقش فعال‌تری توسط این کشور برای توقف جنگ در غزه شده است. لاوروف نیز

→ لایحه برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران، هدف‌گذاری کاهش سقط جنین غیرقانونی نسبت به وضع سال ابتدای اجرای این برنامه را ۳۰ درصد تعیین کردند. اما چرا مسئولان وزارت بهداشت آنقدر آمارهای متفاوتی از میزان سقط جنین در ایران ارائه می‌کنند؟

روزنامه «فرهیختگان» در گزارشی با این مضمون نوشته است «طبق گفته برخی منابع خبری اولین آمار سقط جنین در ایران پس از انقلاب در سال ۷۷، ۹۰ هزار سقط جنین بوده است. این عدد در سال‌های اخیر به یکباره به ۶۵۰ هزار سقط رسیده؛ عددی که چندان منطقی به نظر نمی‌رسد اما همچنان در رسانه‌ها به آن استناد می‌شود.»

بر اساس این گزارش، برخی شنیده‌ها بیانگر آن است که این آمار ممکن است از روی میزان مثبت شدن آزمایش بتا یا همان آزمایش خون معروف به بارداری در قیاس با میزان مولی‌د اعلام شده باشد.

کیهان لندن نیز چندی پیش گزارشی در مورد مشکلات راه‌های دور زدن «قانون سقط جنین» منتشر کرد.

در این گزارش به نقل از یک مادر آمده بود «هرکسی که به آزمایشگاه خون می‌رود باید کارت ملی ارائه کند اسم فرد در فهرست مادران باردار ثبت می‌شود و اگر ناچار به انجام سقط جنین شد باید دلایل موجه ارائه کند. فکر می‌کنم این ترکیب زیست سیاسی است یعنی بدن‌های در اختیار حکومت!»

یک پزشک ساکن شمال کشور نیز در این گزارش به کیهان لندن گفته بود «در مورد بیشتر زنانی که به صورت خوددرومانی این قرص‌ها را مصرف می‌کنند در بسیاری اوقات، سقط جنین انجام نمی‌شود. ما با میزان بالایی از نوزادان ناقص یا نوزادان دارای اختلال در سیستم ایمنی و آناتومی‌های مختلف روبرو هستیم.»

همچنین در ارتباط با «درمان ناباروری»، انسیه خزعلی که خودش در ۱۶ سالگی ازدواج کرده و ۴ فرزند دارد عصر سه‌شنبه ۱۱ مهرماه در مراسم اهدای زمین به متقاضیان قانون جوانی جمعیت در مشهد ی با اعلام اینکه اینک خانواده‌ها به یک یا ۲ فرزند بسنده کرده‌اند ادعا کرده بود: «باید این سطح به پنج تا ۶ فرزند افزایش یابد و تحقق این مهم می‌تواند ما را از گرفتار شدن در سیاه‌چاله جمعیت و چالش جمعیتی نجات دهد!»

به گفته وی، «اگر مراکز خصوصی افراد را تحت پوشش قرار ندهند، مجوز آنها لغو خواهد شد چون هزینه درمان ناباروری بالاست.»

علی خامنه‌ای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۳ سیاست افزایش جمعیت و فرزندآوری را به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ کرد و رواج ازدواج‌های سفید را دسیسه‌ی «صهیونیسم» و کاهش جمعیت ایران خواند. برنامه‌ها و طرح‌های افزایش جمعیت اما در سال‌های گذشته نتیجه مورد نظر رهبر جمهوری اسلامی را در پی نداشته است.

ابراهیم رئیسی نیز در آبان ۱۴۰۰ اندکی پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را در ۷۳ ماده با تصویب مجلس شورای اسلامی ابلاغ کرد. شش ماه پس از ابلاغ قانون «جوانی جمعیت»، در اواخر خرداد پارسل بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی دستورالعمل اجرای ماده ۵۳ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را با هدف «حفظ و مراقبت از جنین سالم» ابلاغ کرد.

تا کنون همه این طرح‌ها و سیاست‌ها و امر به معروف‌ها و نهی از منکرها نتیجه‌ی عکس داده است. خانواده‌ها حاضر به بچه‌دار شدن و یا ازدیاد فرزند نیستند و سقط جنین هم با آمار بالا در ایران انجام می‌شود.

تیراندازی در آمادگاه مهماتی ارتش در کرمان با پنج کشته چرا پادگان‌های جمهوری اسلامی جای امنی برای سربازان نیست؟!



پادگان ۰۵ نیروی زمینی ارتش در کرمان

پاسگاه‌های مناطق مرزی در شرق کشور که مدام توسط گروه‌های تروریستی تهدید می‌شوند. جایی که عمدتاً می‌بایست از نیروهای آموزش‌دیده استفاده شود سربازان وظیفه بالاترین آسیب‌ها و تلفات را متحمل می‌شوند. خدمت نظام وظیفه در ایران دو سال و اجباری است. گرچه شرایط خدمت سربازان با گذشته تا حدودی متفاوت شده و سختی‌هایی که سربازان در پادگان‌ها در چند دهه اخیر داشتند، تا حدی کمتر شده، اما سیستم آموزشی داخل پادگان‌ها تغییر زیادی نداشته است. دگرگونی‌های اجتماعی و تغییر فرهنگ نسل جدید نیاز به اصلاحات عمیق در پادگان‌ها را ضروری می‌کند اما نه درک و نه اراده و بودجه برای این کار موجود است.

از سوی دیگر گزارش‌های زیادی وجود دارد که در پادگان‌های نیروی انتظامی و سپاه پاسداران سربازان وظیفه را به اجبار برای سرکوب اعتراضات به خیابان‌ها اعزام می‌کنند. آمار سربازانی که درگیری‌های خیابانی آسیب دیده‌اند کم نیست.

فشارهای روحی و روانی و با مصرف مواد مخدر یا اختلافات شخصی با سایر سربازان یا فرمانده در داخل پادگان‌ها از عواملی است که تکرار موارد مشابه را محتمل می‌کند. مسئولیت کشته شدن سربازان در پادگان‌ها با سلسله مراتب فرماندهی از فرمانده گروهان تا فرمانده نیرو است. یکی از ایرادات و ضعف‌های خدمت وظیفه عمومی نیز «پاسداری» طولانی‌مدت سربازان وظیفه در ماه‌های اول خدمت وظیفه است. در این مدت که به آن «دوران آموزشی» می‌گویند سربازان بین ۸ تا ۱۰ هفته یک روز در میان اطراف پادگان یا روی برجک‌ها نگرانی می‌دهند. این روال طولانی گاهی بعد از دوران آموزشی نیز ادامه پیدا می‌کند. در این مقطع فشار جسمی و روحی زیادی به سربازان وارد می‌شود. دوری از خانواده و تغذیه نامناسب و کار فیزیکی نیز از دیگر دلایل بهم خوردن تعادل روحی و رفتاری سربازان است. اما به نظر می‌رسد در بالاترین رده‌های نظامی در ایران درک زیادی از ضرورت تغییر سیستم آموزشی نظامی و روال خدمت اجباری وجود ندارد.

اسلحه به سمت سربازان دیگر شلیک کرد که طی آن پنج سرباز کشته و تعدادی زخمی شدند.

به گفته امیر غلامعلیان فرمانده قرارگاه جنوب شرق ارتش یکی از سربازان که مشغول پاسداری بود با اسلحه وارد آسایشگاه سربازان می‌شود و «با انگیزه‌ای که هنوز نامعلوم است» اقدام به تیراندازی به سمت دیگران می‌کند. ضارب بلافاصله از پادگان فرار کرد اما روز دوشنبه دوم بهمن‌ماه رسانه‌ها گزارش دادند وی در نزدیکی شهرستان زرنند دستگیر شده است.

ابوالفضل زارع از شهریارک، مهدی جعفری از زرنند، بن بامین بامری از ایرانشهر، محمدصالح مومنی از شهریارک و رضا طالبی از رفسنجان سربازانی هستند که در این تیراندازی جان باختند.

در سال‌های اخیر موارد تیراندازی سربازان به هم‌قطاران خود در داخل پادگان‌ها رو به افزایش است.

یک سرباز وظیفه ۲۶ تیرماه ۱۳۹۶ در پادگان نیروی زمینی ارتش در آبیگ قزوین با اسلحه ژ-۳ به دیگر سربازان تیراندازی کرد که سه سرباز کشته و پنج سرباز دیگر زخمی شدند. در موردی دیگری ۱۵ مرداد سال ۱۳۹۵ یک سرباز در پادگان نیروی هوایی ارتش در شورآباد کهریزک از توابع تهران به روی هم‌خدمتی‌ها و یک افسر ارشد آتش گشود. در این حادثه یک سرگرد و سه سرباز کشته شدند و هشت نفر دیگر مجروح شدند.

وضعیت در پادگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز بهتر از پادگان‌های ارتش نیست. یک سرباز در پادگان نیروی دریایی سپاه پاسداران در بوشهر اول فروردین ۱۴۰۱ به خاطر اختلاف با هم‌خدمتی‌های خود هنگام تعویض پست، پنج نفر را کشت. اواخر آبان‌ماه ۱۴۰۲ در یک تیراندازی مشکوک در پایگاه بسیج «بشارتی» یک سرباز وظیفه کشته شد. یک هفته بعد در سوم دی‌ماه ۱۴۰۲ در پایگاه «سپاه سلمان» زاهدان یک سرباز دیگر بر اثر تیراندازی جان باخت.

در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سربازان وظیفه را با کمترین آموزش و تجهیزات به پایگاه‌ها و پاسگاه‌هایی اعزام می‌کنند که به شدت زیر تهدید قرار دارند. از جمله

● یک سرباز وظیفه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی یکشنبه اول بهمن‌ماه در آمادگاه مهماتی باغین کرمان با اسلحه به سمت دیگر سربازان شلیک کرد. در این تیراندازی پنج سرباز کشته و تعدادی زخمی شدند.

● در سال‌های اخیر موارد تیراندازی سربازان به هم‌قطاران خود در داخل پادگان‌ها رو به افزایش است. از سال ۱۳۹۶ تا کنون (طی شش سال) بیشتر از شش مورد در پادگان‌های ارتش و سپاه پاسداران سربازانی به هم‌خدمتی‌های خود تیراندازی کرده‌اند. تعداد سربازهایی که به این شکل در داخل پادگان‌ها کشته شده‌اند به حدود ۳۰ نفر می‌رسد.

● موارد تهدید علیه سربازان در دوران خدمت وظیفه کم نیست. در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سربازان وظیفه را با کمترین آموزش و تجهیزات را به پایگاه‌ها و پاسگاه‌هایی اعزام می‌کنند که به شدت زیر تهدید قرار دارند. از جمله پاسگاه‌های مناطق مرزی در شرق کشور که مدام توسط گروه‌های تروریستی تهدید می‌شوند. جایی که عمدتاً می‌بایست از نیروهای آموزش‌دیده استفاده شود، سربازان وظیفه بالاترین آسیب‌ها و تلفات را متحمل می‌شوند.

● گزارش‌های زیادی وجود دارد که در پادگان‌های نیروی انتظامی و سپاه پاسداران سربازان وظیفه را به اجبار برای سرکوب اعتراضات به خیابان‌ها اعزام می‌کنند. آمار سربازانی که در درگیری‌های خیابانی آسیب دیده‌اند کم نیست.

● خدمت نظام وظیفه در ایران دو سال و اجباری است، گرچه شرایط خدمت سربازان با گذشته تا حدودی متفاوت است و سختی‌هایی که سربازان در پادگان‌ها در چند دهه اخیر داشتند کمتر شده، اما سیستم آموزشی داخل پادگان‌ها تغییر زیادی نداشته است. دگرگونی‌های اجتماعی و تغییر فرهنگ نسل جدید نیاز به اصلاحات عمیق در پادگان‌ها را ضروری می‌کند اما نه درک و نه اراده و بودجه برای این کار موجود است.

یک سرباز وظیفه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی یکشنبه اول بهمن‌ماه در آمادگاه مهماتی باغین کرمان با

تشییع جنازه کشته‌شدگان «اطلاعات سپاه قدس» با حضور اندک مقامات ارشد لشکری و کشوری!



حسین سلامی در مراسم تشییع جنازه کشته‌های «سپاه قدس» / شهرک «شهید محلاتی» تهران

همه این افراد شنبه ۳۰ دی‌ماه در هوایی اسرائیل به ساختمانی در محله «المزه» واقع در غرب دمشق کشته شدند.

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تعداد زیادی محافظ در این مراسم شرکت کرد. وی شهریور ۱۳۹۹ در یک سخنرانی خطاب به آمریکا و اسرائیل که علیه نیروهای سپاه در سوریه و داخل ایران اقدام کرده بودند گفته بود: «اگر تار مویی از سر یک ایرانی کم شود، کرک و پشم شما را به باد می‌دهیم!»

حجت‌الاسلام ضیاءالدین آقاچان‌پور رئیس عقیدتی-سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سرتیپ پاسدار حسین معروفی معاون هماهنگ‌کننده بسیج نیز در این مراسم حضور داشتند اما خبری از دیگر فرماندهان و مسئولان لشکری و کشوری نبود.

اینکه چرا سایر مقامات نظام در این مراسم حضور نداشتند دقیقاً معلوم نیست اما به نظر می‌رسد تحت تأثیر نگرانی از انفجارهای ۱۳ دی کرمان و همچنین ترس از عملیات‌های ضربتی اسرائیل باشد.

عزاداران و حامیان حکومت که در این مراسم شرکت کردند پوسترهایی از قاسم سلیمانی در دست داشتند.

همزمان با این تشییع جنازه احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی در یک سخنرانی در سالن همایش‌های وزارت کشور گفت: «امروز تهران حال و هوای شهید دارد و امروز نیازمند فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی هستیم!»

وی مدعی شد «شهید» راه را به ما نشان دادند و اگر بخواهیم به تعالی برسیم باید راه آنها را طی کنیم! با وجود این سخنرانی از راه دور در ستایش «شهید» و «شهید شدن» مشخص نیست چرا برای اثبات ادعای خود حتا ریسک حضور در تشییع جنازه‌ی این «شهید» را نکرده است!

شکار افسران بلندپایه سپاه پاسداران در منطقه مهر تأیید بر شکننده بودن ساختار حفاظتی و امنیتی جمهوری اسلامی است. شیخ علی یونسی وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی تیرماه ۱۴۰۰ در یک مصاحبه گفته بود «نفوذ مוסاد در کشور آنقدر زیاد شده که مسئولان باید نگران جان‌شان باشند».

● تشییع جنازه سه نفر از کشته‌شدگان شامل صادق امیدزاده (مسئول اطلاعات سپاه قدس در سوریه) و دو دستیار وی حسین محمدی و محمدمامین صمدی در تهران از مقابل «مسجد پیامبر اعظم» در شهرک «شهید محلاتی» (منازل سازمانی سپاه در اتوبان آهنگ) برگزار شد.

● حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تعداد زیادی محافظ در این مراسم شرکت کرد. حجت‌الاسلام ضیاءالدین آقاچان‌پور رئیس عقیدتی-سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سرتیپ پاسدار حسین معروفی معاون هماهنگ‌کننده بسیج نیز در این مراسم حضور داشتند اما خبری از دیگر فرماندهان و مسئولان لشکری و کشوری نبود.

● همزمان با این مراسم احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی در یک سخنرانی در سالن همایش‌های وزارت کشور گفت: «امروز تهران حال و هوای شهید دارد و امروز نیازمند فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی هستیم!» وی مدعی شد «شهید» راه را به ما نشان دادند و اگر بخواهیم به تعالی برسیم باید راه آنها را طی کنیم! با وجود این سخنرانی از راه دور در ستایش «شهید» و «شهید شدن» مشخص نیست چرا برای اثبات ادعای خود حتا ریسک حضور در تشییع جنازه‌ی این «شهید» را نکرده است!

مراسم تشییع جنازه پنج نفر از نیروهای اطلاعات «سپاه قدس» که در حمله اسرائیل به دمشق کشته شدند، روز دوشنبه دوم بهمن‌ماه در تهران با حضور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد.

تشییع جنازه سه نفر از آنها شامل صادق امیدزاده (مسئول اطلاعات سپاه قدس در سوریه) و دو دستیار وی حسین محمدی و محمدمامین صمدی در تهران از مقابل «مسجد پیامبر اعظم» در شهرک «شهید محلاتی» (منازل سازمانی سپاه در اتوبان آهنگ) برگزار شد.

یک شب پیش از آن جسد هر پنج نفر به پس از انتقال از سوریه به تهران در ستاد «معراج شهید» تشییع شده بود. گفته می‌شود جسد دو نفر دیگر به شهرستان‌های محل تولدشان منتقل شده است.

مرگ مشکوک سومین سرباز طی یک ماه در پادگان‌های سپاه در استان سیستان و بلوچستان بر اثر اصابت گلوله



سرباز محمدجواد سرحدی

● کمپین فعالین بلوچ گزارش داد روز یکشنبه یکم بهمن ماه ۱۴۰۲، یک سرباز وظیفه به نام «محمدجواد سرحدی» در پایگاه دریایی «امام علی» سپاه در چابهار به ضرب گلوله کشته شد.

● مسئولان پایگاه دریایی ادعا کردند این سرباز در حین خدمت بر اثر اصابت سهوی مرمی گلوله کشته شده است! طی چهل روز گذشته (اواخر آبان‌ماه ۱۴۰۲) در مواردی مشابه در پایگاه بسیج «بشارتی» و پایگاه «سپاه سلمان» زاهدان دو سرباز کشته شدند.

مرگ مشکوک سربازان در پادگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در استان سیستان و بلوچستان با کشته شدن یک سرباز وظیفه اهل کهنوج بر اثر اصابت گلوله در چابهار ادامه پیدا کرد.

کمپین فعالین بلوچ گزارش داد روز یکشنبه یکم بهمن‌ماه ۱۴۰۲، یک سرباز وظیفه به نام «محمدجواد سرحدی» در پایگاه دریایی «امام علی» سپاه در چابهار به ضرب گلوله کشته شد. مسئولان پایگاه دریایی ادعا کردند این سرباز در حین خدمت بر اثر اصابت سهوی مرمی گلوله کشته شده است! طی چهل روز گذشته (اواخر آبان‌ماه ۱۴۰۲) در مواردی مشابه در پایگاه بسیج «بشارتی» و پایگاه «سپاه سلمان» زاهدان دو سرباز کشته شدند.

مرگ سه سرباز در یک ماه همگی در پادگان‌های سپاه پاسداران در استان سیستان و بلوچستان رویدادی مشکوک به نظر می‌رسد اما تا کنون هیچ‌کدام از فرماندهان ارشد سپاه در سیستان و بلوچستان از جمله فرمانده «قرارگاه قدس» و اکثشی به آن نشان نداده‌اند.

ناامن بودن پادگان‌ها در ایران از دلایل اصلی فرار جوانان از خدمت سربازی است. حکومت تلاش کرده با اعطای وام، افزایش حقوق سربازان و کسری خدمت انگیزه پسران جوان را برای خدمت وظیفه بیشتر کند. این در حالیست که پادگان‌ها به ویژه در استان‌های مرزی امن برای آنها نیز امن نیست.

آمریکا و اروپا در مورد «پناهجویان» در منگنه قرار گرفته‌اند

بحران‌سازی ولادیمیر پوتین و شرکاء علیه غرب



تظاهرات ضد جنگ علیه پوتین در اروپا / عکس: رویترز

وبسایت شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا هشدار داده روسیه از ابزارهای مختلف برای افزایش احساسات ضدپناهجویی در اروپا استفاده می‌کند. به عنوان مثال، لهستان در معرض «کمپین‌های اطلاعات غلط روسیه» قرار گرفته است که هم از نگرانی‌های اقتصادی و هم از روایت‌های قدیمی اروپاییان درباره مهاجران به عنوان یک تهدید امنیتی بهره‌برداری می‌کند. اینها شامل گزارش‌های نادرست در رسانه‌های اجتماعی در مورد دزدی، تجاوز در نزدیکی مرز لهستان و اوکراین توسط پناهنده‌هاست.

در آمریکا شماری از مقامات به ویژه در بین جمهوریخواهان نسبت به سیاست‌های روسیه و چین برای سرآزیر کردن موج پناهجویان به ایالات متحده هشدار می‌دهند. جیم جردن نماینده جمهوریخواه اوهایو و رئیس کمیته قضایی مجلس نمایندگان آمریکا روز ۱۸ ژانویه (۲۸ دی‌ماه) با انتشار آماری از میزان ورود پناهجویان به آمریکا نسبت به خطرات ورود موجی از پناهجویان چینی، روسی، یمنی و حتا ایرانی به آمریکا هشدار داد.

وی گفته بود از وقتی بایدن رئیس‌جمهور آمریکا شده است میلیون‌ها خارجی به صورت غیرقانونی وارد این کشور شده‌اند. طبق آماری که جردن منتشر کرده بیش از ۲۴ هزار چینی به صورت غیرقانونی طی سه سال گذشته وارد ایالات متحده شدند. رسانه‌های فنلاندی او‌اخر دی‌ماه ۱۴۰۲ گزارش دادند ۱۱ ایرانی که تلاش می‌کردند از روسیه به صورت غیرقانونی وارد خاک فنلاند شوند توسط نیروهای مرزی این کشور بازداشت شدند. مقامات فنلاند اعلام کردند که مطمئن هستند جریان مهاجران توسط مسکو به عنوان بخشی از تلاش برای بی‌ثبات کردن اوضاع در کشور همسایه سازماندهی شده است. روزنامه «دیلی میل» در ۱۸ نوامبر به نقل از مقامات فنلاند نوشته بود که روسیه عمداً پناهجویان را روانه فنلاند می‌کند چون این کشور به «پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو) پیوسته است.

که از پناهجویان حمایت مالی می‌کردند، افزایش بدبینی‌ها را نشان می‌دهد: برای مثال در یک نظرسنجی به تاریخ اکتبر ۲۰۲۳، بیش از نیمی از لهستانی‌ها گفتند که «قطعاً» یا «در بسیاری موارد» به اوکراینی‌ها کمک مالی نمی‌کنند.

علاوه بر این، طبق گزارش World Vision در ماه اوت ۲۰۲۲ پناهندگان اوکراینی در کشورهای همسایه اوکراین مانند مولداوی، رومانی، لهستان و اسلواکی رفتارهای ضد مهاجرتی و تبعیض را تجربه کردند، حتا در زمانی که حمایت اروپا از پناهندگان اوکراینی در حد مناسب بود. بالاترین میزان رفتارهای ضد مهاجر در اسلواکی گزارش شده است. جایی که در سال ۲۰۲۳ وقتی نخست‌وزیر رابرت فیکو تا حدی به دلیل احساسات طرفدار روسیه انتخاب شد، سازمان بین‌المللی مهاجرت دریافت که ۱۲ درصد از اوکراینی‌ها پس از آوارگی در این کشور با تبعیض مواجه شدند. این امر از طریق موانع زبانی هنگام مرآوده با همسایگان، در محیط‌های آموزشی یا خدمات عمومی، و خصومت از سوی عموم آشکار شد.

برخی از پاسخ‌دهندگان همچنین اشاره کردند که در محل کار خود مورد تبعیض قرار گرفته‌اند یا فرزندانشان قربانی قلدری در مدرسه شده‌اند. علاوه بر این، تعداد زیادی از کارگران خانگی اوکراینی در لهستان با شرایط کاری بد یا غیرقانونی مواجه هستند، پدیده‌ای که پیش از فوریه ۲۰۲۲ نیز رایج بود. در این گزارش تأکید شده «خسته شدن از دست پناهندگان انتظار پوتین است. این همچنین یک تاکتیک تبلیغاتی است که از طریق آن کرملین بر اساس روایت‌ها و نگرانی‌های اروپا در مورد مهاجرت بطور گسترده‌تر برای ایجاد مقاومت در برابر پناهندگان اوکراینی ایستادگی کند.»

همچنین هشدار داده شده که اگر احزاب دست راستی در اروپا بیشتر قدرت بگیرند نگرانی در مورد وضعیت پناهجویان و پناهندگان افزایش خواهد یافت.

● مقامات آمریکا و اروپا رژیم‌های روسیه و چین را متهم می‌کنند که با همکاری جمهوری اسلامی ایران و بلاروس موج پناهجویان را به سمت مرزهای اروپا و همچنین آمریکا سرآزیر کرده‌اند. از سوی دیگر شماری از نهادهای اروپایی گزارش داده‌اند که روسیه از «احساسات ضدپناهجویان» در جوامع اروپایی برای تشدید «حس ضد پناهجویی» بین مردم اروپا برای فشار به دولت‌های اروپایی سوء استفاده می‌کند.

● شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا گزارش داده «خسته شدن از دست پناهندگان» انتظار پوتین است.

مقامات آمریکا و اروپایی رژیم‌های روسیه و چین را متهم می‌کنند که با همکاری جمهوری اسلامی ایران و بلاروس موج پناهجویان را به سمت مرزهای اروپا و همچنین آمریکا سرآزیر کرده‌اند. آنها می‌گویند مسکو و پکن از پناهجویان به عنوان ابزاری برای فشار به دولت‌های غربی از جمله افزایش هزینه‌های آنها استفاده می‌کند.

از سوی دیگر شماری از نهادهای اروپایی گزارش داده‌اند که روسیه از «احساسات ضدپناهجویان» در جوامع اروپایی برای تشدید «حس ضد پناهجویی» بین مردم اروپا برای فشار به دولت‌های اروپایی سوء استفاده می‌کند.

در شرایطی که بسیاری از تحلیلگران و مقامات غربی در مورد پیامدهای ناشی از باقی ماندن میلیون‌ها مهاجر جنگ‌زده اوکراینی در اتحادیه اروپا هشدار می‌دهند یا نهادهای امنیتی اروپا ورود غیرقانونی پناهجویان به اروپا را با چراغ سبز روسیه و بلاروس تهدید ارزیابی می‌کنند، نگرانی‌ها در مورد «پناهجوستیزی» یا «مهاجرت‌ستیزی» به عنوان بخشی از سیاست روسیه علیه غرب افزایش پیدا کرده است. آنهم در حالی که دولت‌های غربی زیر بار پناهندگان به ویژه جنگ‌زدگان اوکراینی در منگنه قرار گرفته‌اند.

در همین ارتباط وبسایت «شورای روابط خارجی اروپا» ۲۲ ژانویه (دوم بهمن‌ماه) گزارش داد دو سال بعد از آغاز تجاوز روسیه به اوکراین در شرایطی که اروپایی‌ها با تورم بی‌سابقه روبرو هستند هزاران پناهجوی اوکراینی در کشورهای اروپایی باعث تحمیل هزینه و «خستگی» دولت‌ها و مردم شده‌اند. این موضوع در نهایت به «احساسات ضد مهاجران» دامن زده است؛ وضعیتی که به نفع ولادیمیر پوتین و روسیه است. بر اساس گزارش‌ها تا نوامبر ۲۰۲۳ بیش از چهار میلیون نفر که از اوکراین فرار کرده بودند در اتحادیه اروپا باقی مانده‌اند که در مقایسه با تقریباً شش میلیون نفری که در روزهای اولیه جنگ آمده بودند کاهش یافته است. آلمان میزبان بیشترین تعداد پناهندگان از اوکراین (حدود ۲/۱ میلیون نفر) است و پس از آن لهستان میزبان (حدود ۹۵۰ هزار نفر) از اوکراینی‌هاست.

عموم مردم اروپا می‌خواهند که کشورهایشان به پذیرایی از پناهندگان اوکراینی ادامه دهند اما با اشتیاق کمتری از زمان آغاز جنگ. به عنوان مثال ی نظرسنجی از «eupinions» نشان می‌دهد که بین مارس ۲۰۲۲ و سپتامبر ۲۰۲۳ موافقت اتحادیه اروپا برای پذیرش پناهندگان اوکراینی از ۸۶ درصد به ۷۵ درصد کاهش یافته است. حتا در لهستان، کشوری که شاهد بیشترین کاهش حمایت در آن دوره بود، اکثریت (۶۵ درصد) در سپتامبر ۲۰۲۳ موافق پذیرش پناهندگان اوکراینی باقی ماندند. با این حال، نظرسنجی‌های دیگر از بین‌آهایی

فرمانده ارتش بریتانیا:

برای جنگ احتمالی مقابل روسیه «آمادگی ذهنی» داشته باشید



ژنرال پاتریک سندرز فرمانده ارتش انگلیس

اینکه جهان در مرحله «پیش از جنگ» قرار دارد با هشدار نسبت به احتمال وقوع «جنگ سوم جهانی» گفت، بریتانیا در پنج سال آینده با جنگ‌هایی در روسیه، چین، ایران و کره شمالی روبرو خواهد شد.

وی در بخشی از سخنانش گفته بود «امروز، روسیه و چین قدرت‌های هسته‌ای هستند و کره شمالی تهدید می‌کند زرادخانه هسته‌ای خود را گسترش دهد و جمهوری اسلامی ایران نیز سطح غنی‌سازی اورانیوم را تا ۷/۸۳ درصد (هشتاد و سه و هفت دهم) افزایش داده است، سطحی که هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد.»

سخنرانی وزیر دفاع بریتانیا حاوی دو هشدار اساسی است: ۱) گرانت شاپس تأکید کرد «در دوران جنگ سرد ما با بازیگران منطقی سر و کار داشتیم اما این قدرت‌های جدید بسیار ناپایدارتر و غیرمنطقی‌تر هستند.»

۲) وی ابراز تأسف کرد که راهبرد «نابودی متقابل تضمین شده» (موازنه قدرت) در گذشته جنگ‌ها را متوقف می‌کرد، اما هشدار داد اکنون با وجود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یا کره شمالی این راهبرد کارایی خود را از دست داده است. گرانت شاپس تأکید کرد «می‌ترسم نتوانیم جنگ‌ها را متوقف کنیم... به ویژه آنکه اکنون ملاحظات نگران‌کننده جدیدی وجود دارد: دشمنان ما اکنون با یکدیگر ارتباط بیشتری دارند به عنوان مثال، ما دیدیم که چگونه نیروهای نیابتی [رژیم] ایران از اسرائیل تا دریای سرخ ویرانی به بار آورده‌اند.»

نگرانی‌های دولت‌های غربی در مورد وقوع یک جنگ احتمالی کم نیست. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، روز چهارشنبه چهارم بهمن‌ماه بزرگترین رزمایش خود را از زمان جنگ سرد تا کنون آغاز کرده است.

در این رزمایش موسوم به «مدافع راسخ ۲۰۲۴» بیش از ۹۰ هزار نیروی نظامی کشورهای عضو ناتو مشارکت دارند.

اما فرمانده ارتش بریتانیا درخواست‌های مشابه دیگر رهبران نظامی غربی و مقامات ارشد دفاعی را که در مورد خطر جنگ بزرگ بین مسکو و ناتو هشدار داده‌اند، تکرار کرده است. مقامات روسیه بعد از حمله به اوکراین، سایر کشورهای اروپایی از جمله کشورهای حوزه بالتیک را تهدید به اقدام مشابه می‌کنند. هفته گذشته، بوریس پیستوریوس وزیر دفاع آلمان گفت که حمله روسیه به ائتلاف نظامی ناتو در «پنج تا هشت سال آینده» «ممکن» است.

دریاسالار هلندی راب باوئر، یکی از مقامات ارشد ناتو نیز پیش از گفته بود که این بلوک نظامی با «خطرناک‌ترین جهان در دهه‌های اخیر» روبرو شده و خواستار «تحول رزمی ناتو» شده است.

مواضع تهدیدآمیز کرملین، کشورهای اروپایی را بر آن داشته تا هزینه‌های دفاعی خود را افزایش دهند. لهستان بیش از چهار درصد از تولید ناخالص داخلی خود را در سال جاری برای تقویت بنیه دفاعی خود هزینه می‌کند، در حالی که آلمان سال گذشته دکترین نظامی و استراتژیک خود را برای اولین بار از سال ۲۰۱۱ تغییر داد که هدف آن تبدیل «بوندس‌ور» (نیروهای مسلح و دفاعی آلمان فدرال) به ارتشی با قابلیت جنگیدن است.

در این میان، هشدارهای فرمانده ارتش بریتانیا با واکنش‌های مختلفی روبرو شده است. دارین گرایمز مجری مشهور بریتانیایی با انتشار تصویری از نام‌نویسی دگرباشان جنسیتی به کنایه در «ایکس» نوشته آیا فکر می‌کنید انگلیس امروز در یک جنگ بزرگ پیروز خواهد شد؟

این برای دومین بار در ۱۰ روز گذشته است که مقامات ارشد نظامی بریتانیا در مورد احتمال وقوع یک جنگ تمام‌عیار هشدار می‌دهند.

در همین ارتباط گرانت شاپس وزیر دفاع بریتانیا ۱۵ ژانویه ۲۰۲۴ (۲۵ دی ۱۴۰۲) در یک سخنرانی با اشاره به

ژنرال سندرز روز چهارشنبه ۲۴ ژانویه (چهارم بهمن‌ماه) در جریان یک سخنرانی در نمایشگاه بین‌المللی ادوات زرهی در لندن هشدار داد که مردم بریتانیا باید در صورت جنگ با روسیه آماده خدمت در ارتش و در جنگ زمینی باشند.

این مقام بلندپایه ارتش بریتانیا از مقامات دولتی خواست ملت را برای جنگ با روسیه «بسیج کنند» و خواستار تشکیل «ارتش مردمی» شد.

ژنرال سندرز در بخش دیگری از سخنرانی خود گفت، «طی سه سال آینده ارتش بریتانیا ۱۲۰ هزار نیرو خواهد داشت که شامل نیروهای ذخیره نیز می‌شود اما این کافی نیست... ما مصون نخواهیم بود و به عنوان نسل قبل از جنگ باید آماده شویم و این یک تعهد برای کل ملت است... [وضعیت] اوکراین بطور هولناکی نشان می‌دهد که ارتش‌های منظم آغازگر جنگ هستند اما ارتش‌های مردمی آنها را پیروز می‌کنند.»

این اظهارات با واکنش سخنگوی ریشی سوناک نخست‌وزیر بریتانیا مواجه شد. وی گفت که صحبت از «سناریوهای فرضی» در مورد درگیری‌های آینده «مفید نیست».

ناتو روز چهارشنبه بزرگترین رزمایش خود را از زمان جنگ سرد تا کنون آغاز کرده است. در این رزمایش موسوم به «مدافع راسخ ۲۰۲۴» بیش از ۹۰ هزار نیروی نظامی کشورهای عضو ناتو مشارکت دارند.

ژنرال پاتریک سندرز فرمانده ارتش انگلیس در یک توصیه هشدارآمیز به شهروندان بریتانیا گفته باید آمادگی ذهنی برای درگیری احتمالی با روسیه را داشته باشند.

به گزارش پایگاه خبری «پولیتیکو» ژنرال سندرز روز چهارشنبه ۲۴ ژانویه (چهارم بهمن‌ماه) در جریان یک سخنرانی در نمایشگاه بین‌المللی ادوات زرهی در لندن هشدار داد که مردم بریتانیا باید در صورت جنگ با روسیه آماده خدمت در ارتش باشند.

این مقام بلندپایه ارتش بریتانیا از مقامات دولتی خواست ملت را برای جنگ با روسیه «بسیج کنند».

سندرز اگرچه از خدمت سربازی اجباری حمایت نمی‌کند، اما بر ضرورت نیاز به «تغییر ذهنی» مردم بریتانیا برای داشتن آمادگی جهت درگیری نظامی با روسیه تأکید کرد.

وی از مسئولان دولت بریتانیا خواست یک «ارتش مردمی» ایجاد کنند و به آنها آموزش داده شود تا برای جنگ زمینی آمادگی داشته باشند. به گفته وی مواردی در اصول نظامی بریتانیا هست که به مدرن‌سازی نیاز دارد.

ژنرال سندرز در بخش دیگری از سخنرانی خود گفت، «طی سه سال آینده ارتش بریتانیا ۱۲۰ هزار نیرو خواهد داشت که شامل نیروهای ذخیره نیز می‌شود اما این کافی نیست... ما مصون نخواهیم بود و به عنوان نسل قبل از جنگ باید آماده شویم و این یک تعهد برای کل ملت است... [وضعیت] اوکراین بطور هولناکی نشان می‌دهد که ارتش‌های منظم آغازگر جنگ هستند اما ارتش‌های مردمی آنها را پیروز می‌کنند.»

این اظهارات با واکنش سخنگوی ریشی سوناک نخست‌وزیر بریتانیا مواجه شد. وی گفت که صحبت از «سناریوهای فرضی» در مورد درگیری‌های آینده «مفید نیست». این در حالیست که مقامات محافظه‌کار بریتانیا به دلیل یکسری کاهش در تعداد نیروهای نظامی با انتقاد روبرو هستند.

بیش از ۷۰ درصد از بیکاران دارای تحصیلات دانشگاهی در کشور زنان هستند



● مرکز آمار ایران: ۴۲/۸ درصد از بیکاران کشور تحصیلات دانشگاهی دارند. که بیش از ۷۰ درصد آن زنان تحصیلکرده هستند.

● «در حالی که نرخ بیکاری کل کشور تا پایان پاییز ۱۴۰۲ به حدود ۷/۶ درصد کاهش یافته است، اما نرخ بیکاری جوانان (یعنی بیکاری افراد بین ۱۵ سال تا ۲۵ سالی که در حال اشتغال هستند و نه در حال دریافت آموزش و انجام خدمت سربازی) حدود ۲۰/۶ درصد است.»

● بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در پاییز ۱۴۰۲، بخش خدمات با ۱/۵۲ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۲/۳۴ درصد و کشاورزی با ۶/۱۳ درصد قرار دارند.

در میان بیکاران تحصیلکرده دانشگاهی کشور، ۷۰/۴ درصد از بیکاران کشور که تحصیلات دانشگاهی دارند، زنان هستند.

مرکز آمار ایران با انتشار مقاله‌ای از معصومه محمدی رئیس گروه آمار دفتر جمعیت و نیروی کار این مرکز برای بررسی وضعیت بازار کار فعال در پاییز ۱۴۰۲ با بیان این مطلب اعلام کرد: «۴۲/۸ درصد از بیکاران کشور تحصیلات دانشگاهی دارند.»

در این گزارش با اشاره به آمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار کشور آمده است: «در حالی که نرخ بیکاری کل کشور تا پایان پاییز ۱۴۰۲ به حدود ۷/۶ درصد کاهش یافته است، اما نرخ بیکاری جوانان (یعنی بیکاری افراد بین ۱۵ سال تا ۲۵ سالی که در حال اشتغال هستند و نه در حال دریافت

آموزش و انجام خدمت سربازی) حدود ۲۰/۶ درصد است.» در همین ارتباط رئیس سازمان برنامه و بودجه ۲۹ دی‌ماه در سخنانی ادعا کرد که نرخ بیکاری در کشور به هفت درصد کاهش یافته است. علی‌بهادری چهرمی سخنگوی دولت نیز چندی پیش در گفتگو با روزنامه «کیهان» چاپ تهران مدعی شد که «نرخ بیکاری ماه هم از حدود ۹/۷ درصد به حدود ۷/۹ درصد شده است. یعنی اشتغال کم‌کم دارد راه می‌افتد. رشد اقتصادی کم‌کم دارد راه می‌افتد. تورم کم‌کم دارد کاهش پیدا می‌کند.»

ادعای مرکز آمار ایران در حالیست که بر اساس گزارش وبسایت «تجارت نیوز» سهم اشتغال ناقص در پاییز امسال نشان می‌دهد که ۸/۱ درصد جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر دارای اشتغال ناقص بوده‌اند. این شاخص در بین مردان بیشتر از زنان و در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری بوده است. سهم اشتغال ناقص در پاییز ۱۴۰۲ نسبت به فصل مشابه سال قبل ۱/۴ درصد کاهش پیدا کرده است.

همچنین بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در پاییز ۱۴۰۲، بخش خدمات با ۱/۵۲ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۲/۳۴ درصد و کشاورزی با ۶/۱۳ درصد قرار دارند. این گزارش می‌افزاید نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حاکی از آن است که ۶/۲۰ درصد از فعالان این گروه سنی در پاییز ۱۴۰۲ بیکار بوده‌اند. بررسی تغییرات فصلی نرخ بیکاری این افراد نشان می‌دهد، این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (پاییز

۱۴۰۱) ۴/۱ درصد افزایش یافته است. با اینهمه معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون ۲۳ دی‌ماه در گفتگو با خبرگزاری ایرنا ادعا کرده بود: «از هر سمت و با هر تفسیری به آمار اشتغال و بیکاری نگاه می‌کنیم، نشانه‌های رونق بازار کار را می‌بینیم که به شکل شفاف در دسترس مردم است.»

به گفته وی در شروع دولت سیزدهم فاصله نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان تا میانگین نرخ بیکاری کل، تقریباً ۶ تا ۷ درصد بیشتر بوده است. در تازه‌ترین آمار که مرکز آمار ایران از نیروی کار منتشر کرده، آخرین نرخ بیکاری مربوط به فارغ‌التحصیلان ۱۱/۴ درصد و نرخ بیکاری کل ۷/۶ درصد عنوان شده که نشان می‌دهد این فاصله به کمتر از ۴ درصد رسیده است.

محمود کریمی بیرانوند در ادامه ادعا کرد: «برای نخستین بار است که پس از بررسی آمار مربوط به نیروی کار، سهم جمعیت فارغ‌التحصیلان زن از کل بیکاران زن، میزان ۵/۸ درصد کاهش یافته است. همچنین نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان زن ۲ برابر مرد کاهش یافته است. آمار دیگر حکایت از این دارد که نیمی از شاغلان زن (۴۸/۵ درصد)، فارغ‌التحصیل هستند که این عدد نسبت به سال گذشته ۲/۲ درصد افزایش پیدا کرده است.»

بیرانوند در حالی ادعا کرده نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی در ۲ سال اخیر از ۱۳/۸ درصد به ۱۱/۴ درصد کاهش یافته و اختلاف بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی و کل بیکاران ۳/۵ درصد شد که مرکز آمار ایران اعلام کرده است «۴۲/۸ درصد از بیکاران کشور تحصیلات

←

دانشگاهی دارند.»

بر اساس ارقام مرکز آمار ایران در پاییز امسال سهم جمعیت شاغل فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل شاغلان ۲۷/۵ درصد بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۱/۱ درصد افزایش یافته است.

در این میان، شاخص فلاکت (Misery Index) از مجموع نرخ تورم و نرخ بیکاری به دست می‌آید و هرچند که تا حدی ساده‌سازی می‌کند، اما می‌تواند معیار خوبی برای فهم سریع وضعیت رفاه اقتصادی شهروندان یک کشور باشد. تورم و بیکاری، هر دو تأثیر معکوس بر رفاه اقتصادی دارند و افزایش هر یک از آنها به تنهایی رفاه اقتصادی را کاهش می‌دهد و به افزایش فلاکت می‌انجامد. آمارها نشان می‌دهد شاخص فلاکت در ایران طی پاییز ۱۴۰۲ افزایش یافته و نرخ فلاکت در ۲۳ استان به بالاتر از میانگین کشوری رسیده است.

افزایش شاخص فلاکت، نه فقط رفاه اقتصادی، که رفاه و امنیت اجتماعی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجهی افزایش بیکاری و تورم، جرم و جنایت، ناآرامی‌های اجتماعی و نااطمینانی اقتصادی افزایش می‌یابد و تمایل سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود.

میانگین رقم شاخص فلاکت در پاییز گذشته برابر با ۵۲ واحد بوده است. استان چهارمحال و بختیاری بیشترین فلاکت را در میان استان‌های کشور داشته است و تهران نیز کمترین در میان سایر استان‌ها بوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در میان استان‌های کشور استان چهارمحال و بختیاری بیشترین نرخ فلاکت را در پاییز امسال داشته است. نرخ فلاکت در این استان برابر با ۶۳/۲ واحد بوده که از مجموع نرخ بیکاری برابر با ۱۱/۵ درصد و نرخ تورم سالانه برابر با ۵۱/۷ درصد حاصل شده است.

یکی از عوارض بالا بودن نرخ بیماری افزایش میل به مهاجرت است در همین ارتباط تقی آزاد ارمکی جامعه‌شناس ۱۹ دی‌ماه در گفتگو با روزنامه هم‌میهن هشدار داده بود: «هر کدام از شاخص‌های اقتصادی را نگاه کنید، نه تنها ثابت نیست، بلکه مسیر معکوس دارد. نرخ بیکاری نخبگان و کارشناسان و صاحبان تخصص را نگاه کنید، بسیار نگران‌کننده است.»

در همین ارتباط روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی که در ۱۲ دی‌ماه منتشر شد در ارتباط با کاهش نرخ مشارکت زنان نوشت: «با وجود اینکه جمعیت شاغلان کشور در پاییز سال جاری به میزان پیش از زمان شیوع کرونا رسیده، با این حال نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال همچنان کمتر از پاییز سال ۱۳۹۸ است.» با وجود این معاون اشتغال وزیر کار دولت رئیسی، وضعیت شغلی زنان در دولت سیزدهم را مثبت ارزیابی کرده است.

وی ۲۹ آذرماه در گفتگو با روزنامه فرهیختگان ادعا کرده بود: «جمعیت فعال زنان از ۴ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر در تابستان ۱۴۰۱ به ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در تابستان ۱۴۰۲ رسیده است.»

با اینکه مسئولان اشتغال در جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند نرخ مشارکت اقتصادی زنان افزایش پیدا کرده اما مشکلات زنان در بازار کار همچنان پابرجاست.

روزنامه «هم‌میهن» نیز در گزارشی به آمار بالای شاغلان در جمعیت فقیر ایران اشاره کرده و نوشته است «هم‌کرز» صرف دولت بر کمیت اشتغال بدون توجه به کیفیت آن زمینه‌های رشد فقر را بیش از گذشته فراهم کرده است. دولت عموماً به رابطه بین فقر و مشاغل غیررسمی توجه نمی‌کند در حالی که رشد مشاغل غیررسمی و سیاست‌های دستمزدی دولت از عوامل ازدیاد فقر است.»

صدای مهیب انفجار در گرمسار «منابع آگاه»: پرواز جنگنده در ارتفاع پایین بود!



عکس: شهرک صنعتی گرمسار

در گرمسار» گزارش داد «صدای مهیب شنیده شده در این شهرستان به خاطر شکسته شدن دیوار صوتی بوده» و توضیح داده است که علت مربوط به پرواز پایین‌تر از حد مجاز جنگنده بوده که سبب شکست دیوار صوتی شده است.

اینکه آیا واقعا صدا مربوط به پرواز هواپیمای جنگنده بوده و این هواپیما متعلق به ارتش بوده یا سپاه مشخص نیست اما بارها در موارد مشابه مسئولان نظام صدای انفجارها در تأسیسات صنعتی و نظامی را انکار کردند اما یکی دو روز بعد مشخص شد که صدای مربوطه بر اثر انفجار یا اصابت پهپاد و خرابکاری بوده است.

خبرگزاری فارس و وبسایت «اعتقاد» نیز تصویری از رد خروجی موتور یک هواپیما در آسمان منتشر کردند و مدعی شدند که مربوط به پرواز پایین‌تر از حد مجاز جنگنده و شکست دیوار صوتی بوده است. هرچند که به نظر می‌رسد این رد مربوط به پرواز یک هواپیمای مسافری در ارتفاع بالاست که مشابه آن به تکرار در آسمان دیده می‌شود.

وبسایت روزنامه «شرق» با اینکه به نقل از خبرگزاری دولتی «ایرنا» می‌نویسد که صدای انفجار مربوط به شکست دیوار صوتی بود اما در متن توضیح می‌دهد «این چهارمین حادثه در یک هفته اخیر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان سمنان است؛ در این حوادث تا کنون، چهار نفر جان باخته‌اند.»

با توجه به شرایط ملتهب منطقه شنیده شدن صدای انفجار در گرمسار مورد توجه رسانه‌های منطقه‌ای از جمله «اورشلیم پست» قرار گرفت. در موارد متعدد طی سال‌های اخیر انفجارها در تأسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی با پشتیبانی اسرائیل صورت گرفت هرچند مقامات این کشور کمتر در این مورد اظهار نظر می‌کنند.

● رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت گرمسار در واکنش به شنیده شدن صدای انفجار گفت: «تا کنون دود و اثری از انفجار در شهرک صنعتی فجر مشاهده نشده است.»

● فرماندار گرمسار مدعی شد که انفجاری رخ نداده و مردم نگران نباشند!

● خبرگزاری «ایرنا» ساعاتی بعد به نقل از «یک منبع آگاه در گرمسار» گزارش داد «صدای مهیب شنیده شده در این شهرستان به خاطر شکسته شدن دیوار صوتی بوده است.»

● خبرگزاری فارس و وبسایت «اعتقاد» نیز تصویری از رد خروجی موتور یک هواپیما در آسمان منتشر کردند و مدعی شدند که مربوط به پرواز پایین‌تر از حد مجاز جنگنده و شکست دیوار صوتی بوده است. هرچند که به نظر می‌رسد این رد مربوط به پرواز یک هواپیمای مسافری در ارتفاع بالاست که مشابه آن به تکرار در آسمان دیده می‌شود.

شنیده شدن صدای مهیب یک انفجار در گرمسار روز دوشنبه دوم بهمن‌ماه مردم این شهرستان و حومه آن را به وحشت انداخت. در شهر شایعه شد که پایگاه موشکی سپاه پاسداران هدف قرار گرفته است. برخی در شبکه‌های اجتماعی نوشتند که صدای انفجار از حوالی شهرک صنعتی شنیده شد.

بهنام بختیاری رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت گرمسار در واکنش به شنیده شدن این صدا گفت: «تا کنون دود و اثری از انفجار در شهرک صنعتی فجر مشاهده نشده است.»

رضا خانی فرماندار گرمسار نیز مدعی شد که انفجاری رخ نداده و مردم نگران نباشند.

خبرگزاری «ایرنا» ساعاتی بعد به نقل از «یک منبع آگاه

تحقیقات مقامات بریتانیا در مورد سخنرانی‌های یهودستیزانه فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای دانشجویان انگلیس



کانون توحید لندن

اسلامی دانشجویان بریتانیا و تشکیلات وابسته به آن که از محل «کانون توحید» به عنوان محل ملاقات استفاده می‌کنند، تبلیغ می‌شد. این انجمن برخلاف گروه‌های اصلی دانشجویان مسلمان بریتانیا، برای ترویج فلسفه رهبر انقلاب اسلامی در ایران، آیت‌الله خمینی، تأسیس شده است.

«کانون توحید» متعلق به موسسه خیریه «التوحید» است. کمیسیون خیریه بریتانیا، پس از گزارش‌هایی درباره مراسم بزرگداشت سردار سلیمانی که توسط این کشور به دلیل ارتباط با تروریسم تحریم شده بود، در حال بررسی و تحقیق در مورد این کانون اسلامی است.

این سازمان اکنون در حال بررسی ویدئوهای مشاهده شده توسط بی‌بی‌سی است که شامل تصاویری از این رویدادها است.

رئیس کمیسیون، اورلاندو فریزر، قبلاً هشدار داده بود که موسسات خیریه نباید «به انجمنی برای سخنان نفرت‌برانگیز» یا افراط‌گرایی تبدیل شوند. هیئت خیریه این اختیار را دارد که موسسات خیریه‌ای را که مقررات را نقض می‌کنند بررسی، تحریم یا تعطیل کند.

آلیشیا کرنز، نماینده محافظه‌کار، که ریاست کمیته منتخب روابط خارجی را بر عهده دارد، این سخنرانی‌ها را یک «حرکت و عمل گستاخانه و افراط‌گرایانه» توصیف کرد. او گفت که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید به فهرست گروه‌های تروریستی ممنوعه در بریتانیا اضافه شود، به این معنی که عضویت در سپاه پاسداران یا حمایت از آن در این کشور غیرقانونی شود.

در یکی از ویدیوهای ضبط شده زنده در اینستاگرام از ایران در سپتامبر ۲۰۲۰ که حدود ۱۵۰۰ بار دیده شده است، فرمانده سپاه حسین یکتا، گفته که دانشگاه‌ها به

نمایندگان پارلمان بریتانیا مبنی بر تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای سوق دادن مسلمانان ساکن این کشور به سوی افراطی‌گری شدت می‌بخشد. سرویس‌های امنیتی همچنین هشدار داده‌اند که آنها در حال تحریک برای خشونت و برنامه‌ریزی با هدف ربودن یا کشتن مردم در خاک بریتانیا هستند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از قدرتمندترین سازمان‌های شبه‌نظامی در خاورمیانه، عملیات مخفی خارجی دولت ایران را هدایت می‌کند و از گروه‌های شبه‌نظامی مانند حماس در غزه، حزب‌الله در لبنان و حوثی‌ها در یمن حمایت می‌نماید.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیش از این با توطئه آدم‌ربایی و ترور در بریتانیا نیز مرتبط بوده است. پلیس مبارزه با تروریسم بریتانیا، در فوریه سال گذشته تایید کرد که از سال ۲۰۲۰ تا کنون ۱۵ طرح از این دست از سوی رژیم ایران طراحی و برنامه‌ریزی شده است. از آن زمان به بی‌بی‌سی گفته شده که حداقل یک مورد دیگر نیز وجود داشته است.

مورد دیگر، مراسمی در مرکز اسلامی کانون توحید در غرب لندن بوده است که به یاد فرمانده ارشد سپاه پاسداران سردار قاسم سلیمانی برگزار شد که در حمله هوایی آمریکا در سال ۲۰۲۰ کشته شد. در این مراسم شعارهای «مرگ بر اسرائیل» شنیده شد اما معلوم نیست چه کسی آنها را سر داده است!

بی‌بی‌سی همچنین شاهد سخنرانی دیگری از یک فرمانده سپاه در فضای مجازی برای دانشجویان بریتانیایی بوده است که به نقش خود در آموزش حماس قبل از حملات ۷ اکتبر افتخار کرده است.

این سخنان در فضای مجازی، از قبل توسط انجمن‌های

«کانون توحید» متعلق به موسسه خیریه «التوحید» است. کمیسیون خیریه بریتانیا، پس از گزارش‌هایی درباره مراسم بزرگداشت سردار سلیمانی که توسط این کشور به دلیل ارتباط با تروریسم تحریم شده بود، در حال بررسی و تحقیق در مورد این کانون اسلامی است.

یکی از سخنگویان دولت بریتانیا گفته: «بیش از ۳۵۰ فرد و نهاد جمهوری اسلامی از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بطور کامل تحریم کرده‌ایم.»

در یک ویدئو، سعید قاسمی فرمانده سابق سپاه کشته شدن قاسم سلیمانی را با فیلم آمریکایی «ترمیناتور ۲» با شرکت آرنولد شوارتزنگر در نقش «ترمیناتور» مقایسه می‌کند و می‌گوید پس از حمله به سلیمانی، قطعات شکسته شده، دوباره به هم متصل می‌شوند، قوی‌تر از قبل!

به گزارش «بی‌بی‌سی نیوز»، فیلم‌های سخنرانی‌های یهودستیزانه فرماندهان سپاه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی که برای دانشجویان بریتانیایی نمایش داده می‌شود، توسط کمیسیون خیریه بریتانیا در حال بررسی است. گردانندگان این کمیسیون همچنین در حال تماشا و بررسی تصاویری از شعارهای «مرگ بر اسرائیل» در محل یک موسسه خیریه اسلامی در بریتانیا هستند.

دو مورد از این ویدئوها که به وسیله بی‌بی‌سی تایید شده، سخنان اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد که یکی از آنها جنگ آخر زمان را علیه یهودیان توصیف کرده است! در عین حال، گروهی که این سخنان را بطور آنلاین تبلیغ کرده مدعی شده است که به همه جوامع احترام می‌گذارد!

این فیلم که شامل انکار هولوکاست و کشتار یهودیان توسط رژیم هیتلری نیز هست، نگرانی فزاینده برخی

عملیات تروریستی انجام می‌دهند.» یکی از افرادی که می‌گوید در معرض تهدید است، وحید بهشتی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر بریتانیایی-ایرانی است که به بی‌بی‌سی گفته پلیس به وی هشدار داده که جانش در خطر است. بهشتی که نزدیک به یک سال است در مقابل وزارت امور

چگونه رژیم به حماس موشح داده است. آرم انجمن‌های اسلامی در بریتانیا در تبلیغات در فضای مجازی برای سخنرانی‌ها در ویدئوها به نمایش گذاشته شده و در یکی از ویدئوها، نام این انجمن به زبان فارسی نیز دیده می‌شود. یک رویداد زنده اینستاگرام از سپتامبر ۲۰۲۰ توسط محمد

«جبهه نبرد» تبدیل شده‌اند و از دانشجویانی که گوش می‌دهند می‌خواهد «افسران جنگ نرم» شوند. کسری اعرابی مدیر تحقیقات در مورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گروه «متحد علیه ایران هسته‌ای» مستقر در ایالات متحده که این ویدئوها را با بی‌بی‌سی به اشتراک گذاشته است، گفته: «افسران جنگ نرم» اصطلاحی است که رژیم ایران برای توصیف سربازگیری به منظور نبرد ایدئولوژیک خود با غرب استفاده می‌کند.»

وی افزوده: «این فعالیت توسط شاخه‌ای از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیش برده می‌شود که امروز بطور فعال در حال اجرای توطئه‌های تروریستی در خاک انگلیس است.» علی انصاری، استاد تاریخ ایران در دانشگاه سنت اندروز، گفت: «این سخنرانی‌ها منعکس کننده «تلاشی برای تشویق به اختلال، ناراضی‌ت و اساساً تضعیف ثبات جامعه غربی» است و آنچه ما نیاز داریم پاسخی بسیار قوی‌تر به آن است.»

پروفسور انصاری اضافه کرد: «تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی دشوار است، زیرا این نیرو بازوی دولت ایران است. اما دولت بریتانیا همچنان می‌تواند فعالیت‌های این نهاد را در این کشور تعطیل کند.»

ویدئوی دیگر از یک سخنرانی در فضای مجازی مربوط به ژانویه ۲۰۲۱ توسط بی‌بی‌سی مشاهده شد، بار دیگر مرگ سردار سلیمانی را با عنوان «شهید» تجلیل کرده است.

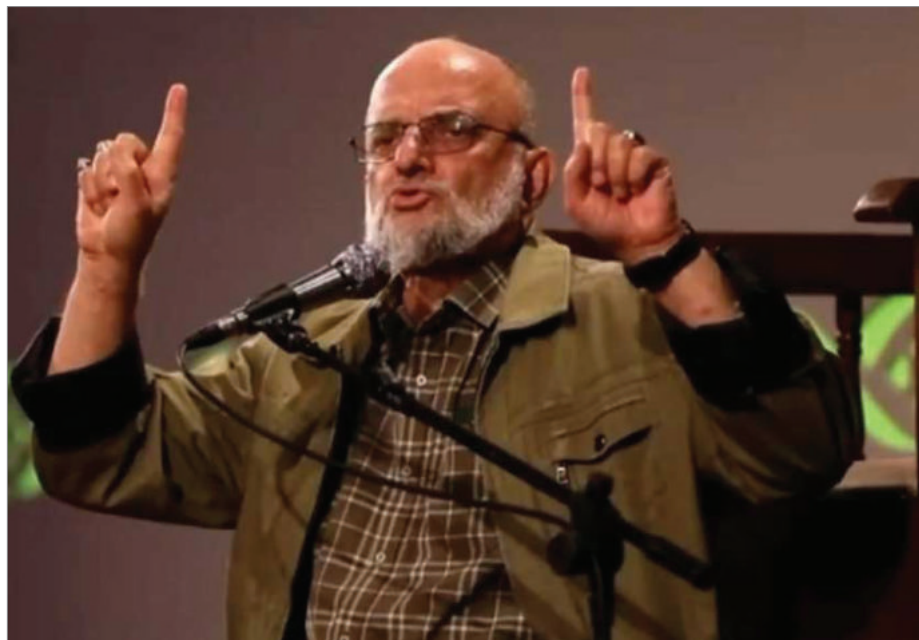
این ویدئو که ده‌ها هزار نفر دیده‌اند، سعید قاسمی فرمانده سابق سپاه را نشان می‌دهد که حمله به قاسم سلیمانی را با فیلم آمریکایی «ترمیناتور ۲» با شرکت آرنولد شوارتزنگر در نقش «ترمیناتور» مقایسه می‌کند و می‌گوید پس از حمله به سلیمانی، قطعات شکسته شده، دوباره به هم متصل می‌شوند، قوی‌تر از قبل! وی خطاب به آمریکا گفت: «شما قاسم را کشتید، اما او در جهان اسلام قلب میلیون‌ها نفر را فتح کرده؛ دیگر نمی‌توانید در راه او بایستید.»

در این ویدئو، سعید قاسمی همچنین ضمن این ادعای دروغ که هولوکاست «دروغ و ساختگی» است، «جنگی آخر زمانی» را توصیف می‌کند که دانشجویان انگلیس می‌توانند برای «پایان دادن به زندگی ستمگران و اشغالگران، صهیونیست‌ها و یهودیان در سراسر جهان با آن همراه شوند.»

وی همچنین افزوده: «انشالله نام من و شما دانش‌آموزان خوب اروپا از امشب در فهرست زیبای سربازان مقاومت ثبت می‌شود!»

علاوه بر این ویدئوها، بی‌بی‌سی پست‌های تبلیغاتی مربوط به نوامبر ۲۰۲۰ را در مورد سخنرانی‌های دیگری برای دانشجویان بریتانیایی با حضور عزت‌الله ضرغامی فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشاهده کرده است. ضرغامی که از سوی انگلستان به دلیل نقض حقوق بشر تحریم شده است، در شب سخنرانی تصویری از خود را در شبکه اجتماعی تلگرام‌اش منتشر نموده و به صورت زنده از طریق «زوم» صحبت کرده است.

او عضو یکی از گروه‌های دانشجویان افراطی بود که در سال ۱۹۷۹ به سفارت آمریکا در تهران یورش بردند و آمریکایی‌ها را بیش از یک سال به گروگان گرفتند. ضرغامی در حال حاضر وزیر میراث فرهنگی و گردشگری جمهوری اسلامی ایران است و به آموزش حماس در غزه قبل از حملات ۷ اکتبر نیز افتخار کرده است. او همچنین در مصاحبه‌ای با تلویزیون دولتی رژیم ایران توضیح داد که



سعید قاسمی در یکی از برنامه‌های تبلیغاتی برای دانش‌آموزان و دانشجویان بریتانیا

خارج تحصن کرده، گفت: «هر روز که از خواب بیدار می‌شوم فکر می‌کنم آخرین روز زندگی من است.» او افزود: «در چند هفته گذشته فردی به او مراجعه کرده و گفته «گردنت را خواهیم زد.»

وحید بهشتی گفت که او معتقد است گروه کوچکی از افرادی که او را هدف قرار می‌دهند، عوامل سپاه هستند که آزادانه در بریتانیا فعالیت می‌کنند.

دولت می‌گوید فهرست سازمان‌های ممنوعه را تحت بررسی نگه می‌دارد، اما در مورد اینکه آیا سازمان خاصی در نظر گرفته شده یا نه، اظهار نظر نمی‌کند.

یکی از سخنگویان دولت بریتانیا گفته: «بیش از ۳۵۰ فرد و نهاد جمهوری اسلامی از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بطور کامل تحریم کرده‌ایم.»

انجمن اسلامی دانشجویان بریتانیا به بی‌بی‌سی گفته که یک گروه مستقل است که توسط دانشجویان داوطلب رهبری می‌شود و هیچ وابستگی به هیچ دولتی ندارد.

این انجمن همچنین ادعا کرده به افراد از همه پیشینه‌ها، مذاهب و جوامع احترام می‌گذارد و «کسی را که از این ارزش‌ها برخوردار نیست، حمایت یا تایید نمی‌کند». این سازمان افزوده «همه فعالیت‌های آن کاملاً آشکار و قانونی است.»

بی‌بی‌سی نیز می‌افزاید، گفتنی است که با مؤسسه خبریه «التوحید» که محل «کانون توحید» را اداره می‌کند، بارها برای اظهار نظر تماس گرفته شده اما آنها پاسخی نداده‌اند.

*منبع: بی‌بی‌سی نیوز

*نویسنده: اد توماس خبرنگار ویژه

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

حسین عطایی، شهروند بریتانیایی تحصیلکرده در یورکشایر که در آن زمان دبیر انجمن‌های اسلامی دانشجویان بریتانیا بود، میزبانی شد. این تنها ویدئویی است که او در آن ظاهر می‌شود اما او دیگر منشی این انجمن نیست.

با وجود این، عطایی همچنان دبیر اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا است. چتری که شامل تشکیلات بریتانیا نیز می‌شود. در ژانویه سال گذشته، وی در تهران در مراسمی با علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران حاضر شد.

عطایی گفته که اتهامات وارده به وی دروغ است، اما به سوالات بی‌بی‌سی پاسخ نمی‌دهد. او پیش از این ادعا کرده بود که هیچ وابستگی مستقیم یا غیرمستقیم به سپاه یا هیچ ارتش، دولت یا گروه امنیتی در جهان ندارد. وی افزوده: «انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان هیچوقت با هیچیک از افراد متهم به دروغ در کانون توحید یا هر جای دیگر تجمع حضوری نداشته‌اند.»

عطایی اضافه کرده: «انجمن دانشجویان یک تشکل دموکراتیک است که تصمیمات خود را از طریق کمیته اجرایی می‌گیرد نه از سوی یک شخص.»

آلیشا کرنز، رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان بریتانیا، پس از تماشای فیلم فرماندهان سپاه، از دولت خواست که هرچه زودتر چنین رویدادها و ویدئوهایی را که «خطری

برای ثبات کشور» به وجود می‌آورند، غیرقانونی اعلام کند. او گفت: «این مرا واقعاً نگران وضعیت جامعه‌مان می‌کند/ همه باید از آنچه در آن ویدئوها می‌بینند وحشت کنند چرا که ایجاد تفرقه و نفرت است و خشونت را تحریک می‌کند و خطری بالقوه و فوق‌العاده جدی است.»

وی افزود: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید ممنوع شود زیرا آنها به افرادی کمک می‌کنند که در خاک ما

فایننشال تایمز: آمریکا بارها از چینی‌ها خواسته برای مهار حوثی‌ها با فشار به رژیم ایران کمک کنند اما فایده نداشت



حوثی‌ها در ساحل یمن نزدیک کشتی «گالکسی لیدر» که دسامبر ۲۰۲۳ به گروگان گرفته شد / عکس: رویترز

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی با انتقاد از دولت‌های عربی مسلمان منطقه خواست شریان‌های حیاتی اسرائیل را قطع کنند.

خامنه‌ای اولین بار دهم آذرماه ۱۴۰۲ گفت که «باید راه صدور نفت و ارزاق به رژیم صهیونیستی بسته شود» اما مورد توجه دولت‌های عربی قرار نگرفت. وی روز ۲۸ آبان‌ماه در جریان بازدید از نمایشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بار دیگر تکرار کرد که دولت‌های مسلمان «لااقل برای یک مدّت محدود» جریان و شریان حیاتی اسرائیل را قطع کنند! ولی باز هم دولت‌های عربی اعتنایی نکردند. سومین بار نیز وی در روز سوم بهمن‌ماه همین درخواست را تکرار کرد.

روزنامه «فایننشال تایمز» در ادامه گزارش خود می‌نویسد یکی از مقامات آمریکا گفت که ایالات متحده به طرح موضوع ایران و حملات حوثی‌ها با پکن ادامه خواهد داد، اما نسبت به تغییر دیدگاه چین خوشبین نیست.

یکی دیگر از مقامات آمریکایی می‌گوید: «برخی نشانه‌ها» از دخالت چین در مورد این موضوع وجود داشته است، اما نه به شکل قابل توجه. این مقام گفت: «می‌خواهم درباره اینکه آنها چه کاری انجام داده یا چه تأثیری داشته‌اند، مبالغه کنم.»

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا روز سه‌شنبه عنوان کرد «واشنگتن از نقش سازنده چین با استفاده از نفوذ و دسترسی‌هایی که می‌دانیم آنها دارند و می‌بایست استفاده کنند، استقبال خواهد کرد تا ارسال سلاح و مهمات برای حوثی‌ها متوقف شود.»

مقامات ارشد چین در میان گذاشته‌اند و از آنها خواسته‌اند هشداری را به رژیم ایران برسانند که پس از حمله «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل، به تنش در خاورمیانه دامن نزنند. جیک سالیوان مشاور امنیت ملی ایالات متحده و جان فایتر معاونش، در دیدارهای این ماه در واشنگتن با لئو جیانچائو رئیس بخش بین‌الملل حزب کمونیست چین، این موضوع را مورد بحث قرار دادند. یک مقام وزارت خارجه آمریکا در همین ارتباط گفت که آنتونی بلینکن وزیر خارجه نیز این موضوع را مطرح کرده است.

مقامات آمریکایی به «فایننشال تایمز» گفته‌اند با وجود درخواست‌های پی در پی آمریکا، شواهد کمی هست که نشان دهد چین فراتر از صدور بیانیه‌های ملایم، برای مهار حوثی‌ها بر رژیم ایران فشاری دیپلماتیک وارد آورده باشد. پکن هفته پیش در بیانیه‌ای از «طرفین مربوطه» خواست تا از عبور ایمن کشتی‌ها از دریای سرخ اطمینان حاصل کنند.

در دو ماه اخیر دست‌کم ۳۳ بار کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها هدف حملات حوثی‌ها قرار گرفته‌اند. در پاسخ به این حملات نیروهای ائتلاف موسوم به «گروه ضربت ۱۵۳» با هدایت آمریکا سه ای چهار عملیات علیه حوثی‌ها در خاک یمن انجام دادند.

مقامات سیاسی و نظامی آمریکا در هفته‌های گذشته بارها رسماً اعلام کردند جمهوری اسلامی بطور مستقیم در حمله حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری دست دارد و حوثی‌ها توسط رژیم ایران حمایت می‌شوند.

چند هفته پس از حمله مرگبار حماس به اسرائیل، حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری پس از آن شدت گرفت که

● روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داد مقامات آمریکایی چندین مرتبه از مقامات دولت چین خواسته‌اند برای مهار حوثی‌ها به جمهوری اسلامی که پشتیبان آنهاست فشار بیاورند اما بی‌فایده بوده است.

● جیک سالیوان مشاور امنیت ملی ایالات متحده و جان فایتر معاونش، در دیدارهای این ماه در واشنگتن با لئو جیانچائو رئیس بخش بین‌الملل حزب کمونیست چین، این موضوع را مورد بحث قرار دادند. یک مقام وزارت خارجه آمریکا در همین ارتباط گفت که آنتونی بلینکن وزیر خارجه نیز این موضوع را مطرح کرده است.

● مقامات آمریکایی به «فایننشال تایمز» گفته‌اند با وجود درخواست‌های پی در پی آمریکا، شواهد کمی هست که نشان دهد چین فراتر از صدور بیانیه‌های ملایم، برای مهار حوثی‌ها بر رژیم ایران فشاری دیپلماتیک وارد آورده باشد.

روزنامه «فایننشال تایمز» روز چهارشنبه ۲۴ ژانویه (چهارم بهمن‌ماه) گزارش داد مقامات آمریکایی چندین مرتبه از مقامات دولت چین خواسته‌اند برای مهار حوثی‌ها به جمهوری اسلامی که پشتیبان آنهاست فشار بیاورند اما بی‌فایده بوده است.

به گفته مقامات آمریکایی، ایالات متحده از چین خواسته است تا از تهران بخواهد که شورشیان حوثی تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران را که به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ حمله می‌کنند مهار کند اما نشانه‌ای از کمک پکن دیده نشده است.

مقامات آمریکا در سه ماه گذشته بارها این موضوع را با

تحصن خسرو علی‌کردی مقابل قوه قضائیه مشهد

بیانیه کارشناسان سازمان ملل درباره فشار بر وکلا از سوی جمهوری اسلامی



صالح نیکبخت وکیل پایه یک دادگستری و استاد دانشگاه که وکالت خانواده مهسا امینی در پرونده قتل دخترشان را به عهده داشته اواخر تابستان امسال طی پرونده‌سازی نهادهای امنیتی محاکمه و به یک سال زندان و دو سال منع استفاده از فضای مجازی به عنوان «مجازات تکمیلی» محکوم شد. از جمله مصادیق اتهام وارد شده به این وکیل پایه یک دادگستری انجام مصاحبه با رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور عنوان شده است.

در یکی از آخرین نمونه‌های فشار به وکلای دادگستری در ایران، خسرو علی‌کردی که وکالت تعدادی از زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه را بر عهده داشت طی حکمی به زندان، جزای نقدی و «دو سال ممنوعیت از شغل وکالت» محروم شده است.

این وکیل دادگستری با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی با دو اتهام «نشر اکاذیب» و «افشای اسرار» به یک سال زندان، دو سال تبعید به شهرستان نهبندان، دو سال ممنوعیت از اشتغال به شغل وکالت، دو سال ممنوعیت خروج از کشور، دو سال ممنوعیت از فعالیت در فضای مجازی محکوم شده و این حکم در دادگاه تجدید نظر تأیید شده است.

خسرو علی‌کردی ساکن مشهد است که طی یک سال و نیم گذشته وکالت خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده و عرفان رضایی نوایی از جانب‌اخترگان اعتراضات جنبش ملی را بر عهده داشته است. او همچنین فاطمه سپهری فعال مشروطه‌خواه و برادرانش محمدحسین و حسین سپهری را نیز پذیرفته است. خسرو علی‌کردی روز دوشنبه دوم بهمن‌ماه با انتشار ویدئویی اعلام کرده در اعتراض به صدور حکم قضایی علیه خود در مقابل ساختمان کانون وکلای استان خراسان رضوی تحصن کرد.

این وکیل دادگستری، با تأکید بر نامگذاری ۲۴ ژانویه به عنوان روز جهانی وکلای در معرض خطر، از نقض حقوق «وکلا دادخواه» توسط جمهوری اسلامی انتقاد کرد. او همچنین خواهان ایستادگی کانون وکلای خراسان در برابر «رای غیر قانونی و ظالمانه» علی خود شده است.

بر اساس توضیحات سازمان ملل متحد، هدف از نامگذاری این روز جلب توجه جامعه جهانی، دولت‌ها و نهادهای مختلف نسبت به وضعیت وکلا در کشورهای مختلف جهان است. هر سال یک کشور انتخاب می‌شود و تهدیدهایی که وکلای این کشور در بستر انجام فعالیت حرفه‌ای خود با آن روبرو هستند مورد توجه قرار می‌گیرد.

در سال‌های گذشته وضعیت وکلا در کشورهای تونس، فیلیپین، هندوراس، چین، مصر، پاکستان، آذربایجان، کلمبیا و افغانستان مورد توجه قرار گرفته و امسال نیز این روز به وکلای دادگستری در ایران اختصاص یافته است.

اختصاص این روز در سال جاری به وضعیت وکلا در ایران در حالیکه که وکلای دادگستری سال‌هاست با تهدیدها و فشارهای سازمانیافته جمهوری اسلامی روبرو هستند. همچنین همانطور که در بیانیه کارشناسان سازمان ملل اشاره شده، جمهوری اسلامی به اشکال مختلف تلاش دارد استقلال کانون وکلا به عنوان نهاد صنفی وکلای دادگستری را تضعیف کند.

وکلا دادگستری طی یک سال و نیم گذشته و پس از آغاز اعتراضات جنبش ملی، مانند دیگر شهروندان، با فشارهای بیشتری روبرو شدند.

در چند هفته نخست آغاز اعتراضات بیش از ۴۰ وکیل دادگستری در شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند که همچنان برخی از آنها با پرونده قضایی گشوده روبرو و اصطلاحاً زیر حکم هستند.

وکلا بازداشت شده از وکلایی بودند که معمولاً دفاع از فعالان سیاسی و مدنی می‌پذیرفتند و به نظر می‌رسد بازداشت گسترده وکلا با هدف تضعیف توان دفاع از هزاران متهم بازداشت شده در شهرهای مختلف، و همچنین ایجاد اختلال در ایجاد همبستگی وکلا در حمایت از خیزش ملی مردم بوده است.

این فشارها همچنین ادامه دارد و شماری از وکلای دادگستری از جمله آرش کیسخروی و امیر سالار داوودی در زندان به سر می‌برند.

● کارشناسان سازمان ملل با صدور بیانیه‌ای از «تعهد شجاعانه» و تلاش وکلای ایرانی برای انجام حرفه خود به طور مستقل و با صداقت با وجود فشارهای حکومت تقدیر کردند.

● در این بیانیه تأکید شده که اکثر وکلا در ایران در معرض خطر به وکالت می‌پردازند و با قوانینی که با استانداردهای بین‌المللی انجام آزادانه و مستقل حرفه وکالت و حق دادرسی عادلانه در تضاد است محدود می‌شوند.

● وکلای دادگستری طی یک سال و نیم گذشته و پس از آغاز اعتراضات جنبش ملی، مانند دیگر شهروندان، با فشارهای بیشتری روبرو شدند.

کارشناسان سازمان ملل در بیانیه‌ای که به مناسبت روز جهانی «وکلا در معرض خطر» صادر شده درباره فشارها و محدودیت‌های اعمال شده علیه وکلای دادگستری از سوی جمهوری اسلامی ابراز نگرانی کردند.

در آستانه‌ی روز جهانی «وکلا در معرض خطر»، کارشناسان سازمان ملل با صدور بیانیه‌ای از «تعهد شجاعانه» و تلاش وکلای ایرانی برای انجام حرفه خود بطور مستقل و با صداقت با وجود فشارهای حکومت تقدیر کردند.

در این بیانیه تأکید شده که اکثر وکلا در ایران در معرض خطر به وکالت می‌پردازند و با قوانینی که با استانداردهای بین‌المللی انجام آزادانه و مستقل حرفه وکالت و حق دادرسی عادلانه در تضاد است محدود می‌شوند.

در ادامه بیانیه آمده که هرچند کانون وکلای دادگستری ایران یکی از قدیمی‌ترین تشکلهای صنفی در ایران است، اما جمهوری اسلامی این نهاد مستقل تاریخی را با تغییرات ساختاری، مقررات و دخالت‌ها محدود کرده است.

کارشناسان سازمان ملل متحد افزوده‌اند که شغل وکالت و انجام آزادانه آن، عنصر اساسی حاکمیت قانون، حمایت از حقوق بشر و عملکرد ساختار قضایی مستقل است؛ آزادی عملکرد وکلا در حرفه خود ضمانتی برای دسترسی به عدالت، نظارت بر قدرت حکومت، پاسداری از ساختار قانونی و قضایی است.

این بیانیه همچنین با اشاره به مشکلات وکلا در رابطه با حق دادرسی عادلانه، نوشته که گزارش‌های مکرری درباره نقض حق بازداشت‌شدگان برای داشتن وکیل انتخابی و حق بازداشت‌شدگان برای مشورت با وکیل به عنوان عناصر کلیدی روند دادرسی بسیار نگران‌کننده است.

کارشناسان سازمان ملل تأکید کردند که جمهوری اسلامی باید تمام زمینه‌ها را برای اطمینان از اینکه وکلا بتوانند نقش حیاتی خود را در نظام حقوقی ایفا کنند در حالی که تحت تعقیب قرار نگیرند، با پیگرد قانونی روبرو نشوند و یا تهدید و تحریم حرفه‌ای نشوند فراهم کند.

«روز وکلای در معرض خطر» از سال ۲۰۰۹ میلادی برابر با ۱۳۸۸ خورشیدی به رسمیت شناخته شده و هر ساله در ۲۴ ژانویه در شهرها کشورهای و قاره‌های مختلف دنیا مورد توجه قرار می‌گیرد.

علت در نظر گرفتن این روز به عنوان «روز وکلای در معرض خطر» حادثه تلخ قتل چهار وکیل دادگستری اسپانیایی در مادرید بود. در این حادثه که به «کشتار آتوشا» معروف شد، چهار وکیل اسپانیایی در مادرید در خیابان آتوشا، پلاک ۵۵، به قتل رسیدند.

حمله حوثی‌ها به دو کشتی با پرچم آمریکا در باب‌المنندب؛ شرکت «مرسک» دوباره تزانزیت کالا از دریای سرخ را متوقف کرد



حوثی‌های یمن دو کشتی باری «مرسک دیتروت» و «مرسک چیزایک» را در تنگه باب‌المنندب هدف قرار دادند

● شرکت کشتیرانی مرسک در بیانیه‌ای که در اختیار پایگاه خبری «هیل» قرار گرفت اعلام کرد دو کشتی «مرسک دیتروت» و «مرسک چیزایک» در جریان عبور از تنگه باب‌المنندب که دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند مورد حمله قرار گرفتند.

● به گفته مدیران شرکت مرسک و مقامات ایالات متحده، این کشتی‌ها تحت اسکورت نیروی دریایی ایالات متحده بودند که چند موشک حوثی‌ها را در هوا رهگیری و منهدم کردند.

● این شرکت بزرگ کشتیرانی اعلام کرد «ایمنی خدمه ما از اهمیت بالایی برخوردار است و با افزایش تهدیدات این شرکت تزانزیت در منطقه تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق در می‌آید.»

● این حملات جدید ساعتی پس از آن اتفاق افتاد که روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داد مقامات آمریکایی چندین مرتبه از مقامات دولت چین خواسته‌اند برای مهار حوثی‌ها به جمهوری اسلامی که پشتیبان آنهاست فشار بیاورند اما بی‌فایده بوده است. مقامات پکن در واکنش به انتشار این گزارش ادعا کردند «در حال فعالیت برای کاهش تنش در دریای سرخ هستند.»

شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی با وجود هشدارهای مداوم دولت‌های غربی و پس از چهار مرحله حمله نیروهای ائتلاف به تأسیسات آنها در یمن، چهارشنبه شب ۲۴ ژانویه (چهارم بهمن‌ماه) بار دیگر به دو کشتی باری اینبار با پرچم آمریکا در باب‌المنندب

امضاء تفاهم همکاری بین جمهوری اسلامی با کودتاچیان نیجر در کاخ سعدآباد؛ پیام از تهران برای اتحادیه اروپا؟



دیدار مقام‌های جمهوری اسلامی و رهبران حکومت نظامی نیجر در کاخ سعدآباد / بهمن ۱۴۰۲

گزارش داده بودند بین کودتاگران و مزدوران واگنر در روسیه ارتباط برقرار است.

تسلط بر نیجر نقشی کلیدی برای مقابله فرانسه با گسترش تروریسم در آفریقا داشت. ضمن اینکه فرانسوی‌ها برای تأمین اورانیوم ۵۶ رآکتور هسته‌ای خود به منابع نیجر نیاز جدی دارند. اکنون نظامیان مسلط بر نیجر دشمن شماره یک فرانسه در آفریقا به شمار می‌روند. بسیاری از تحلیلگران عنوان کرده‌اند که کودتا در نیجر می‌تواند آغازی برای پایان تسلط فرانسه بر آفریقا باشد.

باشگاه خبرنگاران جوان به نقل از مخبر دزفولی گزارش داد جمهوری اسلامی با هیأت نیجر تفاهم همکاری امضاء کرده است. این تفاهم برای «صدور خدمات فنی و مهندسی، ساخت مسکن، ایجاد شرایط فنی مناسب برای نیروگاه‌های حرارتی، صادرات خودرو، توسعه بهداشت و درمان، آموزش فنی و حرفه‌ای، کشت فراسرزیمینی، حل مشکلات بانکی و مالی فی‌مابین، راه‌اندازی سازوکار تهاوت و همکاری در حوزه حمل و نقل» است.

پیش از این در مهرماه سال ۱۴۰۲ باکاری یائو سانگاره وزیر خارجه حکومت نظامی نیجر به تهران سفر کرده بود. فرانسه که ریاست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل را بر عهده دارد از حسین امیرعبداللّه‌یان دعوت کرده تا در نشست این شورا در مورد فلسطین شرکت کند. این سفر که با اعدام محمد قیدالو از معترضان جنبش ملی همزمان است با اعتراض گسترده‌ای در بین مخالفان جمهوری اسلامی روبرو شد.

وبسایت «دولت. آی‌آر» گزارش داد در دیدار امیرعبداللّه‌یان و استافان سژورنه وزیر خارجه فرانسه درباره «آخرین وضعیت مناسبات دوجانبه و برخی موضوعات مهم مورد علاقه بحث و تبادل نظر شد.»

جمهوری اسلامی و بطور عمده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از هر فرصتی برای نفوذ در کشورهای بحران‌زده بهره‌برداری می‌کنند. یکی از اهداف رژیم تهران رخنه در آفریقا برای ضربه زدن به منافع دولت‌های غربی و متحدان آنهاست. این روابط زمینه‌ساز ارسال انواع تسلیحات و جذب نیروهای شبه‌نظامی و همچنین پولشویی می‌شود.

● تنها یک روز پس از دیدار استافان سژورنه وزیر خارجه فرانسه با حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در نیویورک در شرایطی که ابراهیم رئیسی برای دیدار با رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه به آنکارا سفر کرده است، رهبران کودتای نیجر چهارشنبه چهارم بهمن ۱۴۰۲ در کاخ سعدآباد تهران با محمد مخبر دزفولی معاون اول رئیسی دیدار کردند.

● علی‌ملین زین که بعد از کودتای سال ۲۰۲۳ در نیجر و سرنگونی محمد بازوم رئیس جمهوری قانونی این کشور به نخست‌وزیری رسید و از حمایت ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه برخوردار است، در صدر یک هیأت نظامی-سیاسی به تهران رفت. خبرگزاری دولتی «ایرنا» گزارش داد این سفر در راستای تقویت مناسبات و توسعه روابط تجاری دوجانبه انجام شده است.

تنها یک روز پس از دیدار استافان سژورنه وزیر خارجه فرانسه با حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در نیویورک در شرایطی که ابراهیم رئیسی برای دیدار با رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه به آنکارا سفر کرده است رهبران کودتای نیجر چهارشنبه چهارم بهمن ۱۴۰۲ در کاخ سعدآباد تهران با محمد مخبر دزفولی معاون اول رئیسی دیدار کردند.

علی‌ملین زین که بعد از کودتای سال ۲۰۲۳ در نیجر و سرنگونی محمد بازوم رئیس جمهوری قانونی این کشور به نخست‌وزیری رسید و از حمایت ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه برخوردار است در صدر یک هیأت نظامی-سیاسی به تهران رفت. خبرگزاری دولتی «ایرنا» گزارش داد این سفر در راستای تقویت مناسبات و توسعه روابط تجاری دوجانبه انجام شده است.

این خبرگزاری در گزارشی دیگر می‌نویسد «این سفر با توجه به تحولات اخیر در آفریقا از اهمیت بسزایی برخوردار است، نیجر بعد از بوركینافاسو یازدهمین کشور آفریقایی است که نظامیان فرانسوی را از کشور خود اخراج کرد.»
امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه، کودتا در نیجر را به شدت محکوم کرده و گفته بود «این کودتا برای مردم نیجر و برای کل منطقه خطرناک است.» مقامات امنیتی فرانسه

→ حمله کردند.

شرکت کشتیرانی مرسک در بیانیه‌ای که در اختیار پایگاه خبری «هیل» قرار گرفت اعلام کرد دو کشتی «مرسک دیترویت» و «مرسک چیزایک» در جریان عبور از تنگه باب المندب که دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند مورد حمله قرار گرفتند.

این تنگه یک نقطه هدف اصلی برای شورشیان حوثی در کمپین حمله به کشتی‌های تجاری است.

به گفته مدیران شرکت مرسک و مقامات ایالات متحده، این کشتی‌ها تحت اسکورت نیروی دریایی ایالات متحده بودند که چند موشک حوثی‌ها در هوا را رهگیری و منهدم کردند.

مرسک مدعی شد به این کشتی‌ها و خدمه آنها آسیبی وارد نشده است.

نیروی دریایی آمریکا کشتی‌ها را که بخشی از شرکت تابعه ایالات متحده (Maersk Line Limited (MLL هستند، در مسیر خلیج عدن همراهی می‌کند.

مرسک در بیانیه خود اعلام کرد که «ایمنی خدمه ما از اهمیت بالایی برخوردار است و با افزایش تهدیدات این شرکت ترانزیت در منطقه تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق در می‌آید.»

شرکت مرسک پیش از این نیز برای چند روز بطور موقت ترانزیت کالا از دریای سرخ را متوقف کرده بود.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده در بیانیه‌ای اعلام کرد که این حمله حوالی ساعت ۰۲:۰۰ بعد از ظهر به وقت محلی رخ داده است. طبق گزارش منابع آمریکایی حوثی‌ها سه موشک بالستیک ضد کشتی به سمت کشتی‌های تجاری شلیک کردند. یک موشک در دریا سقوط کرد و دو موشک دیگر رهگیری و منهدم شدند.

هرچند آمریکا با همکاری بریتانیا و سایر متحدان خود علیه حوثی‌ها دست به عملیات متقابل زده است اما همچنان حملات به کشتی‌ها در دریای سرخ ادامه دارد.

گفته می‌شود حوثی‌ها از ماه نوامبر به بیش از ۳۰ کشتی باری حمله کردند. آنها مدعی‌اند به کشتی‌هایی حمله می‌کنند که عازم اسرائیل هستند.

علی خامنه‌ای: کشورهای اسلامی باید شریان‌های حیاتی اسرائیل را قطع کنند

در میانه‌ی این تنش‌ها، شرکت مرسک و چند شرکت بزرگ کشتیرانی تا حد زیادی رفت و آمد کشتی‌های خود را در دریای سرخ متوقف کرده‌اند و با در پیش گرفتن مسیری دورتر و پرهزینه‌تر از آب‌های جنوب آفریقا به سوی مقصد محموله‌های خود حرکت می‌کنند.

این حملات جدید ساعاتی پس از آن اتفاق افتاد که روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داد مقامات آمریکایی چندین مرتبه از مقامات دولت چین خواسته‌اند برای مهار حوثی‌ها به جمهوری اسلامی که پشتیبان آنهاست فشار بیاورند اما بی‌فایده بوده است.

مقامات پکن در واکنش به انتشار این گزارش ادعا کردند «در حال فعالیت برای کاهش تنش در دریای سرخ هستند.»

به گزارش ای‌بی‌سی نیوز، مقامات چین گفته‌اند «این کشور به شدت نگران تنش‌ها در دریای سرخ است که تجارت جهانی را با مجبور کردن بسیاری از کشتیرانان مجبور به اجتناب از کانال سوئز کرده است.»

پایگاه خبری «بیزنس اینسایدر» و اواخر دی‌ماه گزارش داده بود کشتی‌های عبوری از دریای سرخ از ترس حمله حوثی‌ها اعلام می‌کنند «خدمه چینی» دارند یا «مقصدشان کشور چین» است!

حمله آمریکا به پایگاه‌های حشدالشعبی در عراق

فرمانده «گردان‌های سیدالشهداء»: حملات ما به آمریکایی‌ها ادامه خواهد داشت



عکس: نیروهای سنتکام مستقر در خاورمیانه روی عرشه یک ناو آمریکایی

● پایگاه خبری «آکسیوس» می‌نویسد یکی از اهداف کلیدی دولت بایدن از زمان حمله تروریستی حماس در «هفت اکتبر» که منجر به جنگ با اسرائیل شد، جلوگیری از گسترش نبرد در غزه به سایر نقاط منطقه بوده، اما تحلیلگران معتقدند شرایط منطقه وخیم‌تر شده است.

● منابع نزدیک به حشد الشعبی تأیید کردند پایگاه‌های این گروه در استان الانبار و بابل مورد حمله هوایی آمریکا قرار گرفتند.

● لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد: «این حملات دقیق در پاسخ مستقیم به یکسری حملات تشدیدکننده علیه پرسنل ایالات متحده و ائتلاف در عراق و سوریه توسط شبه‌نظامیان تحت حمایت [رژیم] ایران است.»

● به گزارش خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران نیز ابوالآء اللواتی دبیرکل گردان‌های سیدالشهداء عراق گفت: «عملیات ما علیه آمریکا و رژیم اسرائیل تا زمانی که محاصره علیه غزه شکسته و تجاوزات نظامی متوقف شود، ادامه خواهد داشت.»

نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه سه‌شنبه شب ۲۳ ژانویه (سوم بهمن‌ماه) تأسیسات متعلق به حشدالشعبی و کتائب حزب‌الله در عراق را هدف حملات هوایی قرار دادند.

مقامات آمریکایی گفتند این حملات به تلافی اقدامات شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران علیه پایگاه‌های آمریکا انجام شده است.

به گزارش پایگاه خبری «آکسیوس» یکی از اهداف کلیدی دولت بایدن از زمان حمله تروریستی حماس در «هفت اکتبر» که منجر به جنگ با اسرائیل شد، جلوگیری از گسترش نبرد در غزه به سایر نقاط منطقه بوده، اما تحلیلگران معتقدند شرایط منطقه وخیم‌تر شده است.

منابع نزدیک به حشد الشعبی تأیید کردند پایگاه‌های این گروه در استان الانبار و بابل مورد حمله هوایی آمریکا قرار گرفته‌اند.

لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد: «به دستور پرزیدنت بایدن، نیروهای ارتش آمریکا حملات لازم و متناسب را به سه تأسیسات مورد استفاده گروه شبه‌نظامی کتائب حزب‌الله مورد حمایت جمهوری اسلامی انجام دادند. این حملات دقیق در پاسخ مستقیم به یکسری حملات تشدیدکننده علیه پرسنل ایالات متحده و ائتلاف در عراق و سوریه توسط شبه‌نظامیان تحت حمایت [رژیم] ایران است.»

وی همچنین گفت: «من از مهارت و حرفه‌ای بودن پرسنل‌مان برای برنامه‌ریزی و اجرای این حملات و تلاش‌های مستمر نیروها در زمین که با شرکای منطقه‌ای برای از بین بردن و تخریب بیشتر داعش کار می‌کنند، سپاسگزارم.»

فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) روز سه‌شنبه در بیانیه‌ای خاطر نشان کرد که «حملات هوایی یکجانبه» نیروهای این کشور علیه تأسیسات گروه شبه‌نظامی کتائب حزب‌الله و مقر حشدالشعبی شامل انبارها و مکان‌های آموزشی آنها و همچنین تأسیسات موشکی و پهپادی بود. در حملات اخیر گروه‌های نیابتی به پایگاه عین‌الاسد که

شنبه شب رخ داد دست‌کم چهار پرسنل آمریکایی مصدوم شدند.

منابع تلگرافی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا کردند در این حملات دو نفر از نیروهای حشدالشعبی کشته شدند.

قاسم الاعرجی مشاور امنیت ملی عراق در واکنش به حمله آمریکا به مقر حشد الشعبی گفت: «این اقدام نقض حاکمیت عراق است و این اقدامات کمکی به آرامش اوضاع نخواهد کرد.»

وی تأکید کرده «آمریکا بجای مپاران پایگاه‌ها و نهادهای ملی عراق جنگ در غزه را متوقف کند.»

به گزارش خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران نیز ابوالآء اللواتی دبیرکل گردان‌های سیدالشهداء عراق در واکنش به حملات هوایی بامدادی آمریکا به نیروهای حشد الشعبی، با بیان اینکه مرحله دوم عملیات تلافی‌جویانه و همبستگی عراقی‌ها آغاز شده است، گفت: «عملیات ما علیه آمریکا و رژیم اسرائیل تا زمانی که محاصره علیه غزه شکسته و تجاوزات نظامی متوقف شود، ادامه خواهد داشت.»

ساعاتی پس از حملات آمریکا گزارش شد گروه‌های نیابتی از عراق با راکت به میدان نفتی «کونیکو» در شرق دیرالزور سوریه محل استقرار نیروهای آمریکایی حمله کردند.

همزمان با این حملات، سنتکام بار دیگر مواضع حوثی‌ها در یمن را هدف قرار داد.

سی‌بی‌اس نیوز گزارش داده گروه تروریستی الشباب سومالی نیز در روزهای اخیر فعالیت‌هایی کرده بود که آمریکا و بریتانیا در اقدامی هماهنگ علاوه بر حوثی‌ها نقاطی متعلق به آنها را نیز هدف قرار دادند.

در ۴۸ ساعت گذشته درگیری‌ها در خاورمیانه به شدت افزایش پیدا کرده است. ارتش اسرائیل روز سه‌شنبه ۳ بهمن‌ماه اعلام کرد که ۲۴ سرباز ارتش این کشور در غزه کشته شدند. تحلیلگران می‌گویند این مرگبارترین روز برای نیروهای اسرائیل از زمان حمله زمینی به غزه بوده است.

زمانی سالمندان حرمت داشتند؛ حالا آزار می‌بینند و رها می‌شوند

بهبودی، کانون بازنشستگی، کمیته امداد و برخی موسسات خیریه خصوصی رسیدگی به امور سالمندان را در ایران بر عهده دارند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این مورد نوشته است که خدمات ارائه‌شده از سوی این مراجع به هیچ وجه جامع، هماهنگ، در دسترس و کیفی نیست در حالی که تا سال ۱۴۳۰ جمعیت سالمندان در ایران سه برابر خواهد شد به این معنی که تعداد آنها به ۳۰ میلیون نفر خواهد رسید. بنابر گزارش «تجارت نیوز»، پیش از این احمد بخارایی، جامعه‌شناس در این مورد گفته بود جمعیت ۳۰ میلیونی سالمندان تا سال ۱۴۳۰ شوخی نیست. دولت هم برنامه و حمایتی در این مورد ندارد. اوضاع اسفباری در پیش خواهد بود. او با اشاره به وضعیت بازنشستگان در ایران ادامه داد، این «آمار سالمندان در حال حاضر حدود ۲۰ درصد از سالمندان تحت پوشش صندوق‌های بازنشستگی هستند. ۸۰ درصد دیگر هم رها شده‌اند.»

افزایش تورم و هزینه زندگی در ایران همه اقشار و گروه‌های سنی را متأثر کرده که در این میان سالمندان با وجود هزینه‌های زیاد از جمله درمان، از این روند مستثنا نبوده‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از سالمندان حتی بخشی که حقوق بازنشستگی یا مستمری دریافت می‌کنند نیز برای تأمین هزینه زندگی با مشکل روبرو هستند.



وبسایت «گزارش ۲۴» در گزارشی به هزینه‌های سرسام‌آور درمانی سالمندان پرداخته و نوشته که هزینه‌های سربار و غیرمنتظره‌ی درمان، دارو و نگهداری سالخورده‌گان پدیده جدیدی در اقتصاد کشور است که بسیاری از خانواده‌ها را با مشکل تأمین هزینه افراد سالمند مواجه کرده است.

بر اساس این گزارش در سال جاری هزینه درمان درجه ۲ و ۳ یک سالخورده در منزل ماهانه به بیش از ۲۰ میلیون تومان رسیده است که این رقم تنها برای خرید تجهیزات ابتدایی، دارو و لوازم مورد نیاز جهت درمان‌های سطحی جسمی یک بیمار محسوب می‌شود.

جمهوری اسلامی در حالی نتوانسته بسترهای مناسبی برای حمایت از سالمندان به ویژه حمایت‌های بیمه‌ای و درمانی ایجاد کند که روند رشد جمعیت در ایران نشان از افزایش جمعیت سالمندان در سال‌های آینده و پیر شدن جمعیت کشور دارد.

پیش‌بینی می‌شود که این رقم در سال ۱۴۲۰ به ۲۰ درصد برسد. در ادامه این گزارش آمده که در حال حاضر حدود ۶ درصد از جمعیت کشور بالای ۶۰ سال و حدود ۶ درصد جمعیت بالای ۶۵ سال و بیشتر است.

از سوی دیگر بر اساس آمارهای رسمی حدود ۱۲ میلیون مجرد در ایران زندگی می‌کنند که بیش از ۶ میلیون نفر از آنها مردان ۲۰ تا ۴۵ ساله هستند که اگر این افراد وارد دوره مجرد قطعی شوند، بحران سالمندی در ایران شکل و شمایل دیگری پیدا می‌کند و دولت هم با چالش‌های بیشتری مواجه می‌شود. بر اساس پژوهشی که در سال ۱۴۰۰ درباره زنان سالمند تنها از سوی شورای ملی سالمندان منتشر شد، در سال ۱۳۶۵ سالمندانی که تنها زندگی می‌کردند، حدود ۹/۱ درصد بود. در سال ۱۳۷۵ این رقم به ۹ درصد رسید. در سال ۱۳۸۵ تنهازیستی سالمندان به ۱۰/۹ درصد، در سال ۱۳۹۰ به ۱۴/۵ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۱۴/۹ درصد رسید به عبارتی تنهازیستی سالمندان طی یک دهه، چهار درصد افزایش یافته است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با توجه به افزایش الگوی تنهازیستی در میان زنان سالمند نسبت به مردان که به بیش از چهار برابر مردان سالمند رسیده است، تعداد زنان سالمند تنها، طی ۳۰ سال آینده سه برابر می‌شود. در ادامه این پژوهش آمده که تفاوت قابل توجهی بین زنان

بر اساس برآوردهای صورت گرفته در سال ۱۴۰۱ حدود ۹ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر سالمند در ایران زندگی می‌کردند که البته در این پیمایش سن ۶۰ سال به عنوان آغاز سالمندی در نظر گرفته شده است.

پیش‌بینی می‌شود جمعیت سالمندان ایران تا سال ۱۴۳۰ به ۳۰ میلیون نفر برسد. برخی کارشناسان با بررسی وضعیت فعلی و آینده جمعیت کشور از آن به عنوان «ابریحان سالمندی» یاد می‌کنند.

سالمندان به حال خود رها می‌شوند. آنها را در سطح شهر رها می‌کنند و شهروندان با خط اورژانس اجتماعی و شماره ۱۲۳ تماس می‌گیرند تا ساماندهی شوند.

سرپرست معاونت فرهنگی و امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به این موضوع به خبرگزاری دولتی ایرنا گفت: «سالمندآوری بر اساس آمارهای تماس با خط ۱۲۳ نسبت به قبل مقداری افزایش داشته است که دلایل مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد.» وی اما بلافاصله افزود: «گاهی نیز ممکن است مردم با خدمات خط ۱۲۳ بیشتر آشنا شده‌اند و الزاما به معنای افزایش پدیده سالمندآوری نیست.» مهربی سادات موسوی با بیان اینکه اغلب خانواده‌ها فضای آپارتمان‌نشینی کوچکی دارند و این مسئله باعث شده گاهی نتوانند سالمندان را نگهداری کنند، گفت: «برای نگهداری از سالمندان نیاز به فرهنگ‌سازی داریم چرا که همانگونه که کودکان نوع نگهداری خاصی را می‌طلبند، سالمندان نیز به روش نگهداری خاصی نیاز دارند. هنگامی که فردی پا به سن می‌گذارد و سالمند می‌شود، برخی اختلالات رفتاری و مشکلات جسمی پیدا می‌کند که طبیعی است و خانواده‌ها باید با اختلالات طبیعی در این سن از قبل آشنا باشند و بدانند که این مشکلات طبیعی است که در این سن رخ بدهد.»

بر اساس برآوردهای صورت گرفته در سال ۱۴۰۱ حدود ۹ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر سالمند در ایران زندگی می‌کردند که البته در این پیمایش سن ۶۰ سال به عنوان آغاز سالمندی در نظر گرفته شده است.

بر اساس این گزارش، غفلت و عدم رسیدگی شایع‌ترین نوع سالمندآوری به شمار می‌رود، تنها ماندن سالمند در منزل، بهداشت و تغذیه نامناسب، سوختگی ناشی از آدرار، زخم‌های بستر، علائم کم‌آبی در بدن، بهداشت نامناسب پوست، لباس نامناسب، مصرف نامناسب دارو و عدم ایمنی در منزل از مصادیق بارز غفلت و بی‌اعتنایی به سالمندان به شمار می‌رود. پیش‌بینی می‌شود جمعیت سالمندان ایران تا سال ۱۴۳۰ به ۳۰ میلیون نفر برسد. برخی کارشناسان با بررسی وضعیت فعلی و آینده جمعیت کشور از آن به عنوان «ابریحان سالمندی» یاد می‌کنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در این مورد نوشت تا سال ۱۴۲۴ میانگین رشد سالمندان ایران از میانگین جهانی سبقت گرفته و پنج سال بعد حتی از رشد آسیا هم پیشی می‌گیرد.

پیش‌بینی‌ها حکایت از این دارد که جمعیت سالمندان تا حدود ۳۰ سال دیگر، بیش از یک سوم جمعیت کشور را تشکیل خواهد داد. جمعیتی که از بازار کار خارج می‌شوند یا نقش کم‌رنگی در بازار کار دارند.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در مورد وضعیت بحرانی سالمندی در ایران، سرشماری‌ها در سال‌های اخیر نشان می‌دهد جمعیت سالمند ایران در حال افزایش است. تعداد سالمندان در چهار دهه گذشته از پنج به ۱۰ درصد افزایش یافته و

مردانی که تنها زندگی می‌کنند در تمامی سال‌های سرشماری مشاهده می‌شود. بیشترین تفاوت در سال ۱۳۹۰ با پنج درصد مردان در مقابل ۲۳/۶ درصد زنان و در سال ۱۳۹۵ با ۵/۵ درصد مردان در مقابل ۲۴/۱ درصد زنان ملاحظه می‌شود.

در پژوهش شورای ملی سالمندان آمده که تعداد زنان سالمند مجرد قطعی در ۳۰ سال آینده بطور قابل توجهی بیشتر از ۱۴۰۰ خواهد شد. ضمن اینکه نرخ طلاق نیز بر این امر اثرگذار است. سیستم بهداشت و درمان هم باید آماده درمان بیماری‌های دوره سالمندی باشد. همین حالا هم بنا بر برخی روایت‌های رسمی از حوزه بهداشت و درمان، حدود ۴۰ درصد از تخت‌های بیمارستان‌ها را سالمندان گرفته‌اند. با توجه به افزایش جمعیت سالمندان در آینده، احتمالاً سهم بیشتری از تخت‌های بیمارستانی می‌بایست به آنها اختصاص یابد. وزارت کار، وزارت بهداشت، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان

«یک محبوب من» از دو کارگردان ایرانی ممنوع‌الخروج در برلیناله



بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم کارگردان‌های فیلم «یک محبوب من»



ماریته ریس‌نیک و کارلو چاتریان در کنفرانس رسانه‌های برلیناله / ۲۲ ژانویه ۲۰۲۳

و مکان ملاقات و تبادل نظر و کمک به درک بین‌المللی» اعلام کرد. در تصویرهایی که از «یک محبوب من» تا کنون منتشر شده، لیلی فرهادپور بدون حجاب اجباری دیده می‌شود. این دو کارگردان با فیلم قبلی‌شان «قصیده گاو سفید» جوایز ارزنده‌ای را از جشنواره‌های سینمایی مختلف از جمله برلین و زوریخ دریافت کردند. اکران «قصیده گاو سفید» در ایران همچنان ممنوع است.

در بخش رسمی برلیناله، ۲۰ فیلم بلند برای دریافت جایزه خرس طلایی رقابت خواهند کرد که از این تعداد، دو فیلم مستند حضور دارند. در میان کارگردانان ۹ نفر زن هستند که مریم مقدم یکی از آنهاست. ۳۰ کشور در تولید فیلم‌هایی که به بخش مسابقه راه یافته‌اند مشارکت داشته‌اند. از جمله رقبای «یک محبوب من» می‌توان به آثار کارگردانان شناخته شده‌ای چون الیویه آسایس، برونو دومون، عبدالرحمان سیساکو، ماتی دیوپ، آلونسو رویز پالاسیوس و هانگ سانگ‌سو اشاره کرد. آلونسو رویز پالاسیوس کارگردان مکزیکی و هونگ سانگ سو از کره جنوبی، هرکدام دو خرس نقره‌ای جشنواره برلین را در کارنامه خود دارند.

در بخش جانبی «برخوردها» آخرین فیلم علی‌یار راستی با عنوان «خمیازه بزرگ» در کنار ۱۴ فیلم دیگر حضور خواهد داشت. محمد عاقبتی، صابر ابر، مهین صدری و مهرداد ضیائی در این فیلم که نخستین اثر بلند سازنده‌اش است، نقش‌آفرینی می‌کنند. «گوسفند» ساخته هادی بابایی‌فر در بخش «فیلم‌های کوتاه» و مستند «میدگل» ساخته سروناز علم بیگی و محصول مشترک ایران و آلمان در بخش «نسل» حضور دارند. مستند «سیاره دزدیده شده من» که محصول مشترک ایران و آلمان به کارگردانی فرحناز شریفی است نیز در بخش «پانوراما» به نمایش در خواهد آمد. فیلم‌های «شهید» ساخته نرگس کلهر و «دیشب چه خوابی دیدی پاراجانوف» ساخته فراز فشارکی نیز در بخش فوروم جشنواره برلین اکران خواهند شد.

داشت. در این فیلم که محصول مشترک کشورهای ایران، فرانسه، آلمان، و سوئد است، اسماعیل محرابی و لیلی فرهادپور نقش‌آفرینی می‌کنند. این فیلم روایت زندگی زنی مسن پشت درهای بسته در کشوری است که حقوق زنان در آن به شدت محدود شده، ولی او با جسارت تمام به دنبال تحقق تمام خواسته‌های خود در زندگی است.

مأموران جمهوری اسلامی ۱۱ مهر سال جاری هنگامی که بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم راهی فرانسه برای انجام مراحل فنی «یک محبوب من» بودند، در فرودگاه گذرنامه‌های آنها را ضبط کرده و هر دو از سوی نظام متهم به «تبلیغ علیه نظام» و «اقدام علیه امنیت ملی» شدند. هنوز دادگاهی جهت بررسی اتهامات این دو سینماگر برگزار نشده است. ممنوع‌الخروجی این دو هنرمند واکنش شماری از نهادهای هنری و فرهنگی بین‌المللی و نیز برخی چهره‌های سرشناس سینمایی جهان را به دنبال داشت که در بیانیه مشترکی خواهان لغو این محدودیت‌ها شدند. در این بیانیه آمده است «ما معتقدیم که مردم ایران باید در کنار سایر شهروندان در سراسر جهان از فرصت تماشای فیلم‌های بهتاش صناعی‌ها، مریم مقدم و سعید روستایی، خواندن گزارش‌های نرگس محمدی و شنیدن موسیقی سامان یاسین، برخوردار باشند. مردم باید بتوانند از هنر بازیگران با استعداد ایرانی لذت ببرند، حتی اگر آنها با حجاب اجباری موافق نباشند.»

کارلو چاتریان مدیر هنری جشنواره برلین در نشست خبری معرفی هفتاد و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین گفت «لیلی فرهادپور در این فیلم نقش یک زن پا به سن گذاشته را بازی می‌کند که تصمیم می‌گیرد به زندگی‌اش سر و سامان بدهد و کارهایی را بکند که مردم پیش از انقلاب ۵۷ در ایران انجام می‌دادند.» ماریته ریس‌نیک تهیه‌کننده سینمایی و مدیر اجرایی برلیناله نیز جشنواره بین‌المللی فیلم برلین را «فضایی برای بیان هنری و گفتگوی مسالمت‌آمیز

«یک محبوب من» کار مشترک بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم، کارگردان‌های ممنوع‌الخروج ایرانی، در بخش رقابتی هفتاد و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین حضور خواهد داشت.

● مأموران جمهوری اسلامی ۱۱ مهرماه امسال هنگامی که بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم راهی فرانسه برای انجام مراحل فنی «یک محبوب من» بودند، در فرودگاه گذرنامه‌های آنها را ضبط کردند.

● در «یک محبوب من» لیلی فرهادپور نقش زنی را ایفا می‌کند که می‌خواهد کارهایی بکند که مردم پیش از انقلاب ۵۷ در ایران انجام می‌دادند.

● «خمیازه بزرگ» علی‌یار راستی، «گوسفند» ساخته هادی بابایی‌فر، مستند «میدگل» از سروناز علم بیگی، «سیاره دزدیده شده من» به کارگردانی فرحناز شریفی، «شهید» نرگس کلهر و «دیشب چه خوابی دیدی پاراجانوف» از فراز فشارکی دیگر فیلم‌های سینماگران ایرانی هستند که در جشنواره برلین حضور خواهند داشت.

احمد رأفت - هفتاد و چهارمین جشنواره سینمایی فیلم برلین که به «برلیناله» معروف است، از ۱۵ تا ۲۵ فوریه ۲۰۲۴ در پایتخت برلین برگزار خواهد شد. طی سال‌های گذشته سینمای ایران در این جشنواره بین‌المللی حضور فعال داشته مگر در مواقعی که به دلیل سانسور و سرکوب مردم معترض، این جشنواره از پذیرفتن حضور فیلم‌های تولید ایران خودداری کرده است. با اینهمه در چنین مواقعی نیز معمولاً سینماگران ایرانی که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند، در بخش‌های مختلف این فستیوال حضور می‌یافتند.

امسال «یک محبوب من» ساخته بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم، کارگردان‌های ممنوع‌الخروج ایرانی در بخش رقابتی هفتاد و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین یا برلیناله که ۲۶ بهمن آغاز به کار خواهد کرد حضور خواهد

گرانی و سفره‌های خالی؛ بخش زیادی از مردم با آرد و نشاسته شکم خود را سیر می‌کنند

- مردم برای خرید گوشت ارزان‌تر مجبور به انتظار در صف‌های طولانی خرید با نرخ دولتی هستند و بخشی از جامعه هم بطور کلی توان خرید گوشت ندارد.
- فرامرز توفیقی فعال کارگری گفته جامعه کارگری در ایران که بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور را در بر می‌گیرد، توان خرید مواد غذایی را از دست داده و سبد غذایی خود را با آرد و نشاسته پر می‌کند.
- متوسط سرانه مصرف گوشت قرمز در جهان بیش از ۱۵ برابر مصرف سه دهک پایین جامعه در ایران است.

در روزهای گذشته افزایش قیمت گوشت به سرخط خبرهای رسانه‌های داخلی تبدیل شد. قیمت هر کیلو گوشت در حالی که در آبان سال گذشته حدود ۲۰۰ هزار تومان قیمت داشت اکنون بطور رسمی به بیش از ۶۰۰ هزار تومان رسیده و بهای برخی انواع گوشت قرمز به کیلویی بیش از ۸۰۰ هزار تومان نیز رسیده است.

با افزایش قیمت گوشت، دولت حجم ناچیزی گوشت با قیمت دولتی هر کیلو ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان را توزیع کرده که به دلیل تقاضای بالا، خرید آن برای غالب شهروندان غیرممکن است. وبسایت «تجارت نیوز» در همین رابطه در مطلبی با عنوان «لاتاری گوشت» نوشت که شاید روزی گوشت جزو جانشدنی سفره ایرانیان بود؛ اما اکنون دسترسی به این محصول به آرزوی بزرگ بسیاری از مردم تبدیل شده است. تا جایی که خرید گوشت تنظیم بازاری از برنده شدن در لاتاری گرین کارت آمریکا هم سخت‌تر شده و صف‌های چندساعته آن تفاوتی با بلیت‌های بخت‌آزمایی ندارد.

این گزارش افزوده در شرایطی که مردم برای خرید گوشت ارزان‌تر مجبور به انتظار در صف‌های طولانی خرید با نرخ دولتی هستند و بخشی از جامعه هم توان خرید گوشت را ندارد، آمار نگران‌کننده‌ای هم در صداوسیما جمهوری



است. بر این اساس متوسط سرانه مصرف گوشت قرمز در جهان بیش از ۱۵ برابر مصرف سه دهک پایین جامعه در ایران است.

گوشت تنها یکی از اقلام غذایی است که در هفته‌های گذشته با افزایش چشمگیر قیمت روبرو شده است. در این میان گزارش‌ها از خالی شدن سفره اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران و بازنشستگان حکایت دارد.

در همین رابطه زهرا درویشی رئیس اتحادیه بانوان کارگر خانه کارگر فارس با بیان اینکه تورم سفره معیشتی قشر حقوق‌بگیر را خالی کرده گفته نیاز است دولت چند گام برای قشر ضعیف و متوسط بردارد و در کنار پرداخت عیدی، سبد کالا و بن‌های غیر نقدی را برای قشر حقوق‌بگیر در نظر بگیرد.

حسین راغفر اقتصاددان معتقد است که افزایش قیمت مواد غذایی سبب شده سهم عمده‌ای از درآمد خانوار صرف خوراک شود و جامعه فقیرتر شود؛ «مرکز آمار ایران گزارش داده که میانگین خانوارهای کشور، ۶۵ درصد درآمد خود را صرف تامین غذا می‌کنند. این آمار بسیار تکانه‌دهنده است و علت نگرانی این است که در سال‌های نه چندان دور این رقم در شهر تهران ۱۶ درصد بود و در سطح مناطق شهری کشور، ۲۵ الی ۲۶ درصد بود و در روستاها تا ۳۵ درصد می‌رسید و به میزانی که جامعه فقیرتر می‌شود، سهم بیشتری از درآمد خانوارها صرف غذا می‌شود.»

این اقتصاددان همچنین درباره تغییر ترکیب غذای مصرفی در خانوارهای کم‌درآمد گفته «نکته ناراحت‌کننده‌تر این که ارقامی که مطرح شده است، با توجه به حداقل اقلام خوراکی با حداقل کالری و پایین‌ترین مولفه‌های تشکیل دهنده سبد غذایی است. این وضعیت نشان می‌دهد که خانوارها، ریزمغذی‌های لازم برای رشد را دریافت نمی‌کنند و مصرف گوشت خانوارها از سالی سه کیلوگرم به ۲ ←

اسلامی در این رابطه اعلام شده است.

به گفته مهدی سروی کارشناس «اندیشکده اقتصاد مقاومتی» و از مشاوران اقتصادی دولت، میانگین مصرف گوشت خانواده‌ها در کشور هشت کیلوگرم و در سه دهک پایین جامعه دو کیلوگرم در سال است. همچنین سرانه مصرف گوشت قرمز برای هر نفر در سه دهک پایین جامعه، حدود ۷۰۰ گرم در یک سال است.

این در حالی است که بر اساس سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو)، میانگین مصرف سرانه گوشت قرمز (شامل گوشت گاو، گوسفند و بز) در جهان ۱۰/۹۴ کیلوگرم بوده



بلومبرگ: جمهوری اسلامی با ارسال پهپادهای تهاجمی به جنگ فاجعه بار در سودان دامن زده است



تصویر ماهواره‌ای از استقرار پهپادهای ایرانی در سودان

اسلامی ایران خواهد بود، اما دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و غربی را به شدت نگران کرده است.

سه مقام غربی که نخواستند نامشان شود، گفتند که سودان محموله‌هایی از پهپاد «مهاجر ۶» را که توسط «صنایع هوایی قدس» ساخته شده و توانایی حمل مهمات هدایت‌شونده دقیق دارد، دریافت کرده است.

به گفته مقامات آمریکایی، این پهپاد قادر به انجام حملات هوا به سطح، جنگ الکترونیک و هدف‌گیری در میدان نبرد است. مشخص نیست که آنها چه تأثیری در درگیری‌های سودان داشته‌اند.

بلومبرگ در ادامه می‌نویسد تسلیح سودان باعث تقویت نفوذ نظامی تهران در خاورمیانه می‌شود جایی که رژیم ایران از گروه‌های مختلف از حماس در غزه گرفته تا حزب‌الله لبنان و حوثی‌ها در یمن حمایت می‌کند و همچنین برنامه‌های توسعه انواع پهپاد را پیش می‌برد. ایالات متحده می‌گوید که ایران قبلاً به حزب‌الله، حماس، کتابت حزب‌الله در عراق، حوثی‌ها و ارتش اتیوپی پهپاد ارسال کرده است.

جمهوری اسلامی و ارتش سودان روابط دیپلماتیک خود را در سال ۲۰۲۳ پس از یک وقفه هفت ساله مرتبط با نقش سودان در ائتلاف عربی که با حوثی‌ها در یمن می‌جنگید، احیا کردند.

رژیم تهران متهم است پهپادهای «مهاجر ۶» را به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین ارائه کرده است.

ایران می‌گوید صادرات دفاعی خود را در سال‌های اخیر افزایش یافته است، اما بارها ارسال پهپاد به روسیه برای استفاده علیه اوکراین را رد کرده و می‌گوید مقامات اوکراین هیچ مدرکی برای اثبات این ادعا نشان نداده‌اند. تهران همچنین تسلیح حوثی‌ها را رد می‌کند و می‌گوید این گروه به اندازه کافی قوی است که به تنهایی عمل کند.

به گفته ویم زوینبورگ رهبر پروژه خلع سلاح بشردوستانه سازمان صلح هلندی PAX تصاویری وجود دارد که ارسال پهپاد «مهاجر ۶» به سودان را اثبات می‌کند.

زوینبورگ متخصص پهپاد در مصاحبه‌ای گفت که «طول بال این پهپاد ۱۰ متر و طول بدنه‌اش ۵/۷ متر است که با ابعاد مهاجر تطبیق دارد.» سایر موارد از جمله وجود یک

● بلومبرگ به نقل از مقامات اطلاعاتی غربی گزارش داد ارسال پهپاد برای ارتش سودان تازه‌ترین مداخله جمهوری اسلامی در این کشور است که در آستانه قحطی قرار دارد.

● آلن باسبول مدیر پروژه شاخ آفریقا در اندیشکده گروه بین‌المللی بحران می‌گوید: «هدف [رژیم] ایران از ارائه انواع پهپاد به ارتش سودان و سایر حمایت‌های مادی برای به دست آوردن یک متحد در آن منطقه است، به ویژه در امتداد دریای سرخ، که یک پیروزی بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، اما دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و غربی را به شدت نگران کرده است.»

● سه مقام غربی که نخواستند نامشان شود، گفتند که ارتش سودان محموله‌هایی از پهپاد «مهاجر ۶» را که توسط «صنایع هوایی قدس» ساخته شده و توانایی حمل مهمات هدایت‌شونده دقیق دارد، دریافت کرده است.

به گفته مقامات ارشد غربی، رژیم ایران همزمان با جنگ فاجعه‌باری که توسط حوثی‌های یمن در دریای سرخ به راه انداخته، تعداد زیادی پهپاد تهاجمی نیز به ارتش سودان رسانده است.

بلومبرگ روز چهارشنبه ۲۴ ژانویه (چهارم بهمن‌ماه) گزارش داد مداخله جمهوری اسلامی در درگیری‌های سودان از ۹ ماه پیش آغاز شد.

ارتش سودان بخشی از قلمرو این کشور را در جنگ با یک گروه شبه‌نظامی موسوم به «شورای انتقالی جنوب» که توسط امارات متحده عربی حمایت می‌شود از دست داده است. این بحران برای کشوری که در آستانه یک قحطی قرار دارد بسیار خطرناک به شمار می‌رود.

سودان حدود ۶۴۰ کیلومتر خط ساحلی با دریای سرخ دارد که کشورهایی مانند چین، روسیه و ترکیه برای دسترسی به آن تلاش می‌کنند.

آلن باسبول مدیر پروژه شاخ آفریقا در اندیشکده گروه بین‌المللی بحران می‌گوید: «هدف [رژیم] ایران از ارائه انواع پهپاد به ارتش سودان و سایر حمایت‌های مادی برای به دست آوردن یک متحد در آن منطقه است، به ویژه در امتداد دریای سرخ، که یک پیروزی بزرگ برای جمهوری

کیلوگرم رسیده است که این ارقام باورکردنی نیست. این را هم در نظر داشته باشیم که یک خانواده فقط با غذا زنده نمی‌ماند و احتیاجات دیگری نیز دارد. از جمله این احتیاجات می‌توان به مسکن اشاره کرد.»

به گفته حسین راغفر «طی سال گذشته، مخارج مسکن در سطح کشور، ۵۰ درصد از مخارج خانوارها را تشکیل می‌داد و نمی‌دانم که با توجه به این وضعیت اقلام غذایی، هزینه‌های مسکن در خانوارها چگونه تأمین می‌شود. همه این‌ها منجر به نوعی استیصال در خانوارها می‌شود. برنامه‌هایی که دولت برای مواجهه با فقر دارد، بسیار ناکارآمد و ناکافی است و از مرحله بحران عبور کرده است. نکته ناراحت‌کننده‌تر این که تمامی این موارد درباره افرادی است که شغل دارند و سر کار می‌روند. بخش قابل توجهی از جامعه، فاقد شغل هستند و یا مشاغل ناپایدار و غیر رسمی دارند. یکی از مشخصه‌های مشاغل غیررسمی، دستمزد نازل است. عمده این افراد به طبقات محروم وابستگی دارند؛ بنابراین ما با یک وضعیت بی سابقه، طی هفتاد سال گذشته در کشور روبرو هستیم که چنین وضعیتی را هرگز به لحاظ عمر و گسترش فقر شاهد نبودیم.»

فرامرز توفیقی فعال کارگری نیز گفته که جامعه کارگری در ایران که بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور را در بر می‌گیرد، توان خرید مواد غذایی مورد نیاز خود را از دست داده و سبد غذایی خود را با آرد و نشاسته پر می‌کند.

این فعال کارگری تأکید کرده که سبد غذایی کارگران در سال‌های اخیر رو به وخامت بوده و با اتفاقات ناگوار چند سال گذشته، فز مه‌ار تورم در رفته و سیاست تبعیضی و غلط باعث شده تا هزینه قیمت تمام شده‌ی کالاهای تأثیرگذار در سبد غذایی کارگران، به شدت افزایش پیدا کند. این فعال کارگری افزوده که «در کنار افزایش هزینه مواد غذایی، هزینه تأمین مسکن که بیش از ۴۰ درصد سبد معیشت خانواده را شامل می‌شود نیز در امان نمانده و از چهار سال گذشته در شهرهای مختلف، بیش از ۹ تا ۱۱ برابر شده است.»

فرامرز توفیقی با بیان اینکه «اندیشه‌ای وجود دارد که نمی‌خواهند سبد غذایی کارگران؛ پروتئین، میوه و ویتامین داشته باشد و می‌خواهند شکم کارگران را با سیب زمینی پر کنند. همین موضوع باعث شده تا آمار بیماری‌های متابولیسمی و قلبی در دهه چهارم زندگی، افزایش پیدا کند.»

او همچنین افزوده که «روان‌پریشی، استرس، خودکشی، طلاق عاطفی و بزهکاری ناشی از عدم تأمین معیشت، از مشکلات جامعه کارگری است اما هیچکس راجع به آن‌ها صحبت نمی‌کند در حالیکه وضعیت معیشت و سبک زندگی کارگران، نشان می‌دهد که شرایط آن‌ها از مرحله بحران رد شده و به حدی رسیده که نیازمند اقدام است اما هیچ حرکتی در راستای بهبود شرایط، دیده نشده است.»

از سوی دیگر تورم فزاینده و کاهش ارزش پول ملی، در کنار درآمدهای ناچیز و ناکافی سبب افزایش جمعیت فقیر در کشور شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خرداد ماه سال جاری اعلام کرده بود که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، حدود ۱۱ میلیون نفر به جمعیت فقیر ایران اضافه شده است. در همین گزارش اشاره شده بود که نرخ فقر از سال ۱۳۸۵ در ایران روند فزاینده‌ای داشته و از سال ۱۳۹۷ به بعد به بالای ۳۰ درصد رسیده است که به معنای قرار گرفتن نزدیک به یک سوم جمعیت کشور در زیر خط فقر است.

افزایش شمار کودکان بازمانده از تحصیل ۱۰۰ هزار کودک بی‌شناسنامه در سیستان و بلوچستان محروم از کلاس درس

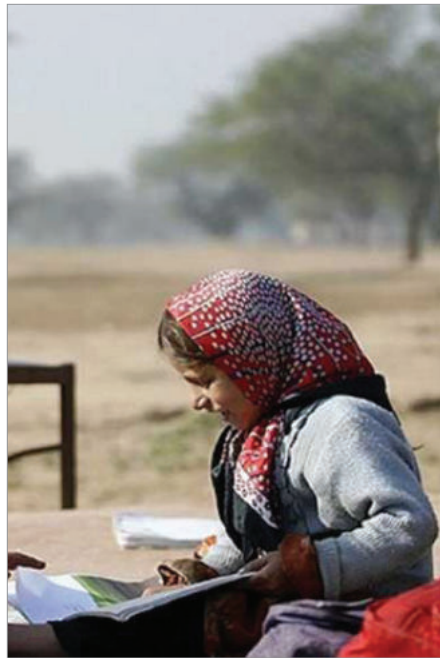
پرورش و سیاست جایگزینی آخوند به جای معلم در مدارس یک حرکت ارتجاعی به مکتب‌خانه‌های دهه سی می‌باشد که همه دست‌آوردهای آموزش و پرورش در صد سال اخیر را به باد می‌دهد.»

این بیانیه همچنین با اشاره به «تضاد میان ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول کودکان و نوجوانان و ارزش‌های تجویزی روحانیون» تأکید کرده که این اقدام می‌تواند مدرسه را به «صحنه جدال‌های ایدئولوژیک» تبدیل کند که حتماً برای دانش‌آموزان آثار مخربی در پی خواهد داشت. سالهاست استخدام و بکارگیری طلبه‌ها و آخوندها به عنوان آموزگار در مدارس جزو طرح‌های وزارت آموزش و پرورش است. رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش نیز نگاهی به شدت ایدئولوژیک به موضوع آموزش در کشور دارد. او به تازگی در سخنانی مدعی شده که وزارت آموزش و پرورش «برخورد غیرسیاسی با پدیده‌های تعلیم و تربیت» دارد. او در ادامه گفته که «ما بهترین مدارس را با الگویی ایرانی اسلامی به بخش دولتی تخصیص می‌دهیم. ساختمان و فیزیک مدارس عادی دولتی مجموعاً از مدارس غیردولتی بهتر است. معلمان رسمی و قوی ما نیز به مدارس عادی دولتی می‌روند. در مدیریت نیز بهترین‌ها را مدیر مدرسه دولتی می‌کنیم. اما چرا گاهی عملکرد مدارس غیردولتی از دولتی بهتر است؟ احتمالاً مربوط به اختیارات مدرسه و ایجاد نظام انگیزشی و مشارکت خانواده‌هاست. چطور می‌توان نظام انگیزشی برای معلمان و مدیران و کادر اداری ایجاد کنیم؟» روزنامه «هم‌میهن» در واکنش به سخنان وزیر آموزش و پرورش نوشته «با آنکه وزیر آموزش و پرورش از «برخورد غیرسیاسی با پدیده‌های تعلیم و تربیت» خبر می‌دهد، کارشناسان حوزه آموزش اقدامات او را به مسائل سیاسی گره می‌زنند و ادغام رشته‌های ریاضی، تجربی و انسانی و تغییر بسیار در محتوای کتاب‌های درسی را به نفع سیاست توصیف کرده‌اند.»

کانون صنفی معلمان ایران نیز در بیانیه‌ای به مناسبت «روز جهانی آموزش» نوشته که در ایران نیز عدم دسترسی به بسیاری از نیازهای اولیه و انسانی، از جمله آموزش رایگان و کیفی، جامعه را تحت تأثیر قرار داده است.

در این بیانیه آمده که متأسفانه حاکمیت سیاسی نه تنها به خطر افتادن صلح در سطوح منطقه‌ای و ملی را، که برآمده از این نگاه ایدئولوژیک است، جدی نمی‌گیرد بلکه با لجبازی در همین مسیر بر افزایش محتوای ایدئولوژیک تأکید می‌کند، در انتخاب مسئولان نخستین اولویت‌اش تبعیت از دیدگاه متصلب مسلط است و حتی برای برطرف کردن کمبود معلم به جذب گسترده طلبه‌ها و نیروهای جهادی روی آورده است...

کانون صنفی معلمان ایران همچنین هشدار می‌دهد که رویکردها و روش‌های اعمال شده در سطح سیاسی، اجتماعی و از همه زیانبارتر آموزشی، پایه‌های صلح در سطح ملی و منطقه‌ای را به خطر انداخته و تأکید می‌کند برای داشتن جامعه و مردمی صلح‌جو نیازمند آموزشی با گرایش‌های پررنگ انسانی، اخلاقی، عادلانه، در دسترس، رایگان و کیفی هستیم. داشتن چنین آموزشی سخت نیست اما نیاز به تغییرات اساسی نگاه در سطوح گوناگون حاکمیت دارد و خوشبختانه تجربه‌های موفق جهانی برای آن موجود است.



هادی موسوی نیک کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پاییز امسال با ارائه آماری اعلام کرد که «حدود یک و نیم میلیون کودک در معرض بازماندگی از تحصیل داریم. کسانی که از نظر مشخصات اقتصادی و اجتماعی آنها بیشترین شباهت با کودکان بازمانده از تحصیل را دارند. از نظر آموزشی و تبعیض آموزشی نیز سال گذشته، ۱۲ درصد قبولی‌های رتبه زیر ۳۰۰۰ کنکور فقط از مدارس دولتی بودند. ۸۴ درصد قبولی‌های رتبه زیر ۳۰۰۰ هم فقط از سه دهک بالای درآمدی بودند.»

او همچنین با اشاره به فقر گسترده در میان کودکان ایران گفته بود «۱۴ میلیون کودک در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که حداقل سبد غذایی (۲۱۰۰ کیلو کالری مورد تأیید بانک جهانی) را نمی‌توانند تأمین کنند.»

وزارت آموزش و پرورش به جای ایجاد سازوکارهای حمایتی از دانش‌آموزانی که به دلیل فقر و نبود امکانات در معرض ترک تحصیل هستند، با تمام توان به پیشبرد اهداف و برنامه‌های ایدئولوژیک در مدارس مشغول است.

در روزهای گذشته استخدام ۳۵۰۰ نفر طلبه و آخوند در روند استخدامی آموزش و پرورش به عنوان معلم خیرساز شد. با ایجاد موجی از انتقادات در اینباره علی‌فهرادی سخنگوی وزارت آموزش و پرورش مدعی شد که «روحانیون هیچ سهمیه‌ای در آزمون استخدامی ندارند. ما پس از برگزاری آزمون استخدامی متوجه شدیم که ۳۵۰۰ نفر از پذیرفته‌شدگان روحانی هستند.»

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در بیانیه‌ای هدف این استخدام آخوندها در آموزش و پرورش را «پاکسازی مدارس از نیروی آموزشی متخصص و جایگزینی آن با طلبه‌هایی» دانسته که «کمترین تخصصی در حوزه آموزش کودکان و نوجوانان» ندارند.

در بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان آمده است: «استخدام گسترده روحانیون در آموزش و

فداحسین مالکی نماینده مجلس با اعلام شناسایی ۱۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل در سیستان و بلوچستان تأکید کرده که «آموزش و پرورش می‌بایست آمار کودکان بدون شناسنامه را تحویل بدهد.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که استان‌های تهران، سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان غربی و خراسان رضوی بیشترین آمار بازماندگان از تحصیل و ترک تحصیل را دارند.

وزارت آموزش و پرورش بجای ایجاد ساز و کارهای حمایتی از دانش‌آموزانی که در معرض ترک تحصیل هستند، با تمام توان به پیشبرد اهداف و برنامه‌های ایدئولوژیک در مدارس مشغول است.

تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در ایران در حال افزایش است و آخرین آمارها از وجود ۱۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل فقط در استان سیستان و بلوچستان حکایت دارد. با وجود چنین بحران تکاندنده‌های وزیر آموزش و پرورش با دغدغه‌های ایدئولوژیک به دنبال ورود هر چه بیشتر آخوندها به بدنه آموزش و پرورش و فراگیری اجباری زبان عربی برای کودکان دبستانی است.

فداحسین مالکی عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی روز گذشته از وجود ۱۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل تنها در استان سیستان و بلوچستان خبر داد. بسیاری از کودکان بازمانده از تحصیل افرادی فاقد مدرک شناسنامه هستند. منابع حقوق بشری تعداد افراد شناسایی شده بدون مدارک هویتی را در استان سیستان و بلوچستان ۵۰۰ هزار نفر عنوان کرده که اکنون با توجه به سخنان فداحسین مالکی، ۱۰۰ هزار تن از آنها کودکانی هستند که از تحصیل هم بازمانده‌اند. این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «آموزش و پرورش می‌بایست آمار کودکان بدون شناسنامه را تحویل بدهد.»

هر چند دولت بطور رسمی آماری یکپارچه از کودکان بازمانده از تحصیل ارائه نمی‌دهد اما گزارش‌ها بیانگر افزایش شمار کودکان بازمانده از تحصیل در کشور در سالهای گذشته و با تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی خانوارها است.

فاروق اعظمی نماینده سیستان و بلوچستان در شورای عالی استان‌ها بیان امسال شمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در این استان را ۱۵۰ هزار نفر اعلام کرده و گفته بود: «سالانه ۳۰ درصد از دانش‌آموزان این استان به دلیل مشکلاتی مانند هزینه میلیونی سرویس مدارس مجبور به ترک تحصیل هستند. این تعداد دانش‌آموز هم به ۱۵۰ هزار بازمانده از تحصیل اضافه می‌شوند.»

برخی آمارهای دیگر نیز نشان می‌دهد ۹۱۱ هزار نفر در سن‌های شش تا ۱۷ سال در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ از تحصیل جاماندند. همزمان ۲۷۹ هزار دانش‌آموز نیز در این مدت ترک تحصیل کردند. آمارهای ارائه شده مختلف درباره کودکان بازمانده از تحصیل نشان می‌دهد در فاصله بین سال‌های تحصیلی ۹۴-۹۵ تا ۹۸-۹۹ حدود چهار میلیون و ۸۹ هزار نفر در ایران از تحصیل بازماندند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز سال گذشته در گزارشی اعلام کرد که استان‌های تهران، سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان غربی و خراسان رضوی بیشترین آمار بازماندگان از تحصیل و ترک تحصیل را دارند.

«خبرسازی» رسانه‌های حکومت درباره خروج ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف

پارمو و کنوانسیون تأمین مالی تروریسم را به تصویب برساند، اعلام کرد که این کشور در فهرست سیاه این گروه باقی می‌ماند. کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) در بیانیه‌ای اعلام کرده بود «با توجه به اینکه ایران نتوانسته است مقررات پارمو و کنوانسیون تأمین مالی تروریسم را مطابق استانداردهای اف‌ای‌تی‌اف به تصویب برساند، گروه ویژه اقدام مالی تعلیق اقدامات مقابله‌ای را بطور کامل لغو کرده و از اعضای خود می‌خواهد اقدامات موثر مقابله‌ای را مطابق توصیه‌ها به اجرا درآورند.» در پی نامه‌نگاری خاندوزی، مسعود دانشمند کارشناس و فعال اقتصادی که ریاست اتاق مشترک ایران و امارات را نیز برعهده داشته، گفته بود: «همینقدر که ما بالاخره وارد گفتگو با طرف مقابل شده‌ایم را من مثبت ارزیابی می‌کنم. اینکه آقای خاندوزی به این باور رسیده که عدم عضویت در FATF باعث و سبب بروز مشکل شده، یعنی بالاخره به این نتیجه رسیده که باید برای این مساله راهکاری بیابند.»

مسعود دانشمند افزوده بود که «بالاخره این نشانه‌ای از این مسئله است که باور کرده‌اند نیاز است که کشور از لیست سیاه FATF خارج شود. در شرایط فعلی اگر کشوری با ایران وارد تجارت و مراودات بانکی شود خود آن کشور نیز وارد لیست سیاه اف‌ای‌تی‌اف خواهد شد، بنابراین هیچ کشوری در دنیا دیگر تمایلی به همکاری با ایران نخواهد داشت و این صدمه سنگینی به تبادلات مالی و اقتصاد ایران وارد خواهد کرد. اکنون به نظر می‌رسد آقای خاندوزی متوجه این آسیب شده و حالا هم که متوجه این آسیب شده‌اند، این نامه را نوشته شده است. اما خب با توجه به رویکردی که نظام در این مورد دارد، برای این که دستکم وارد مساله شوند، اعتراض کرده‌اند که اساساً چرا در لیست سیاه هستند و به نظرم این شروع باب گفتگو در اینباره خواهد بود که مشکل را حل کنند.»

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی شاپور اهواز نیز با اشاره به اینکه «با بهترین زمان‌ها را برای مذاکره از دست داده‌ایم، اما هنوز دیر نشده» گفته بود که «مشکلات اقتصادی ماریشه‌های غیراقتصادی دارند نتیجتاً محدود به دولت نیستند، ما یک مجلس بسیار ناکارآمد با قوانین بسیار گیج‌کننده داریم، یک بروکراسی ناکارآمد داریم که ریشه آن در نوع انتصاب ناشایسته‌هاست. این عوامل اگر اصلاح نشود، اقدامات اقتصادی دولت تأثیر کوتاه‌مدت خواهد داشت. دولت اگر نخواهد به این ریشه‌ها بپردازد کاری از پیش نمی‌برد. در کوتاه‌مدت تا مسئله تحریم و اف‌ای‌تی‌اف حل نشود، دولت هیچ ابزاری برای کاهش تورم ندارد. در میان‌مدت و بلندمدت اگر قرار است این تورم دست از سر اقتصاد بردارد، باید در بخش‌های مدیریتی اقدامات ساختاری انجام شود؛ اما پرهزینه است.»

به گفته مرتضی افقه شاید در کوتاه مدت به دلایل سیاسی و به دلیل تنش‌های منطقه‌ای این روند انزوا برای کوتاه مدت قابل تحمل باشد، اما در طولانی مدت قابل پیش بینی بوده که به رغم ادعاهای مکرر این دولت که بدون FATF نیز می‌توانیم مراوده را ادامه بدهیم، اما خب این روند ناممکن است.»

به نظر می‌رسد کفگیر دولت سیزدهم به ته دیگ خورده و با توجه به معلق ماندن مذاکرات هسته‌ای راهی جز چنگ انداختن به خروج از فهرست سیاه کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) ندارد. در این میان حامیان دولت نیز با موج‌سازی کاذب و تبلیغات دروغ ادعای خروج ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف را مطرح کرده‌اند!



«اقدامات مضاعف» و علیه برخی کشورهای دیگر علاوه بر اقدامات مضاعف، اقدامات تقابلی نیز انجام دهند. نام ایران از سال ۲۰۰۷ در فهرست کشورهایی که باید علیه آنها اقدامات مضاعف و از سال ۲۰۰۹ در فهرست کشورهایی که باید علیه آنها اقدامات تقابلی انجام شود قرار داشته است. البته همانطور که همگان مطلع هستند در ژوئن ۲۰۱۶ و متعاقب تعهد سیاسی ایران به اجرای برنامه اقدام پیشنهادی گروه ویژه، ایران موقتاً از فهرست تقابلی تعلیق و به فهرست اقدام مضاعف منتقل شد و در فوریه ۲۰۲۰ این تعلیق برداشته شد. ایران برای خروج از شمول توصیه ۱۹ اقدامات مختلفی انجام داده که از جمله می‌توان به پذیرش برنامه اقدام پیشنهادی و برداشتن گام‌هایی در آن راستا اشاره نمود که پرحاشیه‌ترین آنها موضوع الحاق ایران به دو کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی (پارمو) بوده است.»

این کارشناس حوزه مبارزه با پولشویی افزوده که «همزمان ایران مشمول یک توصیه دیگر گروه ویژه - یعنی توصیه ۷- نیز بود که کمتر در رسانه‌ها به آن پرداخته شده است. اگرچه شمول این توصیه در ظاهر صرفاً شامل چند شخص حقیقی و حقوقی ایرانی می‌شد، اما در عمل حدود ۲۰۰ عضو شبکه جهانی گروه ویژه (که شامل کشورها و حوزه‌های قضایی مختلف است) هنگامی که مورد ارزیابی در خصوص اجرای توصیه‌های این گروه قرار می‌گرفتند، در ذیل توصیه ۷ ناگزیر بودند که نام ایران را ذکر کنند.» «خبرسازی» رسانه‌های حامی دولت با ادعای «خروج ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف» در پی نامه احسان خاندوزی به گروه ویژه اقدام مالی صورت گرفته است.

هفته گذشته احسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی اعلام کرد در نامه‌ای به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) خواستار آن شده است تا نام جمهوری اسلامی ایران از ذیل توصیه ۷ و سایر اسناد مرتبط این نهاد با قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد حذف شود. ژوئن امسال گروه ویژه اقدام مالی در بیانیه‌ای با بیان اینکه ایران نتوانسته مقررات

● خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته در گزارشی مدعی «موافقت FATF با حذف نام ایران از فهرست سیاه» شد.

● «خبرسازی» رسانه‌های حامی دولت با ادعای «خروج ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف» در پی نامه احسان خاندوزی به گروه ویژه اقدام مالی صورت گرفته است.

رسانه‌های حامی دولت در پی «تولید» دستاوردهایی به نام دولت به دروغ مدعی خارج کردن ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف شده‌اند. در حالی که از روز گذشته رسانه‌های حامی دولت رئیسی خبرهایی با تیتیر «خروج ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف» منتشر می‌کنند، وزیر اقتصاد گفته جمهوری اسلامی از ذیل بند ۷ گروه ویژه اقدام مالی خارج شده است. از جمله خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته در گزارشی مدعی «موافقت FATF با حذف نام ایران از فهرست سیاه» شد.

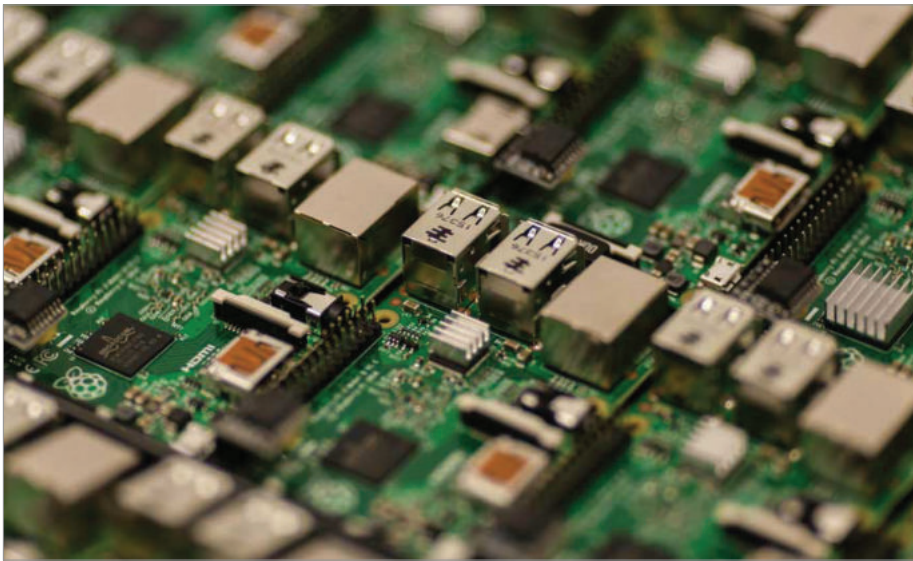
احسان خاندوزی وزیر اقتصاد اما اعلام کرده که «پس از پذیرش اعتراض حقوقی ایران از طرف FATF، طی ایمیلی به تمام کشورهای عضو اعلام شد که جمهوری اسلامی از ذیل بند ۷ گروه ویژه اقدام مالی خارج شد.»

خروج از «ذیل بند ۷» اما به معنای خروج از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف نیست؛ به همین دلیل احسان خاندوزی تأکید کرده که «رفتار سیاسی و غیرفنی گروه ویژه اقدام مالی (FATF) همچنان درباره ایران باقی است.»

احسان خاندوزی در توضیحاتش گفته که «گروه ویژه دو دسته اقدام علیه ایران انجام داده که یکی لیست سیاه بود که همچنان ادامه دارد. اقدام دوم هم متکی بر قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران بود که در قالب توصیه‌های موسوم به بند ۷ انجام می‌شد و به کشورهای عضو درباره اموال و دارایی‌های ایران توصیه‌هایی می‌شد.» وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی افزوده که «از همراه با خاتمه یافتن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل باید این توصیه‌های گروه FATF علیه ایران هم به پایان می‌رسید اما توصیه‌های این گروه در آبان ماه نشان داد که این گروه همچنان محدودیت‌ها علیه ایران را حفظ کرده است و ما اعتراض کردیم.» «بسیار» «دنیای اقتصاد» نیز در گزارشی نوشته که «خروج ایران از شمول توصیه ۷ می‌تواند وضعیت کشور در این حوزه را تا حدودی بهبود بخشد و سنگ بنای احتمالی تعامل بیشتر ایران با FATF شود. البته محدودیت‌های مربوط به توصیه ۷ گروه ویژه اقدام مالی ارتباطی با محدودیت‌های مربوط به لیست سیاه FATF ندارد.»

فاطمه مهجوریان کارشناس حوزه مبارزه با پولشویی نیز در کانال تلگرامی خود با ارائه توضیحاتی نوشته که «توصیه‌های گروه ویژه، به‌خصوص توصیه ۷، صرفاً به موضوع تحریم‌های مالی هدفمند می‌پردازد. به موجب این تحریم‌ها، کشورها (به ویژه موسسات مالی و مشاغل و حرفه‌های غیر مالی تعیین شده) مکلفند بدون تأخیر وجوه و دیگر دارایی‌های اشخاص و نهادهای تعیین شده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد را ضبط نموده و اطمینان حاصل کنند که به هیچ وجه با دارایی بطور مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار این افراد (یا به نفع آنها) قرار نگیرد.» فاطمه مهجوریان در ادامه نوشته که «تا پیش از این در دو نقطه، ایران در تقابل رو در رو با گروه ویژه قرار داشت. یکی از آنها، توصیه ۱۹ گروه ویژه اقدام مالی است که به موجب آن گروه ویژه از کشورها می‌خواهد علیه برخی کشورها

محدودیت های شرکت های آی تی بیشتر شد؛ کاهش ۸۵ درصدی مجوز واردات کالاهای آی تی



ایران بازمی گردند. فرخ شهابی بنیانگذار و مدیرعامل استارت آپ استودیو بین المللی «ایده ران» و «فرمالو» از جمله تیم های استارت آپی بود که خیلی زودتر و بعد از اولین قطع شدن اینترنت، یعنی آبان ۱۳۹۸ به فکر انتقال کسب و کارش به کشوری دیگر افتاد. در نهایت او استونی را به خاطر داشتن بوروکراسی کمتر نسبت به آلمان انتخاب کرد.

شهابی در پاسخ به اینکه آیا تمایل به بازگرداندن کسب و کارش به ایران دارد، به «دنیای اقتصاد» گفته بود تا وقتی کسی بتواند با یک دکمه کل اینترنت را قطع کند و از طرفی ارتباط یک کسب و کار با جهان به دلیل تحریم و البته خودتحریمی قطع باشد، ایجاد کسب و کار اینترنتی در ایران معنای چندانی ندارد. ناصر غانم زاده که یک سال پیش از ایران مهاجرت کرده مشکلات ادامه فعالیت در ایران را بی شمار دانسته و گفته بود: «کسی که در ایران بخواهد به معنای واقعی کارآفرینی کند باید در ۲۰ جبهه بجنگد، اینترنت ندارد، نیرو ندارد، بیمه برای او مانع تراشی می کند، مالیات جلوبیش را می گیرد، ثبات اقتصاد کلان نداریم... همیشه از این حرف می زنیم که چرا کسی در کشور سرمایه گذاری نمی کند؟ واقعا چرا باید کسی در این بخش سرمایه گذاری کند وقتی اقتصاد کشورمان ثبات ندارد؟» بهزاد سیفی مدیرعامل استارت آپ استودیو «هلثیو» که ساکن کاناداست با بیان اینکه سقف ایران برای گسترده کردن فعالیت یک استارت آپ کوتاه است گفته بود: «در بهترین حالت شما به عنوان یک کسب و کار خیلی سخت هم تلاش کنید، تبدیل به دیجی کالا یا اسنپ می شوید. این به معنی کوچک بودن این شرکت ها یا ضعیف بودن آنها نیست، بلکه این استارت آپ ها به خاطر مشکلات تحریمی و چالش های ارتباطات ایران با کشورهای خارجی، نمی توانند بلندپروازانه فکر کنند و وارد ارتباط با بازارهای بین المللی شوند.» قطع و محدودیت های اینترنت سال هاست در دستور کار جمهوری اسلامی قرار دارد اما از شهریور سال گذشته و با آغاز اعتراضات جنبش ملی، قطع و فیلترینگ بی سابقه اینترنت آغاز و همچنان به اشکال مختلف ادامه دارد. این روند سرکوبگرانه خسارات زیادی به کسب و کارهای اینترنتی و استارت آپ ها وارد کرده است.

گزارش ها از نامیدی فعالان کسب و کارهای مجازی برای ادامه فعالیت در ایران و تصمیم به مهاجرت برخی از آنها حکایت دارد. در آنسو بسیاری از کشورها با آغوش باز و ارائه بسته های تشویقی از کارآفرینان و ایده پردازان کسب و کارهای اینترنتی استقبال می کنند. در اطراف ایران نیز کشورهایی چون ترکیه، امارات و قطر بر توسعه کسب و کارهای اینترنتی و جذب نخبه ها و کارآفرینان این حوزه سرمایه گذاری کرده اند.

گرفته تا سایر حوزه های خدماتی نیاز مبرمی به اقلام آی تی دارند این در حالی است که اعمال محدودیت ها در ایران سبب می شود اقلام به روز با هزینه های سرسام آوری وارد کشور شود، با وجود گوشه دارها اقلام تجار آی تی در گمرک خاک می خورند و گمرک اجازه ترخیص این کالاها را به صاحبان آنها نمی دهد.» اینهمه در حالیکه کارخانه صنایع مخابرات راه دور ایران (ITI) به عنوان شرکت مادر تخصصی در زمینه تولید زیرساخت های مخابراتی که در سال ۱۳۵۳ با همکاری شرکت NEC ژاپن در شیراز شروع به فعالیت کرد و بیشتر مراکز مخابراتی با نصب رادیوهای تولیدی این شرکت ارتباطات مخابراتی میان شهری تجهیز شد اما در سال ۸۳ به مزایده گذاشته شد و با ۱۶۰۰ کارگر در تیرماه سال گذشته به بخش خصوصی واگذار گشت. آنهم در شرایطی که با خصوصی شدن این کارخانه، کارگران برای دریافت مطالبات شان کماکان مشکلات زیادی دارند. در اردیبهشت ۱۴۰۲ خبرگزاری ایلنا نوشت: «۱۲۰ نفر از بازنشستگان آی تی آی بدون دریافت مطالبات شان فوت کردند، ۱۳۰۰ بازنشسته نیز همچنان چشم به راه دریافت مطالبات شان هستند.»

از سوی دیگر به ویژه در چهار سال گذشته موج مهاجرت به جریان قدرتمندتری در بین کسب و کارها و مدیران ارشد شرکت ها تبدیل شده؛ موجی که در میان فعالان اکوسیستم استارت آپ ایران خروشان تر از دیگر گروه های جامعه در جریان است. روزنامه «دنیای اقتصاد» در ۱۱ شهریور در این زمینه گزارشی منتشر کرد. در بخشی از این گزارش به نقل از مدیر رصدخانه مهاجرت ایران آمده بود طبق آمار اعلامی نیروهای کلیدی و متخصص ۶۷ درصد شرکت های دانش بنیان، وارد فرآیند مهاجرت شده اند.

مدیر رصدخانه مهاجرت ایران سال گذشته و در مراسم رونمایی از گزارش «سالنامه مهاجرتی ایران» گفته بود که شیوه استارت آپ یکی از روش های نوین مهاجرت و دریافت ویزاست. به گفته بهرام صلواتی، ۸۰ ویزا در سال ۲۰۲۱ از سوی کانادا و ۳۰ ویزا توسط انگلستان برای استارت آپ های ایرانی صادر شده است که این آمار در سال ۲۰۲۲ به ترتیب به ۱۴ و ۳۰ ویزا رسید. در مقابل این خبرها اما روح الله دهقانی فیروزآبادی، معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری چند ماه پیش در گفتگو با خبرگزاری فارس اعلام کرده بود: «ما بیچاره ننشستیم که سایرین، شرکت های دانش بنیان ما را از ریشه دریاورند و به کشور خودشان ببرند.» او مهاجرت تیم های استارت آپی به کشورهای دیگر را پدیده ای طبیعی دانسته بود که فقط در ایران رخ نمی دهد، وی تاکید کرده بود که این تیم ها بعد از مهاجرت به

● رئیس اتحادیه فناوران رایانه تهران: «دولت با اعمال چنین محدودیت هایی ناهماهنگی هایی را برای این فعالان اقتصادی ایجاد می کند که باعث دلسردی آنها در ادامه مسیر می شود. البته دلسردی واردکنندگان و کوچ سرمایه های آنها به کشورهای ثالث یکطرف ماجراست. چنین برخوردهایی از سوی دولتمردان در نهایت سبب بی اعتباری تجار ایرانی در کشورهای دیگر می شود.»

● طع و محدودیت های اینترنت سال هاست در دستور کار جمهوری اسلامی قرار دارد اما از شهریور سال گذشته و با آغاز اعتراضات جنبش ملی، قطع و فیلترینگ بی سابقه اینترنت آغاز و همچنان به اشکال مختلف ادامه دارد. این روند سرکوبگرانه خسارات زیادی به کسب و کارهای اینترنتی و استارت آپ ها وارد کرده است.

وزارت صمت از ۱۹ آذرماه تا کنون ثبت سفارش و مجوز واردات کالاهای آی تی را ۸۵ درصد کاهش داده است. چنانچه محدودیت های واردات اقلام آی تی ادامه داشته باشد تعداد قابل توجهی از شرکت ها ورشکسته و تعطیل خواهند شد و فعالان اقتصادی این حوزه مجبورند سرمایه خود را به کشورهای همسایه انتقال دهند.

وبسایت «جریان نو» روز یکشنبه یکم بهمن با اعلام این مطلب به نقل از رئیس اتحادیه فناوران رایانه تهران نوشت: «اخیرا وزارت صمت ورود اقلام آی تی را که در این شرایط تحریمی به سختی وارد کشور می شود محدود کرده است. درواقع تجار از طریق شرکت های خارجی خود اقلام به روز دنیا را برای مردم ثبت سفارش می کنند اما به یکبار سقف ثبت سفارش اکثر تجار کالاهای آی تی در ایران محدود می شود.»

محمدرضا فرجی تهرانی با بیان اینکه این سنگ اندازی ها و مختل کردن فعالیت تجار باعث ورشکستگی شرکت های بزرگ آی تی خواهد شد افزود: «واردکنندگان آی تی برای اینکه اقلام به روز این صنف را در شرایط تحریمی وارد کشور کنند از شرکت های مادر نمایندگی گرفته و پای شرکای تجاری خود مثل شرکای دوبی، بحرینی و قطری را برای سفارش کالا به میان می کشند اما دولت با اعمال چنین محدودیت هایی ناهماهنگی هایی را برای این فعالان اقتصادی ایجاد می کند که باعث دلسردی آنها در ادامه مسیر می شود. البته دلسردی واردکنندگان و کوچ سرمایه های آنها به کشورهای ثالث یکطرف ماجراست. چنین برخوردهایی از سوی دولتمردان در نهایت سبب بی اعتباری تجار ایرانی در کشورهای دیگر می شود.»

به گفته فرجی تهرانی، مصرف اقلام آی تی در تمام کشورها سیر صعودی دارد: «در کشور ما هم از مدارس و ارگان های پژوهشی



تداوم تورم مسکن و بحران عمیق خانوارهای مستأجر برای یافتن سرپناه

مسکن با افزایش دستمزدها نشان می‌دهد که هر ساله شمار مستأجرانی که رویای خرید خانه را به فراموشی سپرده و از صاحبخانه شدن ناامید می‌شوند افزایش می‌یابد.

بحران تهیه سرپناه به بحرانی جدی برای بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد و مستأجر تبدیل شده است. نتایج نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران در تیر ماه ۱۴۰۰ نشان می‌دهد، ۶۸/۱ درصد از شهروندان در سطح ملی «کاملاً» و «زیاداً» و ۱۱/۶ درصد «تا حدی» در خصوص مسکن و تأمین اجاره آن در آینده نگران هستند.

بحران گرانی مسکن در کنار تورم در دیگر بخش‌های اقتصاد کشور نشان می‌دهد که جامعه ایران به طور متناوب در گرداب فقر فرو می‌روند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده است که طی یک دهه اخیر، نرخ فقر در کشور از ۱۹ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است؛ بنابراین با توجه به جمعیت کشور، بیش از ۳۰ میلیون ایرانی زیر خط فقر هستند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خردادماه امسال نیز اعلام کرد که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، حدود ۱۱ میلیون نفر به جمعیت فقیر ایران اضافه شده است. بر اساس این گزارش نرخ فقر از سال ۱۳۸۵ در ایران روند فزاینده‌ای داشته و از سال ۱۳۹۷ به بعد به بالای ۳۰ درصد رسیده است که به معنای قرار گرفتن نزدیک به یک سوم جمعیت کشور در زیر خط فقر است.

وضعیت زندگی خانوارهای کم‌درآمد به حدی بحرانی شده که حتی مقامات حکومتی نیز نسبت به آن واکنش دارند. محسن پیرهادی نایب رئیس کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه در مجلس شورای اسلامی امرداد امسال گفته بود که «سقوط اقتصادی برخی اقشار جامعه در یک دهه اخیر به رشد حاشیه‌نشینی، افزایش آمار اعتیاد، فساد، افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ و زنانه شدن چهره آسیب‌های اجتماعی و پیامدهای دیگر منجر شده است.»

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی و به ویژه دولت به عنوان دستگاه اجرایی حکومت نتوانسته راهکاری برای مهار بحران مسکن در کشور، و یا حمایت از اقشار مستأجر، ارائه و اجرایی کند. بیش از دو دهه است طرح ساخت مسکن ارزان از سوی دولت‌های مختلف و با عنوان متفاوت ارائه و اجرایی شده اما این طرح‌ها یکی پس از دیگری شکست خورده است؛ از «مسکن مهر» که در دولت محمود احمدی‌نژاد اجرایی شد تا طرح «نهضت ملی مسکن» که توسط دولت ابراهیم رئیسی تصویب و اجرایی شده اما با گذشت بیش از دو سال نتوانسته وادهایی را به متقاضیان تحویل دهد!

بسیار سخت‌تر شده به طوری که صاحبخانه‌ها به دنبال اجاره مسکن خود با پیش کمتر و اجاره بالا هستند. به دلیل نبود تضمین تثبیت سود بانکی، کمتر صاحب خانه‌ای مبلغ پیش‌اجاره را مطالبه می‌کند چراکه دریافت اجاره ماهانه برای آن‌ها مقرون به صرفه‌تر است. به گفته هادی سرخوش، مبلغ پیش‌اجاره خانه هر ماه بی‌ارزش‌تر از ماه قبل می‌شود و در نهایت در زمان یکسال بیش از ۱۰ درصد از ارزش پول کاسته می‌شود و این برای مردم خیلی زیاد و نگران‌کننده است.

در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» مهرماه امسال در گزارشی اعلام کرد که «تاب‌آوری بسیار پایین مستأجرها برابر مبالغ اجاره سال گذشته، در سال جاری باعث حرکت دومینویی از مناطق یا محله‌های بالاشهر به سمت مناطق متوسط و پایین شده است.»

بر اساس گزارش دیگری که از سوی «دنیای اقتصاد» درباره تورم اجاره‌بها منتشر شده است، مستأجرهای دهک متوسط رو به بالا در فکر «جابه‌جایی به مناطق پایین» هستند چون اغلب آنها «توان پرداخت مبالغ اجاره ۱۴۰۱» در سال جاری را ندارند. آمار افزایش قیمت‌ها در بازار مسکن نشان می‌دهد میزان تورم در این بازار از تورم عمومی اقتصاد بالاتر است. در آبان امسال متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی برابر ۷۵ میلیون و ۷۰ هزار تومان است که در مقایسه با آبان سال گذشته ۶۲/۲ درصد افزایش یافته است.

بررسی آمارها نشان می‌دهد اجاره مسکن در شهر تهران در آبان نسبت به مهرماه دو درصد و در کل مناطق شهری سه درصد افزایش داشت. رشد نقطه به نقطه اجاره بها شهر تهران در آبان‌ماه نسبت به ماه قبل ۵۱/۶ درصد و در کل مناطق شهری ۵۷/۷ درصد است.

وبسایت «نود اقتصادی» نیز در گزارشی اعلام کرده که طی ۱۵ سال گذشته قیمت مسکن بیش از ۴۵ برابر شده در حالیکه در این مدت دستمزدها تنها ۲۰ برابر افزایش یافته است. این گزارش با استناد به آمارهای بانک مرکزی ایران نوشته که از پاییز سال ۱۳۸۸ تا آذرماه ۱۴۰۲ قیمت مسکن در شهر تهران به‌طور متوسط ۴۵/۵ برابر شده است.

از سوی دیگر طی این ۱۵ سال، بالاترین جهش قیمتی مسکن مربوط به مناطق ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ به ترتیب با ۵۶/۴ برابر، ۵۵/۶ برابر، ۵۳/۸ برابر، ۵۱/۳ برابر و ۵۰/۸ برابر بوده است. «نود اقتصادی» نوشته قابل ذکر است افزایش ۴۵ برابری قیمت مسکن در شهر تهران طی ۱۵ سال گذشته در حالیست که طی این مدت حداقل دستمزد در کشور تنها ۲۰ برابر افزایش یافته است. عدم تناسب افزایش قیمت‌ها در بازار

● در شرایطی که زمستان معمولاً فصل جابجایی مستأجران نیست اما افزایش قیمت واحدهای اجاره‌ای در دی‌ماه هم ادامه داشته و دست‌کم ۱۰ درصد بر قیمت‌ها افزوده شده است. ● افزایش ۴۵ برابری قیمت مسکن در شهر تهران طی ۱۵ سال گذشته در حالیست که طی این مدت حداقل دستمزد در کشور تنها ۲۰ برابر افزایش یافته است.

افزایش قیمت‌ها در بازار مسکن ادامه دارد و مستأجران نه تنها قدرت خرید خانه را ندارند بلکه با توجه افزایش قیمت اجاره‌بها طی ماه‌های پیش رو، نگران داشتن سرپناهی در سال آینده هستند.

بیش از ۲۴ میلیون نفر در کشور، مستأجرند و نیمی از جمعیت تهران را نیز مستأجران تشکیل می‌دهند. برنامه‌های دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی طی ربع قرن اخیر برای خانه‌دار کردن مستأجران پی در پی با شکست روبرو شده و به دلیل تورم فزاینده اجاره‌بها، خانوارهای مستأجر حتی در پرداخت هزینه مسکن اجاره‌ای نیز با بحران روبرو هستند.

در شرایطی که زمستان معمولاً فصل جابجایی مستأجران نیست اما افزایش قیمت واحدهای اجاره‌ای در دی‌ماه هم ادامه داشته و دست‌کم ۱۰ درصد بر قیمت‌ها افزوده شده است. وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی به وضعیت مستأجران با توجه به پیش‌بینی افزایش اجاره‌بهای مسکن در سال جدید پرداخته است. در این گزارش آمده که تحلیلگران بازار مسکن معتقدند بازار مسکن هیچ‌گاه براساس قانونی که در راستای تعیین نرخ اجاره از سوی دولت وضع می‌شود، حرکت نمی‌کند. بلکه ملاک تعیین قیمت اجاره مسکن نرخ تورمی است که مردم در جامعه احساس می‌کنند. با وجود آنکه رکود عمیقی در این بخش حاکم است، قیمت‌ها همچنان بالا می‌رود و این در حالی است که قیمت‌های جدید هیچ تناسبی با توان خرید مردم ندارد.

حسین عبده تبریزی کارشناس اقتصادی در گفتگو با «اقتصاد ۲۴» با اشاره به اینکه افزایش گردش نقدینگی در اقتصاد با قدرت نقدینگی مردم در ارتباط است گفته است: بازگشت قیمت‌ها در بازار مسکن به سوی کاهش تورم نیازمند جریان تورم پیش‌خور شده است، یعنی اینکه علاوه بر تقویت قدرت مالی مردم به عنوان متقاضیان اصلی این بازار باید شرایط در بازار مسکن به سمت خروج از رکود در معاملات بازگردد.

هادی سرخوش فعال بازار مسکن هم گفته که «هنوز بازار جابجایی‌های پایان سال آغاز نشده، اما رشد ۱۰ درصدی اجاره‌بها در دی‌ماه بسیار نگران‌کننده شده است. این فعال بازار مسکن افزوده که «امسال شرایط اجاره مسکن

قیمت دلار دوباره وارد کانال ۵۴ هزار تومان شد کارشناسان از دلار ۶۰ هزار تومانی می‌گویند



● امروز از نخستین ساعات آغاز به کار بازار قیمت دلار با ۴۰۰ تومان افزایش در نیمروز دوشنبه به ۵۴ هزار و ۱۰۰ تومان رسید.

● کارشناسان افزایش تقاضا برای ارز در فصل زمستان را عامل دیگری می‌دانند که می‌تواند قیمت ارز را تا پایان سال همچنان بالا نگه دارد.

● سجاد بوربور کارشناس اقتصادی معتقد است که دیگر فنر فشرده‌ای وجود ندارد و تا پایان سال اگر شرایط به همین شکل باشد دلار به ۶۰ هزار تومان خواهد رسید.

قیمت دلار امروز دوشنبه دوم بهمن‌ماه برای دومین بار طی هفته گذشته وارد کانال ۵۴ هزار تومان شد. کارشناسان با توجه به شرایط اقتصادی کشور رسیدن قیمت دلار به ۶۰ هزار تومان تا پایان سال را محتمل می‌دانند.

قیمت ارز در ایران از هفته دوم دی‌ماه و پس از انفجارهای ۱۳ دی کرمان در سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی، صعودی شد و با حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خاک عراق، سوریه و پاکستان، و پاسخ موشکی پاکستان در هفته گذشته قیمت دلار وارد کانال ۵۴ هزار تومان شد.

طی سه روز گذشته قیمت دلار در بازار آزاد در کانال ۵۳ هزار تومان باقی مانده بود اما امروز از نخستین ساعات آغاز به کار بازار قیمت دلار با ۴۰۰ تومان افزایش در نیمروز دوشنبه به ۵۴ هزار و ۱۰۰ تومان رسید.

کارشناسان هرچند اقدامات تنش‌زای جمهوری اسلامی در کشورهای همسایه را عامل محرک بازار ارز ارزیابی می‌کنند اما افزایش تقاضا برای ارز در فصل زمستان را نیز عامل دیگری می‌دانند که می‌تواند قیمت ارز را تا پایان سال همچنان بالا نگه دارد.

کارشناسان اقتصادی همچنین معتقدند که بانک مرکزی با ترندهای مختلفی از جمله ارزیابی تلاش کرده در ماه‌های گذشته قیمت ارز را ثابت و کمتر از نرخ واقعی نگه دارد؛ این سیاست ارزی اما پایدار نبوده و در حال حاضر قیمت‌ها در بازار به قیمت واقعی دلار نزدیک می‌شوند.

در همین رابطه سجاد بوربور کارشناس مسائل ارزی با بیان اینکه «نرخ کنونی دلار همان ارزش واقعی آن است» گفته «در سال گذشته یک جایی دلار حدود ۲۵ هزار تومان بود همان موقع ارزش ذاتی دلار ۳۵ هزار تومان تخمین زده می‌شد و پیش‌بینی شده بود تا پایان سال به ۴۲ هزار تومان برسد. به عبارتی قیمت اعلامی زیر ارزش بود و در مقابل ارزش واقعی و پیش‌بینی‌ها خیلی بیشتر بود، یعنی یک فاصله عجیب و غریبی وجود داشت.»

این کارشناس اقتصادی افزوده که «وقتی به ۱۴۰۲ رسیدیم، دلار بیشترین رشد خودش را در سال قبل کرده بود و روی ۵۰ هزار تومان قرار داشت. از همین رو با اندازه‌گیری میزان رشد نقدینگی که ما از مسیر بررسی بودجه کشور به آن رسیدیم، پیش‌بینی می‌شد که دلار حدوداً ۶۰ هزار تومان بشود. الان در حالی که ماه یازدهم (بهمن ماه) رسیدیم که دلار از ۵۰ هزار به حدود ۵۴ یا ۵۴ هزار تومان رسیده است؛ یعنی جایی که ارزش واقعی دلار است و به عبارتی قیمت و ارزش دلار در حال حاضر تفاوتی ندارند.»

سجاد بوربور معتقد است که «دیگر فنر فشرده‌ای وجود ندارد و تا پایان سال اگر شرایط به همین شکل باشد دلار به

۶۰ هزار تومان خواهد رسید.»

در نظر داشت. این کارشناس اقتصادی تأکید کرده که «به نظر می‌رسد دلار تا پایان بهار ۱۴۰۳ این محدوده را دیده و در قیمت ۶۰ هزار تومانی تثبیت شود. مگر اینکه فروش نفت بالا برود و ارزهای جدید وارد کشور شوند.»

کامران ندی اقتصاددان نیز به دولت توصیه کرده که برای پایین نگه داشتن نرخ ارز، اینقدر در بازار دلار نپاشید؛ به زودی به بحران خواهید خورد.

بر اساس تحلیل ارائه شده از سوی کامران ندی، «ثبیت نرخ ارز در بازار آزاد می‌تواند در کاهش انتظارات تورمی موثر باشد و اتفاقاً انتظار می‌رفت که در مقایسه با سایر برنامه‌های دولت سریع‌تر روی نرخ تورم تأثیر بگذارد. در مقطع کنونی، به‌رغم موفقیت چندماهه بانک مرکزی در تثبیت نرخ ارز، برخلاف انتظار، به نظر می‌رسد این برنامه نسبت به دوره‌های قبلی تثبیت در گذشته، تأثیر کمتری بر انتظارات تورمی و در نهایت کنترل تورم داشته است.»

اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد برخلاف ادعاها، منابع ارزی در دست بانک مرکزی نیز به میزانی نیست که بتواند تقاضا در بازار آزاد را مدیریت کند. از جمله بدهی دولت به صندوق توسعه ملی بیانگر عمق بحران در دولت است. ناصر موسوی لارگانی نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که وضعیت صندوق توسعه ملی خوب نیست. دولت‌ها به تعهدات خود عمل نکردند به طوری که دولت نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار بدهی به صندوق توسعه ملی دارد.

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که «قرار بود سهم ۲۰ درصدی دولت در سال گذشته مبنی بر منابع حاصل از فروش منابع نفتی به صندوق توسعه ملی واریز شود که اتفاق رخ نداد. از طرف دیگر طبق قانون باید سالانه دو درصد به سهم صندوق توسعه ملی از محل درآمدهای نفتی اضافه شود که این اتفاق هم نیفتاده است.»

ناصر موسوی لارگانی تأکید کرده که صندوق توسعه ملی برای حمایت از بخش خصوصی و حمایت از تولید تشکیل شده است و باید بخش خصوصی از منابع صندوق استفاده کند.

او توضیح داده که «نقدینگی کل کشور تا پایان سال به حدود ۸ هزار و ۲۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد و با یک رشد اقتصادی ناپایدار ۳.۵ تا ۴ درصدی دلار را بین ۵۸ تا ۶۰ هزار تومان می‌بینم. مگر اینکه اتفاق خاصی بیفتد که در این صورت دلار تا ۷۰ هزار تومان هم خواهد رفت.»

کیا داوود اسفندیاری تحلیلگر اقتصادی نیز در گفتگو وبسایت «اقتصاد ۲۴» پیش‌بینی قیمت ۵۵ تا ۶۰ هزار تومان را برای دلار تا پایان سال داشته و ارزش واقعی دلار را نیز تا ۶۸ هزار تومان ارزیابی کرده است.

کیا داوود اسفندیاری گفته که «ارزش ذاتی دلار را همواره می‌توان حدس زد. همان الگویی که به الگوی فندامنتال معروف است یا اسم‌های دیگری برای آن می‌گذارند. رسیدن به ارزش ذاتی دلار، روش‌های مختلفی دارد. یکی از آن‌ها برابری قدرت خرید است، یکی هم الگوهای اقتصادسنجی است. الگوهای ساده‌تری نیز وجود دارد. مثلاً بر اساس مابه‌التفاوت تورم کشور و تورم دلار و تناسب آن با رشد اقتصادی، ارزش ذاتی را می‌سنجند. اما با محاسبه‌های برابری قدرت خرید، عددی که در اسفند ۱۴۰۲ نشان می‌دهد، عددی حدوداً بین ۶۱-۶۲ تا ۶۷-۶۸ هزار تومان ارزش ذاتی آن خواهد بود.»

مجتبی دیبا کارشناس اقتصادی و تحلیلگر بازارهای مالی نیز به وبسایت «تجارت نیوز» گفته که «هفته گذشته، مقاومت ۵۲ هزار و ۳۰۰ تومانی اسکناس آمریکایی متأثر از سیگنال‌های نامساعد سیاسی شکسته شد و پولبک کندل در این فضا صورت گرفت. در مرحله بعد، سقف مقاومت ۵۳ هزار و ۵۰۰ تومانی شکسته شد که هدف مقاومتی بعدی آن، می‌تواند قیمت ۵۵ هزار و ۷۰۰ تومانی باشد.»

مجتبی دیبا افزوده که «دیگر نمی‌توان برای این اسکناس محدوده ۵۰ و ۵۱ هزار تومانی را در نظر داشت. فضای قیمتی جدید و تعادلی در منطقه ۵۲ هزار تومانی شکل گرفته است. به نظر می‌رسد تا زمان برگزاری انتخابات و سال آینده کف قیمت دلار در محدوده ۵۲ هزار تومانی تثبیت شود. اما شکست محدود ۶۰ هزار تومانی را نیز می‌توان

افزایش هشت میلیون تومانی حقوق کارکنان وزارت کشور کارگران با درآمدهای ناچیز در قعر خط فقر

دستمزد، در صورتیکه یک کارگر همه مزایای شغلی را هم دریافت کند، حدود ۸/۵ میلیون تومان می‌شود. این در حالیست که رقم ماهانه هزینه زندگی در نیمه سال دست‌کم ۳۰ میلیون تومان برای یک خانواده سه تا چهار نفره برآورد شده بود. رقم ماهانه زندگی برای یک خانواده سه تا چهار نفره در حال حاضر ۴۰ میلیون تومان برای ساکنان شهرهای بزرگ ارزیابی می‌شود.

در چنین شرایطی جلسات امسال کمیته دستمزد برای تعیین رقم حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۳ نیز بیانگر مخالفت شدید دولت با افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم و هزینه‌های زندگی است. منابع کارگری معتقدند اگر قرار باشد سال آینده حداقل دستمزد کارگران به رقم خط فقر امسال برسد، باید در سال آینده دستمزدها بیش از ۲۰۰ درصد نسبت به امسال افزایش پیدا کند.

در همین رابطه عبدالله وطنخواه فعال کارگری پیشتر به خبرنگاری «ایلنا» گفته بود که «کارگران دو یا سه بار زیر خط فقر زندگی می‌کنند و دیگر با روزی ۸ یا حتی ۱۲ ساعت کار کردن نمی‌توانند سفره‌ی خانواده‌ی خود را تامین کنند»، ارائه‌ی پیشنهاد افزایش ۱۸ و ۲۰ درصدی حقوق‌ها در سال آینده از سوی دولت، نشانه‌هایی از بدتر شدن اوضاع است آنگونه که به قول وطنخواه «خرید نان و تخم مرغ هم برای مزدبگیران دشوار خواهد شد؛ به عبارتی فرد شاغل باید هفته‌ای ۵۰ یا ۶۰ ساعت کار کند تا فقط اجاره خانه بدهد و نان خالی بخرد و به خانه برسد...»

به گفته این فعال کارگری «دولت معمولاً با اعدادی حول و حوش اقلام پیشنهادی بودجه به نشست‌های مزدی شورایی عالی کار می‌آید؛ کارگران نیز توان چانه‌زنی آزادانه و قدرتمند ندارند؛ در چنین شرایطی افزایش ۲۰ درصدی مستمری بازنشستگان و ۱۸ درصدی حقوق شاغلان، نشانه‌ای از تلاش هرچه بیشتر برای حقوق‌زدایی از طبقه‌ی کارگر و سلب حداقل‌های قانونی‌ست و وقتی این اعداد لایحه‌ی بودجه را کنار افزایش سن و سابقه بازنشستگی قرار می‌دهیم، تازه خوب متوجه می‌شویم که چه خوابی برآیمان دیده‌اند...»

عبدالله وطنخواه تأکید کرده بود که «اگر حداقل مزد و مستمری را در سال جاری حدود ۹ میلیون تومان در نظر بگیریم، با افزایش ۲۰ درصدی پیشنهادی دولت، رقم دستمزد سال آینده به ۱۱ میلیون تومان هم نمی‌رسد؛ امروز خط فقر به خصوص در کلانشهرها حداقل ۲۵ میلیون تومان است و حالا اگر فرض کنیم -فرض تقریباً محال- که هزینه‌های زندگی و خط فقر تا سال بعد ثابت می‌ماند، با افزایش ۲۰ درصدی، مزد و مستمری ۱۱ میلیون تومانی، فقط ۴۴ درصد خط فقر (درواقع خط فقر امسال) خواهد بود.»

خبرگزاری «ایلنا» تأکید کرده بود که به عبارت درست‌تر، در سال‌های اخیر آن‌چنان عقب‌افتادگی و سرکوب مزدی داشته‌ایم که اگر قرار باشد سال آینده حداقل مزد و مستمری به خط فقر امسال برسد، باید رقم افزایش بیش از ۲۰۰ درصد باشد؛ نقطه عطف عقب‌افتادگی دستمزد، در مذاکرات مزدی ۱۴۰۲ اتفاق افتاد؛ تورم حداقل ۵۰ درصد و افزایش حداقل دستمزد فقط ۲۷ درصد. چنین سناریویی اگر سال آینده تکرار شود، دیگر هیچ زمان دستمزد کارگران و مستمری بازنشستگان به نصف خط فقر هم نخواهد رسید.



دولت برای افزایش حقوق در لایحه بودجه ۱۸ درصد بود که مجلس آن را کافی ندانست و دولت هم با افزایش ۲۰ درصد حقوق موافقت کرد، البته اقداماتی هم در مجلس برای فوق‌العاده‌های خاص در حال انجام است که برخی از دستگاه‌ها آن را پیشنهاد دادند و در مورد این موضوع در حال رایزنی با مجلس هستیم تا به جمع‌بندی برسیم.» در واکنش به اظهارات رئیس سازمان برنامه و بودجه رحیم زارع سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه با بیان اینکه «متأسفانه میزان افزایش حقوق از ۱۸ به ۲۰ درصد دولت را عصبانی کرده است» گفته بود که «پر واضح است که با وجود تورم فعلی و تورم سال آینده، مجلس و اعضای کمیسیون تلفیق باید حقوق شاغلین را افزایش می‌دادند این در حالی است که این موضوع موجب عصبانیت رئیس سازمان برنامه و بودجه شده است.»

سخنگوی کمیسیون تلفیق با طرح این ادعا که افزایش حقوق کارکنان دولت در بودجه سال آینده نیاز به گران کردن بنزین و یا دلار و این شیوه جار و جنجال رسانه‌ای ندارد، گفته بود که «ما توقع داریم سازمان برنامه و بودجه در بسیاری از بخش‌ها تصمیمات درستی را اتخاذ کرده و از هزینه‌های خود کسر و به بهبود شرایط اقتصادی مردم بپردازد.» واکنش‌های مقامات دولت و مجلس درباره افزایش حقوق کارکنان دولت در حالیکه که رقم حداقل دستمزد که از سوی شورای عالی کار، وابسته به وزارت کار، تعیین و مبنای حقوق کارگران و بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی است به مراتب خیلی کمتر از دستمزد کارکنان دولت است و البته دولت و مجلس هم با افزایش آن مخالف هستند!

کمیته دستمزد زیر مجموعه شورای عالی کار هر ساله در فصل زمستان جلساتی را برای تعیین رقم حداقل دستمزد در سال بعدی خورشیدی برگزار می‌کند. این کمیته که با حضور نمایندگان دولت، کارفرمایان و نمایندگان گزینشی از کارگران است، سالیانه رقمی خفیه کمتری از رقم ماهانه هزینه زندگی را برای دستمزد کارگران تعیین می‌کند. برای نمونه در سال جاری رقم تعیین شده به عنوان حداقل

● در سال آینده حقوق و مزایای کارکنان وزارت کشور حدود ۸ میلیون تومان و سایر وزارتخانه‌ها با اعمال ۴۰۰۰ امتیاز به میزان ۲ میلیون تومان افزایش خواهد یافت.

● رقم حداقل دستمزد که از سوی شورای عالی کار، وابسته به وزارت کار، تعیین و مبنای حقوق کارگران و بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی است به مراتب خیلی کمتر از دستمزد کارکنان دولت است.

● منابع کارگری معتقدند اگر قرار باشد سال آینده حداقل دستمزد کارگران به رقم خط فقر امسال برسد، باید در سال آینده دستمزدها بیش از ۲۰۰ درصد نسبت به امسال افزایش پیدا کند.

بر اساس تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، حقوق کارکنان وزارت کشور در سال آینده ۸ میلیون تومان افزایش خواهد یافت اما رقم افزایش حقوق در دیگر وزارتخانه‌ها ۲ میلیون تومان خواهد بود. این افزایش در حالی صورت می‌گیرد که مقامات دولت در برابر افزایش حقوق کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی به عنوان افسار «حداقل‌بگیر» مقاومت می‌کنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش داده که اعضای کمیسیون تلفیق بودجه تصویب کرده‌اند که فوق‌العاده کارکنان وزارت کشور در سال آینده به میزان ۱/۵ برابر مجموع حق شغل و حق شاغل در احکام آنها اعمال شود. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی افزوده که بر اساس مصوبه تلفیقی‌ها، برای کارکنان وزارت بهداشت، جهادکشاورزی، وزارت فرهنگ، آموزش‌وپرورش و سازمان‌های تابعه آنها نیز ۴۰۰۰ امتیاز قانون مدیریت خدمات کشوری اعمال شود.

بر اساس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، فقط با این مصوبه کمیسیون تلفیق، حقوق و مزایای کارکنان وزارت کشور حدود ۸ میلیون تومان و سایر وزارتخانه‌ها با اعمال ۴۰۰۰ امتیاز به میزان ۲ میلیون تومان افزایش خواهد یافت. حمیدرضا حاجی بابایی رئیس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۳ در واکنش به اعلام خبر افزایش هشت میلیون تومانی حقوق کارکنان وزارت کشور گفته که «مجلس و دولت توافق کردند، حقوق سال آینده کارمندی که زیر ۲۰ میلیون تومان دریافت می‌کند افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی داشته باشد.»

پیشتر اعلام شده بود که دولت در لایحه بودجه پیش‌بینی افزایش ۱۸ درصدی رقم حداقل حقوق کارکنان دولت را داشته اما نمایندگان مجلس شورای اسلامی با افزایش ۲۰ درصدی حقوق موافقت کردند. اختلاف ۲ تا ۴ درصدی در افزایش رقم حداقل دستمزد کارکنان دولت سبب واکنش‌هایی از سوی مقامات دولت، و پاسخ نمایندگان مجلس شد. داوود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه با بیان اینکه «افزایش حقوق و دستمزد باید متناسب با ظرفیت‌های تامین مالی باشد و هدف دولت این است که بودجه غیر تورمی بسته شود» گفته بود که «قطعاً مردم راضی نخواهند بود که میزان حقوق و دستمزد را بالا ببریم، اما از روش‌های تورمی مانند روش‌های قرضه‌ای یا با استفاده از ظرفیت‌های نظام بانکی خواهیم کسری بودجه دولت را تامین کنیم، زیرا نهایتاً اثر تورم بیشتر می‌شود و افزایش حقوق را خنثی می‌کند.» رئیس سازمان برنامه و بودجه افزوده بود که «پیشنهاد

رئیس‌دی در آنکارا برای اردوغان فال حافظ گرفت: انشالله رژیم صهیونیستی تمام خواهد شد!

ابراهیم رئیسی روز چهارشنبه چهارم بهمن‌ماه در حاشیه سفر به آنکارا برای رجب‌طیب اردوغان فال حافظ گرفت و به تفسیر آن پرداخت.

وی با اشاره به مصرع دوم از بیت: «دور فلکی یکسره بر مَنهَج عدل است / خوش باش که ظالم بُرد راه به منزل» چنین تفسیر کرد که انشالله رژیم صهیونیستی تمام خواهد شد! سفر رئیس‌دولت جمهوری اسلامی به ترکیه ۲۴ ساعت پس از اعدام محمد قبادلو از معترضان جنبش ملی انجام شد. روزنامه «صبح ترکیه» در گزارشی با اشاره به این سفر نوشت رئیسی به دنبال جلوگیری از «انزوای کامل جمهوری اسلامی» به ترکیه آمد.

ایرج جمشیدی سردبیر روزنامه «آسیا» در گذشت

رحمت‌الله جمشیدی لاریجانی معروف به ایرج جمشیدی، سردبیر روزنامه اقتصادی «آسیا» روز پنجشنبه پنجم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ در سن ۷۴ سالگی در تهران درگذشت.

وی بنیانگذار اولین روزنامه اقتصادی ایران «ابرار اقتصادی» بود که در دهه ۷۰ از پرتیراثرترین روزنامه اقتصادی چاپ تهران به شمار می‌رفت. ایرج جمشیدی قبل از انقلاب بازداشت به همراه گروه گلسرخ محاکمه و به اعدام محکوم شده بود اما این حکم شکست و به زندان تبدیل شد.

بیانیه اعلام موجودیت جمعیت جمهوریخواهان حامی شاهزاده رضا پهلوی

- در شرایط استثنایی سیاسی امروز ایران و در غیبت تشکیلات مستحکم و قابل اتکا اپوزیسیون جمهوریخواه که رژیم اسلامی مسبب اصلی آن است، و با توجه به گفتمان دموکراتیک و مسیر اعلام شده از جانب شاهزاده رضا پهلوی برای بساختن ایرانی دموکراتیک که ملت



اژه‌ای: در امر به معروف و نهی از منکر با «تیغ عدالت» به سراغ هنجارشکنان رفت!

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه چهارم بهمن‌ماه طی سخنرانی خود در منطقه عسویه با اشاره به رواج «بی‌حجابی» به عنوان «ناهنجاری فرهنگی» گفت: «باید به مقوله امر به معروف و نهی از منکر در امر زدودن ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی اهتمام ویژه داشته باشیم؛ البته همه مسائل با موعظه حل نمی‌شوند و باید با تیغ عدالت به سراغ افرادی رفت که به صورت سازمانیافته و با وابستگی به خارج، قصد دارند مقابل ارزش‌های مردم و امنیت روانی و فیزیکی آنها بایستند. در این راستا کلیه دادستان‌ها در سراسر کشور باید به این مقوله ورود جدی داشته باشند و با کمک نیروهای امنیتی و انتظامی، عناصری را که مرتکب ناهنجاری می‌شوند، شناسایی و بدون اغماض و در چارچوب قانون محاکمه و مجازات کنند.»

دختران سرباز در دوران پهلوی

سربازی دختران پیش از انقلاب ۱۳۵۷ در چارچوب «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و مردم» صورت می‌گرفت که بر اساس اصول آن برای دانش و آموزش و پرورش، بهداشت، ترویج و آبادانی، عدالت و دادگستری و... به گوشه و کنار کشور برای مدت دو سال پس از دبیرستان یا دانشگاه اعزام می‌شدند. یک دوره کوتاه آموزش نظامی نیز در این دو سال گنجانده شده بود.

در سال ۱۳۱۲ خورشیدی مرضیه ارفعی با درجه سروانی به نیروهای مسلح ایران پیوست و اولین زنی بود که به درجه سپهبدی در ارتش شاهنشاهی ایران رسید.

در سال ۱۳۱۴ عذرا عسگر گیلانی اولین زن نظامی در نیروی هوایی شاهنشاهی ایران بود. در سال ۱۳۱۸ ۹ زن برای آموختن خلبانی ثبت‌نام کردند و عفت تجارتچی نخستین زنی بود که مجوز خلبانی گرفت. اولین مجوز خلبانی هلی‌کوپتر برای شاهدخت فاطمه



وزیر اقتصاد اسرائیل: جمهوری اسلامی «هدف مشروع» حملات موشکی اسرائیل است

یکی از مهم‌ترین وزیران کابینه اسرائیل در مصاحبه با «تلگراف» که چهارشنبه چهارم بهمن‌ماه منتشر شد گفته است جمهوری اسلامی ایران اکنون یک «هدف مشروع» برای حملات موشکی اسرائیل است. نیر بارکات وزیر اقتصاد اسرائیل به «تلگراف» گفت: «سر مار در تهران است.»

تجمع و اعتصاب رانندگان تاکسی‌های برون‌شهری در زابل

«کمپین فعالین بلوچ» سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۴۰۲ گزارش داد که رانندگان تاکسی‌های برون‌شهری زابل در اعتراض به قیمت‌ها، مالیات، عوارض، حق بیمه و... دست به اعتصاب زدند.

این رانندگان می‌گویند وضعیت معیشت آنها و نبود ساز و کارهای مناسب، شرایط زندگی را برایشان سخت کرده و مسئولان هم نسبت به این موضوعات بی‌تفاوت هستند.

تجمع اعتراضی کارکنان وزارت نفت

شماری از کارکنان وزارت نفت روز چهارشنبه چهارم بهمن‌ماه در اعتراض به عدم رسیدگی به حقوق و خواست‌های خود در مقابل ساختمان این وزارتخانه در تهران تجمع کردند.

آنها شعار دادند: «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه» این کارکنان خواستار پاسخگویی مهدی علی‌مددی معاون وزیر در توسعه مدیریت و سرمایه انسانی شدند.

انیمیشن‌ساز ایرانی نامزد جایزه اسکار شد

یگانه مقدم هنرمند ایرانی با انیمیشن «یونینفرم ما» نامزد



دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم پویانمایی کوتاه شد. این انیمیشن هفت دقیقه‌ای که درباره یک زن جوان ایرانی است که رعایت حجاب اجباری در دوران تحصیل را از میان چروک‌ها و درزهای روی پوش مدرسه قدیمی خود به یاد می‌آورد، در ماه‌های گذشته نیز حضور موفقی در جشنواره‌های معتبر جهانی داشت و جوایز مختلفی دریافت کرده است.

خواهر کوچک محمدرضا شاه پهلوی صادر شد.

در سال ۱۳۴۵ نخستین سری زنان متخصص در نیروی هوایی در رشته‌هایی مانند الکترونیک، رادار، تعمیر و نگهداری هواپیما، خدمه پرواز، کنترل ترافیک هوایی و... فارغ‌التحصیل شدند.

اولین زنی هم که افسر ارشد نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی ایران شد، سرگرد پروانه نوروز بود.

ایران بتواند با شرکت در انتخابات آزاد، نمایندگان خویش را برای مجلس موسسان به کار گمارد و سرنوشت خود را خود رقم بزند، باور داریم که پشتیبانی از ایشان به عنوان رهبر انقلاب ملی ملت ایران و رهبر نیروی آلترناتیو رژیم حاکم در دوران انقلاب و گذار، بهترین راه جهت فراهم آمدن نیروی سیاسی جایگزین جهت تشکیل دولت موقت تا زمان انتخابات آزاد در کشورمان ایران می‌باشد.

یک رمال در شهر ری که به دختران جوان «داروی بخت‌گشایی» می‌خوراند بازداشت شد!

در شهر ری (جنوب تهران) یک رمال که اقدام به اذیت و آزار دختران جوان و سرقت اموال آنها می‌کرد بازداشت شد. فرمانده نیروی انتظامی شهر ری چهارشنبه چهارم بهمن‌ماه گفت این شیاد به خانه زنان جوان می‌رفته و با خوراندن «یک نوشیدنی جادویی» آنها را بی‌هوش و پس از آزار و اذیت اموالشان را سرقت می‌کرده است.

این فرد مردی ۴۵ ساله است که با جلب اعتماد طعمه‌اش، به اسم «بخت‌گشایی» و «رفع مشکلات»، در منزل شاکی حاضر شده و مدعی بوده که وقتی وی با زن برای رمالی در خانه است، فرد دیگری نباید در آنجا حضور داشته باشد.

وکیل توماج صالحی از دو اتهام جدید در پرونده او خبر داد!

امیر رئیسیان وکیل #توماج_صالحی روز یکشنبه یکم بهمن، پس از جلسه بازپرسی موکلش در دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان در حساب ایکس خود نوشت: «دیوان عالی کشور حکم توماج صالحی را نقض کرده بود و تصریح کرده بود که ۵ اتهام غیرقانونی بوده و حداکثر باید با ۳ اتهام حکم صادر می‌شد. در نتیجه پرونده را برای رسیدگی و صدور حکم صحیح به دادگاه انقلاب اعاده کرده بود. تاکید هم شده بود که توماج مشمول عفو می‌شود. حالا پس از سه ماه دادگاه انقلاب اصفهان همان پرونده را به دادسرا ارسال کرده و دستور داده است که دو اتهام جدید را به توماج تفهیم کنند و کیفرخواست هم با ۱۰ اتهام صادر شود! به این ترتیب در نظام قضایی جمهوری اسلامی معنای «مرجع عالی» را هم فهمیدیم. یعنی در جلسه بازپرسی امروز به دستور دادگاه نه تنها اتهاماتی که حکم برائت آنها صادر شده بود بلکه دو اتهام که تابحال در کیفرخواست قبلی هم نیامده بود تفهیم شد. بدین ترتیب قاعده‌ی «منع تشدید مجازات



در مرجع تجدیدنظر» هم در حال تغییر و تحول است. دو اتهام جدید عبارتند از معاونت در بغی (قیام مسلحانه و گروهی علیه نظام) و اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرایم علیه امنیت این در حال است که در پرونده اولاً متهم دیگری وجود ندارد که حتی همدست تلقی شود چه رسد به گروه و در ثانی حتی یک چاقوی آشپزخانه از توماج کشف نشده است چه رسد به سلاح!!»

جایزه ۱۵ میلیون دلاری آمریکا برای اطلاعات درباره حسین هاتفی اردکانی

وزارت خارجه آمریکا برای دریافت اطلاعات درباره حسین هاتفی اردکانی، تاجر ایرانی و فعالیت‌های او و ارتباطش با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۵ میلیون دلار جایزه تعیین کرده است.

این وزارتخانه از کسانی که درباره هاتفی اردکانی اطلاعاتی دارند خواسته تا با برنامه «پاداش برای عدالت» تماس بگیرند.

این فرد برای دستیابی به فناوری جنگی پیشرفته از جمله پهپادهای تهاجمی که روسیه در جنگ علیه اوکراین استفاده می‌کند، به سپاه پاسداران کمک کرده است.

هاتفی اردکانی در ۱۰ سال اخیر در خاورمیانه و شرق آسیا در پوشش شرکت‌هایی در مالزی و هنگ کنگ برای خرید و انتقال قطعات فناوری و حساس پیشرفته ساخت آمریکا و سایر کشورها جهت سازمان توسعه نظامی نیروی هوایی سپاه و توسعه برنامه پهپادی به ویژه پهپاد انتحاری «شاهد ۱۳۶» و «شاهد ۱۳۱» که روسیه از آنها برای حمله به اهداف نظامی و غیرنظامی در اوکراین استفاده کرده، فعالیت داشته است.

احتمال اجرای حکم کور کردن چشم یک معترض در روزهای آینده؛ سازمان حقوق بشر ایران خواستار واکنش جامعه جهانی شد

- سیدمهدی موسویان اهل فرخ‌شهر در تاریخ دهم دی‌ماه ۱۳۹۶ بازداشت و متهم به پرتاب سنگ به سوی یک سرهنگ نیروی انتظامی شد. این سنگ به چشم چپ مامور اصابت کرد و باعث نابینایی او شد. با وجود انکار سیدمهدی موسویان، جلسه دادگاه در تاریخ هفتم بهمن‌ماه ۱۳۹۷



تشکیل شد و او را مقصر دانست. اکنون سیدمهدی به کورشدن چشم چپ محکوم شده و قرار است طی روزهای آینده حکم او در شهرکرد اجرا شود. یک منبع مطلع به سازمان حقوق بشر ایران گفت که شاکی ۱۴ میلیارد تومان خواسته بود تا از قصاص چشم منصرف شود اما خانواده سیدمهدی موسویان توان جمع‌آوری چنین مبلغی را نداشته‌اند.

از روی نوشته هم نمی‌تواند درست بخواند!

حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه دولت سیزدهم جمهوری اسلامی به نیویورک رفته تا در نشست شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی مسائل خاورمیانه که آتش‌اش از خود جمهوری اسلامی بلند می‌شود، شرکت کند! او از روی نوشته هم نمی‌تواند کلمات انگلیسی را درست بخواند. برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند احتمالاً کلمات را به فارسی و با زیر و زبر و ضمه هم برایش نوشته‌اند تا مشکل نداشته باشد!

رئیس امیرعبداللهیان، سیدابراهیم رئیسی نیز به «شش کلاسه» مشهور است.

۲ کشته و ۲۸ مجروح در سانحه واژگون اتوبوس در سمنان

به گفته حسین درخشان، سرپرست جمعیت «هلال احمر» استان سمنان این سانحه ساعت ۵:۵۵ بامداد چهارم بهمن ۱۴۰۲ در کیلومتر ۵ جاده «مهدیشهر» به سمنان «مقابل کارخانه کاشی» رخ داده که ۲۸ مصدوم و یک کشته در محل تصادف داشته و یک تن دیگر نیز در بیمارستان جان خود را از دست داد. سرهنگ موسی بزرگی فرمانده پلیس راه استان سمنان تخطی از سرعت مجاز، لغزندگی جاده و ناتوانی راننده در کنترل وسیله نقلیه را علت وقوع این حادثه اعلام کرده است. مجتبی اقوامی پناه فرماندار «مهدیشهر» گفت که سرنشینان این اتوبوس کارگران «شرکت کفش بهمن» بودند.

فرهاد سلیمی پس از ۱۴ سال حبس اعدام شد

صبح امروز سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۴۰۲ همزمان با اعدام محمد قبادلو معترض ۲۳ ساله، فرهاد سلیمی زندانی عقیدتی اهل سقز نیز به چوبه دار سپرده شد. وی در آذرماه ۱۳۸۸ همراه با شش شهروند اهل سنت، انور خضری، قاسم آبهسته، داوود عبداللهی، ایوب کریمی،



کریم شیخی و خسرو بشارت به اتهام قتل عمد در یک درگیری در ارومیه دستگیر شده بود. قاسم آبهسته، ایوب کریمی و داوود عبداللهی در ۱۴ آبان و ۸ آذر و ۱۲ دی امسال در زندان قزلحصار کرج اعدام شدند. به گزارش «دادبان»، همه متهمان این پرونده در طول دادرسی از داشتن وکیل محروم بوده و پرونده نیز پر از ابهامات و ایرادات است.



عکس هفته | پدر محمد قبادلو

این عکس محمدعلی قبادلو پدر محمد قبادلو است که سحرگاه سه شنبه ۳ بهمن ۱۴۰۲ اعدام شد. کسی که عکس را گرفته و منتشر کرده روایت کرده است: «دائماً در حال رفت و آمد است و از استرس یکجا بند نمی شود. از سرما زیر باران به خودش می لرزید که به او پتو دادیم. نگران جان فرزند بی گناهِش است و اشک می ریزد.»